

دانشگاه کاشان

دانشکده علوم انسانی

گروه علوم اجتماعی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته مطالعات فرهنگی

عنوان:

بررسی الگو استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در تقویت و بالندگی جامعه

مدنی (مطالعه موردی شهر اصفهان ۱۳۹۶)

استاد راهنما:

دکتر سید کمال الدین موسوی

بوسیله:

مهدی کارسنجی

دیماه ۱۳۹۷

تقدیم به:

همسر عزیز و کراتقدرم که صبورانه و مشفقانه در تمامی مراحل زندگی یار و همراه من بوده اند. بی شک، زبان و قلم در ادای قدردانی از زحمات و همراهی های دگرگرم کننده ایشان، قاصرند؛ اما بدین وسیله، از عمق وجودم، کمال تشکر را از ایشان به عمل می آورم و خالصانه می گویم که بی شک، اگر همراهی باو محبت های شما نبود، انجام این رسالت، غیر ممکن می گردید. و نیز با کمال عشق و محبت، تقدیم به پدر و مادرم که در تمام مراحل زندگی همواره همراه من بودند.

مشکر و قدردانی:

حد و پاس می گویم خداوند متعال را که توفیق کسب معرفتی جدید و بهره‌مندی از اساتید بزرگوار دیگری را به بنده ارزانی داشت. از نگاه بنیانی، مختصر و پربار گویی و دقت استاد گرامی، جناب آقای دکتر سید کمال الدین موسوی بهره‌ای وافر بردم. دقایقی که در محضر این عالم بناگرا بودم برایم درس‌هایی به پهنای زندگی داشت. پنج وقت از یاد نمی‌برم زمانی که ایشان در کلامی کوتاه و در عین حال کامل، به گونه‌ای سیر پژوهش را برایم تبیین نمودند که جهت‌گیری آن تا انتها برایم کاملاً روشن و مشخص بود و هر چه بیشتر در موضوع وارد می‌شدم، درک می‌کردم که استاد حقدور دقیق و بنیانی به موضوع نگاه کرده‌اند. بنابراین، شایسته‌ترین سپاس‌ها را محضراً این شخصیت والا تقدیم می‌دارم و امیدوارم همواره سلامت و سر بلند باشند.

و همچنین از اساتید داور جناب آقای دکتر علی‌نژاد خواستی و جناب آقای دکتر ستار صادقی که زحمت داور بی‌پایان نامه بنده را پذیرفتن کمال مشکرا دارم.

پژوهش حاضر موضوع نقش استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی در میزان نگرش و کنش های مساعد برای رشد و بالندگی جامعه مدنی را مورد کنکاش و مطالعه قرار داده و برای تبیین موضوع پژوهش ، از نظریات متعدد به ویژه نظریه ی حوزه ی عمومی یورگن هابرماس ، فضای عمومی هانا آرنه و نظریه ی ملزومات جامعه ی مدنی از آندرو آراتو و جان کوهن بهره گرفته است . جامعه ی آماری پژوهش را جوانان ۱۵-۲۹ ساله ساکن شهر اصفهان تشکیل می دهند که از آن میان تعداد ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول کوکران محاسبه به عنوان جمعیت نمونه تعیین و در بهار سال ۱۳۹۷ مورد مطالعه قرار گرفتند . شیوه نمونه گیری در این تحقیق را شیوه نمونه گیری خوشه ای تشکیل داده و در این رابطه ، در شهر اصفهان که دارای ۱۴ منطقه و در هر منطقه تعدادی محله های مسکونی است ، به قید قرعه کوی خانه اصفهان برگزیده شد. در کوی خانه اصفهان نیز از میان خیابان های موجود قرعه کشی و در خیابان های برگزیده ، پرسش گری به شیوه نمونه گیری در دسترس (غیر احتمالی) صورت گرفت .

نتایج بدست آمده حاکی از وجود رابطه ی منفی و ضعیف بین میزان استفاده از سایت های اینترنتی با نگرش مساعد به جامعه مدنی بوده است . در این راستا مشاهده شد میان میزان استفاده از سایت های سرگرمی و سایت های خبری با نگرش مساعد به جامعه مدنی یک نوع رابطه معنا دار ، منفی و ضعیف وجود دارد . بدین معنا که در جامعه مورد بررسی ، استفاده از سایت ها موجب تضعیف نگرش مثبت به جامعه مدنی شده است . در مورد رابطه همبستگی بین استفاده از شبکه های اجتماعی با نگرش مساعد به جامعه مدنی نیز نتایج مشابهی که حاکی از رابطه منفی و ضعیف است بدست آمد. بدین صورت که استفاده از شبکه های اجتماعی توییتر ، یوتیوپ و فیس بوک با نگرش مساعد به جامعه مدنی یک نوع رابطه معنادار ، ولی منفی و ضعیف نشان داده اند. به عبارتی ، استفاده از شبکه های اجتماعی ذکر شده تا اندازه ای نگرش مساعد به جامعه مدنی را در این جامعه مورد مطالعه کاهش داده است . و اما در خصوص رابطه همبستگی بین میزان استفاده از سایت ها و شبکه های اجتماعی با کنش و فعالیت های مساعد در زمینه ی رشد جامعه مدنی، نتایج بدست آمده ، به استثنای سایت های اطلاع رسانی ، فقدان رابطه همبستگی را نشان داده است .

انگیزه استفاده از سایت ها و شبکه های اجتماعی نیز بعضا بر روی نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی اثرگذار بوده و با آن رابطه معنا دار و قوی نشان داده اند . در این رابطه ، نتایج بدست آمده از آزمون تحلیل واریانس نشان داد انگیزه کسانی که از سایت های خبری اینترنتی استفاده می کنند با میزان نگرش مساعد آنان به جامعه مدنی رابطه معنا داری داشته است و آزمون FH تعقیبی LSD نشان داد افرادی که از سایت های خبری اینترنتی برای کسب اطلاع و آگاهی استفاده می کنند نسبت به آنان که برای ارتباط و تبادل نظر و یا گذران فراغت و سرگرمی استفاده می کنند نگرش مساعدتری به جامعه ی مدنی دارند. همچنین ، انگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی اینستاگرام و توییتر نیز با نگرش مساعد رابطه معنا دار داشته اند ، بدین صورت که آن ها که از اینستاگرام برای گذران فراغت و سرگرمی استفاده می کنند ، و آن ها که از توییتر برای ارتباط و تبادل نظر استفاده می کنند نگرش مساعد تری از بقیه نسبت به جامعه مدنی دارند .

در زمینه رابطه میان انگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی و کنش و فعالیت های مساعد برای جامعه مدنی نیز نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد میان انگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی با میزان کنش و فعالیت برای جامعه مدنی رابطه معنا داری وجود دارد و آزمون تعقیبی LSD در این زمینه نشان داد کسانی که از شبکه های اجتماعی توییتر و یوتیوپ با انگیزه آگاهی و اطلاع یافتن از امور استفاده می کنند کنش ها و فعالیت های مساعد بیشتری در زمینه رشد و توسعه جامعه مدنی انجام داده اند .

واژگان کلیدی: بالندگی جامعه مدنی، نگرش و کنش مساعد، شبکه‌های اجتماعی، سایت های اینترنتی

فصل اول

- ۱-۱. بیان مساله..... ۲
- ۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش..... ۴
- ۳-۱. اهداف پژوهش..... ۵
- ۴-۱. سوالات پژوهش:..... ۷
- ۵-۱. کاربرد نتایج پژوهش..... ۸

فصل دوم

- ۱-۲. تعریف مفاهیم..... ۱۰
- ۲-۲. تاریخچه و سابقه بررسی جامعه مدنی..... ۳۰
- ۲-۳. نظریه‌ها و تئوری‌های تحقیق..... ۵۸
- ۲-۳-۱. نظریه‌های کنش اجتماعی..... ۵۹
- ۲-۳-۲. نظریه‌های مرتبط با نگرش..... ۶۱
- ۲-۳-۳. نظریه‌های ناظر بر تأثیر رسانه‌ها روی مخاطبان..... ۶۷
- ۲-۳-۴. نظریه‌های جامعه مدنی..... ۷۸
- ۴-۲. پیشینه پژوهش..... ۹۸
- جمع بندی پیشینه تحقیق..... ۱۰۸
- ۴-۲ - ۱. چارچوب نظری پژوهش..... ۱۱۰
- ۲-۴-۲. مدل نظری تحقیق..... ۱۱۲
- ۳-۴-۲. فرضیات تحقیق..... ۱۱۳

- ۱-۳. روش تحقیق..... ۱۱۵
- ۲-۳. جامعه آماری..... ۱۱۵
- ۳-۳. جمعیت نمونه و شیوه نمونه گیری..... ۱۱۶
- ۴-۳. شیوه گردآوری اطلاعات..... ۱۱۶
- ۵-۳. تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق..... ۱۱۷
- ۱-۵-۳. متغیرهای زمینه‌ای..... ۱۱۷
- ۲-۵-۳. استفاده از اینترنت..... ۱۱۷
- ۳-۵-۳. استفاده از شبکه‌های اجتماعی..... ۱۱۸
- ۴-۵-۳. نگرش..... ۱۱۸
- ۵-۵-۳. کنش..... ۱۱۸
- ۶-۳. سنجه و ابزار تحقیق..... ۱۱۹
- ۷-۳. اعتبار و پایایی ابزار تحقیق..... ۱۱۹
- ۸-۳. استخراج و تحلیل داده‌های تحقیق..... ۱۲۰

فصل چهارم:

- استخراج و تجزیه - تحلیل داده ها..... ۱۲۲
- ۱-۴. جنسیت پاسخگویان..... ۱۲۴
- ۲-۴. متغیر وضع تاهل پاسخگویان..... ۱۲۵
- ۳-۴. متغیر سطح تحصیلات پاسخگویان..... ۱۲۶
- ۴-۴. متغیر جایگاه شغلی پاسخگویان..... ۱۲۷
- ۵-۴. متغیر درآمد..... ۱۲۸
- ۶-۴. متغیر سن پاسخگویان..... ۱۲۹
- ۷ - ۴ . متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی..... ۱۳۱
- ۱۰-۴. متغیر انگیزه استفاده از سایت‌های خبری..... ۱۳۴
- ۱۱-۴. متغیر انگیزه‌های استفاده از سایت آموزشی..... ۱۳۵
- ۱۲-۴. متغیر انگیزه استفاده از سایت تجاری..... ۱۳۶

- ۱۳۷.....متغیرانگیزه استفاده از سایت‌های اطلاع رسانی. ۱۳-۴
- ۱۳۸.....متغیر انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام. ۱۴-۴
- ۱۳۹.....متغیر انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی فیس بوک. ۱۵-۴
- ۱۴۰.....متغیر انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی توییتر. ۱۶-۴
- ۱۴۱.....متغیر انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی یوتیوپ. ۱۷-۴
- ۱۴۲.....متغیر نگرش مساعد به جامعه مدنی. ۱۸-۴
- ۱۴۳.....متغیر میزان کنش مساعد به جامعه مدنی. ۱۹-۴

فصل پنجم

- ۱۷۰.....۱-۵ جمع بندی و نتیجه گیری. ۱۷۰
- ۱۷۲.....۲-۵.پیشنهادات پژوهش. ۱۷۲
- ۱۷۶.....منابع. ۱۷۶

فهرست جداول :

- جدول (۴-۱) توزیع پاسخگویان بر اساس جنسیت ۱۰۵
- جدول (۴-۲): توزیع پاسخگویان بر حسب وضع تاهل ۱۰۶
- جدول (۴-۳) توزیع پاسخگویان بر اساس سطح تحصیلات: ۱۰۷
- جدول (۴-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس جایگاه شغلی ۱۰۸
- جدول (۴-۵) توزیع پاسخگویان بر حسب درآمد ۱۰۹
- جدول (۴-۶ - ۱) توزیع پاسخگویان بر اساس سن پاسخگویان ۱۱۰
- جدول (۴-۶ - ۲) آماره های مربوط به سن پاسخگویان ۱۱۱
- جدول (۴ - ۷ - ۱) توزیع پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی - اقتصادی : ۱۱۲
- جدول (۴ - ۷ - ۲) آماره های مربوط به پاسخگویان ۱۱۲
- جدول (۴-۸) آمار مربوط به سایت های اینترنتی ۱۱۳
- جدول (۴-۹) آمار مربوط به شبکه های مجازی ۱۱۴
- جدول (۴-۱۰) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از سایت های خبری ۱۱۵
- جدول (۴-۱۱) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه های استفاده از سایت آموزشی ۱۱۶
- جدول (۴-۱۲) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه های استفاده از سایت تجاری ۱۱۷
- جدول (۴-۱۳) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه های استفاده از سایت های اطلاع رسانی ۱۱۸
- جدول (۴-۱۴) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه های استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام ۱۱۹
- جدول (۴-۱۵) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی فیسبوک ۱۲۰
- جدول (۴-۱۶) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی توییتر ۱۲۱
- جدول (۴-۱۷) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی یوتیوپ ۱۲۲
- جدول (۴-۱۸) نگرش ۱۲۳
- جدول (۴-۱۹) کنش ۱۲۴
- جدول (۴-۲۰) نتایج آزمون (t) بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و جنسیت ۱۲۵
- جدول (۴-۲۱) نتایج آزمون (F) میان میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و وضعیت تأهل ۱۲۶
- جدول (۴-۲۲) نتایج آزمون (F) بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و تحصیلات ۱۲۷
- جدول (۴-۲۳) نتایج آزمون F بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و جایگاه شغلی ۱۲۸
- جدول (۴-۲۴) نتایج آزمون همبستگی بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و سن ۱۲۸
- جدول (۴-۲۵) نتایج آزمون T بین میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی و جنسیت ۱۲۸

- جدول (۲۶-۴) نتایج آزمون (F) بین میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی و وضعیت تأهل..... ۱۲۹
- جدول (۲۷-۴) نتایج آزمون همبستگی بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و سن ۱۲۹
- جدول (۲۸-۴) نتایج آزمون همبستگی بین میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی و تحصیلات ۱۳۰
- جدول (۲۹-۴) نتایج آزمون همبستگی بین میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی و جایگاه شغلی ۱۳۱
- جدول (۳۰-۴) نتایج آزمون همبستگی بین میزان استفاده از سایت‌های اینترنتی و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی .. ۱۳۲
- جدول (۳۱-۴) نتایج آزمون همبستگی بین استفاده از سایت‌های اینترنتی و کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی .. ۱۳۲
- جدول (۳۲-۴) نتایج آزمون همبستگی بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان کنش اجتماعی مؤثر در جامعه مدنی . . . ۱۳۳
- جدول (۳۳-۴) نتایج آزمون همبستگی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی ۱۳۴
- جدول (۳۴-۴) نتایج آزمون همبستگی میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با درآمد ۱۳۴
- جدول (۳۵-۴) نتایج آزمون همبستگی میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی با درآمد ۱۳۵
- جدول (۳۶-۴) نتایج آزمون همبستگی بین میزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی با پایگاه اقتصادی اجتماعی ۱۳۵
- جدول (۳۷-۴) نتایج آزمون همبستگی میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با پایگاه اقتصادی اجتماعی ۱۳۶
- جدول (۳۸-۴) نتایج آزمون همبستگی میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با کنش اجتماعی مؤثر بر آن ۱۳۶
- جدول (۳۹-۴) نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از اینستاگرام و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی ۱۳۷
- جدول (۴۰-۴) نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از توئیتر و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی ۱۳۷
- جدول (۴۱-۴) نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از سایت‌های خبری اینترنت و نگرش مساعد به جامعه مدنی ۱۳۸
- جدول (۴۲-۴) نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از وی‌یوب و میزان کنش مؤثر در زمینه جامعه مدنی ۱۳۸
- جدول (۴۳-۴) نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از توئیتر و میزان کنش مؤثر در زمینه جامعه مدنی ۱۳۹

فهرست نمودارها :

- نمودار (۱-۴) توزیع جنسیت پاسخگویان ۱۰۵
- نمودار (۲-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس وضعیت تاهل ۱۰۶
- نمودار (۳-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس سطح تحصیلات ۱۰۷
- نمودار (۴-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس جایگاه شغلی ۱۰۸
- نمودار (۴ - ۵) توزیع پاسخگویان بر حسب درآمد ۱۰۹
- نمودار (۶-۴) توزیع سن پاسخگویان ۱۱۱
- نمودار (۷-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی ۱۱۲
- نمودار (۸-۴) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان استفاده روزانه از سایت‌های اینترنتی ۱۱۳
- نمودار (۹-۴) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی ۱۱۴
- نمودار (۱۰-۴) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از سایت خبری ۱۱۵
- نمودار (۱۱-۴) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از سایت آموزشی ۱۱۶
- نمودار پراکندگی (۴- ۱۲) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه‌های استفاده از سایت تجاری ۱۱۷
- نمودار (۴- ۱۳) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از سایت از اطلاع رسانی ۱۱۸
- نمودار (۴-۱۴). توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه‌های استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام ۱۱۹
- نمودار (۴-۱۵) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از فیس بوک ۱۲۰
- نمودار (۴-۱۶) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از توییتر ۱۲۱
- نمودار (۴-۱۷) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از یوتیوب ۱۲۲
- نمودار (۴-۱۸) نگرش مساعد به جامعه مدنی ۱۲۳
- نمودار (۴-۱۹) متغیر کنش مساعد به جامعه مدنی ۱۲۴

فصل اول

همانطور که می‌دانیم، به واسطه رشد روزافزون فن آوری‌ها و پیامدهای ناشی از آن، تغییر و تحولات دائمی در حیات اجتماعی امروزه دیگر به واقعیت انکارناپذیر بدل شده است. اینترنت به عنوان وسیله ارتباطی چند رسانه‌ای، در درون خود دنیایی از اطلاعات و ارتباطات را جای داده و رسانه‌های متنوعی مثل تلویزیون، وسایل چاپی، تلفن و... را در درون خود ادغام و تبعاشراط خاصی را برای کاربران ایجاد کرده است، به نحوی که امروزه اینترنت در هر محیطی و با هر میزان استفاده، می‌تواند بر مخاطبان خود تاثیر ویژه‌ای داشته باشد. اینترنت همچنین به مثابه رسانه دوطرفه عمل کرده و بین پیام دهنده و پیام گیرنده مسير تعامل را هموار می‌سازد.

در عصری که رسانه‌ها احاطه خود را بر سرتاسر عالم گسترانده‌اند ارتباطات وسیع و گسترده انسانی به عنوان یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد دنیای امروز، جامعه جدید را چنان از جوامع پیشین متمایز ساخته است که گروهی از صاحب‌نظران عصر نو را عصر ارتباطات و جامعه امروز را جامعه اطلاعاتی خوانده‌اند. تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات ابزارهایی تلقی می‌شوند که از توانایی عظیمی در قالب ساز و جهت دهی تصورات و اندیشه انسان‌ها برخوردار هستند. چنان که ژودیت لازار در این خصوص چنین تصریح می‌کند: ...رسانه‌ها در فرهنگ جامعه نقش غالب را باز می‌کنند و این نقش را نه فقط در انعکاس و بازتاب فرهنگ، بلکه با شرکت در فرهنگ ساز نیز به اجرا می‌گذارند (طاهریان، ۱۳۸۹: ۱۴). اینترنت مشخصاً با ظرفیتهایی فوق العاده همچون به اشتراک گذاری دیدگاه‌ها و شبکه‌ای کردن روابط بین کاربران، شرایط نوینی را در عرصه‌های گوناگون اجتماعی سیاسی و اقتصادی ایجاد کرده است. نباید فراموش نمود که اینترنت در طول چند سال گذشته دچار تغییرات بسیاری شده و امکانات متعددی به آن افزوده شده که هر کدام برای خود ویژگی‌های خاصی را دارا هستند. در این میان، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از جمله پدیده‌های جدیدی هستند که در اثر ادغام تکنولوژی‌های مختلف ارتباطی در فضای اینترنت شکل گرفته‌اند. در رسانه‌های اجتماعی، مردم برای تبادل و به اشتراک گذاری محتواها، پروفایل‌ها، نظرات، دیدگاه‌ها، تجربیات و افکار استفاده می‌کنند. و به نظرمی رسد که این رسانه‌ها در پیدایش عادات تازه، تغییر باورها، خلق و خوی و رفتارها، تکوین فرهنگ جهانی و نزدیک کردن ملل و جوامع سهمی شگرف داشته‌اند هرچند که میزان تاثیر این رسانه‌ها و نیز استقبال همگانی از آنها در همه جوامع کسان نبوده و تابع متغیر رشد فرهنگی و اجتماعی هر جامعه است. در این راستا، استفاده

کنندگان از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در فرایندی قرار گرفته‌اند که در آن تبادل ایده‌ها، اطلاعات و احساسات همواره در حال گسترش است و این فرایند به نوبه خود و مشارکت مدنی و اجتماعی را در همه جا توسعه می‌بخشد. در این مشارکت مدنی وسیع و گسترده، برای اولین بار در تاریخ حیات انسان، توده‌های مردم خودشان در تولید، توزیع و تفسیر اخبار، ایده‌ها و پیامها بطور فعال نقش ایفا میکنند. حتی بعضا تاکید می‌شود که این مشارکت مدنی وسیع در فضای اینترنت - که نیاز مند حفظ و مراقبت نیز هست - به تدریج "حقیقت جویی" را در توده‌های مردم تشویق، سطح اعتماد عمومی را در بین توده‌های مردم افزایش، و راه را برای رواج "کنش ارتباطی" و از آن بالاتر، احیاء "حوزه عمومی" انچنانکه مدنظر هابرماس بوده است هموار می‌سازد. شاید عطشی که امروزه در کاربران دنیای مجاز بویژه در وبلاگها، سایتها و شبکه‌های اجتماعی به تولید، پردازش، و تبادل پیامها و ایده‌ها دیده می‌شود نشانه روشنی از تلاش جمعی برای رهایی از انحصار تولید قدرتهای مسلط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، دینی و... و به نوبه خود پاسداری از گردش آزاد اطلاعات و ایده‌هاست، همان آرزویی که تحقق آن تاکنون و در چنین سطحی امکان پذیر نبوده است. (پژوهشگر؛ ۱۳۹۶)

اینترنت به مثابه رسانه اجتماعی می‌تواند در جهت دهی به نگرشها و کنش‌های اجتماعی افراد نقش داشته باشد بدین معنا که افراد در تعامل با این رسانه منفعلانه عمل نمی‌کنند و به باز اندیشی و تفسیر پیامها می‌پردازند و سپس اقدام به کنش می‌نمایند و این کنش می‌تواند منجر به ایجاد ساختارهای اجتماعی تازه از جمله جامعه مدنی گردد. (پژوهشگر؛ ۱۳۹۶)

تبعاً، وضعیت فوق میتواند زمزمه‌های شکل گیری انواع واشکال "جامعه مدنی" را در داخل جوامع موجود برانگیزد چراکه در نگاه کارشناسان جامعه مدنی همانا به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها موسسات انجمن‌ها و تشکل‌های مردم نهاد و خصوصی را در بر می‌گیرد. (بشریه، ۳۲۹: ۱۳۸۳). و البته جامعه مدنی، بلافاصله پس از تشکیل، پیوندها و اثرگذاریهایی خود را در ارتباط با عرصه‌های عمومی و دولتی آغاز می‌کند. در واقع جامعه مدنی لایه میانی و واسطی است که بین احاد ملت و نیز حیطة خصوصی (فرد و خانواده) با حیطة عمومی (حکومت و نهادهای دولتی) رابطه ایجاد می‌کند و خواسته‌های مردم را به حکومت و محدودیت‌های اولویت بندیهای حکومت را به مردم منتقل می‌کند. (پژوهشگر؛ ۱۳۹۶)

در پژوهش حاضر که تدوین شده است به رابطه بین اینترنت و تقویت و بالندگی جامعه مدنی در شهر اصفهان پرداخته شده است. از آنجا که شهر اصفهان یکی از پر جمعیت ترین و جوان ترین شهرهای کشور می باشد و به یکی از کلان شهرهای کشور تبدیل شده است شاخص هایی چون تعدد مراکز فرهنگی، هنری، میزان حضور مشارکت های مردمی در طرح های عمرانی، مشارکت در امور خیریه، مشارکت های سیاسی، مدنی، اجتماعی و وجود مراکز خیریه، مدارس هیات امنایی و... دسترسی بیشتر افراد به اینترنت. پتانسیل ایجاد جامعه مدنی دیده می شود و با توجه به این که تقویت جامعه مدنی می تواند به توسعه اجتماعی بیانجامد بررسی شاخص های جامعه مدنی از قبیل: رفتارهای مدنی، نهادهای مدنی و مردم نهاد و مهارت های شهروندی و مشارکت در امور شهری و... قابل بررسی است.

و اما اینکه استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی تا چه حد می تواند به رشد و تقویت جامعه مدنی به ویژه در کشوری مانند ایران کمک نماید موضوعی است که این پژوهش در صدد است تا پاسخی برای آن بی یابد. به طور مشخص، مساله ای که در این پژوهش دنبال می شود آن است که چه رابطه ای بین الگوی استفاده از اینترنت و نگرش به جامعه مدنی، و کنش مدنی در جهت بالندگی و رشد آن وجود دارد؟ و در این نکته که آیا واقعا استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی می تواند هم در نگرشها و هم در کنش مدنی کاربران به عنوان کنشگران اجتماعی، آنهم در مسیر رشد و بالندگی جامعه مدنی در ایران تاثیر بگذارد؟ (پژوهشگر؛ ۱۳۹۶)

۱-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

از نقطه نظر جامعه شناختی، شکل گیری پدیده های اجتماعی مستلزم وجود شرایط و زمینه های اجتماعی خاصی هستند و این شرایط یا زمینه ها می توانند عینی و ذهنی باشند (پناهی، ۱۳۷۶: ۲۱۵). زمینه های عینی و ذهنی مساعد می توانند کنش های اجتماعی را رقم زنند. برای شکل گیری جامعه مدنی نیز زمینه های عینی و ذهنی لازم است.

در مورد عوامل موثر بر شکل گیری جامعه مدنی به ویژه در ایران تحقیقات متعددی صورت گرفته و در آنها عمدتاً عوامل سطح کلان اجتماعی فرهنگی مورد کنکاش قرار گرفته اند، اما خلاء نسبی ای که در این زمینه احساس می شود مربوط به نقش احتمالی اینترنت و شبکه های اجتماعی در شکل دادن به جامعه مدنی آنهم با توجه به شرایط ساختاری جامعه ایرانی است، مساله ای که اهمیت انجام پژوهش پیرامون این موضوع را دوچندان

می‌کند. از سوی دیگر، در مطالعات انجام شده در ایران، محققان داخلی بنا بدلائیل متعددی که جای بحث آن در این نوشتار نیست، بیشتر به بررسی رابطه اینترنت و آسیب‌هایی مانند اعتیاد اینترنتی، افت تحصیلی، مسایل اخلاقی، انزوای اجتماعی و... پرداخته‌اند و پیامدهای مثبت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به طور کلی سهم کمی را در فضای تحقیقاتی بخود اختصاص می‌دهد، از این رو بررسی رابطه استفاده از اینترنت و مساله تقویت و بالندگی جامعه مدنی می‌تواند از جمله موضوعاتی باشد که در جامعه سنتی ایران سزاوار توجه و تحقیق فراوانی است. (پژوهشگر؛ ۱۱۳۹۶)

تجهیز و گسترش روزافزون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی توانسته است درون ایران جامعه مجاز را پدید آورد و این امر به نوبه خود می‌تواند در شکل دهی به نگرش‌ها و کنش‌های کاربران به عنوان کنشگران اجتماعی سهیم شده، در رشد و بالندگی جامعه مدنی نقش ایفا نموده، در حل مسایل و مشکلات جامعه مشارکت کند. اما بدون تردید، کم و کیف این مساله نیازمند بررسی و تحقیق است. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز ضمن تعامل با کاربران، به نگرش و کنش آن‌ها جهت داده و فرصت‌ها و تهدیداتی را برای سیاستگذاران داخلی پدید می‌آورد. همچنین، رابطه میان جامعه مجاز با جامعه مدنی در حال شکل‌گیری، می‌تواند چالش‌هایی را در آینده برای نظریه پردازان و برنامه ریزان اجتماعی فراهم آورد که این خود بر اهمیت مطالعه موضوع و انجام پژوهش حاضرمی افزاید. این پژوهش در دو سطح رفتاری (کنش) و شناختی (نگرش) قابل بررسی است و تلاش می‌شود تا نگرش و کنش کنشگران در بالندگی جامعه مدنی ارزیابی شود و اینکه چگونه این کنش‌ها و نگرش‌ها توسط رسانه‌ها (اینترنت) شکل می‌گیرد و به تقویت جامعه مدنی می‌انجامد. (پژوهشگر؛ ۱۳۹۶)

۱-۳. اهداف پژوهش

هدف اصلی:

شناخت رابطه میان الگوی استفاده از اینترنت و نوع نگرش به تقویت، رشد و بالندگی جامعه مدنی
شناخت رابطه میان الگوی استفاده از اینترنت و میزان کنش‌های مدنی مساعد برای رشد و بالندگی جامعه مدنی

اهداف فرعی:

شناخت نوع نگرش جامعه مورد بررسی (همسو/ ناهمسو) به تقویت، رشد و بالندگی جامعه مدنی در ایران

شناخت میزان کنش مدنی جامعه موردبررسی (همسو/ ناهمسو) درارتباط با رشد وباندگی جامعه مدنی
درايران

شناسایی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، پایگاه اجتماعی و...) و نوع نگرش به تقویت، رشد
وباندگی جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، پایگاه اجتماعی و...) و میزان کنش مدنی مساعد برای
رشد وباندگی جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های پیام رسان و نوع نگرش به تقویت، رشد و باندگی جامعه
مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های پیام رسان و میزان کنش مدنی مساعد برای رشد وباندگی
جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های اطلاع رسان و نوع نگرش به تقویت رشد و باندگی جامعه
مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های اطلاع رسان و میزان کنش مدنی مساعد برای رشد وباندگی
جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نوع نگرش به تقویت، رشد باندگی جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان کنش مدنی مساعد برای رشد وباندگی
جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های تجاری و نوع نگرش به تقویت، رشد و باندگی جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های تجاری و میزان کنش مدنی مساعد برای رشد وباندگی
جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های تبلیغاتی و نوع نگرش به تقویت، رشد و باندگی جامعه
مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های تبلیغاتی و میزان کنش مدنی مساعد برای رشد وباندگی
جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های تبلیغاتی و نوع نگرش به تقویت، رشد و بالندگی جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های آموزشی و میزان کنش مدنی مساعد برای رشد و بالندگی جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت‌های آموزشی و نوع نگرش به تقویت، رشد و بالندگی جامعه مدنی

۴-۱. سوالات پژوهش:

سوال کلی:

چه رابطه‌ای بین استفاده از اینترنت و نوع نگرش به بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین استفاده از اینترنت و کنشهای مدنی موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

سوالات فرعی:

نوع نگرش جامعه موردبررسی نسبت به رشد و بالندگی جامعه مدنی در ایران چگونه است؟

میزان کنشهای مدنی موثر در رشد و بالندگی جامعه مدنی در جامعه مورد مطالعه چگونه است؟

چه رابطه‌ای بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، پایگاه اجتماعی) و نگرش به بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، پایگاه اجتماعی) و میزان کنشهای مدنی موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از سایت‌های پیام رسان و نگرش به بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟
چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از سایت‌های پیام رسان و میزان کنشهای مدنی موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از سایت‌های اطلاع رسان و نگرش به بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟
چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از سایت‌های اطلاع رسان و میزان کنشهای مدنی موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نگرش به بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان کنش‌های مدنی موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از سایت‌های تجاری و نگرش به بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از سایت‌های تجاری و میزان کنش‌های مدنی موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از سایت‌های تبلیغاتی و نوع نگرش به بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از سایت‌های تبلیغاتی و میزان کنش‌های مدنی موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از سایت‌های آموزشی و نوع نگرش به جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه‌ای بین میزان استفاده از سایت‌های آموزشی و میزان کنش‌های مدنی موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

۱-۵. کاربرد نتایج پژوهش

نتایج این تحقیق می‌تواند علاوه بر محققان و دانشجویان، مورد استفاده برنامه ریزان در موسسات و سازمان‌های اجتماعی زیر قرار گیرد:

۱ - سازمان و وزارت آموزش و پرورش

۲ - سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی

۳ - سازمان صدا و سیما

۴ - سازمان و وزارت تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات

۵ - استانداری‌ها

۶ - شهرداری‌ها

۷ - سازمان آموزش عالی

فصل دوم

فصل دوم پژوهش اختصاص به ادبیات تحقیق دارد. در این بخش ابتدا به تعریف مفاهیم اصلی تحقیق، انواع و ابعاد مختلف این مفاهیم، تاریخچه و سابقه بررسی پدیده مورد نظر، وضعیت کنونی آن، ودر ادامه به تئوری‌های مرتبط با موضوع، پیشینه تحقیق و نهایتاً چهارچوب نظری پرداخته شده است.

۲-۱. تعریف مفاهیم

در این قسمت به تعریف مفاهیم اصلی پژوهش پرداخته و تعاریف مفاهیمی چون: رسانه، نگرش، کنش، جامعه مدنی، اینترنت شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های مجاز، آورده شده است.

رسانه:

رسانه مدیا در لغت به معنای رساندن است و به آن دسته از وسایلی گفته می‌شود که ترویج گر فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد. رسانه محصول تمدن‌های جدید است و شامل وسایلی مانند روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره و... می‌گردد (ارکمپ، ۱۳۷۶: ۲۷). در تعریفی دیگر، رسانه وسیله‌ای است که فرستنده به کمان معنا و مفهوم مورد نظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می‌کند. به عبارتی، رسانه وسیله‌ حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو، تلویزیون، وب سایت، کاتالوگ، ماهواره و... نمونه‌هایی از رسانه هستند. رسانه وسیله‌ای است قدرتمند و اثرگذار که محدودیت چندانی جهت ساختار بندی و ارائه محتوا در آن وجود ندارد. رسانه‌های امروز به نوبه خود غول‌های اقتصادی دنیا هستند و در حوزه‌های مختلف سیاست، اقتصادی و غیره نقش تعیین کننده‌ای دارند.

جامعه مدنی:

جامعه مدنی، مفهومی انتزاعی و مناقشه پذیر است که تعاریف زیادی از آن ارائه شده و دارای تعریف واحدی نیست. حتی در مورد تاریخ پیدایش آن در کشورهای غربی اقوال متفاوتی وجود دارد. برخی نویسندگان ظهور جامعه مدنی را از زمان افلاطون و ارسطو مورد بررسی قرار داده‌اند، عده‌ای پیدایش آن را از زمان

سیسرون^۱ می‌دانند و گروهی دیگر از قرون وسطی و دوران فئودالیتة و بعضاً عصر روشنگری می‌دانند. علی‌اصغر کاظمی بر این عقیده است که، اگر بخواهیم ریشه‌ها و مبانی جامعه مدنی را دنبال کنیم به دوره یونان قبل از میلاد و مبانی حقوقی آن در دوره روم می‌رسیم، که به تعبیر جامعه مدنی غرب از ترکیب این دو مبانی تشکیل گردیده است. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۶: ۹۰)

لازم به ذکر است که مفاهیم دموکراسی و جامعه مدنی، نوع مفاهیم غربی است و ریشه در تجربیات و تحولات منطقه خاصی به نام اروپا و شمال آمریکا داشته است. بنابر این اگر عده‌ای به اصالت و اهمیت آن‌ها اشاره می‌کنند و همانند دیگر محصولات غربی از جامعه مدنی و دموکراسی استفاده می‌کنند، ابتدا باید پذیرفت که این مفاهیم هرچند انسانی هستند ولی برای منطقه خاورمیانه وارداتی محسوب می‌شوند. کوتاه سخن آن که، جدا نمودن مفهوم جامعه مدنی از منشأ آن که فرهنگ و تاریخ غرب باشد نه ممکن است و نه لزوماً خواستنی، فرهنگ‌های غیر غربی نه تنها باید امکان همبستگی فرهنگ‌های غرب و شرق را در حوزه جامعه مدنی را در نظر ندیده نگیرند بلکه باید با در نظر گرفتن عناصر مشترک فرهنگ وارد بسط جامعه مدنی شوند و حضور فرهنگی خود را تثبیت کنند (مردانی، ۱۳۸۴: ۸۹-۱۰۸). مفهوم جامعه مدنی اگرچه از جهت منشأ، طرح و بروز تاریخی دارای مبدأ واحد نمی‌باشد، اما این موارد به شدت به‌کدیگر پیوند خورده‌اند. جامعه از روابط مؤثر و فعال، سازمان‌افته و متقابل افراد و گروه‌های اجتماعی پدید می‌آید و مدنیت از استقرار نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که در ضمن از ویژگی پایداری، پاسخ به نیازها علایق و آینده‌نگری برخوردارند. مفهوم جامعه مدنی محل تلاقی دو مفهوم جامعه و مدنیت است. به این ترتیب، در این تعبیر هم زندگی سامانمند اجتماعی و هم جهت و شیوه‌های حاکم بر آن نهفته است (افضلی، ۱۳۸۰: ۳۳۵). اساساً، جامعه مدنی ترجمه واژه سیویل سوسیالیتی^۲ است که مانند بسیاری از مفاهیم پیچیده دارای تعریف‌های بسیاری است و در این قسمت به تعدادی از آن‌ها پرداخته می‌شود. (همان؛ ۱۳۸۰)

جامعه مدنی جامعه‌ای است متشکل از گروه‌های ارادی، داوطلبانه، مستقل و خودگردان که باهدف پیشبرد منفعته‌ها و علاقه‌ها و سلیقه‌های افراد تشکیل می‌شوند. جامعه مدنی حوزه‌ای از نهادهای مستقل تحت حمایت قانون است که در آن افراد و اجتماعات از ارزش‌ها و اعتقادات متنوعی برخوردار و گروه‌های خودگردان در همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر به سر می‌برند و به صورت نهادهای واسطه و داوطلبانه

^۱ Sicron

^۲ CivilSociety

میان دولت و افراد عمل می‌کنند. (غنی نژاد، ۱۳۸۴: ۵). همچنین، جامعه مدنی به طور کلی مجموعه‌ای از ساختارها و ساز ه‌ها، قوانین و راهبردهای مدون است که بر مبنای اهدافی مغایر با بینش‌های سنتی، خرافی و بسته شکل گرفته است. در این جامعه انسان گر چه موجودی ممتاز از کل هستی است، اما در ارتباط با دیگر اجزای جامعه تعریف می‌شود. انسان جامعه مدنی مسئولیت پذیر، صاحب نظر و پاسخگوی عمل و آگاه و آزاد است و این امور از اراده و اختیار او نشأت می‌گیرد (پیر بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۳۲). اصطلاح جامعه مدنی معمولاً در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی را در برمی‌گیرد (همان، ۱۳۸۱). علاوه بر آنچه گفته شد جامعه مدنی عبارت است از: ساختی از زندگی اجتماعی افراد که توسط قانون حفاظت می‌شود و در آن هر کس می‌تواند، فارغ از هر گونه ترس و بیمی اراده آزاد و قدرت تشخیص فردی خود را در چارچوب قانون، ملاتصمیم‌گیری‌ها و داوری‌های خود قرار دهد. باید تأکید کرد که تحقق این تعریف از جامعه مدنی هر تعریف دیگری نظیر آن در درجه کم مستلزم این است که فرد واقعاً دارای حقوق مالکیت فردی باشد، پس از نیل به استقلال اقتصادی و اطمینان از آن است که فرد می‌تواند بدون این که بیمی به دل راه دهد در بحث عمومی و زندگی سیاسی مشارکت نماید. آزادی بیان، آزادی احزاب سیاسی و تشکل‌های اجتماعی زمانی می‌تواند محل واقعی داشته باشد که شرط آزادی از قبل فراهم آید. البته استقلال اقتصادی فرد به معنای بی‌نیاز وی از دیگران نیست بلکه به معنای داشتن انتخاب‌های بدیل می‌باشد. در واقع جامعه مدنی آن حوزه‌ای اجتماعی است که در آن افراد و گروه‌های غیرسیاسی با یکدیگر وارد کنش متقابل می‌شوند و زندگی خود را سامان می‌دهند. از اینرو، جامعه مدنی آن نوعی از جامعه است که می‌تواند خود را سازمان دهد، بی‌آن که نیاز به ساماندهی دولت باشد. جامعه مدنی جامعه‌ای است که در آن مردم و شهروندان جدا از اراده دولت و نهادها و دستگاه‌های سیاسی قدرت حاکم به نوعی قادر باشند تا در مقابل دولت از خود دفاع کنند، مانع از مداخله‌های تمامیت‌خواهان دستگاه سیاسی حاکم در زندگی خود بشنوند، با دولت قدرت مناظره و چانه زدن داشته باشند و به طور طرفه مقهور و تسلیم اراده و عمل دولت نباشند. به این مفهوم، جامعه مدنی به نوعی از سازماندهی سیاسی، اجتماعی جامعه معطوف می‌شود و حد واسطی میان فرد و دولت و میان خانواده و دولت است. فرد وقتی از محیط خانواده بیرون می‌آید، بلافاصله در حوزه اقتدار دولت و اقتدار سیاسی قرار نمی‌گیرد بلکه وارد بستر عمومی می‌شود

که محیط فعل وانفعالات اجتماعی انسان‌ها آنهم خارج از تصرف و اقتدار دولت است. در این حوزه عمومی و همگانی، از طرف انسان‌ها از این امکان برخوردارند که خود را سازماندهی نمایند، بر سرنوشت خودشان اثر بگذارند و روابطشان را در میدان تعاملی قانونمند و سازمان‌افته قرار دهند و از طرف دیگر با دولت نیز در رابطه‌ای دوسویه و تعاملی قرار بگیرند و ضمن این که از دولت اثر می‌پذیرند بر دولت نیز اثرگذارند. به این ترتیب، حوزه اقتدار دولت محدود می‌شود و شهروندان نیز تمام اراده خود را به دستگاه دولت منتقل نمی‌کنند. آن‌ها اقتدار و اراده خود را تا حدی حفظ می‌کنند و هرگاه که لازم دانستند، آن را برای تنظیم روابط میان گروه‌ها و نهادهای گوناگون درون جامعه مدنی و ایجاد تعادل میان نهادهای سیاسی حاکم و دستگاه اقتدارگرا دولت به کار می‌گیرند. (آرمین، ۱۳۷۸: ۳۱-۲۹) جامعه مدنی جامعه‌ای است مبتنی بر گفتگو و برای گفتگو حداقل به دو عنصر قاعده و ابزار گفتگو نیاز هست. بنابر این جامعه مدنی را می‌توان در دو مفهوم قانون و قرارداد تلقی نمود. مفهوم قانون است بی آن که جامعه مدنی جامعه‌ای قانونمند و قانون مدار تلقی می‌شود. زمانی که جامعه مدنی را با قانون مترادف بدانیم با دو مفهوم قرارداد اجتماعی که نوعی میثاق انسانی در جهت حفظ حقوق افراد و مفهوم حاکمیت ملی که به گونه‌ای توزیع کننده قدرت میان اعضای قرارداد اجتماعی هست مواجه هستیم. اما مفهوم واسطه‌ای نیز هست به این معنا که جامعه مدنی فضای میان اقتدار دولتی و مردم است و به نوعی عنصر ارتباطی است. به عبارتی، جامعه از سه بخش تشکیل شده است. بخش از آن دولت‌ها حیطه دولتی است. بخش دیگر افراد و شهروندان می‌باشند که حیطه خصوصی است. در این میان جامعه مدنی حداقل میان این دو و رابط آنان است که حیطه عمومی را تشکیل می‌دهد. در این مفهوم جامعه مدنی شامل: مجموعه نهادها، بخش‌ها، شوراها، اتحادیه‌ها و... است که هر با داشتن کارکردی خاص حالت نظام آور به اجتماع داده و گردش کلی تعاملات آن را موجب می‌شوند (غنی زاده، ۱۳۸۱: ۳۳۱). به گفته گرامشی جامعه مدنی سنگرهای ملت است و دولت برای فتح جامعه می‌باید ابتدا آن را فتح نماید جامعه مدنی حداقل و وسیله تعامل میان دولت و مردم است و قدرت دولت و قدرت ملت را به طور هم زمان افزایش می‌دهد (بای، ۱۳۹۰: ۱۳۰). در معنای حداقلی خود، جامعه مدنی درجایی وجود دارد که انجمن‌های آزاد تحت قیومت و قدرت دولت نیستند. در معنای دوم جامعه مدنی درجایی وجود دارد که جامعه به طور کلی بتواند از طریق چنین انجمن‌های آزادی به خودش شکل دهد و افعالش را هماهنگ سازد. در معنای سوم می‌توانیم از جامعه مدنی در هرجایی که انجمن‌های مدنی می‌توانند به نحو معنادار و با

اهمیتی جریان سیاست و دولت را تعیین آن را منحرف کنند سخن بگوئیم (تیلر، ۱۳۷۷: ۱۵۰). به عقیده بشیریه، اصطلاح جامعه مدنی در علوم اجتماعی به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها مؤسسات انجمن‌ها و تشکل‌های سری و خصوصی را در برمی‌گیرد. (بشیریه، ۳۲۹: ۱۳۸۳). جامعه مدنی را از نظر می‌توان به معنای ایجاد دموکراسی و آزادساز دانست ولی جامعه مدنی معنایی به مراتب جامع‌تر و عمیق‌تر از دموکراسی دارد. دموکراسی می‌تواند به رشته اقدامات دولتی صرف تبدیل شود کما اینکه اغلب نیز چنین شده است؛ اما مفهوم جامعه مدنی با مجموعه‌ای گسترده از مفروضات، ارزش‌ها و نهادها مثل حقوق سیاسی و اجتماعی و مدنی، حاکمیت قانون، نهادهای نمایندگی حوزه عمومی، و مهم‌تر از همه انجمن‌ها و تشکل‌های گوناگون (مردم نهاد) همراه است که به سهم خود لوازم اجتناب‌ناپذیر دموکراسی را نیز تشکیل می‌دهند (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۴). واژه جامعه مدنی در کاربردهای امروزی خود نیز معانی مختلفی دارد. گاهی شامل خانواده، و محیط خصوصی در نظر گرفته می‌شود و به عنوان بخشی از جامعه که مجزا از دولت است به شمار می‌رود (فرهنگ؛ ۲۰۰۰: ۱۵۵). لغت نامه قرن ۲۱ جامعه مدنی را به عنوان: مجموع سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی که حقوق و تمایلات شهروندان را آشکار می‌کند و نیز اشخاص و سازمان‌هایی که مستقل از دولت هستند تعریف می‌کند. (فرهنگ؛ ۲۰۱۲: ۱۵۶). گاهی این واژه در مفاهیم عمومی‌تر به معنای عناصری چون آزادی بیان، قوه قضاییه مستقل و... که جامعه دموکراتی (مردم سالار) را تشکیل می‌دهد به کار می‌رود (اولین، ۲۰۱۲: ۱۶۰). داوطلبانه بودن، اغلب به عنوان ویژگی مشخص سازمان‌هایی که جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند در نظر گرفته می‌شود که عمدتاً این‌جی او^۱ (NGO) «سازمان‌های مردم نهاد» این پی او^۲ (NPO) «سازمان‌های غیرانتفاعی» نامیده می‌شوند. مفهوم جامعه مدنی به عرصه مشارکت عمومی در سازمان‌های داوطلبانه، اتحادیه‌های تجاری و نظیر آن اشاره دارد (بشیریه؛ ۱۳۸۳: ۸۵). اما لازم نیست که افراد در همه بخش‌ها عضویت داشته باشند تا بخشی از جامعه مدنی باشند... در همین راستا تقویت و بالندگی جامعه مدنی به معنای رشد و توسعه جامعه مدنی است. این مفهوم توسعه نهادهای مدنی مردم نهاد، رفتارهای مدنی، مهارت‌های شهروندی و آگاهی‌های مدنی و مشارکت‌های اجتماعی و مدنی را در برمی‌گیرد (پژوهشگر؛ ۱۳۹۶). جامعه مدنی جامعه سازمان‌افته و منظمی است که به گفته هگل بر اساس نظام وابستگی متقابل بنا

^۱ NGO

^۲ NPO

می‌شود و با ایجاد آن جامعه از حالت پاشیدگی و تفرقه درمی‌آید، میان اجزای آن پیوندهای متقابل برقرار می‌شود و در آن رابطه اجتماعی شهروندان و دولت تنظیم می‌شود. چنین جامعه‌ای، به جای شایعه دارای افکار عمومی می‌شود. سیاست واردعصره عمومی کم‌رمز و راز می‌گردد و اراده عمومی معیار مشروعیت قدرت قرار می‌گیرد، اخلاق مدنی بنیاد رابطه میان فرد و جامعه را پی می‌ریزد و مفهوم مسئولیت مدنی مطرح می‌شود. جامعه مدنی شامل مجموعه‌ای از نهادهای پایدار است که باعث تبلورافتن ویژگی‌های فوق می‌شوند (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۶) جامعه مدنی باوجود بازگران مقتدرعنی کسانی که می‌توانند پیشنهادهایشان را به دیگران بقبولانند، محقق می‌گردد. اقتدار سیاسی نیز در این جامعه از طریق تفویض موقت و محدود اختیار جهت تصمیم‌گیری در محدوده‌های معین و تصریح شده بر اساس سنت‌هایی خاص تعریف می‌شود. از اینرو، مفهوم اقتدار سیاسی در جامعه مدنی را با ویژگی‌های زیر می‌توان توضیح داد:

الف) در جامعه مدنی کار سیاست مداران و دولت تصمیم‌گیری در باب مسائل مشخصی است که قانون بدان‌ها تصریح کرده است. به همین دلیل محدوده تصمیم‌گیری آنان گسترده نیست. همچنین توجه عموم به این نکته منعطف است که راجع به چیزی باید تصمیم‌گیری شود و نه این که چه کسی باید تصمیم بگیرد.

ب) در جامعه مدنی حاکمیت بلا عزل به کسی تفویض نمی‌شود. هرگونه اقتدار موقت است و دست به دست می‌شود و رویه‌ها و سنت‌ها نحوه دست به دست شدن را مشخص می‌کنند (همان، ۲۲۷).

ج) اقتدار قانونی- عقلانی در جامعه مدنی هم مانند اقتدار سنتی در جامعه سنتی یا توده وار مبتنی بر وجود سنت است. این سنت که ضرورتاً تصریح شده نیست زمینه و بستر اقتدار است. این سنت در اساس عبارت است از توافقی عام و کلی در مورد راه و روش (همان، ۲۲۷). د) مشروعیت اقتدار در جامعه مدنی از مقدس یا اسطوره‌ای بودن آن ناشی نمی‌شود. در جامعه مدنی باور به دارای رمز و راز بودن و غیر این جهانی بودن قدرت و نیز منشأ گرفتن عامل اقتدار از منبع غیرزمینی رواج عمومی ندارد. اقتدار ضرورتی است که در حد کارکرد باید آن را برگزیده و تحت نظارت عمومی و قانونی قرار دارد. ه) چارچوب‌های تصمیم‌گیری در جامعه مدنی الگوهای قواعد هنجاری هستند که مشروعیت اقتدار نیز از باور به قانونی بودن آن الگوها حاصل می‌شود. در این شرایط کسانی که بنابر آن قواعد برای صدور فرمان‌ها و تصمیم‌گیری به مقام اقتدار ارتقا یافته‌اند ذی حق و دارای حق تصمیم‌گیری به شمار می‌آیند. بعلاوه، در جامعه مدنی ورود به حیطة سیاست

حق همه شهروندان است و هیچ تفاوتی از این نظر میان شهروندان نیست (همان، ۲۲۸). بدین ترتیب، جامعه مدنی پدیده اجتماعی است و زمانی شرایط مناسب ظهور پیدا می‌کند که از طرف دولت بزرگ و پیچیده و جدا از افراد جامعه وجود داشته باشد و از طرف دیگر جامعه در اثر تقسیم کار اجتماعی زیاد قشر بندی پیچیده ای یافته باشد و در نتیجه پیوند دولت و جامعه بدون وجود کسری سازمان‌های واسط و نماینده اقشار گوناگون عملاً غیرممکن شده باشد. البته استقلال این سازمان‌ها از دولت به معنای آزادی عمل آن‌ها نیست بلکه بدین معناست که بر مبنای قوانین حاکم در جامعه و حاکم بر چگونگی عملکرد آن‌ها این سازمان‌ها تشکیل می‌شوند در حیطه مشخص خود بر مبنای صلاحدید اعضای خود تصمیم می‌گیرند و در جهت تحقق اهداف خود وارد عمل اجتماعی سیاسی می‌شوند. چنین سازمان‌هایی نه تنها از افراط و تفریط اعضای خود در رابطه با خواست‌های نا متعادل آنان جلوگیری می‌کنند، بلکه مانع انحصار قدرت در دست قشرا گروه خاص شده و از خودکامگی و خودمحوری‌ها جلوگیری می‌کنند و رقابت‌های سالم و قانونمند را در جامعه جانشین رقابت‌ها و رفتارهای سیاسی و صنفی ناسالم می‌نمایند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که وجود ساختار اجتماعی تفکیک شده و قشر بندی پیچیده اجتماعی و شکل گیری دولت به عنوان نهاد اجتماعی پیچیده با وظایف متعدد خواهند توانست شرایط لازم ساختاری را برای شکل گیری جامعه مدنی فراهم نمایند (معرفت، ۱۳۷۸: ۲۰).

شاخص‌ها و ابعاد جامعه مدنی

۱- تکثرگرایی بنیادی:

در جامعه مدنی نهادها به طور طبیعی و خودجوش و با توجه به نیازهای ساختاری در بستر تحولات اقتصادی سیاسی و فرهنگی ظهور پیدا می‌کنند؛ بنابر این نهادهایی چون احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، انجمن‌های صنفی و شوراهای محلی برای تبیین خواست‌ها و تقاضای گوناگون به وجود می‌آیند تا در فرایند تبدیل این خواست‌ها به سیاست حاکم مؤثر باشند. لذا برای تحقق جامعه مدنی اصیل نهادهای ادشده از سطوح پایین جامعه پا به عرصه وجود می‌گذارند و تنوع آن‌ها نمودی از نیازهای واقعی گروه بندی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. این گونه نهادها از سو به مردم و از سوی دیگر به سیاست عمومی پیوند دارند و کانال‌های رابط دولت و ملت را تشکیل می‌دهند. آن‌ها درعین حال که محدوده‌های حرکت اعضای خود را مشخص می‌سازند از طرف دیگر قدرت سیاسی حاکم را مهار می‌کنند و با این طرز عمل دوجانبه نوع مواز نه منطقی

در سیاست و توزیع قدرت ایجاد می‌نمایند. بدین ترتیب هر نوع کوششی برای از بین بردن کانال‌های ادا شده مانع از تکوین جامعه مدنی شده و به مرور به اقتدار بخشیدن بیشتر به قدرت حاکم خواهد انجامید. البته باید توجه داشت که تنوع ساختاری برای تحقق جامعه مدنی شرط لازم است نه کافی، زیرا امکان دارد نظامی به ظاهر از تنوع ساختاری برخوردار باشد یعنی دارای نهادهایی چون حزب اتحادیه سندیکا و شورای محلی باشد ولی در عمل استقلال نداشته باشند. در چنین وضعی نهادهای مزبور که به صورت ساختگی و از بالا به وجود آمده‌اند در عمل زائده‌ها و شاخه‌هایی از دستگاه قدرت حاکم به شمار رفته و همچون بازوی قوه اجرایی و مجری سیاست‌های حکومتی به شمار می‌روند (همان، ۲۵).

۲- حاکمیت روح تسالم و تسامح

تسالم و تسامح دو مفهوم متغایر و درعین حال لازمه هم می‌باشند. تسالم به معنای حسن تفاهم است به صورتی که افراد و گروه‌ها و تمامی نهادها و بنیادهای اجتماعی با شناخت کامل کدیگرنوع روح تسالم و امکان همزیستی و هم کاری مشترک در پیشبرد اهداف اصلی جامعه به وجود آورند و جو حاکم میان آن‌ها، جو تفاهم باشد نه تنافر (همان، ۳۵).

۳- حاکمیت قانون

در جامعه مدنی ضروری است که حاکمیت مطلق قانون در سرتاسر جامعه تحقق عینی داشته باشد و همه مراجع رسمی، قدرت خود را تنها از قانون دریافت دارند یعنی خود تابع و خاضع قانون باشند. در چنین جامعه‌ای هیچ نهادی و هیچ مرجعی اعم از دولتی یا غیردولتی دارای مقامی فراتر از قانون نمی‌باشد. در جامعه مدنی قوانین مدون وضع می‌گردد و در مقام اجرا همان قوانین بدون هیچ گونه تفسیر انحرافی باید رعایت گردد و تنها ضوابط حاکم است نه روابط. تمامی افراد ملت و گروه‌ها و اصناف و طبقات مختلف مردم در برابر قانون یکسان‌اند و هیچ گونه مصونیت قانونی برای هیچ مقام یا صنف و یا طبقه‌ای مشروعیت ندارد. قانون بر همه یکسان جاری می‌گردد؛ و راه گریز از قانون هرگز وجود ندارد (همان).

از سوی دیگر هر جامعه‌ای برای ایجاد نظم نیاز مند قانون است زیرا قانون لازمه حیات اجتماعی است؛ و افراد در حیطه قانون به یکدیگر پیوند می‌خورند. جامعه مدنی نیز از این قانون مستثنی نیست و بارزترین مشخصه

آن حاکمیت قانون است و قانون با مشخص نمودن وظایف حکومت و تکالیف افراد نسبت به دولت از نا آرمی‌های سطح جامعه جلوگیری می‌کند و همچنین هنجارها و اصول و ارزش‌هایی را به شهروندان القا می‌کند. قوانین جامعه بر اساس اراده عمومی اکثریت تعریف شده است و برای همه افراد جامعه یکسان اجرا می‌شود. راسل در کتاب (قدرت) می‌نویسد: مهم ترین وجه تمایز جامعه مدنی و قانونمند در اطاعت نسبتاً مطلق افراد این جامعه از قوانین اساسی است (فیروزی، ۱۳۷۶: ۶۴۴). کارل گوستاو یونگ^۱ معتقد است هر جامعه مدنی قانون مدار است اما هر جامعه قانون مدار جامعه مدنی نیست چون جامعه قانونمند میتواند بسته و یا سخت گیر باشد. نظام‌های مختلف حقوق اساسی اعم از مسلک‌های بشری و ضد دین مثل کمونیسم چه متکی بر اعتقادات دینی و کلیسا مثل جمهوری مقدس روم ممکن است به مفهوم حقوقی جامعه قانون مدار باشند اما جامعه مدنی نیستند. مقصود از جامعه مدنی جامعه‌ای است که نه تنها قانون مدار است بلکه آن قوانین بر اساس توافق جمعی و رضایت عمومی به صورت قرارداد اجتماعی مورد تأیید و قبول متقابل افراد جامعه باشد (آرمین، ۱۳۷۶: ۴۵۱).

۴- دموکراسی

از دیدگاه رابرت دال هنگامی می‌توان از دموکراسی سخن به میان آورد که شرایط زیر موجود باشد: هر یک از شهروندان مطمئن باشند که داوری و رأی او در تصمیم گیری‌های مهم جمعی و در روی کار آمدن یا کنار رفتن حکومت‌ها یا تأثیر بر خط مشی آن‌ها از همان ارزش و اعتباری را برخوردار است که داوری و رأی شهروندان دیگر. شهروندان از امکان مشارکت مؤثر در فراگرد سیاسی و طبعاً فرصت‌های کافی و مساوی با یکدیگر بهره مند باشند تا پس از تأمل و سنجش هر نهاد ارجحیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را تعیین و دنبال کنند و بتوانند هدف یا خط مشی خود را بر هد ف یا خط مشی دیگر ان ترجیح نمایند. شهروندان از فرصت و مجال کافی و مساوی با یکدیگر برخوردار باشند تا به تأمل آگاهانه امور بپردازند و دریابند چه رهیافت‌ها، گزینش‌ها و تصمیم‌هایی مصالح آن‌ها را تأمین می‌کند. این اصل پذیرفته شده باشد که شهروند خود حق و صلاحیت تعیین و تشخیص مصلحت خویش را دارد و تعیین اینکه چه مسائلی باید در دستور کار حکومت‌ها قرار داشته باشد و چه هدف‌ها و سیاست‌هایی را دنبال

^۱ Carl Gustav Jung

کنند نیز در حوزه اقتدار شهروندان است و سرانجام این که همه اشخاص بالغ حق دارند از امتیازات شهروندی بهره مند شوند (عظیمی، ۱۳۷۰: ۹).

دموکراسی در جامعه مدنی جز با مشارکت مؤثر افراد در سطوح مختلف امور اجتماعی و حاکمیت آنان محقق نخواهد شد؛ به عبارت دیگر: جامعه مدنی، امکان کنار گذاشتن حکومت‌ها نالایق و بی کفایت را از طریق انتخابات فراهم می‌کند و افراد را در تعیین سرنوشت خود سهیم می‌کند. حضور در انتخابات و نفی و تأیید حکومتی خاص جزء کوچکی از حق تعیین سرنوشت را استیفا می‌کند و بخش عمده آن وابسته به چگونگی مشارکت خود افراد در مراحل مختلف برنامه ریزی سیاست گذاری تصمیم گیری و اجراست (محمدی، ۱۳۷۶: ۱۱۶).

۵- نقش محدود حکومت

در جامعه مدنی به دلیل رشد نهادهای مدنی از نقش وظایف دولت تا حدودی کاسته می‌شود. کاهش حیطة وظایف به منزله رها کردن دولت نیست. در چارچوب رشد جامعه مدنی دولت مناظر بی طرفی است که شاهد کشمکش و سازش و مصالحه میان گروه‌های مختلف است. مسئله بی طرفی دولت به طور عمده به وجود حکومت محدود و ایجاد تمایز میان زندگی خصوصی و عمومی در چارچوب نوع کثرت گرایی بستگی دارد. برای رشد جامعه مدنی دولت باید به صورت ناظر بی طرف اجازه دهد تا شیوه‌های مختلف زندگی با یکدیگر همزیستی داشته و درعین حال باعث حفظ استقلال شخصی شوند. البته استقلال شخصی باید بر اساس کثرت گرایی اخلاقی توضیح داده شود (قوام، ۱۳۸۴: ۵۲).

در جامعه مدنی دولت در قلمرو مشخص و معلوم خود از کارایی و تأثیر فراوان برخوردار است. و این اقتدار دولت مستلزم پراکندگی، گسستگی و زبونی جامعه نیست، بلکه ناشی از استواری نهادهای جامعه مدنی و استواری نهادی شدن حقوق شهروندان است. در این وضعیت پشتوانه تجلی اقتدار دولت سرکوب مردم نیست. بلکه اعتقادی است که شهروندان به پایبندی اصولی نسبت به آن و به ارزش‌های دموکراتیک دارند؛ به عبارت دیگر همچنان که هگل می‌گوید: دولت وظیفه اش حل تضادهای درونی جامعه مدنی است و دولت جایگاه آشتی پذیری پیکارهای اجتماعی است و می‌باید از منافع خصوصی افراد دفاع کند (ایاز، ۱۳۷۶: ۱۴۱).

به عقیده جان لاک^۱ دولت کارگزار جامعه مدنی است و در قبال جامعه مسئولیت دارد و هدف آن سازماندهی سیاسی است (پولادی ۱۳۷۶: ۱۳) و جامعه مدنی می‌تواند تحت هر نظامی ظاهر شود. تنها نظامی که فضایی برای رشد جامعه مدنی فراهم نمی‌آورد توتالیتراریسم است؛ زیرا در نظام اخیر دولت آن چنان کلیه عرصه‌های زندگی انسانی را تحت سیطره خویش قرار می‌دهد که فضایی برای رشد و نمود نهادهای مدنی باقی نمی‌ماند (مصلح زاده، ۱۳۷۶: ۴۶).

۶- عقل‌گرایی

یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه مدنی استفاده از عقل و اراده در اداره جامعه است و اگر حکومت در پرتو عقل قابل تشخیص بوده و با معیارها و میزان‌های عقلانی قابل توجیه است پس اداره جامعه توسط آن حکومت نیز باید با خردگرایی انجام گیرد. زما مدارانی که از تدبیر و تعقل در اداره جامعه استفاده نکرده و ملاحظه آن‌ها احساسات بوده و غرایز و انگیزه‌های شخصی مبنای تصمیمات و برنامه‌های حکومتی باشد، اینکه در بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی، اخلاقی و سیاسی بجای بهره‌گیری از خرد به احساسات تکیه شود، جامعه نیز نمونه عاقل و خردورزی نبوده و اقتدار و اراده کافی برای تحقق اهداف خود را نخواهد داشت (ایاز، ۱۳۷۶: ۱۶۸).

۷- اصالت فرد

انسان در تشکیل جامعه مدنی هدف نهایی است و اوست که جامعه مدنی را تشکیل داده و در آن ذوب می‌شود. از بخشی از حقوق خود در جهت ادامه زندگی اجتماعی و تأسیس جامعه مدنی چشم‌پوشی می‌کند تا حقوق و امتیازات تازه‌ای در قالب جامعه مدنی به دست آورد. در جامعه مدنی اکثریت افراد جامعه خود را فردی مستقل و صاحب عقیده و شخصیت می‌دانند. لذا امکان مهار تفاوت‌ها وجود نخواهد داشت. دیگر این که هیچ کس حاضر نخواهد بود که از فردیت دیگری چشم‌پوشی کند. و پس از طی مراحل متفاوتی جامعه در سطح کلان وادار به پذیرش وجود تنوع و تفاوت به عنوان پدیده‌ای مشروع خواهد شد. هدف جامعه نیز پذیرش بیشترین خوشی و رضایت برای اکثریت افراد است لذا آنها را به گونه‌ای کنارهم می‌چیند که تعارض منافع خدشه‌ای به خوشی‌ها وارد نکنند. به افراد حق داده می‌شود که برای حفظ منافع خود درمقابل

^۱ John Locke

هرگونه تجاوز دفاع کنند. فرد درانتخاب هرگونه مسلکی آزاد است و باید از قوانین همگانی که دولت مجری آن است پیروی کند و برای افراد به جز قانون و بعضی چارچوب‌های فکری و اعتقادی هیچ گونه محدودیتی وجود ندارد. در جامعه مدنی افراد دارای سه حیثیت هستند:

۱) حیثیت انسانی: که بر حسب آن افراد از حقوق عام انسانی برخوردارند.

۲) حیثیت شهروندی: که بر حسب آن افراد از حقوق شهروندی آگاه بوده و از آن برخوردارند.

۳) حیثیت مدنی: که بر حسب آن شهروندان از حقوق مدنی برخوردارند. و این حقوق دارای مؤلفه‌هایی مانند آزادی و برابری و... است و واقف به قوانین مدنی وضع شده از سوی حاکمیت می‌باشند. (محمدی، ۱۳۷۶: ۱۰۶).

۸- گفتمان (دیالوگ)

یکی از ویژگی‌های مهم جامعه‌ای که در آن نهادهای مدنی قدرتمند است و جامعه مدنی شکل گرفته، بالنده و نهادینه شده است وجود گفتمان، دیالوگ و گفتگوست. هدف گفتمان رسیدن به اجماع از طریق قانع شدن طرفین گفتگو و رسیدن به توافق است. (همان، ۲۵)

شرط لازم جریان یافتن گفتمان وجود قراردادهای اجتماعی و حاکمیت قانون است و این امر چهارچوبی کلی پدید می‌آورد که مورد قبول احاد مردم است. در جوامع استبدادی به علت فقدان ضعف جامعه مدنی و نبود قراردادهای اجتماعی مورد توافق گفتمان شکل نمی‌گیرد و به جای دیالوگ سخن‌طرفه جریان دارد و جنبه‌ای آمرانه به خود می‌گیرد. در چنین شرایطی مردم منفعلانه احکام صادره از سوی نهاد قدرت را می‌شنوند و باید بدون بحث و جدل و انتقاد به گونه‌ای قهری آن احکام را بپذیرند و گرنه مواخذه می‌شوند (همان، ۱۳۷۶: ۲۰). در جامعه مدنی باید موقعیت‌هایی وجود داشته باشند تا افراد بتوانند به گفتمان پردازند و معضلات جامعه را مورد نقد و بررسی قرار دهند. تشکلهای مدنی ابزار مناسبی برای تحقق این امر هستند. زیرا آن‌ها از چند طریق به گفتگو دامن می‌زنند:

۱. ایجاد باشگاه‌هایی جهت مواجهه چهره به چهره افراد.

۲. ایجاد مجراهایی برای اطلاع رسانی و انتقال ایده‌های اعضا به کدیگر

۳. تشکیل مرتب مجامع و جلسات کاری

۴. راه انداز گردهمایی برای تبادل نظر

۵. دامن زدن به ارتباطات غیر رسمی میان اعضا (محمدی، ۱۳۷۶: ۶۲).

۹- تشکل‌ها

جامعه مدنی هنگامی ثبات می‌یابد که نهادها، انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای، اتحادیه‌ها و سندیکاهای گوناگون در جامعه ایجاد شوند و به عنوان واسط بین اعضا و دولت نقش فعال خود را در چهارچوب قانون در جریان سیاستگذاری‌ها انجام دهند. چنین نهادی از دولت و قدرت حاکم مستقل‌اند و متشکل از افرادی است که داوطلبانه برای رسیدن به اهداف مشترک تلاش می‌کنند. تشکل‌های جامعه مدنی میان نهاد خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی و دولت به عنوان قدرتمندترین نهاد اجتماعی قرار می‌گیرند. از این جهت در صورت وجود تشکل‌ها سیاست به معنای فن اداره جامعه در انحصار دولت باقی نمی‌ماند و جامعه مدنی بخش قابل توجهی از آن را به خود اختصاص خواهد داد. تشکل‌های جامعه مدنی از اختیارات قانونی و اجرایی برخوردارند و اگر در مواردی برخی از این اختیارات را به دیگران واگذار کنند دیگران نیز اختیاراتی را به او وامی‌گذارند. واگذاری اختیارات همواره و در هر شکل به معنی محدود شدن آزادی و لذا کاری غیر عقلانی نیست بلکه گاه موجب افزایش آزادی می‌شود. تشکل‌های مدنی هنجارهایی را از حالت صرفاًسلسله قواعد اخلاقی خارج کرده و آن‌ها را کاربردی می‌سازند. در درون تشکل‌ها هنجار یا ارزش باید کاربرد داشته باشد و گرنه عملاً به کنار زده می‌شود. تشکل‌های مدنی همساز با هنجارها را آسان می‌کنند. اولاً به دلیل عضویت داوطلبانه احساس تحمیل به حداقل می‌رسد. ثانیاً به علت تعدد تشکل‌ها حق انتخاب وجود دارد. ثالثاً هر تشکلی در درون خود مجموعه خاصی از هنجارها دارد که این هنجارها موجب همبستگی میان افراد می‌شود (محمدی، ۱۳۷۶: ۹۳).

تشکل‌های مدنی همچنان می‌توانند انواع خدمات مدنی از قبیل امور خیریه کمک به آسیب دیدگان، نگهداری روان درمان خواهان، معلولان، سالخوردگان و کودکان بی سرپرست و مانند آن‌ها را برعهده گیرند. تشکل‌های مدنی از حیث هزینه‌ها به اعضای خود وابسته‌اند و نه به هزینه‌های دولتی که این امر باعث ثبات و تداوم خدمات رسانی توسط آن‌ها می‌شود (همان: ۱۱۱).

تشکل‌ها در جامعه مدنی می‌توانند با منطق علمی ابزارهای لازم را برای منطقی کردن راه حل‌ها، تعیین اولویت‌ها، شناسایی اهداف، متناسب کردن امکانات و محدودیت‌ها، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و ارائه پیشنهادها فراهم کنند و مددکار دولت در حوزه اندیشه و عمل باشند و با اداره بخش‌هایی از امور جامعه تشکل‌های ادشده نه تنها از تمرکز جلوگیری می‌کنند بلکه در رشد و توسعه و دفاع از حریم جامعه موثرند. نهایتاً، و دربر ایند مشترک، جامعه مدنی را از نگاه برخی محققان می‌توان چنین تعریف کرد: جامعه مدنی مجموعه‌ای از تشکل‌های صنفی، اجتماعی و سیاسی قانونمند و مستقل است که از طرف تنظیم‌کننده خواست‌ها و دیدگاه‌های اعضای خود بوده و از طرف دیگر منعکس‌کننده این خواست‌ها و دیدگاه‌ها به نظام سیاسی حاکم و جامعه جهت مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشند. (پژوهشگر ، ۱۳۹۶)

جامعه مدنی و رسانه‌ها

در جامعه شناسی سیاسی هر جامعه به مثابه هرم در نظر گرفته شده و اجزای آن شامل حاکمیت (رأس هرم) نهادهای مدنی (بدنه هرم) و مردم (قاعده هرم) می‌شود. به فراخور مختصات هندسی هرم که قوام رأس متأثر از بدنه و به ویژه قاعده است بنا بر این تداوم حیات حاکمیت به قوام نهادهای مدنی و مردم بستگی دارد.

در جوامع دموکراتیک و مردم سالار دو ویژگی بر تمام ویژگی بر تمام ویژگی‌های هرم جامعه سایه افکنده است کم این که بدنه هرم به واسطه حضور فعال نهادهای مدنی بسیار قطور بوده و مهمترین نماد بیرونی این نهادها را ارکان چهارگانه: قانون اساسی، مجلس، احزاب، و رسانه‌ها تشکیل می‌دهند و ویژگی دوم ارتباط حداکثری مردم (قاعده هرم) با حاکمیت (رأس هرم) از طریق همین ارکان چهارگانه است. (محمدی، ۱۳۷۶: ۹۴).

و سط بدنه هرم و امکان حداکثری دادن به نقش آفرینی کسانی که درباره قانون اساسی و لوازم آن نوشته و می‌گویند، به کسانی که به عنوان وکلای ملت در مجلس جواز مشروعیت هیات حاکمه را از طریق قانونگذاری و نظارت بر دولتمردان صادر می‌کنند، به نخبگان جامعه که در قامت احزاب سیاسی برنامه‌های روزانه حاکمیت را رصد و ارزیابی کرده و برای دور بعد انتخابات مد نظر قرار دهند، و بالاخره رسانه‌ها که به مثابه

چشم تیز بین مردم در لابه لای تصمیمات و امور اجرایی حاکمان نفوذ کرده و آن را منعکس می‌کنند، همه و همه تابعی از ظرفیت زمامداران حکومت است. (محمدی، ۱۳۷۶: ۹۵).

جوامعی که بدنه هرم در آنها به واسطه بی‌اعتنایی تصمیم‌گیران به قانون اساسی و سایر قوانین عادی، کم‌رنگ دیدن نقش پارلمان، سخت‌گیری بر احزاب از صدور مجوز گرفته تا عدم تحمل انتقادهای آنان و درنهایت از بین بردن زمینه‌های مشارکت رسانه‌ها در امور جاری کشور هر روز نحیف‌تر می‌شود سرنوشتی جز بحران مشروعیت، کاهش مشارکت و بی‌اعتمادی متقابل بین مردم و دولت به دلیل اینکه در جریان جزییات و حتی بعضا کلیات تصمیمات دولتی نیستند، نخواهد داشت. درچنین جوامعی هرم اجتماعی از دو بخش رأس و قاعده تشکیل شده و شخص، حزب واحد حاکم بر کشور اراده خود را به صورت اجباری بر مردم تحمیل می‌کند و حکومت نیاز به داشتن واسطه مورد اعتماد بین خود و مردم نمی‌بیند. درایران، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد:

۱. حقوق مساوی افراد در زمینه‌های جنسیتی، سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (اصل ۲۰ و ۱۹)

۲. ممنوعیت تفتیش عقاید شهروندان و مواخذه آنها به صرف داشتن عقیده‌ای (اصل ۲۳)

۳. آزادی بیان برای مطبوعات و نشریات مگر به قصد اخلال در مبانی اسلام (اصل ۲۴)

۴. ممنوعیت استراق سمع، سانسور و شنود مکالمات مگر به حکم قانون (اصل ۲۵)

۵. آزادی احزاب جمعیت‌ها انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی اقلیت‌های دینی (اصل ۲۶)

۶. آموزش و پرورش و تحصیلات عالی رایگان (اصل ۳۰)

۷. اصل برائت افراد (اصل ۳۷)

۸. ممنوعیت هتحرمت و حیثیت شهروندان (اصل ۳۹)

۹. به رسمیت شناختن اقتصاد بخش خصوصی (اصل ۴۴)

۱۰. اصول مربوط به انتخاب رییس جمهور، نمایندگان، تفکیک قوا و... (اصول ۵۷، ۶۲، ۱۰۰، ۱۱۴، ۱۲۳ و...)

نظر به اینکه رشد و توسعه وسایل ارتباط جمعی از اواخر دهه هفتاد شمسی و به ویژه طی دهه هشتاد متأثر از نوعی گذار از رسانه‌های ملموس و فیزیکی (روزنامه، نشریات) به رسانه‌های دیجیتالی و مجاز (سایت‌ها و

شبکه‌های اجتماعی) است اهمیت پرداختن به آنها در ارزیابی دولتهای حاکم در این بازه زمانی را دوچندان می‌کند.

در این رابطه، میزان رضایت مدیران سایتها و شبکه‌های اجتماعی را به عنوان شاخصی قابل اعتماد برای ارزیابی نقش دولتمردان در تقویت یا تضعیف رسانه‌ها و به تبع آن تقویت و یا ایجاد محدودیت برای مردم سالاری در کشور می‌توان در نظر گرفت. واقعیت این است که با توجه به نوپا بودن تجربه رسانه‌های دیجیتال در کشور نمی‌توان نمره بالایی به تعامل مسوولان دولتی با این سنخ از وسایل ارتباط جمعی داد. هرچندان انتظار تحقق حالتی آرمانی و بی‌عیب و نقص در این رابطه نیز منطقی به نظر نمی‌رسد اما به رسمیت شناختن جایگاه سایتها و شبکه‌ها و اعطای اجازه به آنها برای سرکشیدن در پستوهای تصمیمات اجتماعی و فرهنگی مسوولان نه تنها توقع بی‌جایی نیست بلکه از ضرورت‌های حقوقی جهت نیل به جامعه مدنی است. (فرقانی، ۱۳۹۶: ۳۰).

اگر دموکراسی را به مفهوم عام از عمده‌ترین شاخص‌های جامعه مدنی بدانیم رسانه‌ها و به ویژه مطبوعات ناگزیر در جایگاه یکی از ارکان اصلی جامعه مدنی می‌نشینند. چه مطبوعات در فرهنگ سیاسی نوین خودکی از ارکان دموکراسی به شمار می‌آیند. با این تعبیر وجود و فعالیت مطبوعات متکثر و متنوع در جامعه به طوری که بتوانند افکار و سلیقه‌های گوناگون را نمایندگی کنند و از حریم حقوق و آزادی‌های افراد و گروه‌های اجتماعی حراست و پاسداری نمایند و حق عمومی کسب اطلاعات و انتشار عقاید را تأمین سازند، از سو از مهمترین نمایانگرهای وجود و پویایی جامعه مدنی محسوب می‌شوند، و از جانب دیگر به رشد و گسترش تحکیم و تقویت جامعه مدنی‌اری می‌رسانند. در جامعه مدنی اساساً ساخت رسانه‌ای کثرتگرا و متنوع است؛ به عبارت دیگر در چنین جامعه‌ای رسانه‌ها و در رأس آنها مطبوعات صداهای گوناگون را که مبین خواسته‌ها نیازها علایق و دیدگاه‌های مختلف است باز می‌تابانند، شرایط بحث و گفتگو و مفاهمه و در نتیجه پرورش بردباری و شکیبایی اجتماعی و تحمل و مدارای عمومی را فراهم می‌آورند و زبان فرهنگی و فرهنگ مفاهمه را جایگزین زبان سیاست و فرهنگ زور و خشونت می‌سازند. مطبوعات می‌توانند شرایط خفقان عمومی را به فضای آزادی گرا، تشویق آمیز و مساعد رشد آزادی‌ها فردی و اجتماعی، احترام متقابل و هم‌پذیری و همگرایی تبدیل کنند. در چنین جامعه‌ای استعدادها و خلاقیت‌های فردی مجال بالندگی و بروز پیدا می‌کنند. فرصت‌ها و امکانات شکوفایی تواناییها و استعدادها توزیعی عادلانه تر می‌یابند فضایل و مکارم

اخلاقی و انسانی در زوایای جامعه جاری می‌شوند و برون‌گرایی به خصلت جمعی تبدیل می‌شود. در جامعه سلطه‌گرا رسانه‌ها و مطبوعات انحصاری تحت کنترل و در اختیار گروه‌های خاص صاحبان قدرت و ثروت قرار دارند و افراد و گروه‌های مختلف انرژی خود را عمدتاً صرف تقابل تخصصی و منفی‌کدیگر می‌کنند. از همین رو توزیع قدرت و متعاقب آن امتیازات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به شدت محدود می‌گردد و ساز و کارهای مفاهمه و همدلی ناکارآمد و زمین‌گیر می‌گردد. در چنین شرایطی داشتن امتیاز و انتشار مطبوعات به جای آن که حق اجتماعی در خدمت رشد و توسعه ملی تلقی شود. به عنوان امتیاز و ابزار قدرت مورد استفاده افراد و گروه‌های خاص قرار می‌گیرد و به ابزار سرکوب آزادی‌ها و حقوق فردی و اجتماعی تبدیل می‌شود. (فرقانی، ۱۳۹۶: ۳۲).

بر این اساس ساختار رسانه‌ای کثرت‌گرا و متنوع می‌باید به عنوان ارزش و یکی از مهمترین ابزارهای تحقق دموکراسی و جامعه مدنی در نظر گرفته شود. مطالعات و بررسی‌های تاریخی نیز موید این واقعیت است که در دوره‌های مختلف، رشد نهادهای مدنی دقیقاً با تعدد مطبوعات آزاد و مستقل هم‌زاد بوده است و بر عکس هر زمان که قدرت سیاسی قصد تعطیل و سرکوب نهادهای مدنی را داشته‌اند، در نخستین حرکت‌ها به توقیف تعطیل و سرکوب مطبوعات و روزنامه‌نگاران پرداخته‌اند. نکته قابل تأمل این‌که هرگاه نهادهای مدنی مستقل خودجوش و مردمی پا به عرصه ظهور نهاده‌اند، نهادهای مدنی دولتی همچون اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی و گروه‌های وابسته به دولت برای پر کردن خلأ موجود شکل گرفته‌اند؛ و هم‌زمان مطبوعات مستقل و غیر وابسته نیز تعطیل شده‌اند و مطبوعات وابسته به دولت خود را به رخ کشیده‌اند. (فرقانی؛ ۱۳۹۶: ۳۲).

کارکردهای مدنی رسانه‌ها :

۱. بسط فرهنگ گفتگو

در جامعه مدنی نقد گفت و گو و بحث و تبادل اندیشه‌ها به جای برخوردهای زورمندانه خشونت‌تحمیل عقیده و نقد ناپذیری افکار و مفاهیم می‌نشیند. ارتباطات در صور گوناگون خود از ارتباطات میان فردی و گروهی تا ارتباطات جمعی در جامعه مدنی مجرای داد و ستدهای فکری و انتقال اطلاعات قرار می‌گیرند. رسانه‌ها و به طور عمده مطبوعات در تبدیل گفت و گو و مفاهمه به فرهنگ در جامعه مدنی نقش مؤثر و حیاتی دارند. در جوامع قانون مدار، اساساً رسانه‌ها به مثابه بستر جریان سیال و مسالمت آمیز از افکار، ایده‌ها

خواست‌ها و نیازهای اجتماعی از کشیده شدن اختلافات عقیده‌ها و تب این دیدگاه‌ها بر سر حل معضلات اجتماعی به تخصص، پرخاش و خشونت و توسل به قوه قهریه جلوگیری می‌کنند. اگر در جامعه مدنی از تعدد رسانه‌ها دفاع می‌شود برای آن است که هیچ گروه و نحله فکری برای طرح خواست‌ها و نظریاتش عرصه را بر خود تنگ نبیند و ناگزیر به خشونت و برخوردهای غیر فکری و غیر فرهنگی روی نیاورد. رسانه می‌تواند با احیا و گسترش حوزه عمومی، کنش ارتباطی و عقل ارتباطی مورد نظرهایبرماس را به صحنه آورند و از زوال آن جلوگیری کنند. البته توجه به زبان و چارچوب‌های زبانی به کار گرفته شده به وسیله رسانه‌ها نیز اهمیت بسیار دارد. چراکه رسانه‌ها با گزینش و چینش واژه‌ها، تعابیر، مفاهیم و تکیه کلام‌های خاص یا به عبارت دیگر با مهندسی کلام می‌توانند مباحث مفاهیم‌ای زبان را به کار گیرند. در جامعه مدنی زبان رسانه‌ها می‌بایست ابزار تفهیم و تفاهم متقابل باشد و به شفافیت امور متعلق به جامعه مدنی کمک کند. در جامعه مدنی رسانه‌ها پیام‌های خود را عمدتاً از تشکلهای متکثر مدنی می‌گیرند و پیام و زبان به این گونه تشکلهای نیز طبعاً دامن می‌زنند. در این شرایط حتی گروه‌های فشار که معمولاً نیت خود را از مجاری غیر قانونی و در فضایی از ارباب و خفقان عملی می‌سازند. می‌توانند با انتشار نشریه با گروه‌های دیگر وارد گفت و گو و مباحثه شوند. در غیر این صورت بکارگیری زور و خشونت مشروعیت آن‌ها را زایل می‌سازند.

۲ . بسط حقوق و آزادی‌های فردی و نظارت بر جریان قدرت و سرمایه

جامعه مدنی جامعه‌ای است که در آن حقوق و آزادی‌های فردی به رسمیت شناخته شده و از آن حراست و پاسداری می‌شود اما مطبوعات و روزنامه نگاران مستقل و وابسته به تشکلات مدنی نیز همه جا در صف مقدم دفاع از آزادی‌های مردم قرار دارند و گرچه درست به همین دلیل خود همواره در معرض مخاطرات گوناگون هستند ولی می‌کوشند حقوق و حریم مردم را از تجاوز و تعدی‌های احتمالی از جانب حکومت و از سوی سایر قدرتمندان مصون نگاه دارند. مطبوعات با نقد عملکرد حکومت و با نظارت بر جریان قدرت در جامعه می‌توانند به استقرار دموکراسی واقعی کمک نمایند و مناسبات اجتماعی را برای سالم ساز دموکراسی واقعی آماده نمایند. به بیان یکی از وظایف به رسمیت شناخته شده مطبوعات ایفای نقش نظارتی به وسیله آن‌هاست. به همین دلیل است که آنتونیو گرامشی جامعه مدنی را سنگرهای ملت می‌داند که دولت برای فتح جامعه باید آن را فتح کند.

۳. بسط حاکمیت قانون

قانون و قرارداد اجتماعی مبنای نظم و جلوگیری از هرج و مرج و استبداد است. محور جامعه مدنی بر اساس قانون بنا شده و قواعد رفتارهای و روابط میان انسان‌ها و نیز مناسبات مردم با حکومت و بالعکس را قانون معین می‌کند. حاکمیت قانون ضمن آن که اصل اختلافات (در رفتار گفتار عقیده و...) را می‌پذیرد و چگونگی برخورد میان تفاوت‌ها و اختلافات را نیز تعیین می‌کند و اجازه نمی‌دهد که اولاً اختلافات نظرها سرکوب شوند و ثانیاً بر اثر بی توجهی و نادیده انگاشته شدن ایجاد بحران کنند؛

اما رسانه‌ها امروز در نظم پذیر کردن جامعه و قانونمند شدن امور و محور قرار گرفتن قانون در روابط اجتماعی تأثیر اساسی دارند. رسانه‌ها از سو با تصویر کردن رفتار پسندیده دولتمردان و نخبگان فکری و اجتماعی می‌توانند به طور غیر مستقیم الگوی رفتار مناسب را در جامعه ترسیم کنند؛ و از سوی دیگر با نقد و تحلیل حرکت‌ها و رفتارها خارج از قانون، خودسرانه، پرخاشگرانه، خودخواهانه و سودجویانه عرصه را بر این قبیل روندهای مخرب تنگ کنند. رسانه‌ها می‌توانند عامل تشویق و تأیید قانون‌گرایی و منتقد خیره سری و هرج و مرج باشند. اگر یکی از مسوولیت‌های اساسی رسانه‌ها و به ویژه مطبوعات و (اینترنت و شبکه‌های اجتماعی) را مقابله با استبداد بدانیم، رسانه‌ها در تولید و باز تولید قانون‌پذیری کنشگران و تسلیم آن‌ها در برابر قانون‌گرایی و نیز این که همگان در هر موقعیتی در پیشگاه قانون یکسانند تأثیر دارند.

۴. بسط حرمت انسان‌ها

در جامعه انسان دارای حرمت و ارزش است. این حرمت گذاری به انسان به معنای نفی رابطه با مبدأ آفرینش و نادیده گرفتن ارزش‌های الهی در جامعه نیست، بلکه صرفاً به عنوان نوعی روش زندگی و رفتار اجتماعی می‌کوشد انسان را در جایگاه واقعی خود بنشانند. انسانی که برای خود احساس احترام و ارزش کرد، به راحتی تسلیم زور، فشار تهدید و حتی تطمیع نمی‌شود و جز از قانون تبعیت نمی‌کند. در جامعه مدنی حریم و خلوت خصوصی انسان به عنوان اشرف مخلوقات که به جانشینی خدا در زمین می‌رسد باید مورد احترام و تکریم و صاحب ارزش باشد. در بسیاری از نظام‌های مطبوعاتی و (رسانه‌ای) از جمله نظام‌های آزادی‌گرا و مسوولیت اجتماعی و نیز در غالب مرام‌نامه‌ها کنوانسیون‌ها مقررات حقوقی و مصوبه‌های مربوط به فعالیت

حرفه‌ای روزنامه نگاری که به وسیله مجامع بین المللی و تشکل‌های صنفی روزنامه نگاران به تصویب رسیده و به عنوان اصول مسلم این حرفه پذیرفته شده همچنین در قوانین مطبوعاتی اغلب کشورها، احترام به نوع بشر و همدردی و همدلی با دیگران تسکین آلام و رنج‌های بشری کمک به رهایی انسان از مظالم زورگویی‌ها تجاوزگری‌ها و حفظ حریم و خلوت خصوصی افراد مورد تصریح و توصیه اکید قرار گرفته و تحت هیچ شرایطی عدول از این معیارها مجاز شمرده نشده است. وقتی قوانین مطبوعاتی توهین، تحقیر، تهمت و افترا و حتی چاپ عکس و مطالبی را بدون رضایت صاحب آن ممنوع و در صورت شکایت ذینفع مستوجب مجازات می‌دانند، بدین معناست که حیثیت و شخصیت افراد جز به اجازه قانون نمی‌تواند مخدوش گردد. از اینرو، هیچ رسانه‌ای با نادیده گرفتن حقوق فردی مردم نمی‌تواند برای خود پایگاه و مشروعیت اجتماعی کسب کند. هتک حرمت و تجاوز به حریم خصوصی و تحقیر افراد به وسیله رسانه‌ها از نشانه‌های توسعه نیافتگی و اخلال در چرخه امور جامعه مدنی است.

۵. بسط پاسخگویی حکومت به مردم

حکومت در جامعه مدنی منتخب و نماینده اکثریت جامعه است و به این اعتبار نمی‌تواند خود را ورای قانون و برتر از افراد جامعه بداند. دموکراسی واقعی می‌کوشد در جهت تأمین منافع توده مردم حرکت کند. در جامعه مدنی نه تنها اصل تساهل و مدارا مورد احترام و عمل است، بلکه حکومت از سو حق پرسش درباره اعمال خود را برای شهروندان (و رعیت) به رسمیت می‌شناسد و از جانب دیگر خود را موظف به پاسخگویی به شهروندان می‌داند. پذیرش این دو اصل یعنی پرسشگری شهروندان و پاسخگویی دولت سبب می‌شود که نخبگان سیاسی سلطه گر و باندهای قدرت طلب و بهره‌مندان اقتصادی بستر مناسبی برای ظهور و رشد و جایابی برای خود در ساختار حکومت نیابند. این بدان معنا نیست که نخبگان فکری و عملی به حاشیه رانده شوند بلکه در جامعه مدنی نخبگانی که آرا و تمشیات مردم خود را نمایندگی می‌کنند مدیریت جامعه را به عهده می‌گیرند. اینجا نیز رسانه‌ها نقش مهمی دارند؛ زیرا که آن‌ها با نظرات و مراقبت هوشیارانه خود نسبت به اعمال حکومت از گرایش آن به خودکامگی و نادیده گرفتن حقوق مردم جلوگیری می‌کنند نیازها و خواست‌های جامعه را که در واقع همان پرسش‌های مردم از حکومت است در قالب گرایش‌ها، مقالات، نقدها، تفسیرها و... با دولت در میان می‌گذارند و متقابلاً پاسخ دولتمردان را به سؤالات مردم دریافت و منتشر

می‌کنند. به طور کلی یکی از مهمترین کارکردهای رسانه‌ها را باید در عرصه اتحاد و تنظیم رابطه میان حکومت شوندگان و نظم و نسق دادن به مناسبات اجتماعی فیما بین این دو گروه جستجو کرد. رسانه‌ها مستقل و متعلق به تشکلهای مدنی زبان مردم و چشم و گوش شهروندان هستند و مدام وظیفه و مسوولیت حکومت را در زمینه پاسخگویی به مردم یادآوری و گوشزد می‌نمایند و سنت نقادی را در جامعه برپا می‌دارند.

این امر در عین حال می‌تواند به شایسته سالاری یعنی مدیریت خردمندان صاحبان دانش و تجربه در جامعه کمک کند و همگان را امیدوار سازد که در صورت احراز صلاحیت توانایی و شایستگی راه رشد و تعالی به رویشان بسته نیست. این گونه شایسته سالاری هم محصول جامعه مدنی است و هم به تقویت ارکان آن منجر می‌شود. چنین جامعه‌ای بی تردید جامعه‌ای خردورز و تعلق گراست و مدار امور آن بر محور عقل و معرفت می‌چرخد. (فرقانی، ۱۳۹۶: ۲۱)

۲-۲. تاریخچه و سابقه بررسی جامعه مدنی

دردوران ماقبل مدرن: معادل لاتین جامعه مدنی؛ سیویلیس سوسایتاس^۱ در ادبیات روم باستان بوده است. بسیاری از دانشوران سیاسی در این دوران از جمله سیسرون این عبارت لاتین را برای توصیف دولت شهری به کار برده‌اند که تحت چارچوبی از قوانین نظم یافته بود. زمانی که سیسرون در کتاب جمهوری می‌نویسد: «قانون، پیوند دهنده جامعه مدنی است.» و منظور او از جامعه مدنی جمعیتی است که در قالب سیاسی و حقوقی نظام یافته است (واعظی، ۱۳۷۸: ۱۷). در این معنا جامعه مترادف با آن اجتماع انسانی بوده است که دارای دولت و حاکمیت قانون است. ارسطو نیز در نوشته‌های سیاسی خود تاکید دارد که چنین اجتماعی نسبت به سایر اجتماعات بشری برتر و رشد یافته تر است. ویژگی تلقی این دوره از جامعه مدنی آن بوده است که به هیچ روی آن را مقابل دولت نمی‌شناختند و بلکه قوام جامعه مدنی را منوط به وجود دولت می‌دانستند. (همان، ۱۸).

^۱ Civilis Societas

دوران مدرنیته: توماس هابز^۱ (۱۵۸۸ - ۱۶۹۷) و جان لاک (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴) دو متفکر سیاسی هستند که در عصر مدرنیته جامعه مدنی و مبانی آن را مورد توجه قرار دادند. توماس هابز نظریه منشأ الهی حاکمیت و ضرورت وجود حاکمیت دینی را مورد تشکیک قرار داد و این رأی را مطرح کرد که منشأ تشکیل جامعه و حکومت «قرارداد اجتماعی» است که انسان‌ها با هم منعقد می‌کنند و بخشی از اراده و حق حاکمیت خود را به دولت واگذار می‌کنند. این دولت چیزی معادل جامعه مدنی است و بر مبنای قانونگذاری بشری اداره جامعه را عهده دار می‌گردد. جامعه مدنی از نظر هابز عبارت است از: حاکمیت سیاسی غیر دینی که توسط قرارداد اجتماعی انسان‌ها پدید آمده و در مقابل وضع طبیعی زندگی بشر قرار دارد. (زرشناس، ۱۳۷۷: ۱۰-۱۱).

نقطه عزیمت جان لاک به سوی جامعه مدنی شبیه هابز است، او نیز وضع مدنی را مقابل وضع طبیعی می‌نشانند. با این تفاوت که جامعه مدنی را معادل دولت غول آسای مطلقه هابز به حساب نمی‌آورد بلکه شاخص‌هایی اقتصادی و حقوقی برای جامعه مدنی مطرح می‌کند. از نظر لاک انسان‌ها فاعل‌هایی اخلاقی‌اند، حتی در وضعیت طبیعی که وضعیت ماقبل سیاسی و ما قبل مدنیت است. در وضع طبیعی مورد نظر لاک انسان‌ها مستقل و برابرند و تنها قانون طبیعت و عقل بر آن‌ها حاکم است و طبیعی است که اختلاف و نزاع‌های حقوقی و جرائم اجتماعی رشدی فزاینده داشته باشد. پس باید مرجعی مشخص و رسمی برای حل اختلاف و مجازات مجرمان پدید آید که البته وجود حکومت مدنی بهترین درمان و چاره این مشکل است (واعظی، ۱۳۷۸: ۲۰).

به نظر لاک، انسان‌هایی که در وضع طبیعی زندگی می‌کنند، با سه مشکل اساسی مواجه‌اند: ابهام قوانین، عدم ضمانت حقوق طبیعی از سوی اقتدار عمومی مشخص و فقدان داور بی طرف و مورد قبول همه (لاک، ۱۹۸۸: ۳۵۱). از این رو، انسان‌هایی که در وضع طبیعی زندگی می‌کنند، برای رهایی از این حالت بیمارگون توافق می‌کنند به منظور حفظ حقوقشان (حق زندگی، آزادی و دارایی و...) جامعه مدنی تاسیس کنند. بنابر این به نظر لاک به مانند هابز، در وضع طبیعی جامعه مدنی وجود ندارد، ابتدا با تشکیل جامعه سیاسی یا دولت است، که جامعه مدنی تشکیل می‌شود. در حالی که روابط انسانی در وضع طبیعی، یعنی در وضع پیش از تشکیل دولت، به حوزه اجتماعی نزدیکان و خانواده محدود می‌شود، اجتماعی شدن در چهارچوب جامعه مدنی به تنوع رفتار و اعمال اجتماعی و تقویت فزاینده همکاری جمعی در جامعه

^۱ Tomashabs

می‌انجامد. جامعه مدنی تمایل دارد که خودش را از همه نیروهای جبری طبیعت و شرایط محیطی بسته اجتماعی رها کند و محیط جدیدی برای رفتارهای اجتماعی فراهم نماید. برخلاف حوزه محدود اجتماعی در وضعیت طبیعی و برخلاف جامعه‌های پدر سالارانه و مبتنی بر زور و سلسله مراتبی، جامعه مدنی مبتنی بر تساهل و نفی خشونت و حقوق شهروندی است و دسترسی به حوزه‌های اجتماعی بسیاری را برای انسان میسر می‌کند. (همان).

ژان ژاک روسو^۱ (۱۷۱۲ - ۱۷۷۸) نخستین متفکری است که به تفصیل بحث استقلال جامعه مدنی از دولت (جامعه سیاسی) را مطرح می‌کند. روسو برخلاف لاک، هابز مصرانه از تفاوت‌های جامعه مدنی و قدرت سیاسی سخن می‌گوید و با ارایه ارزیابی منفی از کارنامه تمدن مبتنی بر قرارداد اجتماعی و مالکیت خصوصی و از جهاتی در مقام منتقد جامعه مدنی ظاهر می‌گردد. درعین حال روسو جامعه مدنی را بدین جهت که مبتنی بر قرارداد اجتماعی آدمیان و دارای مبانی دموکراتیو غیر الهی است می‌ستاید و مورد تاکید قرار می‌دهد. درواقع روسو ماهیت اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی جامعه مدنی را مورد انتقاد قرار می‌دهد اما وجه حقوقی متکی بر اراده جمعی و قرارداد اجتماعی مستقل از قدرت سیاسی آن را می‌ستاید (زرشناس، ۱۳۷۷: ۱۳).

به عقیده روسو با قرارداد اجتماعی آنچه انسان از دست می‌دهد آزادی طبیعی و حق نامحدود خود است و آنچه از این پیمان بدست می‌آورد آزادی مدنی و حق حاکمیت است. روسو جمهوریت را در مفهوم اراده همگانی مطرح می‌کند. وی برخلاف هابز که معتقد بود انسان باید میان فرمانبری و آزادی یکی را انتخاب کند بر این نظر بود که می‌شود انسان‌ها در عین آزاد بودن، عضوی از جامعه سیاسی نیز باشند. این در صورتی ممکن است که انسان‌ها خود از طریق مالکیت اراده همگانی که تجلی گاه اراده آزاد افراد نیز هست برخوردارند. حکمرانی کنند و چنین اراده‌ای بر آیند حضور انسان‌های آزاد در عرصه حیات اجتماعی است (جونز، ۱۳۸۰: ۴۰۱-۳۹۹).

فرضیه تکوین جامعه مدنی براساس قرارداد اجتماعی گرچه مورد استقبال متفکرانی چون ژان ژاک روسو قرار گرفت اما مخالفت‌هایی را نیز برانگیخت که از جمله آنان دیوید هیوم بود که به نقد این نظریه پرداخت. جامعه مدنی با رفتار و رویه‌های گروهی، الگوهای فرهنگی، آراء و ارزش‌ها و سلسله‌ای از تشکیلات و روحیات

^۱ Jean -Jacques Rousseau

مشترک می یابد؛ و مشخصه تمدن نوین نتیجه کار اجتماعی انسان و حاصل تاثیرات داخلی و تداخلات متعدد میان مردمان و گروه‌ها در داخل جامعه مدنی است. در جامعه مدنی واحدهای همزیستی اجتماعی متنوعی موجود هستند و هر کدام مرکز ایجاد تمدن به شمار می‌روند. این تفسیر از جامعه مدنی قوام و جوهره اصلی جامعه را وامدار مشارکت اجتماعی و تقسیم کار می‌داند و از همین جهت طیف گسترده‌ای از تجمعات انسانی را در بر می‌گیرد (واعظی، ۱۳۷۸: ۲۴).

هگل^۱ (۱۷۷۰ - ۱۸۳۱) فیلسوف معروف آلمانی نیز در زمان خود تحلیلی از جامعه مدنی ارائه داد که تمایز آشکاری نسبت به سایرین و تأثیر بسزایی در آیندگان داشت. از نظر او خانواده و جامعه مدنی هر دو از دولت متمایزند. هگل جامعه مدنی را طبقات و گروه‌های عام می‌داند (واعظی، ۱۳۷۸: ۲۹-۲۸). تفسیر جدید از جامعه مدنی بیش از هر چیز وامدار تغییر و تحولی است که هگل در مفهوم جامعه مدنی ایجاد کرد. تفکیک هگل میان جامعه مدنی و دولت عقلانی، زمینه تفکیک جامعه مدنی را از دولت و تطبیق انحصاری عنوان جامعه مدنی را بر حوزه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی که خارج از نظارت، دخالت و تأسیس دولت است فراهم آورد (همان: ۳۶). هگل در کتاب اصول فلسفه حقیقت (۱۹۸۶) جامعه مدنی را اینگونه تعریف می‌کند: "جامعه مدنی در فاصله بین خانواده و دولت ایجاد می‌شود، اگرچه شکل‌گیری این وضعیت بعداً به تشکیل دولت منجر می‌شود. پس [جامعه مدنی] به مثابه حلقه واسطه، مستلزم دولت است، دولتی که آن را [جامعه مدنی] به عنوان موجودی مستقل و قبل از خود باید داشته باشد تا بتواند شکل بگیرد... " (هگل، ۱۹۸۶: ۳۳۸). به نظر هگل، جامعه مدنی که طی فرآیند طولانی و پیچیده توسعه تاریخی به وجود می‌آید و نهایتاً هم به وسیله دولت از بین می‌رود، حوزه‌ای است که در آن شهروندان منافع شخصی خود را از طریق کار و مبادله کالا به منظور رفع نیاز همگانی دنبال می‌کنند و از این طریق با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند.

شارل مونتسکیو^۲ (۱۶۸۹-۱۷۵۵)؛ جامعه مدنی از نظر مونتسکیو ماهیت سیاسی دارد و نهادها و اجتماعات سیاسی درون آن نقش مهمی در میانجیگری منافع طبقات و گروه‌های مختلف جامعه باز می‌کنند. او عقیده داشت، جوهره سیاست حفظ و صیانت از آزادی است اما قدرت‌ها همواره تمایل دارند حوزه نفوذ خود را گسترش دهند؛ امری که با آزادی سازگاری ندارد بنابراین این برخلاف اندیشه‌های یونانی به ویژه ارسطو، قدرت

^۱ Hegel

^۲ Montesquieu

با قانون کنترل شدنی نیست. درواقع، قانون حدود قدرت را تعیین میکند لیکن از ابزارهای مناسب برای مقاومت در برابر آن برخوردار نیست. مونتسکیو ضمن تاکید بر قانون معتقد است که هر چیزی را فقط می‌توان با خودش کنترل کرد، قدرت را با قدرت، پول را با پول، زور را با زور و... از اینرو باید در عرض قدرت سیاسی حاکم، قدرت‌های رقیب غیر دولتی وجود داشته باشند، برای مثال او از ضرورت وجودی طبقات اجتماعی قوی مانند اشراف دفاع می‌کند. مونتسکیو از تجربه تاریخی انگلستان در این مورد بسیار استفاده می‌کند. به نظر او در انگلستان به دلیل حضور اشراف و نجبای نسبتاً قوی حاکمان هرگز نتوانستند به صورت خودکامه حکومت کنند زیرا با مقاومت شدیدی از سوی قدرت‌های اجتماعی رقیب مواجه می‌شدند. مونتسکیو از این تجربه تاریخی نتیجه می‌گیرد که قدرت سیاسی را فقط می‌توان با "قدرت اجتماعی" کنترل کرد و در برابر قدرت رسمی باید قدرت‌های غیر رسمی و مدنی همچون انجمن‌ها و سازمان‌های مردمی در جامعه تقویت شوند (انصاری، ۱۳۸۵: ۵-۴). بدین ترتیب، ضرورت وجود نهادهای مردم نهاد، اتحادیه‌ها، احزاب و تشکل‌ها که مولفه‌های جامعه مدنی‌اند را می‌توان در نظریه مونتسکیو آن هم درسیصد سال قبل ملاحظه نمود.

آلکسی دو توکویل^۱؛ در نظام فکری دو توکویل جامعه به سه بخش تقسیم شده است: دولت، که از مجالس نمایندگی، دادگاه‌ها، ادارات و نیروهای نظامی تشکیل شده است؛ اقتصاد، که شامل فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی است و جامعه مدنی که در آن احزاب، افکار عمومی، کلیساها، جنبش‌های اخلاقی، مجامع ادبی و علمی و انجمن‌های اجتماعی (صنعی، تفریحی) فعالیت دارند. جامعه مدنی در تنظیم روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، تحکیم فضائل مدنی و ارزش‌های دموکراتیک، افزایش مشارکت اجتماعی و مهم‌تر از همه تامین آزادی در جوامع مدرن نقش بسیار مهمی باز می‌کند. به نظر او در جوامع اشرافی، طبقات اشراف و ثروتمند به طور طبیعی جمعیت‌هایی را تشکیل می‌دهند که می‌توانند در مقابل تجاوزات و مظالم حکومت‌ها ایستادگی کنند. ولی در ممالکی که چنین جمعیت‌هایی وجود ندارد، اگر افراد نتوانند موقتا چیزی مشابه آن جمعیت‌ها تشکیل دهند در مقابل ظلم و استبداد مانعی باقی نمی‌ماند. از آنجاکه همیشه این احتمال وجود دارد که مشتی آشوب طلب یا ظالم بدون ترس از مجازات ملتی را اسیر مظالم خویش کنند برای حفظ آزادی باید بین دولت و مردم‌هائلی شکل بگیرد، که از مطلقه شدن قدرت جلوگیری کند. (افروغ، ۱۳۸۷: ۱۹-)

۱۸). اساساً، بعد از آزادی فردی، طبیعی ترین آزادی برای انسان زاده حق تشکیل جمعیت انجمن است و دو توکویل آزادی جمعیت‌ها را مانند آزادی فردی جزو حقوق سلب ناشدنی بشر می‌داند. به نظر وی، تشکیل انجمن‌ها و تشکل‌های داوطلبانه برای هر قصد و هدفی ارزشمندند، اما بیشترین اهمیت‌شان در پیگیری اهداف سیاسی است (چاندوک، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

مارکس^۱ (۱۸۱۸-۱۸۸۳) نیز در تفسیری جامعه مدنی را حوزه روابط زیربنایی و مجموعه روابط میان افراد و طبقات اجتماعی که خارج از حوزه روبنایی دولت قرار گرفته و ویژگی عمده آن فردیت، رقابت و منازعه است قلمداد کرد.

گرامشی^۲ (۱۸۹۲-۱۹۳۷) اصطلاح جامعه مدنی را به مفهوم حوزه روبنایی و بخش‌های ایدئولوژیک بکار می‌برد که در آن باهدف ایجاد هژمونی طبقاتی عمل می‌کنند ولی او همچنین حوزه روبنایی را از هم تفکیک کرده است. یکی حوزه عمومی یا دولت دیگری حوزه خصوصی یا جامعه مدنی که البته قدرت طبقه حاکم در عرصه جامعه مدنی به عنوان هژمونی و در عرصه دولت و حکومت به عنوان سلطه مستقیم ظاهر می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۳۲).

برخی دیگر جامعه مدنی را به عنوان حوزه مدنی که به درجات متفاوتی نه تنها از دولت بلکه از دیگر حوزه‌های غیر مدنی مثل مذهب اقتصاد و جماعات عشیره‌ای قابل تفکیک به شمار می‌آورند. جین کوهن و اندرو آراتو ابعاد گوناگون جامعه مدنی را این گونه می‌دانند:

● وجود خانواده، گروه‌های نیمه رسمی و انجمن‌های داوطلبانه که چندگانگی و خود سامانی آنها شکل‌های گوناگونی از زندگی را ممکن می‌کند.

● وجود نهادهای فرهنگی و ارتباطی که حوزه عمومی آشکار زندگی را در بر می‌گیرد.

● امنیت و حرمت حوزه زندگی که افراد بتوانند در آنها توانایی خود را متحقق کنند و به گزینش‌های اخلاقی دست بیابند.

۱. Tocqueville

۲. Marx

۲. Gramsci

• تعیین میان اینکه حوزه عمومی و زندگی خصوصی از یکدیگر از دولت و زندگی اقتصادی متمایز بمانند نیاز مند وجود ساختارهای قانونی و سلسله حقوق اولیه است که بدون آنها جامعه مدنی استقرار نخواهد یافت (عظیمی، ۱۳۷۰: ۱۷)

از دیدگاه آنان تحقق جامعه مدنی بریک سلسله حقوق پیچیده تکیه دارد که جامعه پذیری و زندگی اجتماعی فرد، پیوندهای اجتماعی و روابط جمعی و رونق و پویایی زندگی فرهنگی را ممکن و تأمین می‌کند. پاسداری از حریم امن، خلوت و حرمت روابط خصوصی و احترام بنیادی به شخصاً گوهر فردیت انسان، آزادی اندیشه، مطبوعات، گفتار و مراوده و حق گردهمایی و پیوستگی به انجمن‌ها گوناگون از جمله این حقوق است. هویت افراد و گروه‌ها و همبستگی اجتماعی بدون حقوق یاد شده و بدون وجود نهادهایی که ارتباطات عمومی و اقدام جمعی را ممکن می‌کند پایه‌ای نخواهد داشت (همان: ۱۸).

به نظر آن‌ها از جمله نمودهای اصلی جامعه مدنی گفت و گوهای عمومی برخوردار از اندیشه‌ها و باورها درباره موضوعاتی است که اهمیت و پیامدهای سیاسی دارند و در چارچوب رسانه‌های جمعی و یا انجمن‌های سیاسی و فراکسیون‌های خبری جریان می‌یابند. جامعه سیاسی و مدنی هردو برگفت و گوهای تأمل آمیز و مبادله‌های فکری و بر حقوق ارتباطی تکیه دارند و بدون این حقوق ارتباط و گفت و گوی عمومی چه در جامعه مدنی چه در چارچوب نهادهای پارلمانی ممکن نخواهد بود (همان).

بدین ترتیب، اگرچه اندیشمندان معناهای متضادی از جامعه مدنی ارائه کرده‌اند اما به زعم بشیریه، در مجموع می‌توان سه تعبیر کلی از مفهوم جامعه مدنی در اندیشه سیاسی گذشتگان ارائه کرد:

۱- جامعه مدنی به معنای رهایی از وضع طبیعی و انتقال به وضع مدنیت و جامعه متمدن که به نوبه خود با تکوین دولت عملی شده است.

۲- جامعه مدنی به مفهوم نقطه مقابل وضد دولت

۳- جامعه مدنی به معنای حوزه رقابت تکثرگرایانه احزاب، گروه‌ها، اصناف نهادهای سیاسی و اجتماعی سازمان یافته (جواد اطاعت، ۱۳۷۸: ۱۱۸).

از طرف دیگر بشیریه چهار معنا را از نظر تاریخی در ارتباط با جامعه مدنی نام می‌برد:

• به مفهوم دولت در مقابل خانواده در اندیشه ارسطویی، و در مقابل وضع طبیعی در اندیشه اصحاب قرارداد

اجتماعی

- به مفهوم جامعه متمدن در مقابل جامعه ابتدایی در اندیشه کسانی چون آدام فرگسون در کتاب گفتاری درباره تاریخ جامعه مدنی
 - به مفهوم شکل اولیه تکوین دولت در اندیشه هگل
 - جامعه مدنی به عنوان جزئی از روبنا (نه زیربنا طبق اندیشه مارکس) و مرکز تشکیل قدرت ایدئولوژیک یا هژمونی فکری طبقه حاکم در اندیشه آنتونی گرامشی (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۳).
- در فلسفه سیاسی بطور کلی از زمان ارسطو به بعد جامعه مدنی به مفهوم جامعه سیاسی دولت بکار می‌رفت. دولت شهریونانی خود جامعه مدنی و از دیدگاه ارسطو دنباله طبیعی خانواده بود در نظریه قرارداد اجتماعی هم بطور کلی جامعه مدنی به عنوان جامعه سیاسی در مقابل وضع طبیعی بکار می‌رفت با این تفاوت که در این نظر جامعه پدیده‌ای غیر طبیعی عینی حاصل توافق و قرارداد بود. در اندیشه سیاسی اروپایی جامعه مدنی به عنوان حوزه قدرت غیر دینی از جامعه مذهبی همان حوزه تحت صلاحیت کلیسا تمیز داده می‌شد. تنها در قرن ۱۹ با پیدایش دولت لیبرال است که تصور تجزیه حوزه سیاسی ((جامعه مدنی)) از حوزه اجتماعی آن پدید می‌آید (بشیریه، ۱۳۸۳: ۳۳۱).
- ### جامعه مدنی در ایران
- در جامعه ایران قبل از شکل گیری دولت مدرن به دلیل وجود وضعیت موسوم به استبداد شرقی نهادهای غیر دولتی به معنای جدید آن محلی از اعراب نداشتند. اگرچه در بطن جامعه ایران برخی نهادهای سنتی مانند اصناف روحانیت، بازار و گروه‌های تصوف و فتوت فعالیت داشته و نقش واسطه میان دولت و مردم ایفا می‌کردند اما هیچ کدام از این نهادها دارای مشخصه‌های سازمان‌های مردمی جدید عینی شکل گرفته با نقش مستقیم مردم و به منظور سازماندهی مشارکت آنها نبودند. آشنایی ایرانیان با سازمانهای مردمی در مفهوم جدید آن و تلاش برای استقرار آنها محصول روابط با مغرب زمین در قرن نوزده و آشنایی با مدرنیسم بود. افزایش تماس‌های ایرانیان با غرب منجر به ظهور قشر جدیدی به نام روشنفکران شد که همین افراد درصد استقرار نهادهای مردمی برآمدند. در راستای چنین هدفی بود که این عده از نخبگان ایرانی قبل از استقرار مشروطیت در ایران اقدام به تأسیس سازمان‌هایی چون: فراموشخانه، انجمن مخفی، مجمع آدمیت، مرکز غیبی و کمیته انقلابی کردند و در همین ایام به دلیل استبداد موجود، مهم ترین نهاد جامعه مدنی عینی

حزب توسط روشنفکران ایرانی قبل از استقرار مشروطیت در خارج از مرزهای ایران به ویژه در قفقاز روسیه شکل گرفت. استقرار مشروطیت در ایران به سال ۱۲۸۵/۱۹۰۶ و تدوین قانون اساسی و به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های فردی همراه با حق تشکیل اجتماعات در آن فرصت مناسب را در اختیار روشنفکران و کارگران برای تأسیس سازمان‌های مردمی به معنای جدید آن قرار داد (مسعود نیا، ۱۳۸۴: ۴۲).

قانون مشروطه در برگیرنده اصول و بندهای مهم دموکراتیک بود و نیز اجزای جامعه مدنی در آن بر شمرده شده بود: مصونیت جانی و مالی شهروندان، برابری همگان در برابر قانون، پشتیبانی از آزادی‌ها و حقوق شهروندان آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، تفکیک قوا، برپایی انجمن‌های ایالتی و ولایتی و...؛ بنابر این آزادی احزاب و گروه‌ها در چارچوب آزادی اجتماعات و انجمن‌ها می‌گنجید. در راستای این هدف بود که روشنفکران به تأسیس حزب اقدام کردند و کارگران نیز در سال ۱۲۸۵ خورشیدی نخستین اتحادیه کارگری را در ایران سازمان دادند البته در شکل‌گیری اتحادیه‌های کارگری در ایران و فعالیت آنها نباید از پیامدهای انقلاب اکتبر روسیه نیز غافل ماند (همان).

پس از انقلاب مشروطه گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی آشکار و پنهان بسیاری پدید آمد. حضور آنها در ایران پس از مشروطه چنان برجسته و چشمگیر بود که در نزد برخی مشروطه خواهان مشروطه معادل حضور این انجمن‌ها و گروه‌ها شمرده شد. در آستانه مشروطیت زمینه‌ها و مقدمات لازم برای دموکراسی و جامعه مدنی و پایایی نظام مشروطه به اندازه کافی وجود نداشت و از همین رو حضور انبوه بازگران حزبی و گروهی در نبود زمینه مناسب به بی‌ثباتی و ناکامی انجامید. با بر پا شدن مجلس دوم، برخی گروه‌ها به حزب تبدیل شدند. اتهام زنی‌ها، ترور، مجازات برخوردهای حذفی و رعایت نشدن قواعد بازی دموکراتیک سر لوحه کار بسیاری از احزاب و گروه‌ها شد و بدین سان حاکمیت ملت و قانون به چشم بسیاری از مردمان چیزی جز فریب و سراب نیامد. به طور کلی جنبش مشروطه خواهی پاره‌ای از نمادهای جامعه مدنی را در قالب آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های اجتماعات، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی آزادی انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قانونی اعلام کرد؛ اما در عمل جامعه مدنی با این ویژگی‌ها تحقق نیافت و کمتر از دو سال از عمر مشروطه گذشته بود که مجلس بدست محمدعلیشاه به توپ بسته شد (سردارنیا، ۱۳۸۹: ۳۸).

با این وجود برخی سابقه وجود جامعه مدنی در ایران را از نیمه دوم حکومت صفویان و متعلق به دورانی می‌دانند که علمای شیعه از امتیازات قابل توجهی برخوردار بودند و توانستند پایه‌های نفوذ خود را در بین مردم کوچه و بازار تحکیم بخشند. در این دوره از جامعه مدنی متکی بر دوگروه با قدرت علمای شیعه و بازاری‌ها نام می‌برند که در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران نقش بسزایی باز کردند. استقلال سیاسی این گروه‌های وابسته به قدرت اجتماعی و مشروعیتشان در بین مردم از طرف و استقلال اقتصادیشان از دولت از طرف دیگر هست. علمای شیعه و بازاری‌ها علاوه بر نقش عمده در تعدیل قدرت دولت در بسیاری از موارد حتی وظیفه اصلی دولت یعنی حفظ نظم عمومی را نیز توسط گروه‌های دست‌نشانده خود معروف به دسته لوطی‌ها بر عهده داشتند (کمالی، ۱۳۸۱: ۸۵ - ۸۳).

بدین ترتیب تأسیس نهادهای غیر دولتی در ایران به دوران مشروطیت و پیش از آن باز می‌گردد اما از آن هنگام تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران به استثنای مقاطعی کوتاه این نهادها امکان حیات و فعالیت نداشتند. در دوران رضا شاه به شدت با فعالیت این نهادها مخالفت شد. اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰ و برکناری رضا شاه و از میان رفتن استبداد دولتی مجدداً فرصت تکوین فعالیت سازمان‌های مردمی را در تاریخ ایران فراهم ساخت. در این مقطع نه تنها احزاب مجدداً به عرصه سیاست باز گشتند بلکه سازمان‌هایی چون کانون مهندسين ایران و بعدها انجمن نظارت بر انتخابات شکل گرفت که کاملاً ویژگی نهادهای غیر دولتی مدرن را داشتند. اوج فعالیت و مبارزات سیاسی این نهادها در دوران نخست وزیری دکتر مصدق بود که با کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد این فرصت از دست رفت. بعد از کودتا شاید یکی از مهمترین این نهادها انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه تهران بود که توسط باز رگان و همفکران او بنیاد نهاده شد و اگرچه سیاست دولت در این سال‌ها برای تمرکز قدرت امکان حیات نهادهای غیر دولتی را گرفت اما بخاطر پیروزی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و اعلان سیاست حقوق بشر از سوی آنها باردیگر امکان تکوین نهادهای مدنی در ایران فراهم شد. شاید مهم ترین تشکیل سیاسی در این حوزه انجمن ایرانی دفاع از حقوق بشر بود که توسط مهندس باز رگان و همفکرانش شکل گرفت (مسعود نیا، ۱۳۸۲: ۴۵).

با شکل گیری انقلاب ۵۷ در ایران و تدوین قانون اساسی که در آن حقوق و آزادی‌های فردی رسمیت‌افت، تشکیل اجتماعات و احزاب آزاد اعلان گردید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحقق جامعه مدنی در چارچوب وجود احزاب گروه‌ها جمعیت‌ها انجمن‌های دینی و سیاسی (اصل ۲۶ قانون اساسی)، تشکیل

راهپیمایی‌ها و اجتماعات (اصل ۲۷ قانون اساسی)، آزادی مطبوعات، نشریات و رسانه‌های گروهی (اصل ۲۴ قانون اساسی)، تشکیل شوراهای کارگری (اصل ۷ و ۱۰۴ قانون اساسی) به گونه‌ای تحقق می‌نمود (همان). در چنین فضایی مشارکت مردم گسترده‌ترین شکل در جامعه وجود داشت اما این مشارکت نه سازمان‌یافته و قاعده مند بلکه توده‌ای و ملهم از اندیشه‌های مذهبی و تحت تأثیر شخصیت کاریزماتیک رهبر انقلاب قرار داشت. حاکم بودن چنین شرایطی بر جامعه سبب گردید تا در ماه‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب سازمان‌های غیر دولتی بوجود آمده رسالت اصلی خود یعنی سازمان‌های مردم‌نهاد را فراموش کنند یا مجالی برای تعقیب آن نیابند. به همین دلیل سازمان‌های اخیر خیلی زود کارکرد اصلی خود را فراموش و رویکرد خیریه‌ای و تعقیب و تحقق اهداف خود را دنبال کردند و با گذشت زمان مشارکت سازمان یافته‌شان در حرکت پوپولیستی گردید (مسعود نیا، ۱۳۸۲: ۴۶).

با آغاز جنگ تحمیلی حرکت‌های مردمی در قالب بسیج عمومی و کمک‌رسانی به جنگ سامان یافت. در این دوران به جز تشکلهای مردمی مانند خیریه‌ها که ریشه در بازار داشتند و در خدمت بسیج توده‌ای درآمدند حضور انجمن شهروندان به علت وقایع سال‌های آغازین دهه ۶۰ با نوعی بدبینی دنبال شد و جز فعالیت تشکلهایی که ریشه در نهاد روحانیت بازار داشته‌اند (مثل اصناف و خیریه‌ها) اشکال دیگر مشارکت مردم محور کم‌رنگ و کم‌اثر ظاهر می‌شود.

در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ جامعه مدنی در فضای هیجانات پس از انقلاب با وضع بی‌نظیری در تعداد و تنوع مواجه بود. پس از افول محسوس در این دوره که تحت تأثیر جامعه مدنی سنتی بوده است نقش تشکلهایی مانند کانون‌های صنفی بازار و خیریه‌ای وابسته به دولت و بنیادهای تازه تأسیس مانند بسیج کمک‌های مردمی در جنگ قابل توجه است. از همین رو به دلیل وقوع جنگ و موضوع تهدید خارجی حرکت‌های هیجانی انقلابی‌گری و حفظ بقا برای نظام سیاسی، جامعه مدنی منقبض‌ترین دوران خود را سپری می‌کند و به صورت خلاصه می‌توان گفت: گفتمان انقلابی‌گری که به توده به عنوان عامل اساسی در شکل‌بندی جامعه می‌نگرد گفتمان جامعه مدنی را به شدت به حاشیه می‌برد. با این وجود در ۱۳۶۰ قانون فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی و انجمن‌های مردمی در مجلس به تصویب می‌رسد (معماریان، ۱۳۸۲: ۲۹) پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، پایان جنگ، رحلت امام و آغاز دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی بیانگر آغاز دوران جدیدی در تاریخ انقلاب بود (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۵).

تحولات جامعه مدنی ایران در دوره سازندگی (۱۳۶۸ - ۱۳۷۶)

با پایان جنگ و آغاز دوران نوساز اقتصادی افزایش سطح درآمد سرانه و در نهایت فربه شدن طبقه متوسط اجتماع شهری در حوزه‌های زیر با رشد قابل توجه مواجه می‌شویم:

۱- فعالیت فزاینده تشکل‌های دانشجویی

۲- افزایش کمی و کیفی مکان‌های فرهنگی و اجتماعی

۳- گسترش فضاهای آموزشی

۴- گسترش کمی انجمن‌های علمی و تخصصی

گسترش و تاثیر گذاری بیش از پیش فضاهای آموزشی خصوصاً فراگیر شدن فعالیت دانشگاه آزاد اسلامی از اواسط دهه ۶۰ در سراسر کشور و تاسیس مدارس غیرانتفاعی در سال ۱۳۷۱ که بخش خصوصی برای اولین بار در کشور عهده دار آموزش دانش آموزان شد نیز در چارچوب تغییرات این دوره قابل بررسی است (معماریان، ۱۳۸۲: ۳۰).

اگرچه نوساز اقتصادی تا حدودی به باز شدن فضای عمل اجتماعی کمک می‌کرد اما از آنجا که موضوع جامعه مدنی و توسعه سیاسی در دستور کار دولت و دیگر کانون‌های قدرت در کشور قرار نداشت لذا دچار تحول مهمی نمی‌شود. البته در این مقطع علی‌رغم سبقت‌گیری توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی نوساز اقتصادی همراه با برخی پیامدهای آن نظیر جایگزین ساختن مدیریت علمی به جای مدیریت ارزشی زمینه را برای شکل‌گیری برخی سازمان‌های غیر دولتی مثل انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها به موزات انجمن اسلامی دانشجویان و حزب کارگزاران سازندگی در جامعه فراهم کرد؛ و حتی به علت شفاف نبودن مرزهای موجود هم در میان نخبگان و مخالفان اجتماعی و هم میان کارگزاران دولت وضعیت موجود به تنش‌های بعضاً حادی می‌انجامد. اعتراضات دانشجویی و از اواخر دهه ۷۰ فشار بر روی نویسندگان و فعالان سیاسی و ایجاد محدودیت در فضای دانشگاهی کشور از جمله اقداماتی است که در این دوره منازعات بسیاری آفریده و در دوره‌های بعد موجب چالش‌های فراوانی می‌شود (معماریان، ۱۳۸۲: ۳۱).

در دوره نوساز درآمد شهرداری‌ها افزایش می‌یابد. در این دوره شهرداری‌ها با ایجاد منابع مالی موجود از جمله فروش تراکم توانایی مالی زیادی برای خود کسب می‌کنند. این افزایش منابع مالی به دنبال خود تغییر

بافت مکان فرهنگی عمومی را به همراه آورد. انجمن‌های محلی در پی آن شرایط مناسب تری برای شکل‌گیری پیدا کردند. گرچه گام‌های نخست این رویکرد توسط شهردار وقت جامعه عمل پوشانده شد و لی در ادامه در دیگر شهرها الگو برداری شد. از ویژگی‌های جامعه مدنی در دوران سازندگی شکل‌گیری تشکلهایی است که در نهایت نوعی جامعه مدنی عاریتی را با خود به ارمغان آوردند. این تشکلهای که غالباً توسط خانواده‌های مسوولان و کارگزاران دولتی ایجاد شد در ظاهر مردمی و غیر دولتی ولی در منابع مالی و جهت‌گیری‌ها دنباله‌رو دولت بودند. آنان غالباً در این دوره در فضای بین‌المللی به عنوان نمایندگان جامعه مدنی ایران حضور پیدا کردند. در حالی که کمتر میان آنان افرادی را می‌توان یافت که واقعاً نمایندگی جامعه مدنی را عهده دار باشد. نحوه شکل‌گیری تشکلهای جامعه مدنی بدلی در ایران در سال‌های گذشته یکی از موضوعات مهمی بوده است که سمت و سوی جامعه مدنی در ایران را با چالش روبه‌رو کرده است. دولت نیز در مواقع لزوم با توجه به رویکردهای جامعه مدنی بدلی که در حقیقت دنباله‌رو خود اوست منابع و امکانات را به نام مردم و به نام سازمان‌های جامعه مدنی در اختیار این مجموعه قرار می‌دهد. هم‌اکنون در تهران بسیاری از سازمان‌های غیر دولتی با این ویژگی حضور دارند که به راحتی می‌توانند با دولت پروژه‌های مختلفی را به امضا برسانند و البته در سمینارهای دولتی شرکت کنند و حتی در برخی موضوعات حساس مانند حقوق بشر به فعالیت بپردازند. در مواردی هم که سازمان‌های جامعه مدنی با دولت اختلاف نظر دارند موضع‌گیری سازمان‌ها یاد شده عملاً به تقویت موضع دولت می‌انجامد نه سازمان‌های مردمی (همان: ۳۱).

در دولت اصلاحات (۱۳۷۶ - ۱۳۸۴) و پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ وضعیت شکل‌گرفت که گروه‌های محذوف اجتماعی و سیاسی را نیز به فعالیت‌های اجتماعی وادار کرد. فربه شدن طبقه متوسط شهری در این دوران با ایجاد شبکه‌های غیر رسمی انتقال دانش، معرفت و آگاهی‌های عمومی و با توجه به زمینه‌سازهای بوجود آمده در دوران نوساز و البته شرایط جدید بین‌المللی در حوزه ارتباطات دست به دست دادند تا پویای اجتماعی مشترکی با اصلاح‌طلبانی که خود از خانواده قدرت محسوب می‌شدند در این مرحله آنان را همراهی کنند. در این انتخابات جنبش‌های خرد و کلان اجتماعی با هم در نقطه پیوند خوردند و به صورتی اعتراض‌آمیز در انتخابات شرکت کردند: جنبش زنان، جوانان، ایرانیان خارج از کشور، سبزها، جنبش فرهنگی - قومی، حقوق محرومان اداری و حاشیه‌نشینان شهری از جمله این گروه‌ها بودند (همان، ۳۰).

استراتژی تقویت جامعه مدنی در زمان آقای خاتمی که با استقبال گسترده نخبگان و روشنفکران و البته مردم همراه بود بیشتر واکنشی به انحصار دولت بود که در سال‌های پیش از دو خرداد به صورتی رشدافته بود؛ یعنی اگر در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی تقویت جامعه مدنی و صنوف در اروپای شرقی نظام تحزبی روسی را به چالش می‌کشید و اگر در غرب همین موضوع باعث یافتن راهی برای جلوگیری از افزایش دامنه فردگرایی در جامعه گردید، تقویت جامعه مدنی در ایران پس از دوم خرداد اعتراض به نسبت میان دولت و حکومت و همچنین اراده برای تغییر وضعیت موجود و تحقق واقعی مفهوم شهروند بود تا بدین ترتیب حوزه عمومی از حوزه حکومتی که دخالت در همه امور را از وظایف خود می‌دانست جدا شود، حضور مردم را به صورت نظام مند در عرصه‌های مختلف در سال‌های پیش و بعد از انقلاب به صورت تزیینی درآورده بود و ارتباط حکومت با مردم جز همان ارتباط سنتی توده‌ای که در نمازهای جمعه تظاهرات دولتی بر له یا علیه این و آن و یا صندوق‌های رأی راه دیگری نداشت. به این موضوع در دوره نوساز به شدت دامن زده شده بود و همین موضوع نیروی محرکه زیادی را پس از بوجود آمدن نوعی فضای باز پس از دوم خرداد ایجاد کرد. اما پس از چندی، با بسته شدن مطبوعات آزاد، به زندان افتادن روزنامه نگاران، کشته و ناپدید شدن روشنفکران و نویسندگانی که آن‌ها را که موجب سرنگونی نظام قلمداد کردند و از این منظر به مخالفت جدی با آن پرداختند - برای مثال کی از افرادی که در این طبقه می‌گنجد می‌گوید: (... تمرین دموکراسی به قیمت از دست رفتن نظام است...). - درگیری‌های ایدئولوژی پیرامون مفهوم جامعه مدنی ادامه یافت.

فشارها از سوی کسانی که جامعه مدنی را مترادف فساد و تباهی جامعه و شکل‌گیری جامعه را به سبک غربی می‌دانستند آنچنان افزایش یافت که آقای خاتمی در سخنرانی مراد از (جامعه مدنی) (مدینه النبی) نامید تا فشاری را که در این مسیر به اصلاح طلبان از سوی مذهبی‌ها وارد می‌آمد خنثی کند. هرچند تلقی‌های بسیار متفاوت از این واژه هنوز هم رایج است اما در این زمان با فعال شدن شکاف‌های موجود و حمایت گروه کثیری از رأی دهندگان ایرانی از بخش انتخابی حکومت منجر به تقویت گروه‌های فشار شد. دقیقاً در این دوره است که گروه‌های فشار نه به عنوان بخشی از جامعه مدنی بلکه به عنوان اهرم کانون‌های قدرت به تحدید آزادی‌های موجود پرداختند. گروه‌های فشار اگرچه در دوران نوساز ی با آتش زدن کتاب فروشی‌ها و برهم زدن جلسات سخنرانی استادان دانشگاه و دگراندیشان حضور خود را در جامعه اعلام کرده بودند، اما در این دوران فعالیت خود را گسترده تر کردند و به تهدید نهادهای جامعه مدنی پرداختند. از سوی

دیگر احزاب در این سال‌ها همچنان انتخابات محوری خود را حفظ کردند و فراتر از گروه‌های فشار که تنها در زمان انتخابات به فعالیت می‌پردازند در اقدام وسیع صد حزب و تشکل مجوز فعالیت گرفتند. در این دوران سازمان‌های جامعه مدنی از جمله سازمان‌های غیر دولتی، خیریه‌ها و انجمن‌های علمی و تخصصی افق‌های جدیدتری پیش رو دیدند. برای مثال، هشتاد و ششمین شورای عالی اداری به ریاست رییس جمهور (۱۱/ ۱۲/ ۱۳۷۸) مصوبه‌ای را در خصوص فعالیت سازمان‌های غیر دولتی ارائه کرد. پس از آن در تدوین برنامه سه توسعه کشور نزدیبه ۱۰ ماده از ۱۹۸ ماده موجود در خصوص تشکل‌های مردمی و چگونگی فعالیت و اثبات و حمایت از آن‌ها بود. در مدت کمتر از سه سال تشکل‌های مردمی رشد کمی بسیارافتند تنها در بخش جوانان تا پایان شهریور ۱۳۸۲ خورشیدی ۱۵۰۰ سازمان غیر دولتی جوانان از سازمان ملی جوانان مجوز گرفتند که اگر تشکل‌های بدون مجوز آماده اخذ مجوز را به آن اضافه کنیم این عدد به نزدی ۲۰۰ گروه می‌رسد. این عدد در مورد سازمان غیر دولتی؛ زنان به ۳۳۰، محیط زیست ۴۸۰، انجمن‌های علمی ۱۱۴، انجمن‌های فرهنگی ۱۴۰۰ و صندوق‌های قرض الحسنه ۴۵۰۰ مورد رسید. علاوه بر تشکل‌های جوانان در سطح شهرها تشکل‌های دانشجویی نیز به شدت رشد و گسترش یافتند. رشد نشریات دانشجویی نیز در این دوران بی سابقه به شمار می‌رود. در این شرایط فعالان جامعه مدنی برآنند که موضوع اهمیت طراحی جامعه مدنی را در حوزه ساختارها، قوانین و زمینه‌های فرهنگی مورد توجه قرار دادند که برگزاری انتخابات شوراها از این دست اقدامات بود. برگزاری اولین دوره انتخابات شهر و روستا که ۴۰۰۰۰۰۰ منتخب را برای اداره امور شهر و روستا در اختیار مردم قرار می‌داد و البته از نقش دولت در این زمینه می‌کاست پس از ۲۰ سال که از آغاز انقلاب اسلامی می‌گذشت گامی مهم در جهت واگذاری مدیریت شهرها و روستاها به مردم به شمار می‌آمد (همان: ۲۸).

شوراهای اسلامی که بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵ در چهار رده شوراهای روستا، بخش، شهر و شهرشکل می‌گیرند به عنوان عمومی ترین نهاد مشارکت مردمی در سراسر کشور شناخته می‌شوند که به لحاظ گستردگی حضور در تمامی روستاها شهرها و شهرک‌ها وسیع ترین نهاد مدنی قانونی به شمار می‌روند. بر اساس اصل صد قانون اساسی هدف از تشکیل شوراها پیشبرد امور مردم از طریق همکاری خود آنان و نظارت بر چگونگی انجام این امور و عملکرد مسوولان اجرایی از طریق شوراهاست (عدنانی، ۱۳۷۷: ۳۵).

در حوزه تغییر قوانین سازمان‌های جامعه مدنی در پایان سال ۱۳۷۹ نیز ۳۳ نفر از فعالان سازمان‌های غیر دولتی برای تهیه پیش نویس قانون برای سازمان‌های جامعه مدنی برای اولین بار گرد هم آمده و طی ۲۰ جلسه پیش نویس مورد اشاره را تهیه کردند؛ اما پیش نویس مزبور که وضعیت صدور پروانه، فعالیت، نظرات، حقوق و تکالیف را تاحدودی مشخص می‌کرد سرانجام خوشی نیافت (معماریان، ۱۳۸۲: ۸۷).

با روی کار آمدن دولت اصول‌گرای نهم و دهم (۱۳۸۴-۱۳۹۲) وضعیت گذشته تغییر کرد و به اذعان اکثر کارشناسان و صاحب نظران سیاسی و اجتماعی با آغاز دولت نهم و کنار رفتن مساله جامعه مدنی و جایگزین شدن آن با گفتمان عدالت محور عرصه فعالیت نهادها و سازمان‌های مدنی بسیار تنگ شد و این نهادها همچون گیاه تازه جوانه زده‌ای پژمرده شدند. در دولت‌های نهم و دهم گفتمان عدالت محور سبب گردید تا جامعه مدنی جای خود را به جامعه توده وار و یا پوپولیستی دهد و در نتیجه نهادهای مدنی بسیار بیش از آنچه در گذشته درحقیقت اجحاف شد بود، به انزوا رفتند. در این زمان شرایط برای سازمان‌های غیر دولتی تا اندازه ای دشوار شد و در همه جا اخباری جز حاشیه نشینی و سرخوردگی این نهادها و تشکل‌ها به گوش نمی‌رسید و جالب این بود، برخی علت برخورد‌های این چنین با این نهادها را جلوگیری از سو استفاده برای اقدامات جاسوسانه می‌دانستند. اگرچه آماردقیقی از نهادهای مدنی در این سال‌ها در دست نیست اما از آنچه بدست آمده می‌توان اینگونه بیان کرد که بسیاری از نهادهای مدنی که پیش از این موجودیت داشتند در این سال‌ها برای تمدید مجوز اقدام نکردند مجوز قبلی آن‌ها تمدید نشد و اساساً، گروه‌های کمتری نسبت به ایجاد تشکل‌های جدید اقدام کرده‌اند (معماریان، ۱۳۸۲: ۸۸).

به مناسبت، به برخی از آمارها در این زمینه اشاره می‌گردد: مثلاً تعداد انجمن‌های صنفی که در دولت‌های نهم و دهم مجوز گرفته‌اند به ترتیب سال بدین شرح است:

سال ۸۴	سال ۸۵	سال ۸۶	سال ۸۷	سال ۸۸	سال ۸۹	سال ۹۰	سال ۹۱
۴ مجوز	۲۲ مجوز	۱۸ مجوز	۱۶ مجوز	۳۲ مجوز	۲۵ مجوز	۲۷ مجوز	۲۶ مجوز

مجوز صادر شده است که همین تعداد به نسبت سال‌های گذشته کاهش یافته است (وزارت کشور ۰۸ / ۱۳۹۲).

در زمینه اقلیت‌های دینی تعداد مجوزهای صادر شده بدین ترتیب هست:

سال ۸۴	سال ۸۵	سال ۸۶	سال ۸۷	سال ۸۸	از سال ۸۸ به بعد
هیچ پروانه‌ای صادر نشده	۶ مجوز	۱ مجوز	هیچ پروانه‌ای صادر نشده	۱ مجوز	هیچ مجوزی صادر نشده

اکثر اقلیت‌هایی که تا این سال پایان یافته دیگر نسبت به تمدید آن اقدام نکرده‌اند که تمامی مجوزهایی که در این ۸ سال صادر شده‌اند تنها ۱۵ درصد از مجوزهایی راتشکیل داده‌اند که در سال‌های پس از انقلاب صادر شده‌اند (وزارت کشور ۰۸ / ۱۳۹۲).

همچنین تشکل‌های سیاسی به ثبت رسیده در وزارت کشور در این سال‌ها به شرح زیر است:

سال ۸۴	سال ۸۵	سال ۸۶	سال ۸۷	سال ۸۸	سال ۸۹	سال ۹۰
۲ مجوز	۱۰ مجوز	۱ مجوز	۱ مجوز	۴ مجوز	۲ مجوز	۹۰ هیچ مجوزی صادر نشده

و در سال ۹۱، ۱ مجوز صادر شده که تنها ۹ درصد از تشکل‌های سیاسی پس از انقلاب در این سال‌ها از وزارت کشور مجوز گرفته‌اند (سایت وزارت کشور ۰۸ / ۱۳۹۲).

و اما تمامی انجمن‌های علمی شده در این سال‌ها ۳ انجمن هست که به سال‌های ۸۴، ۸۵ و ۸۹ تعلق دارند که تنها ۱۶ درصد از انجمن‌های علمی در سال‌های پس از انقلاب به این دوره تعلق داشته‌اند. (سایت وزارت کشور ۰۸ / ۱۳۹۲) با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید (دولت ۱۱ و ۱۲) بار دیگر به اهمیت نهادهای مردم نهاد پی برده شد؛ و بار دیگر امید به داشتن ایجاد جامعه مدنی و تأسیس سازمان‌های مردم نهاد به وجود آمد. از جمله این در این دوران منشور حقوق شهروندی تدوین شد. به گفته وزیر تعاون در دولت از ده حداقل ۴۰ درصد به تشکل‌های کارگری افزوده شده است و تا پایان سال ۹۵: دوازده هزار و هفتصد و هفتاد و چهار تشکل افزایش یافته است که نشان دهنده رشد حدودی ۱.۵ درصد است همچنین در ۴ ماهه سال جاری ۵۰.۷ درصد روند افزایشی داشته ایم در واقع در این ۴ ماه، سیزده هزار و سیصد و چهل و دو تشکل کارگری

افزایش یافته است. در تشکل‌های کارگری از ۷۳۰ انجمن صنفی در سال ۹۵ به ۱۴۰۴ انجمن رسیده ایم و از ۲۸۰۳۹ نماینده کارگری به ۶۴۰۷۰ نماینده کارگری دست پیدا کرده ایم (خبرگزاری موج، ۱۶ دی ۱۳۹۶).

به گفته مدیر کل آموزش مشارکت‌های مردم سازمان محیط زیست: رشد ۱۰۰ درصدی سمن‌ها (سازمان‌های مردم نهاد) را در حوزه محیط زیست در دولت‌از دهم و دوازدهم شاهد بوده ایم. و تاکنون ۸۰۰ سمن (سازمان‌های مردم نهاد) فعال در سراسر کشور به صورت رسمی و تخصصی فعالیت می‌کنند.

مفهوم اینترنت

دنيس مكوایل اینترنت را چنین تعريف می‌کند: نظام گسترده جهانی شبکه‌های به هم پیوسته که با استفاده از زیرساخت ارتباطات دور که در حال حاضر شمار زیادی از انواع مبادلات و ارتباطات کامپیوتری را پشتیبانی می‌کند و دربرگیرنده رایزنی بانک‌های اطلاعاتی، سایت‌ها و صفحه‌های وب، برهم کنش‌هایی به صورت گفتگو، پست الکترونی و انواع مختلفی از معاملات مالی و تجاری الکترونی است (مکوایل، ۱۳۸۰: ۵۵۸). به بیان دیگر اینترنت سامانه‌ای جهانی از شبکه‌های رایانه‌ای به هم پیوسته است که از پروتکل‌هایی مجموعه پروتکل اینترنت برای ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند؛ به عبارت دیگر اینترنت مجموعه‌ای از میلیون‌ها شبکه خصوصی، عمومی، دانشگاهی، تجاری و دولتی در اندازه‌های محلی و کوچک تا جهانی و بسیار بزرگ تشکیل شده است. اینترنت دربرگیرنده منابع اطلاعاتی و خدمات گسترده‌ای است که برجسته ترین آن‌ها وب جهان گستر و رایانه است. سازمان‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی و مؤسسات متعدد، نیاز مند دستیابی به شبکه اینترنت برای ایجادوبگاه، دستیابی از راه دور و یا انتقال پیام، و نیز خدماتی جدید همچون صدا روی پروتکل اینترنت تلویزیون پروتکل اینترنت ظهور کردند. انتشار روزنامه نیز به صورت وبگاه، و وب نوشت تغییر شکل داده است. اینترنت اشکال جدیدی از تعامل بین انسان‌ها را از طریق پیام رسانی فوری، تالار گفتگو و شبکه‌های اجتماعی به وجود آورده است. از نگاهی دیگر اینترنت مجموعه پایان ناپذیری از پایگاه‌های داده است که اطلاعات مختلف و متنوع فردی و جمعی انسان‌ها را در خود جمع آورده است و هرروز نیز گسترش می‌یابد. همین تعريف به خوبی فرصت‌ها و نیز تهدیدهایی را که در ورای آن نهفته است، نشان می‌دهد پتانسیل‌های مثبت و کاربردهای مفیدی که جنبه‌های گوناگون زندگی انسان را تحت تأثیر قرار

داده و تسریع، تسهیل و خلاقیت را برایش به ارمغان می‌آورد که این بخشی از توانایی‌های معجزه آسای این شبکه است اما روی دیگر سکه خطرات بالقوه آن است و از آنجاکه دانش فنی ساختار و عملکرد این شبکه چندان مخفی و دور از دسترس نیست این خطرات می‌توانند به خساراتی بزرگ مبدل شوند.

اینترنت سیستم عظیم و جهانی متشکل از انسان، اطلاعات و رایانه است. (عبادی، ۱۳۸۳:۵۷). فناوری اطلاعات به ویژه اینترنت، دربردارنده سخت افزار، نرم افزار، انسان افزار و شبکه افزار است که فرایند پویای اطلاعات، در قالب اثربخشی این فناوری امکان پذیر است (مدا، ۲۰۰۳). اینترنت انقلاب عظیم در دنیای ارتباطات است که مرز جغرافیایی نمی شناسد (لنر، ۲۰۰۱). هر چند که تعریف اینترنت به دلیل سیال بودن آن دشوار است (کاستیگن، ۱۹۹۹:۷۸). از نظر دیمیگو اینترنت شبکه‌های الکترونیکی از شبکه‌هایی است که خانه‌ها و دفاتر کاری را به‌کدیگر متصل می‌سازد و مردم از آن برای تبادل پست الکترونیک، مشارکت در فضاهای تعاملی گوناگون و مشاهده ی سایت‌های اطلاعاتی شبکه گسترده جهانی بهره می‌گیرند (دیمایو، ۲۰۰۳:۵۸).

در عصری که عصر فرا ارتباطات نامیده می‌شود، به سختی می‌توان منکر اینترنت به عنوان متغیری چنین قدرتمند در عرصه زندگی بشر شد. اگرچه بنا به تعریفی فناوری سازماندهی دانش برای مقاصد علمی به کار می‌رود (باتر، ۲۷، ۱۹۹۸). اما نباید زوایای منفی و ناهنجار آن را نادیده گرفت. امروزه رسانه‌های جمعی یکی از پیچیده ترین عناصر قابل طرح در انحرافات اجتماعی هستند. توسعه اینترنت فراهم کننده پشتوانه مادی مناسب برای گسترش فردگرایی شبکه‌ای به عنوان الگوی مسلط جامعه پذیری است (کاستلز، ۲۰۰۱:۱۳۱). اگرچه اینترنت امروزه مانند تلفن نیاز اساسی محسوب نمی‌شود، اما دارای خصوصیتی است که سبب جذب جوانان می‌شود (اسکینر، ۲۰۰۳:۳). و زمان زیادی نخواهد گذشت که اهمیت آن به اهمیت تلفن برسد (مکنا، ۲۰۰۰:۲۷).

دنيس مكوایل^۱ اینترنت را چنین تعریف می‌کند: نظام گسترده جهانی شبکه‌های به هم پیوسته که با استفاده از زیرساخت ارتباطات دور، شمار زیادی از انواع مبادلات و ارتباطات کامپیوتری را پشتیبانی می‌کند و دربرگیرنده بانک‌های اطلاعاتی، سایت‌ها و صفحه‌های وب، برهم کنش‌هایی به صورت گفتگو، پست الکترونیک و انواع مختلفی از معاملات مالی و تجاری الکترونیک است (مکوایل، ۱۳۸۰:۵۵۸).

^۱ Denis Mc-Quail

درواقع، اینترنت نامی برای سیستم گسترده و جهانی شامل مردم، اطلاعات و کامپیوترها ست. و در اینجا به برخی از ویژگی‌های آن اشاره می‌شود:

۱- تمرکززدایی

اینترنت سیستم ارتباط غیر متمرکز است. هر کس به اینترنت وصل است شبیه سیستم تلفن می‌تواند تماس برقرار کرده و پیام مورد نظرش را ارسال کند. حتی می‌تواند پیامش را برای دریافت کنندگان متعدد ارسال نماید. اینترنت همچنین در سطح تشکیلات بنیادین نیز غیر متمرکز هست چرا که شبکه از شبکه‌هاست (پوستر، ۱۹۹۵: ۹۵). تمرکز زدایی، نه تنها توزیع اطلاعات بلکه همچنین شیوه ارتباط را تغییر می‌دهد: ارتباط در اینترنت میان عده‌ای زیاد است و هر مصرف کننده اطلاعات همزمان تولید کننده اطلاعات نیز هست. بدین صورت است که اعمال قدرت بر روی یکی از مهم ترین منابع دموکراسی یعنی اطلاعات از طریق نهادهای متمرکز (حکومتی) به استفاده کنندگان فردی اینترنت منتقل می‌شود.

۲- تکه تکه بودن

اینترنت جوهرها ذات واحد نیست بلکه از صدها شیوه متفاوت انتقال اطلاعات و ارتباطات ساخته شده است و نه تنها تنوع تکنیکی بزرگ بلکه همچنین به لحاظ اجتماعی تنوع بی شمار در اینترنت وجود دارد. تارنماهای جهان گستر، تار نماهای گپ و گفتگو، گروه‌های خبری، پست الکترونیک سیستم‌های برگزاری کنفرانس و... امکانات تکنیکی‌ای است که در اینترنت برای برقراری ارتباط و مبادله اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد (شالکن، ۱۹۹۸: ۸۷).

۳- مجاز بودن

یکی از مفاهیم اصلی در جامعه معاصر متأثر از اینترنت، مجاز بودن و تغییر ماهیت زمان و مکان است. به واسطه وضعیت آن لاین، ارتباطات از فاصله زیاد و هم زمان ممکن می‌شود و این همزمانی و نزدیک سازی (برداشتن محدودیت‌های زمان و مکان) محدودیت‌های مرزی را بر می‌دارد. لذا قلمرویی که مردم در آن ارتباط برقرار می‌کنند و دست به کنش می‌زنند مجاز است زیرا مکان‌های اقامت در اینترنت در اساس مجاز است.

طبق نظر مک لوهان تکنولوژی ارتباطات جهان را به صورت دهکده جهانی در می‌آورد. امروزه در اینترنت نه تنها دهکده جهانی هستی یافته است بلکه تعداد زیادی از دهکده‌های جهانی اجتماعات مجاز به وجود آمده‌اند که فاقد محدودیت‌های زمانی و مکانی هستند (شالکن، ۱۹۹۸: ۷۸).

۴- جهانی بودن

در اینترنت موضوع یا رویداد که توجه افراد و گروه‌های وسیع انسانی را جلب می‌کند می‌تواند در دسترس همگان قرار بگیرد. چنان که حتی رسانه‌های خبری فراگیر نیز نمی‌تواند به این تعداد افراد دسترسی داشته باشند (مهدی زاده، ۱۳۸۳: ۷۵).

۵- تعاملی بودن

در حالی که ارتباطات توسط رادیو و تلویزیون سویه است، ارتباطات کامپیوتری دو یا چند سویه می‌باشد. افراد می‌توانند با استفاده از کامپیوتر با دیگران به طور مستقیم ارتباط برقرار کرده و ضمن کسب اطلاعات در مباحث عمومی نیز شرکت کنند. این کار با استفاده از ((مودم)) و خط تلفن امکان پذیر است. برای مثال بسیاری از صفحات اعلان کامپیوتری و سایت‌ها دارای امکان برگزاری نوعی کنفرانس در رابطه با مباحث سیاسی هستند به طوری که افراد می‌توانند عقاید و اندیشه‌های خود را منعکس نمایند و سایرین در صورت تمایل به آن‌ها پاسخ دهند. این وضعیت شکل جدیدی از تعامل و گفت و گوی عمومی را پدید می‌آورد (کلنر، ۲۰۰۳: ۵۶).

محیط‌های اینترنتی:

با توجه به ویژگی‌هایی که در محیط‌های اینترنتی وجود دارد، محیط‌های اینترنتی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد؛ تعاملی و شبه تعاملی:

محیط‌های تعاملی در اینترنت، به محیط‌هایی می‌گوییم که در آن کاربران می‌توانند ارتباط دو طرفه برقرار نمایند، مثل چت و ایمیل که جهت تأثیر این محیط‌ها بر ارزش‌های خانواده از تئوری کنش ارتباطی هابرماس و در زمینه تشکیل گروه‌ها در محیط‌های تعاملی اینترنت از تئوری کلی و ولخارت در زمینه تأثیر گروه می‌توان استفاده کرد.

محیط تعاملی اینترنت را می‌توان فضایی در نظر گرفت که کاربران به راحتی در آن به گفت‌وگو می‌پردازند چرا که فضای صمیمیت و ابراز احساسات در محیط‌های تعاملی اینترنت شکل می‌گیرد و کاربران از کدیگر تأثیر پذیرفته و نیازهای خود را باهم مطرح کرده، گروه‌ها می‌توانند مسائل و مشکلات خود را مطرح و انسان‌ها انرژی عاطفی خود را در این محیط‌ها مصرف نمایند که این تخلیه انرژی، احتمالاً بر ارزش و اهمیت خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر می‌تواند مؤثر واقع شود. (همان؛ ۵۷)

کلی و ولخارت^۱ دریافتند افرادی که از انگیزه بالایی برای حفظ عضویت در گروه برخوردارند، و بنابر این وابستگی بیشتری به تایید دیگران دارند، بعید به نظر می‌رسد که ارتباطات و پیام‌هایی را قبول نمایند که نقطه مقابل هنجارها و ارزش‌های گروه هستند. اعضا هرچه بیشتر مورد پذیرش گروه قرار بگیرند، احتمال تأثیر پیام بر گروه بیشتر است. مناظره گروهی نسبت به سخنرانی‌ها از اثر بخشی دراز مدت تری در تغییر نگرش‌ها برخوردار است. همچنین اگر این مناظره گروهی به طور آزادانه برگزار شود تأثیر بیشتری در اثر بخشی اعضا گروه خواهد داشت، بحث و مناظره آزاد در افکار و عقاید تغییر بیشتری به وجود می‌آورد. هر چه کاربر اینترنتی احساس کند که در محیط اینترنت بیشتر مورد پذیرش واقع می‌شود احتمالاً باعث خواهد شد که بر ارزش‌های خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر مؤثر واقع شود و همچنین هرچه کاربران بیشتر وارد بحث و مناظره گروهی شوند احتمالاً باعث مطرح کردن موضوعات خود در محیط‌های تعاملی اینترنت می‌شوند و کمتر مسائل خود را با خانواده مطرح می‌کنند و باعث کم اهمیت شدن ارزش خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر نزد فرد می‌شود. (همان؛ ۵۸)

^۱ Clay & Volkhart

محیط‌های شبه تعاملی در اینترنت:

محیط‌های شبه تعاملی، به محیط‌هایی می‌گوییم که کاربر نمی‌تواند در آن محیط‌ها ارتباط دو طرفه برقرار کند، مثل انواع صفحات وب در اینترنت که جهت تأثیر این محیط‌ها بر ارزش‌های خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر از تئوری‌های ارتباط جمعی استفاده می‌شود که البته ممکن است برای محیط‌های تعاملی نیز بکار رود (مقتدایی، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۲).

اینترنت در ایران

ایران در سال ۱۹۹۳ میلادی (۱۳۷۲ خورشیدی) به اینترنت متصل شد. از آن زمان تعداد کاربران اینترنت در ایران روند فزاینده‌ای داشته است. بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی وزارت ارتباطات بر اساس محاسبه مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت (متما) ضریب نفوذ اینترنت در کشور در سه ماه نخست ۱۳۹۳ عدد ۸۲/۱۲ درصد است که بر مبنای سرورهای اینترنتی ارائه شده محاسبه شده است. در این محاسبه تعداد کاربران اینترنت در سه ماهه نخست آن سال شصت و میلیون و هفتصد و نه هزار و نهصد و بیست و نه نفر و تعداد کل مشترکان اینترنت در کشور بر مبنای جمعیت هفتاد و پنج میلیون و صد و چهل و نه هزار نفر ۲۷۹ نفر ادغام شده است. در گزارش ضریب نفوذ اینترنت در ایران بیشترین اتصالات کاربران ایرانی مربوط به اینترنت تلفن همراه است و پس از آن اینترنت ADSL^۱ بیشترین کار را به خود اختصاص داده است. بر این اساس ضریب نفوذ اینترنت ADSL در کشور به ۲۲/۰۷ درصد و ضریب نفوذ اینترنت تلفن همراه با توسعه G در کشور به ۶۷/۲۸ درصد رسیده است که نشان می‌دهد حداقل بیست و نه میلیون ایرانی متصل می‌شوند. برآوردها از سایر شاخص‌های اتصالات در کشور نشان می‌دهد که همچنان شش میلیون و نهصد و سی و چهار هزار و هفتصد و شصت نفر در ایران از طریق تلفن دایال آپ به اینترنت متصل می‌شوند (گروه مولفان، ۱۳۹۵).

^۱ ADSL

شبکه اجتماعی ساختاری اجتماعی است متشکل از گره‌هایی^۱ که عموماً این گره‌ها فردا سازمان هستند که به واسطهٔ انواع پیوندها و وابستگیها مانند اشتراک در ایده‌ها و ارزشها، تبادلات مالی، دوستی‌ها، خویشاوندی، لینک‌های وب، اشتراک بیماری‌ها (اپیدمولوژی) به هم متصل‌اند. شبکه‌های اجتماعی، در واقع محصول تعامل تعدادی از بازگران اجتماعی هستند که هراز این بازگران ممکن است فردا گروه سازمان باشند و هراز این بازگران، اصطلاحاً گره‌ای در شبکه بزرگ را تشکیل می‌دهند که با گره‌های دیگر در ارتباط بوده و می‌توانند با یکدیگر پیام‌هایی را رد و بدل کنند. (احمدی؛ ۱۳۸۵: ۲۵) در حال حاضر، اینترنت مجال شکل‌گیری اجتماعات جدیدی فراهم کرده است و این شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، در عین حال که فضاهایی هستند که در آن‌ها افراد دوستان جدیدی پیدا می‌کنند و یا دوستان قدیمی را در جریان تغییر و تحولات زندگی خود قرار می‌دهند، مکان‌هایی نیز برای تبادل نظر هستند که در آن‌ها جوانان عقاید و نظرات خود را با هم به اشتراک می‌گذارند. این قابلیت که شخص بتواند با افرادی از جوامع دیگر ارتباط برقرار کند باعث شده تا این شبکه‌ها به مکانی تبدیل شوند که در آن‌ها ایده‌های جدید معرفی و مورد بحث قرار گیرند. شبکه‌های اجتماعی فضاهایی هستند که بر محور علایق، ارزش‌ها، ایدئولوژی و نوستالژی مشترک شکل می‌گیرند و باید میان شبکه‌های اجتماعی در فضای واقعی با شبکه‌های اجتماعی در فضای مجاز تفاوت قایل شد زیرا در شبکه‌های اجتماعی مجاز روابط چهره به چهره شکل نمی‌گیرد (ادی و الیسو، ۲۰۰۷: ۸۲). در تعریفی دیگر، شبکه اجتماعی اینترنتی، شبکه‌ای است که جامعه‌ای مجاز را برای افراد علاقه‌مند به موضوعات خاص تنها به ارتباط با دیگر اعضا از طریق ایجاد نمایه‌ای شخصی روی شبکه با داده‌هایی که مرتبط با تاریخچه زندگی اعضا و اطلاعات شخصی آن‌ها، تصاویر، علایق و مواردی که از آن‌ها تنفر دارند و از هرگونه اطلاعات دیگری که کاربران برای ارسال از طریق صدا، پیام فوری، ویدئو کنفرانس و وبلاگ‌ها انتخاب کرده‌اند فراهم می‌آورد شبکه‌های اجتماعی متشکل از افراد (یا سازمان‌ها) هستند که توسط کاربران با چند نوع علاقه خاص به هم گره خورده‌اند. وابستگی‌هایی مثل دوستی خویشاوندی منافع مشترک تبادل مالی علاقه خاص به موضوع باورهای مشترک دانش و هنر و... تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی و تحلیل تئوری‌های موجود نشان می‌دهد که اصلی‌ترین نکته در هر شبکه‌ای روابط است و از آنجا که درون فهم این روابط در سطح و گستره شبکه

^۱ Nodes

بسیار مشکل و غیر ممکن است تحلیل شبکه‌های اجتماعی نیز کاری بسیار دشوار می‌نماید. شبکه‌های اجتماعی در بسیار از سطوح فعالیت می‌کنند از خانواده تا سطح کشورها و بین الملل و نقش مهمی در تعیین راه حل مشکلات ایجاد آن‌ها دارند. جامعه مجاز در ساده ترین شکل آن بستری است برای ایجاد روابط مشخص مانند دوستی بین گروه‌هایی که به افراد متصل هستند در نتیجه ارتباطات اجتماعی از آن فرد به شبکه و از شبکه به کل افراد سرایت می‌کند. (همان؛ ۲۶)

تجزیه و تحلیل شبکه اجتماعی به عنوان تکنیک کلیدی در جامعه شناسی مدرن پدید آمده است. به اعتقاد کاستلز شبکه‌های اجتماعی محصول همگرایی سه فرآیند تاریخی مستقل هستند:

۱- انقلاب اطلاعات

۲- تجدید ساختار سرمایه داری و اقتصاد متکی به برنامه ریزی

۳- نهضت‌های فرهنگی دهه ۱۹۶۰

تاریخچه شبکه‌های اجتماعی

نخستین بار مفهومی با عنوان شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در سال ۱۹۶۰ در دانشگاه ایلی نویز در ایالت متحده آمریکا مطرح شد اما بعدها در ۱۹۹۷ نخستین سایت شبکه اجتماعی اینترنتی به آدرس (SixDegrees. Com) راه انداز گردید. این سایت به کاربرانش اجازه ایجاد پروفایل می‌داد تا بتوانند لیستی از دوستانشان ایجاد کنند. البته این سایت در کار خود موفق نبود و بعد از سه سال متوقف شد. بعد از انفجار مرکز تجارت جهانی، دو شبکه اجتماعی اورکارت و لینکد این تاسیس گردید که باعث شکوفایی وب سایت‌های شبکه‌های اجتماعی در اینترنت شد. در سال ۲۰۰۴ سایت‌های شبکه اجتماعی اورکات با هفت میلیون کاربر صاحب بیشترین کاربران در این حوزه بود. در همین سال شبکه اجتماعی فیس بوک توسط مارزو کربرگ در خوابگاه دانشگاه هاروارد راه انداز شد. سال ۲۰۰۶ سال گسترش روزافزون کاربران و باز دیدکنندگان وب سایت‌های شبکه‌های اجتماعی بود. در این سال دسترسی عمومی مردم به فیس بوک آزاد شد. زیرا در دو سال قبل این سایت تنها به صورت پایلوت در دانشگاه هاروارد استفاده می‌شد همچنین توییتر نیز در این سال پا به عرصه وب سایت‌های اجتماعی گذاشت. در سال ۲۰۰۸ فیس بوک ایجاد صفحات اصلی وب

سایت خود به زبان‌های مختلف موجب رشد چشم‌گیر کاربران و کاربری سایت خود شد. بعد از راه‌انداز فیس بوابتدا اکثر دانشجویان هاروارد و بعد از آن بسیاری دنیا و بزرگ‌ترین چهره‌های جهانی و جمعیت بسیار زیادی از مردم سرتا سر عضو این شبکه اجتماعی هستند. در ایران، شبکه‌های اجتماعی به طور گسترده با اورکات^۱ رواج پیدا کرد و آنقدر سریع رشد کرد که بعد از برزیل و آمریکا ایران سومین کشور حاضر در استفاده از این شبکه اجتماعی شد. از انواع شبکه‌های اجتماعی می‌توان به توییتر، فیس بوک، لینکدین، پین ترست، وتیوب و آپارات، گوگل پلاس، اینستاگرام، تامبلر، فوراسکوئر، فیس نما، کلوب و... اشاره کرد. (همان؛ ۲۷)

مفهوم نگرش

پژوهشگران جامعه‌شناسی و روانشناسی واژه نگرش را مناسب‌ترین معادل (اتتیود)^۲ معرفی کرده‌اند؛ اما از سوی دیگر معادل‌های متعددی همچون طرز تلقی، وجه نظر، هیات روانی، طرز فکر، شیوه رفتار و... نیز برای این واژه مورد استفاده قرار گرفته است. نگرش‌ساز فرضی است زیرا به صورت مستقیم قابل مشاهده نیست بلکه بیشتر با اظهارات کلامی و رفتاری همراه است (کریمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۹۳).

ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی‌ها برای عمل نسبت به چیز معین را نگرش شخص نسبت به آن چیز معین می‌گویند (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۹۵).

اکثر روانشناسان اجتماعی واژه نگرش را این‌گونه تعریف می‌کنند: نگرش نظامی بادوام است که شامل عنصر شناختی، عنصر احساسی و تمایل به عمل است. عنصر شناختی شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره شکلی از اندیشه است. عنصر احساسی عاطفی آن است که معمولاً نوع احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد شود (همان؛ ۳۰).

نگرش‌ها بر سه دسته‌اند:

الف) نگرش‌های مبتنی بر شناخت: اگر ارزیابی فرد بیش از هرچیز مبتنی بر باور او در مورد خصوصیات موضوع نگرش باشد (ارونسون و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

^۱ Orkut

^۲ Attitude

ب) نگرش‌های مبتنی بر عواطف: نگرشی که بیشتر مبتنی بر هیجان‌ها و عواطف‌ها باشد تا برارزشیابی عینی مزایا و معایب نگرش مبتنی بر عواطف خوانده می‌شود (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۹۶).

ج) نگرش‌های مبتنی بر رفتار: در واقع مشاهده چگونگی رفتار فرد است نسبت به موضوع نگرش. بنابر تئوری ((ادراک خویشتن)) تحت شرایط خاص فرد نمی‌داند چه احساسی نسبت به موضوعی دارد آنکه رفتار خود را نمی‌تواند نسبت به آن موضوع ببیند. افراد تحت شرایط خاص نگرش خود را از رفتارهای خویش استنتاج می‌نمایند (ارونسون و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

به بیان دیگر نگرش عبارت است از ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران اشیا و گروه‌های مختلف به شیوه مثبت یا منفی نگاه کند. نگرش‌ها ارزیابی از اشیا را خلاصه می‌کنند و در نتیجه پیش‌بینی هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را برعهده می‌گیرند (گنجی، ۱۳۸۰: ۶۶).

نگرش را می‌توان بر حسب نظریه‌ها یادگیری و رویکرد شناختی تعریف کرد. در هریاز این نظریه‌ها مفهوم نگرش به گونه‌ای متفاوت تعریف می‌شود و هریاز جنبه‌های متفاوت نگرش را مورد تاکید قرار می‌دهد. گوردون آلپورت (۱۹۳۵) نگرش را چنین تعریف کرده است: نگرش حالت آمادگی ذهنی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان می‌یابد و بر واکنش فرد نسبت به تمامی موضوع‌ها و موقعیت‌های وابسته به نگرش تاثیر مستقیم و پویا برجای می‌گذارد (سیزر و همکاران، ۱۹۹۱: ۴۱۳). در این تعریف که عمدتاً بر نظریه یادگیری استوار است تاثیر تجارب گذشته بر سازمان دادن به نگرش‌ها و همچنین نشان دادن واکنش به موقعیت (آن گونه که در رویکرد رفتارگرایی مطرح است) مورد توجه قرار گرفته است (پاشا شریفی، ۱۳۸۱: ۴۱۳).

از سوی کرج و کراچفیلد (۱۹۴۸) که عمدتاً دیدگاه شناختی داشتند نگرش را این گونه تعریف کرده‌اند: نگرش عبارت است از سازمان پایدار فرایندهای انگیزشی، عاطفی، ادراکی و شناختی در ارتباط با برخی از جنبه‌های دنیای فرد، ملاحظه می‌شود که در این تعریف به خاستگاه نگرش اشاره ای نشده و در عوض تجربه ذهنی زمان حال مورد تاکید قرار گرفته است (سیزر و دیگران، ۱۹۹۱: ۴۱۳).

در تعریف ماکس وبر، کنش در صورتی اجتماعی است که فرد یا افرادی که رفتار می‌کنند برای آن معنای ذهنی خاصی قائل شوند، رفتار متقابل دیگران را مد نظر قرار دهند، و در جریان رفتار خود از آن متأثر شوند. این تعریف کوتاه به ما امکان می‌دهد تا برای مشخص کردن خصوصیت اجتماعی کنش سه معیار را در نظر بگیریم: نخست آن که اشخاص باید رفتار دیگران و همچنین حضورا وجود دیگران را در نظر داشته باشند. دومین معیاری که ماکس وبر برای کنش اجتماعی مشخص می‌کند معیار معنا دار بودن است. سومین معیار در تعریف وبر دلالت بر آن دارد که رفتار اشخاصی که در کنش اجتماعی دخالت دارند باید تحت تأثیر ادراک آنان از معنای کنش دیگران و کنش خاص خودشان قرار گیرد (گی روشه؛ ۱۳۸۷: ۲۶-۲۹).

نزد دورکیم کنش اجتماعی شامل چگونگی عمل تفکر و احساس است که خارج از فرد بوده و دارای قوه اجبار و الزام است و به برکت آن خود را بر فرد تحمیل می‌کند. دورکیم خصوصیات کنش اجتماعی را در واقعیت‌های خارجی بیرون از اشخاص می‌داند که آن‌ها را ملزم می‌کند. دورکیم دو معیار عینی برای تعیین خصوصیات اجتماعی کنش اجتماعی به کار می‌گیرد: یکی معیار بیرونی بودن (حالت‌های عمل، تفکر و احساس) در رابطه با اشخاص، و دیگری معیار جبر و فشاری که اشخاص تحمل می‌کنند (همان؛ ۱۳۰).

وبر انواع کنش انسانی را در چهار دسته طبقه بندی کرده است:

۱- کنش عقلانی معطوف به هدف، عملی که هدف‌ها مشخص و روشن بوده و وسایل نیل به هدف‌ها به طور صحیح و مناسب انتخاب شود. کنش عقلانی هدفمند با این واقعیت مشخص می‌شود که کنشگر تصور روشنی از هدف خود دارد و از وسایل مناسب برای رسیدن به آن استفاده می‌کند و وسایل را طوری انتخاب می‌کند که به آن هدف برسد. به سخن دیگر وبر عقلانیت را بر حسب اطلاع و دانش و معرفت کنشگر تعریف می‌کند و نه معرفت مشاهده گر (آن گونه که پارتو در مورد عمل منطقی تعریف می‌کند).

۲- کنش عقلانی معطوف به ارزش، عینی عملی که مطابق با معیارهای ارزشی آگاهانه است. این گونه کنش به گفته ریمون آرون عقلانی است نه به این علت که درصدد نیل به هدف خارجی معین است بلکه از آنرو که کنشگر در ارزش‌های خود پایدار است.

۳-کنش عاطفی، تحت تأثیر حالت روحی وضع روانی و احساسی فرد صورت می‌گیرد و نه در ارتباط با سنجش و انتخاب معقولانه وسایل و هدف‌ها. در این گونه کنش، عمل نه در ارتباط با هدف نظام ارزش‌ها بلکه در ارتباط با واکنش احساسی کنشگر که در وضعیت معینی قرار گرفته تعریف می‌شود.

۴-کنش سنتی، مشروعیت خود را از سنتها می‌گیرد و از اعتقاداتی که جز عادت و طبیعت ثانوی شده است. به طور که برای عمل برطبق سنت کنشگر نیاز به تصوره‌هدف آگاهی از ارزش احساسی آنی که آن را برانگیزد ندارد. البته ممکن است عمل ترکیبی از دونوع کنش باشد (صبوری، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۷).

کنش معقول معطوف به ارزش‌ها رفتاری است که مجموع هنجارها و قواعد نظام را مد نظر دارد. زیرا کنشگر تصور می‌کند مراعات آن‌ها بهترین استراتژی یا خط مشی است که برای موفق شدن باید دنبال کند. کنش معقول معطوف به هدف، رفتار شخصی است که به شیوه گزینشی محاسبه می‌کند که به هنجارها سرفرود آوردیا از آن‌ها سرپیچی نماید. در این حالت رفتار معقول برمعیارها معقولی استوار است که باید آن‌ها را کشف کرد (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۷: ۲۷۶ - ۲۷۷).

از دیدگاه میشل کروزیه کنشگر اجتماعی رفتار معقولی دارد. مفاهیم عمده رفتار معقول عبارت اتد از: فرجه آزادی عمل، محاسبه سود و زیان، استراتژی عقلانیت (محدود)، داوری طرح و قواعد بازی درنظر میشل کروزیه هر فردی ازفرجه آزادی عمل برخوردار است که به او اجازه می‌دهد که میان چند راه انتخاب کند. همچنین او مغزی دارد که می‌تواند مناسب ترین راه حل را برای طرحش محاسبه کند. درنتیجه رفتارش باید در درون استراتژی منطقی که عقلانیت (محدود) آن نسبت به داوری‌هایا طرح‌هایش و نسبت به قواعد بازی و بالاخره نسبت به برگ‌های برنده‌ای که در اختیار دارد تعریف شود. بنابر این میشل کروزیه برهم کنشی میان (فرد - کنشگر) و سازمان را به عنوان بازی که در آن هر (کنشگر - بازیگر) سعی می‌کند بردش را به حداکثر و باختنش رابه حداقل برساند و این خود از خصوصیات رفتار منطقی است مطرح می‌کند (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۷: ۲۷۴).

۳-۲. نظریه‌ها و تئوری‌های تحقیق

در این بخش به نظریه‌ها و تئوری‌های مربوط به موضوع تحقیق پرداخته و تلاش می‌شود تا رابطه بین اینترنت و جامعه مدنی از دیدگاه نظریه پردازان معاصر درعلوم اجتماعی مورد بررسی قرارگیرد. نظریه‌های

ارائه شده در بردارنده چند محور کلی است که شامل موضوعاتی چون نگرش، کنش جمعی، ماهیت رسانه‌های نوین و تاثیرات رسانه‌ها بر رفتار و اعمال مخاطبان می‌گردد.

۱-۳-۲. نظریه‌های کنش اجتماعی

۱. تحول فضای کنش اجتماعی

به نظر دانیل بل، ما در حال ورود به نظامی نوین مرکب از جامعه‌هایی جدید هستیم. این جوامع به صورت ریشه‌ای از هم گسسته‌اند؛ یعنی برای هر کدام قلمروهای مستقلی وجود دارد و درزمینه ساخت‌های اجتماعی، حکومتی و فرهنگی نسبت به هم آزادی عمل دارند، به طوری که نمی‌توان فرض کرد رخدادی در قلمرو، لزوماً دیگر قلمروها را شکل می‌دهد (بل، ۱۹۷۶: ۳۲۹).

جهان جدید با حضور نامرئی خود، مفاهیم پایه‌های زندگی بشریت را تغییر می‌دهد. به تعبیر بودریار، در این دنیای نوین به جای تجربه مستقیم و شناخت مصداق‌های عینی یا متداول‌رویداد، نگاره‌ها یا معنی دهنده‌ها به جای آن می‌نشینند و به جای صفحه و آینه (باز تاب دهنده) صفحه و شبکه وانموده و فراواقعیتی به نام «وانمایی» جایگزین شده است (ساراپ، ۱۳۸۲: ۲۲۲). در واقع، در وجد و خلسه ناشی از ارتباط زندگی می‌کنیم. در این وضعیت، فضای عمومی به نحوی در حال ناپدیدشدن است.

هم زمان با از دست رفتن فضای عمومی به نحوی ظریف، محدوده خصوصی هم از بین می‌رود. عملکردهای رسانه‌ای درک ما را از فضا و زمان بازسازی کرده‌اند. به زبان دانیل بل، در چنین وضعیت اجتماعی‌ای، «نظام ارزشی عمومی» که زمانی بر کل جامعه تسلط داشت، اکنون فروپاشیده. (بل، ۱۹۷۶: ۱۲) که این باعث فروپاشی روحیه فرهنگی و الزام‌های ساختاری جامعه شده است. همان‌طور که ذکر شد، همین تحول ساختاری ژرف و گسترده و همه‌جانبه، بازاندیشی مفهوم جامعه را از نظر معرفت‌شناسی با منظر و انگارش تئوری انتقادی به‌ضرورت بدل کرده است.

امروزه، شبکه‌های نوین مجازی تجربه‌هایی از فرهنگ غیرخودی را به دم دست‌ترین نقطه زیست هر انسان آورده و از درون، چشم اندازه‌ها و منظرهای آنان را تحت تأثیر فرآورده‌های خود قرار می‌دهند و نظام دانایی و شناختی آنان را خدشه‌دار می‌کنند. در نظام نوین اجتماعی، پس از رسانه‌ای شدن چت‌روم‌ها یا میدان‌های چندکاربردی مجازی به مثابه شبکه‌های اجتماعی پرتطرفدار، مرزهای تازه‌ای در شکل‌گیری خرده‌فرهنگ

ها، ارزش و هویت‌های شخصی ایجاد شده است. می توان گفت شبکه‌های اجتماعی نوین به علت دارا بودن خصلتهایی مانند گمنامی، سرعت ارتباطات و سیال بودن، پیامدهای گسترده ای بر روابط جنسیتی، الگوهای ارتباطی، دوست یابی و تقویت نوعی روابط و نظام کنش اجتماعی غیر وابسته به زمان و مکان داشته‌اند. فضای رسانه ای و شبکه‌های اجتماعی نوین صورت بندی‌های جدید مشارکت‌های اظهاری و عاطفی را جایگزین صورت بندی‌های مرسوم مشارکت‌های اجتماعی کرده است؛ حتی، شکل و ماهیت ارضای روانی-کارکردی انسان‌ها را هم به سوی نوعی تغییر، انزوا و موزاییکی و قطعه قطعه شدن برده است (ذکایی، ۱۳۸۳: ۲-۳). این وضعیت باعث به وجود آمدن نوعی بیگانگی اجتماعی و احساس بی هویتی تاریخی به عنوان مسئله اجتماعی شده است. در نظریات جامعه شناختی کلاسیک، نظریه پردازانی مانند امیل دورکیم^۱ و سیمن^۲ معتقد به تفکیک بیگانگی اجتماعی و شخصیتی بودند و مبنای این تقسیم بندی به میزان افزایش و کاهش بیگانگی بستگی داشت: اگر بیگانگی زیاد باشد، در ارتباط با نظام کنش اجتماعی توضیح و تبیین داده می شود، ولی اگر بیگانگی کم باشد، در ارتباط با مسئله شخصیتی عامل انسانی معنادار تلقی می شود. اما، در جهان رسانه ای شده و درهم آمیخته، لازم است مرز این تفکیک را کمرنگ در نظر گرفت و به نوعی از هم زمانی هر دو نوع اختلال در ساخت نظام اجتماعی و نظام ارزشی و کنشی شخصی سخن گفت. به عبارتی، ساحت معنایی کنش اجتماعی در سه سطح ایستاری (شناختی و ارزشی)، کنشی (هنجاری و رفتاری) و نمادی (نشانه و انگاره) دچار تحول و تغییر گردیده است (راجرز و فلوید، ۱۳۷۶: ۱۱۴). این تغییرات معنایی و کارکردی که در فضای پایش‌های اجتماعی جهان رسانه ای شده به وجود آمده، عملاً ضرورت باز نگری نوین را به مفهوم کنش اجتماعی ایجاد کرده است.

جامعه شبکه ای اشکال نوین و بدیعی را از تغییر صور تبندی‌ها و مناسبات اجتماعی خلق می کند، زیرا برای بیشتر افراد و گروه‌های اجتماعی، جامعه شبکه ای بر مبنای جدایی نظام مند از هنجارهای رسوخ یافته اجتماعی است. بنابراین، می توان گفت شبکه‌های اجتماعی نوین (پسارسانه ای) به مثابه بستر اجتماعی، آکنده از «فرصت و تهدید» هستند؛ آکنده از «آنومی» اجتماعی و همژمونی اجتماعی است؛ و کنشگران اجتماعی رادر نظام کنش اجتماعی، با نوعی نظم در بی نظمی مزمن و تیرگی و خاکستری سازی نقش‌ها

^۱ Emaildurckheim

^۲ Seaman

روبه رو کرده است. در بخش پایانی و نتیجه گیری، به نوعی از نظام کنش اجتماعی انسان ایرانی در فضای رسانه ای شده می پردازیم و با نگاه پاتولوژیک، مسائل انسان ایرانی را واکاوی می کنیم.

۲ . نظام نوین کنش اجتماعی

در این رویکرد، سخن از شکل گیری نوعی کنش و کنشگران اجتماعی است که از رهگذر فرآیند فعال سازی، با خصلت و استعداد مکان زدایی شده، وفاداری زدایی شده، الگوزدایی شده، رهایی یافته از سلسله مراتب تباری، شبکه ای شده همپوش و متقاطع، همنشین شده با «دگرهای غایب» فضای عمومی تخلیه معنایی شده، موقتی و متغیر شده و فردی شده، هویت «خود» را تعریف و باز تعریف می کند.

بنابراین، در چنین جهانی، به جای استعاره «برادر بزرگ» اورول، که بر همه تسلط دارد، اکنون همه اقلیتها، حاشیهها، بی تاریخها، ریخت زدایی شدهها با گسترش پیوسته ارتباطات از انگاره انقیاد و انگاره دیوار رهایی یافته و به تعبیر واتیمو، «متکثر سازی ظاهراً غیر قابل مقاومت» اتفاق افتاده است (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۵۹). همان طور که تاجیک می نویسد، رسانهها به مثابه زبان گویا و کنترل ناپذیر عصر ما، نه مرز زمانی می شناسند نه مرز جغرافیایی و نه مرز گفتمانی، فرهنگی و تمدنی. افزون بر این، به علت خاصیت اکولوژیک خود، نه تنها قادر به فضا سازی سریع، بلکه قادر به دگرگون کردن سریع همه چیز هستند (تاجیک، ۱۳۸۸: ۵۱). در چنین فضای شبکه ای شده ای، نظام ارزشها و زیر ساختهای هویت خود را نمی شناسند؛ با ایستایی، ماندگاری و اقامت دایم «در خود» و «با خود» بیگانه هستند. امروزه، شبکههای متعدد رسانه ای در جان جهان انسانها از جمله انسان ایرانی حضور دارند، چشم اندازها، منظرها، سبک، ذائقه، نظام معنایی و رژیم حقیقت آن را مورد سؤال قرار داده است. بحران ناکارآمدی مبتنی بر نشانههای منزلت و اعتبار، نشانههای از و برای خود، نشانههای زیبایی شناختی را همنشین منش روحی و روانی آن کرده است.

۲-۳-۲. نظریه‌های مرتبط با نگرش

دیدگاه فیشن‌باین و آیزن

فیشن‌باین و آیزن؛ دو نظریه را در ارتباط با نگرش مطرح می‌کنند یکی؛ نظریه عمل مستدل و دوم؛ نظریه رفتار برنامه ریزی شده، که به اجمال در اینجا بدانها اشاره می‌شود:

این نظریه را که فیشن‌باین و آیزن^۱ ارائه کرده‌اند. بدین صورت است که رفتار ناشی از مجموعه عواملی است که پس از قصد و نیت فرد برای انجام آن بروز می‌کند. و قصد و نیت فرد تابع دو متغیر گرایش به سوی آن رفتار و هنجارهای ذهنی فرد است. متغیر نخست؛ آمادگی فرد برای ارزیابی رفتار و تعیین خوب یا بد بودن آن را نشان می‌دهد و متغیر دوم؛ نشانگر سوگیری جامعه و فشار اجتماعی است که فرد برای رفتار خود پیش‌بینی می‌کند. در شرایطی که گرایش‌ها و هنجارها هر دو رفتار را تاییدکنند قصد و نیت برای انجام آن افزایش خواهد یافت ولی زمانی که گرایش‌ها و هنجارها همسو نباشند قدرت نسبی یکی از این دو در مقابل دیگری تعیین‌کننده رفتار فرد خواهد بود. در این نظریه گرایش فرد نسبت به رفتار تحت تأثیر دو عامل انتظار و فایده قرار دارد.

قصد و نیت رفتار ← انتظار فایده ← ارزیابی فایده ← گرایش

بر اساس این نظریه و در تحلیل موضوع این پژوهش این گونه استنباط می‌شود که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز گرایش به رفتار مدنی افراد را جهت می‌دهند و این رسانه‌ها هنجارهای ذهنی فرد را جهت پدید آمدن تغییر در جامعه موجب می‌شوند به این بیان که افراد پس مواجهه با این رسانه‌ها قصد و نیت به انجام کنش می‌کنند و به ارزیابی فایده از محتوای این رسانه‌ها پرداخته و به سمت ایجاد جامعه مدنی می‌نمایند.

۲ - نظریه رفتار برنامه ریزی شده

علاوه بر نظریه قبلی یکی از مشهورترین نظریه‌ها در مورد اینکه چگونه نگرش‌ها می‌توانند رفتار عمدی را پیش‌بینی کنند نیز متعلق به آیزن و مارتین فیش باین معروف به نظریه رفتار برنامه ریزی شده است (آیزن و فیش باین، ۱۹۸۰: ۶۳).

^۱ Fichen bain & Aisen

طبق این نظریه، افراد درباره آنچه با آن مواجهه و روبه رو می‌شوند اندیشه می‌کنند و نگرش و اندیشه آن‌ها پیش بینی کننده رفتار آن‌ها ست. و از روی نگرش افراد می‌توان رفتار آنها را پیش بینی کرد. علاوه بر سنجش نگرش‌ها نسبت به رفتار ما نیاز داریم که هنجارهای ذهنی افراد و باورهای آن‌ها درباره نحوه شیوه رفتار آنها را مورد بررسی قرار دهیم. برای مثال شخصی که می‌خواهد به کنسرت موسیقی کلاسیک برود و اگر بدانیم که نگرش وی به این عمل منفی است؛ و از موسیقی کلاسیک بدش می‌آید بنابر این احتمالاً خواهیم گفت که او به این کنسرت نخواهد رفت اما اگر بدانیم که او عاشق موسیقی کلاسیک است ممکن است پیش بینی ما در اینکه او به کنسرت خواهد رفت یا نه، فرق کند (قوچانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶).

هنجارهای ذهنی ← باورهای رفتاری ← نگرش ← کنش

بر اساس این نظریه، باورهای ذهنی و نگرش افراد در مواجهه با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند کنش مدنی و اجتماعی آنان را پیش بینی کند یعنی اگر نگرش افراد نسبت به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مثبت باشد احتمال این که به کنش مدنی و اجتماعی اقدام کنند بیشتر است و اگر نگرش آنها به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی منفی باشد احتمال اینکه اقدام به کنش مدنی و اجتماعی کنند کمتر است.

نظریه گروه‌های مرجع

از این دیدگاه یادگیری فرایندی است که نگرش‌ها از طریق آن آموخته می‌شوند الگوی یادگیری اجتماعی الگو و سرمشق قرار گرفتن در وضعیت یادگیری مشاهده‌ای است؛ مثلاً در خانواده‌ها فرزندان بسیاری از نگرش‌های خود را با مشاهده نگرش‌ها و به ویژه مشاهده رفتارهای نگرشی خاص والدین شکل می‌دهند. این فرایند حتی هنگامی که والدین در آموزش نگرش خاصی به فرزندان خود تعمدی ندارند وارد عمل می‌شود. بدین بدین ترتیب فرایند الگو گیری نقش مهمی در شکل دادن به نگرش‌ها ایفا می‌کند. در بسیاری از موارد کودکان می‌شنوند که والدین آن‌ها نسبت به شخص خاص و موضوع خاص نظر خاصی ابراز می‌کنند و همین آگاهی از نگرش‌های والدین سبب شکل گیری همان نگرش‌ها در آنان می‌شود.

البته تنها والدین نیستند که سرمشق کودکان قرار می‌گیرند بلکه همه کسانی که در محیط اطراف کودک هستند نظیر همبازی ها، بزرگسالان دیگر، دوستان، معلمان هر شخص مهم دیگر توسط کودکان مورد مشاهده و الگو برداری قرار می‌گیرند (آرونسون، ۱۹۹۹: ۲۳) درهمین رابطه، همسایگان، مدرسه، وسایل ارتباطی، مساجد، دوستان و نظایر آنها نیز عواملی هستند که می‌توانند در شکل‌گیری نگرش فرد مؤثر باشند.

باتوجه به نظریه گروه‌های مرجع، می‌توان اذعان داشت که افراد با استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز الگوهایی را که این رسانه‌ها تولید و اشاعه می‌کنند فرا می‌گیرند و در طی این فرایند یادگیری، نگرش‌های آنها شکل گرفته و احتمالاً در مسیر ایجاد و توسعه جامعه مدنی اقدام می‌کنند.

کرچ، کراچفیلد و بالاکي^۱ (۱۹۶۲) معتقدند نیاز، شخصیت فرد و مقایسه اجتماعی در تکوین نگرش‌ها موثرند. در جریان فعالیت‌های فرد برای رفع نیاز موانع و مشکلاتی بر سر راه او قرار می‌گیرند؛ که نگرش ویژه‌ای را در او به وجود می‌آورند. نسبت به اشیاء، عوامل، وسایل و اشخاصی که نیازهای او را برطرف کرده و به هدف‌های او می‌رسانند. نگرش موافق و مثبت، نسبت به موانعی که سد راه رسیدن به هدف‌های او می‌شوند نگرش‌های منفی پیدا می‌کند. به عنوان مثال دانشجویانی که در کلاس درس نشست‌اند و علی‌رغم همه مشکلات موجود باز هم حاضر شده‌اند این مشکلات را به جان خریده و همچنان به تحصیل ادامه دهند. ثابت می‌کنند که نسبت به درس و تحصیل نگرشی مثبت دارند. این نگرش مثبت بدین خاطر در آنان پدید می‌آید که در جامعه به فرد تحصیل کرده احترام می‌گذارند مثلاً در مورد نیاز مادی و همین‌طور تماشای تلویزیون به خاطر پر کردن اوقات فراغت، کسب اطلاعات و اخبار و... (کریمی، ۱۳۷۹: ۴۱). اگر به موضوع تحقیق برگردیم، در جامعه ایران نیاز به شکل‌گیری تاسیس نهادهای مدنی و جامعه مدنی روز بروز در قشرهای گوناگون بیشتر احساس می‌شود و خصوصاً هنگامی که خلا وجود این نهادها مردم نهاد توسط مردم با وضعیت نهادهای مدنی در جوامع دیگر مقایسه می‌شود احساس خلا شدیدتر و نگرش مساعد نسبت به ضرورت زمینه‌ساز برای جامعه مدنی در افراد تقویت می‌گردد.

رسانه ← فرایند الگو‌گیری ← نگرش

^۱ Church and Kersh and balacki

نظریه در معرض قرار گرفتن

تعداد دفعاتی که ما با یک موضوع انگیزشی روبه رو می‌شویم ارزشیابی ما از آن موضوع نگرش ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زایون^۱ (۱۹۸۶) مفهوم اثر در معرض قرار گرفتن را مطرح کرده و معتقد است تکرار در معرض چیزی قرار گرفتن پاسخ‌های ما نسبت به آن شی نگرش شخص را نیرومندتر می‌کند حالا چه آن غذای خاص در رستوران باشد که از کاندیدایی که در تلاش برای جمع آوری رأی است، دریافت شده باشد (کریمی، ۱۳۷۹: ۳۱)

میزان مواجهه انتخاب رسانه نگرش

بر اساس این نظریه می‌توان انتظار داشت، میزان مواجهه افراد با موضوعات مربوط به جامعه مدنی در شبکه‌های اجتماعی مجاز و اینترنت احتمالاً بر نگرش آن‌ها در جهت توسعه جامعه مدنی می‌تواند موثر واقع شود.

نظریه لرنر^۲ پیرامون نقش رسانه‌ها در توسعه اجتماعی

دانیل لرنر نظریه پرداز و محقق آمریکایی مسائل توسعه را از دیدگاه وسایل ارتباطی مطرح کرد. وی با بیش از ده سال تجربه و کار میدانی در کشورهای خاورمیانه: ایران، اردن مصر ترکیه سوریه و لبنان به بررسی تغییراتی پرداخته است که از طریق رسانه‌های گروهی بر سطوح مختلف اجتماعی اثر می‌گذارد.

لرنر در کتاب معروف خود با عنوان گذر از جامعه سنتی به نوساز در خاورمیانه اساس تغییرات را بیش از هر چیز تحول در راه و روش انتقال افکار و عقاید و طرز فکرهای نوین توده‌های مردم می‌داند (لرنر، ۱۹۸۵: ۴۵) اساس نظریه لرنر بر این فرض استوار است که ((رسانه‌های همگانی قادرند نگرش‌های اجتماعی را تغییر دهند و حس همدلی و مشارکت بیشتر در مردم را پدید آورند)). لرنر در کتاب خود این نتیجه می‌رسد که تناسب بسیار نزدیکی بین چهار مقوله شهرنشینی سواد استفاده از وسایل ارتباط جمعی و شرکت در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی وجود دارد (رشیدپور، ۱۳۴۸: ۱۵۰)

^۱ Zayonck

^۲ Lerner

بر این اساس این نظریه و به ویژه گستردگی استفاده از رسانه‌های نوین در جامعه ایرانی به ویژه قشرهای با سواد و تحصیل کرده، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز می‌توانند نگرش‌های اجتماعی افراد را تغییر دهند و مشارکت بیشتر آن‌ها را در جهت توسعه جامعه مدنی پدید آورند.

نظریه تاثیرات انتخابی و محدود رسانه‌ها

این دیدگاه به این مسئله می‌پردازد که تاثیرات وسایل ارتباط جمعی بر مخاطبان به صورت قدرتمند و هماهنگ نیست بلکه محدود و انتخابی است زیرا بین مردم از نظر ساختار روان شناختی تفاوت‌های فردی آموخته شده‌ای وجود دارد. افراد جامعه از نظر تعلق به مقوله‌های اجتماعی گوناگون مانند سطح درآمد، هوش، سن، جنس و خیلی از موارد دیگر متفاوت هستند. این تفاوت‌های فردی و تنوع در الگوهای روابط اجتماعی موجب می‌شود علاقه نشان دادن، کانون توجه و نحوه تفسیر مردم از محتوای برنامه‌ها شیوه کاملاً انتخابی صورت گیرد؛ بنابراین از آنجا که مردم به گونه‌ای انتخابی به پیام‌های رسانه‌ها توجه نشان می‌دهند و تفسیر متفاوتی از محتوای آن‌ها دارند

بنا بر این هر پیامی که ارائه می‌شود در مجموع تاثیرات محدود و جزئی بر جامعه دارد (گانتز و آلر، ۱۹۹۷: ۱۸). ویژگی‌های روان شناختی فرد او را بر آن می‌دارد که شکل‌های خاصی از محتوای رسانه را انتخاب کند که موجبات تفریح، سرگرمی و آرامش او را فراهم سازد و به گونه‌ای او را در حل و فصل مشکلات و مسایل روزانه یاری رساند. با توجه به این نظریه، دور از انتظار نیست اگر تاثیر محتویات اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به ویژه مطالبی که به نوعی به جامعه مدنی مربوط می‌شوند را بر همگان کی ندانسته و در نتیجه این محتویات بر کاربران گوناگون و با توجه به سن، جنس و تحصیلات و... به صورت متفاوتی اثر گذاشته و نگرش و رفتار آن‌ها را در ارتباط با جامعه مدنی هدایت کند.

رسانه ← ویژگی‌های فردی ← نگرش

۲-۳-۳. نظریه‌های ناظر بر تأثیر رسانه‌ها روی مخاطبان

امروزه رسانه‌ها بخش عظیمی از فعالیت‌ها و تجربه زندگی ما را اشغال کرده‌اند. در طول روز به شکل‌های مختلف با رسانه‌ها سروکار داریم، و اگر نخواهیم بگوییم که رسانه‌ها بر ما حکومت می‌کنند، می‌توانیم بگوییم که به طور قدرتمندی بر زندگی ما سایه افکنده‌اند. این تأثیر گذاری موضوعی است که توجه بسیاری از محققان و نظریه پردازان را در زمان‌های مختلف به خود برانگیخته است. درباره تأثیر رسانه‌ها نظریه‌های متفاوتی وجود دارد که در ادامه به بررسی تعدادی از این نظریه‌ها می‌پردازم.

۴-نظریه کاشت

نظریه کاشت ((گرنر))، برکنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می‌کنند و نیز بر چگونگی تأثیر گذاری رسانه‌ها بر مخاطبان تأکید دارد. این نظریه از جمله نظریاتی است که به تأثیر محدود رسانه‌ها اشاره می‌کند و مبتنی بر اصول زیر است:

۱- رسانه‌های همگانی به طور معمول، شرط لازم و کافی برای تأثیر گذاری بر مخاطب به شمار نمی‌روند، بلکه آن‌ها تنها از طریق سایر عوامل که نقش واسطه را باز می‌کنند، می‌توانند دارای تأثیر باشند.

۲- عمل عوامل واسطه ایی چنان است که سبب می‌شود رسانه‌ها تنها به صورت‌عامل کمکننده در فرایند تأثیر گذاری عمل کنند و نه به منزله عامل تأثیرگذار به عبارت دیگر رسانه‌های همگانی در فرایند تأثیر گذاری بر مخاطب تنها نقش تقویت کننده شرایط موجود را باز می‌کنند. این عوامل واسطه‌ای شامل: فرایندهای انتخابی (مانند قدرت انتخابی، ادراک توسط مخاطب، انتخاب مخاطب برای این که خود را در معرض رسانه قرار دهد و انتخاب نگهداری) فرایندهای گروهی، هنجارهای گروهی، افکار رهبری و مانند آن است. چنین موضعی که بر محدود بودن تأثیر رسانه‌های همگانی دلالت دارد، قانون حداقل اثر نامیده می‌شود. در این رابطه می‌توان اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را به عنوان عامل کمکننده و نه تعیین کننده در زمینه شکل دهی به آن دسته از نگرش‌ها و کنش‌هایی تلقی کرد که در ایجاد نهادها و جامعه مدنی بتوانند در دراز مدت نقش مساعدی ایفا نمایند.

از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی به طور عمده ناشی از تجاربی است که بر پایه یادگیری نیابتی و مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای آن شکل می‌گیرد. در مرکز این نظریه فرایند الگو ساز قرار دارد که در آن شخص رفتاری معرفتی و اجتماعی دیگران را با مشاهده، چه به طور تصادفی و چه آگاهانه یاد می‌گیرد. بر اساس این نظریه، وسایل ارتباطی جدید، الگوهای ارتباطی جدیدی به کاربران معرفی می‌کنند و کاربران نیز با مشاهده این الگوهای جدید رفتاری را یاد می‌گیرند. افراد در محیط و فضای اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی تجارب، الگوها و رفتارهایی را مشاهده و فرا می‌گیرند که می‌تواند به کنش آن‌ها در جهت شکل دهی به جامعه مدنی کمک نمایند.

۶. نظریه ماریپیچ سکوت

در نظریه ماریپیچ سکوت، مساله اصلی آن است که افکار عمومی چگونه شکل می‌گیرد و چه کسانی در شکل گیری آن دخالت دارند؟ پاسخ به این سؤالات راکی از صاحب نظران ارتباطات در قالب نظریه‌ای عنوان کرده که از آن با عنوان نظریه ماریپیچ سکوت یاد می‌شود. الیزابت نوئل نیومن جامعه شناس آلمانی (۱۹۹۱) نظریه‌ای را مطرح نموده که ایده اساسی آن مبتنی بر این نکته است که اکثر افراد می‌کوشند از داشتن‌نگرش و باور منزوی و تنها اجتناب کنند. از اینرو به محیط اطراف آن چنان نگاه می‌کنند که بیاموزند کدام نظریه حکمفرما است یا قدرت را در دست دارد و کدام نظریات کمتر مسلط بوده و رو به زوال هستند. به همین خاطر، اگر فردی معتقد باشد که نظریات شخصی آورده عقب تراز دیگر نظریات قرار دارد؛ کمتر رغبتی برای بیان آن‌ها خواهد داشت؛ آن هم به این دلیل که از انزوا می‌ترسد. وقتی تعداد دسته؛ فرقه‌ها حزب به منظور تسلط بر دسته‌ها و احزاب دیگر افزایش می‌یابد و در مقابل اعضای دسته‌های دیگر رو به کاهش گذارند؛ تمایل اعضای گروه نخست برای سخن گفتن و یا نوشتن افزایش می‌یابد، و در عوض اعضای حزب‌ها و گروه‌های دیگر به ساکت بودن متمایل می‌شوند. به این ترتیب فراگرد ماریپیچ آغاز می‌شود؛ فراگردی که طی آن فکر را پایه ریزی و آن را غالب و شایع می‌کند. نظریه ماریپیچ سکوت تاکید ویژه‌ای بر تأثیر قدرتمند رسانه‌ها دارد و معتقد است که رسانه‌ها تأثیر فوق العاده‌ای بر روی افکار عمومی دارند. بر اساس این نظریه ارتباط میان توده افراد در اثر عواملی چون: انباشت، حضور همه جانبه، و هماهنگی با یکدیگر اتفاق

می‌افتد. اگر چنانچه این موارد اتفاق بیفتد و توده‌ها حرف واحدی بزنند؛ قدرت زیادی پیدا می‌کنند بگونه‌ای که اگر فردا اقلیت حرف متفاوتی بزند خوددوبه خود مجبور به سکوت می‌شود. از نظر نیومن، حکومت‌ها و رسانه‌ها سازنده مارپیچ سکوت هستند و از دو طریق این سکوت را بر جامعه القا می‌کنند:

● به جامعه القا می‌کنند که سکوت لازم است و می‌باید وضع موجود را بپذیرند

● به جامعه می‌گویند که اگر سکوت را بشکنید به زیان شما خواهد بود

اینترنت به عنوان رسانه کنشگران را توانمند کرده به آنها آگاهی می‌دهد و افکار آنها را شکل و جهت می‌دهد و آنها را ترغیب به تولید جامعه مدنی می‌سازد. هرچه افراد از اینترنت بیشتر استفاده کنند به همان اندازه خروج از دایره «مارپیچ سکوت» و ایجاد امواج فکری جدید و مناسب چه بسا خواهند توانست به ایجاد جامعه مدنی کمک کنند.

دیدگاه جیمز کلمن^۱ درباره اینترنت

جیمز کلمن معتقد است: اینترنت می‌تواند تربیون عمومی بی طرف برای تبادل نظر دموکراتیک و مستقل از کنترل دولت باشد و به لحاظ نظری، این تربیون می‌تواند با شرایط گفتگوی مطلوب و ایده آل مورد نظر هابرماس در حوزه عمومی سازگار باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد ترجیح می‌دهند با افراد و گروه‌های هم عقیده تشکیل گروه بدهند با این هدف که به همگنی بیشتر در عقاید و دیدگاه‌ها برسند (کلمن؛ ۱۹۹۹: ۹۹).

اینترنت از قابلیت مناسب برای برقراری ارتباط بین فعالان سیاسی؛ گروه‌های مخالف و اشاعه دیدگاه‌های آنها و افشای اسناد محرمانه، فساد حکومتی، جمع‌آوری شکایت‌های اینترنتی، سازماندهی رفتارهای سیاسی و اشاعه اطلاعات سیاسی در سطح جهانی برخوردار است. برای مثال می‌توان به استفاده فعالان سیاسی چینی از اینترنت علیه اقدام دولت خود در سرکوب آزادی خواهان در میدان تیان آن من و استفاده چریک‌های شهر چی‌پاس از اینترنت علیه حکومت مکزیک اشاره کرد (جانسون؛ ۲۰۰۱: ۹۹-۱۰۰).

بنابر این سودمندی اینترنت در زندگی سیاسی را می‌توان در هر سطحی از تصمیم‌گیری نهایی، مشاهده کرد. دستیابی به برنامه‌ها، اسناد و طرح‌های سیاسی، گزارش‌ها، سوابق موضوعات و دیگر اسناد و مدارب

^۱ coleman

کمک اینترنت فرصت‌های متنوع و گوناگونی در اختیار شهروندان و گروه‌های اجتماعی برای برقراری ارتباط با هم و با سیاستمداران قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری از آن‌ها به جای روش‌های سنتی مشارکت از روش‌های مجاز استفاده کنند و در عین حال از طریق شیوه‌های مستقیم مشارکت دموکراتیک وارد فرایند تصمیم‌ساز نیز می‌شوند. علاوه بر این، تماس بین مردم و نهادهای سیاسی و اجتماعی از طریق تماس بین مردم منجر به کاهش هزینه و حذف تاثیرات محدود کننده مکان و زمان می‌شود.

بر این اساس می‌توان گفت اینترنت با ویژگی‌های ذاتی خود ظرفیت تبدیل شدن به پهنه مشارکت سیاسی و گسترش حوزه عمومی را داشته و اساساً اینترنت و حوزه عمومی رابطه علی با یکدیگر دارند (همان، ۱۰۲).
بنابر این اینترنت می‌تواند فضایی را فراهم سازد تا امکان گفتگو افراد در آن شکل گرفته و افراد به تعامل پرداخته و اقدام به مشارکت نمایند و از این طریق در توسعه جامعه مدنی نقش ایفا نمایند و در این رابطه است که اینترنت به نگرش و کنش افراد در جهت تقویت و رشد جامعه مدنی تاثیر می‌گذارد.

نظریه کنش ارتباطی و تفاهمی

هابرماس تحت عنوان کنش معقول و هدفدار، میان کنش وسیله‌ای و کنش استراتژیک تمایز قایل می‌شود. این هر دو کنش به تعقیب حساب شده منفعت شخصی راجعند. کنش وسیله‌ای به کنشگر واحدی راجع است که به گونه‌ای معقولانه و حسابگرانه مناسبترین وسایل را برای رسیدن به هدف برمی‌گزیند. کنش استراتژیک به عمل دویا چند فرد راجع است که در تعقیب هدف کنش معقولانه و هدفدار شان را هماهنگ می‌کنند. هدف هر دو کنش وسیله‌ای و استراتژیک، غلبه ماهیت ابزاری بر کنش است. (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۱۱).
هابرماس بیشتر از همه به کنش ارتباطی که در آن کنش‌های افراد نه از روی حسابگری خودخواهانه موفقیت طلب، بلکه از طریق کنش‌های تفاهم‌آمیز هماهنگ می‌شود تمایل دارد. افراد دخیل در کنش ارتباطی اساساً در بند موفقیت شخصی شان نیستند، بلکه هدف‌هایشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی شان را بر مبنای تعریف‌هایی از موقعیت مشترک هماهنگ سازند (هابرماس، ۱۹۸۴: ۲۸۶). در حالی که هدف کنش معقولانه و هدفدار دستیابی به هدف معین است غایت کنش ارتباطی دستیابی به تفاهم ارتباطی است. یکی از عناصر مهم کنش ارتباطی عنصر گفتار است. اما چنین کنش ارتباطی‌ای گسترده‌تر از آن است که تنها اعمال گفتاری یا معادل‌های غیر شفاهی آن را در بر گیرد (هابرماس، ۱۹۸۴: ۲۸۷). کنش

ارتباطی بارزترین و فراگیرترین پدیده بشری است. همین کنش است که بنیاد تمامی زندگی اجتماعی و فرهنگی را تشکیل می‌دهد. از دید گاه‌ها بر ماس عناصر ارتباط؛ گفتار، آزادی عمل، و عقلانیت می‌باشند. افکار آزادانه ارایه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند. در این حالت، نوع توافق غیر تحمیلی توسعه می‌یابد. در عقلانیت مربوط به کنش معقول و هدفدار مطرح است. در واقع راه حل مساله عقلانیت کنش معقول و هدفدار در عقلانیت ارتباطی نهفته است و عقلانیت کنش ارتباطی به ارتباط رها از سلطه و ارتباط آزاد و باز می‌انجامد. هابرماس میان کنش ارتباطی و مباحثه تمایز قایل می‌شود. درحالی که کنش ارتباطی در زندگی روزمره پیش می‌آید مباحثه صورتی از ارتباط است که از زمینه‌های تجربه و عمل جدا شده و ساختارش به ما اطمینان می‌دهد که اعتبار ادعاها توصیه‌ها و هشدارها تخطی ناپذیر مگر به منظور محک زدن اعتبار داعیه‌های مورد بحث هیچ محدودیتی نباید داشته باشند، هیچ نیروی به جز قدرت استدلال بهتر نباید به کار گرفته شود و هیچ انگیزه‌ای مگر انگیزه جستجوی همیارانه حقیقت نباید در میان باشد (هابرماس، ۱۹۷۵: ۱۰۷ و ۱۰۸).

از این نظریه این گونه استنباط می‌شود که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز فضایی را برای کنش تفاهمی و ارتباطی فراهم می‌آورند و این کنش تفاهمی در صورتی که بر محور مسایل مربوط به جامعه مدنی فعال شده و توسعه یابد می‌تواند در کاربران نگرش و کنش‌های تقویت کننده جامعه مدنی را شکل دهد.

نظریه رفتار جمعی (نیل اسملسر)^۱

رفتار، شیوه معمول عمل و زندگی است. در روان شناسی، رفتار را واکنش فرد (چه در زندگی عادی و چه در اوضاع خاص اجتماعی) تعریف می‌کنند. رفتار جمعی عبارت است از الگوهای رفتاری بی ساختار، خودانگیخته، هیجانی و پیش بینی ناپذیر افرادی که از رفتار جمعی پیروی می‌کنند و در برابر محرک خاصی که ممکن است شخص دیگریا حادثه معینی باشد، واکنش نشان دهند (کوئن، بروس؛ ۱۳۸۴: ۳۲۳).

رابرت پارک، رفتار جمعی آن را این گونه بیان می‌کند: رفتار جمعی از هر گردهمایی انسانی نشات می‌گیرد که در آن هر فرد، در اثر خلق یا وضع روحی که هرکس در آن سهمی دارد و در شکل یابی آن شرکت داشته است، به سوی عمل یا اندیشه‌ای رانده می‌شود. (گولد، جولوس و کولب، ویلیام؛ ۱۳۷۶: ۴۴۲). اساسا اصطلاح

^۱ Neil Asmulsr

رفتار جمعی را جامعه شناسان آمریکایی به کار می‌برده‌اند؛ اما بعدها توسط روان شناسان اجتماعی و دانشمندان علوم سیاسی هم به کار گرفته شد. این افراد معتقد بودند که رفتارهای جمعی و گروهی خصوصیات خاصی دارند که آن را از سایر رفتارها متمایز می‌سازد. این خصوصیات عبارتند از:

۱. مشارکت افراد در گیر؛ این رفتار مشارکت تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردمان را که در فرایندی از تحریم متقابل درگیر شده‌اند در بر می‌گیرد. این مردمان به سوی گسترش حالات روحی مشترک انگیزه‌ها و احساساتی سوق داده می‌شوند که آنان را به صورت جمع پیوند می‌دهد.

۲. موقعیت سیال رفتارها؛ رفتارهای یاد شده در موقعیتی نسبتاً سیال و تعریف نشده پی ریزی شده شکل یافته نمایان می‌شود. بیان و تجلی انگیزه‌ها و احساسات، خود به خودی و هدایت نشده است. اما رفتار جمعی ممکن است در جهت‌های گوناگون گسترش یافته و شکل گیرد و این امر به چگونگی بسیج انگیزه‌ها و احساسات ابتدایی شرکت کنندگان و به فرایندی بر هم کنشی میان آن‌ها بستگی دارد. (همان، ۴۴۲).

۳. تمایز بین رفتار جمعی و گروهی، برخی از جامعه شناسان میان رفتار جمعی و رفتار گروهی تمایز قائل می‌شوند. رفتار گروهی رفتاری متشکل است که اعضای گروه دارای خواست‌های گروهی مشترک بوده و برای رسیدن به آن‌ها تشکیلاتی را به وجود آورده‌اند. اعضا از طریق این تشکیلاتی را به وجود آورده‌اند. اعضا از طریق این تشکیلات می‌توانند بادیگر ارتباطی منسجم و طولانی مدت داشته باشند اما رفتار جمعی به دلیل هیجانی بودن استمرار کمتری دارد (خالدی؛ ۱۳۹۶: ۸).

کارکردگرایان معتقدند که مردم در رفتار جمعی نمی‌توانند عقلانی عمل کنند زیرا دلیل ترس و اضطراب خود را نمی‌دانند و رفتار آن‌ها منشا مشکل را هدف قرار نداده است. رفتار غیر عادی نیز می‌تواند تلاشی ناآگاهانه در مسیر حل مشکلاتی به شمار آید که نه شناخته و نه تعریف شده‌اند. رفتار جمعی رفتاری غیر سنتی است بدان معنا که چنین رفتاری به روشنی تعریف نشده و درچارچوب هنجارهای فرهنگی صورت نمی‌گیرد؛ زیرا تعاریف فرهنگی و هنجارهای اجتماعی تا حدودی زیادی تعیین کننده و محدودکننده رفتارهای اجتماعی هستند در صورتی که در رفتارهای جمعی چون هیستری توده ای یا هراس جمعی و... ملاحظات فرهنگی بسیار ناچیز بوده و احتمال بروز ناهنجاری زیاد است (عضدانلو، حمید؛ ۱۳۸۶: ۳۲۹).

نیل اسملسر؛ اشکال رفتار جمعی را شامل هراس، هیجان جمعی (شامل هوس جمعی، رونق تجاری، موقعیت سنجی و احیای دینی) طغیان خصومت آمیز، جنبش معطوف به هنجار (شامل جنبش اصطلاحی) و جنبش

مطوف به ارزش (شامل انقلاب سیاسی و دینی، شکل‌گیری فرقه‌ها و جنبش‌های ناسیونالیستی و غیره) می‌داند. وی شش شرط را به عنوان عوامل اولیه و تعیین‌کننده رفتار جمعی ذکر نموده است: (خالدی، ۱۳۹۶: ۹)

۱. زمینه ساختاری؛ به معنای آن است که ساختار جامعه باید به گونه‌ای باشد که شکل خاصی از رفتار جمعی در آن به وقوع بپیوندد. به عنوان مثال جامعه‌ای که اعتراض و تظاهرات در آن ممنوع است زمینه مساعدی برای انواع رفتارهای خود انگیخته فراهم می‌سازد (کوئن، بروس؛ ۱۳۸۵: ۳۲۴-۳۲۷ و اسملسر، نیل؛ ۱۳۸۶: ۲۰-۲۶).

۲. فشار ساختاری؛ هنگامی که فشاری بر جامعه تحمیل می‌شود مردم اغلب برای یافتن راه حل پذیرفتنی به همکاری با یکدیگر ترغیب می‌شوند. برای مثال بحران اقتصادی در جامعه افراد را دچار ناراحتی‌های روحی کرده و بایکدیگر در سرپیچی از نظم حاکم متحد می‌کند (همان).

۳. باور تعمیم‌یافته؛ قبل از این که راه حلی دسته جمعی برای مساله یافت شود، باید همه بپذیرند که چنین مساله‌ای وجود دارد بنابر این مساله باید شناخته شود افکار عمومی به آن توجه کنند و راه حل‌های ممکن برای آن ارائه شود (همان).

۴. عوامل شتاب دهنده؛ برای ظهور رفتار جمعی باید نخست رویداد مهمی افراد را به واکنش جمعی وا دارد. این رویداد خاص اغلب با شایعه، مبالغه آمیز می‌شود و در نتیجه به صورت چشم‌گیرتری جلوه می‌کند (همان).

۵. بسیج برای اقدام؛ هنگامی که رویداد شتاب دهنده رخ داد، گروه برای اقدام، بسیج می‌شود. این نوع سازمان که اعضای آن با شتاب گرد آمده‌اند، بسیار بی ساختار است و بافت منسجمی ندارد (همان). به عنوان مثال، دستگیری و کشته شدن گروهی از مردم ایران در حکومت نظامی زمان شاه، موجب ایجاد موجی از اعتراضات شد و رهبرانی از میان جمعیت برخاسته و مردم را بر ضد حکومت بسیج کردند که در نتیجه آن، جمعیت، شعار و فریادخشم آلود سر داده و با نیروی نظامی شاه، درگیر شدند (خالدی، ۱۳۹۶: ۱۲).

۶. عملیات کنترل اجتماعی؛ موفقیت تلاش‌های جمعی افراد، عمدتاً تابع مکانیسم‌های کنترل اجتماعی در جامعه است. کنترل‌های اجتماعی را می‌توان به دو نوع گسترده تقسیم کرد:

الف) کنترل‌های اجتماعی که شرایط مساعد ساختاری و فشار را به حداقل می‌رسانند؛ در معنای وسیع این کنترل‌ها از وقوع مورد رفتار جمعی جلوگیری می‌کنند زیرا به عوامل نامعین حمله می‌برند؛

ب) کنترل‌های اجتماعی، که صرفاً پس از آنکه مورد جمعی آغاز به شکل‌گیری و تحقق نماید، بسیج می‌شوند. دسته‌های اخیر تعیین می‌کنند که مورد جمعی با چه سرعت تا چه اندازه و در چه جهاتی بروز خواهد نمود (اسملسر، ۱۳۸۰: ۲۴).

نهایتاً پیوند مولفه‌های شش‌گانه نظریه اسملسر را با موضوع پژوهش حاضر می‌توان بصورت زیر تشریح نمود:

۱ - زمینه ساختاری: جامعه‌ای که در آن هرگونه آزادی؛ اعم از آزادی بیان، آزادی عقیده، در آن ممنوع است بدون شرفتهای خودانگیخته (مانند رفتارهای مدنی) در آن شکل می‌گیرد.

۲ - فشار ساختاری: هنگامی که فشار بر جامعه تحمیل می‌شود مانند فشار اجتماعی و فشار سیاسی و محدودیت‌های اجتماعی در آن اعمال می‌شود افراد به همکاری با یکدیگر ترغیب می‌شوند و دست به کنش اجتماعی در زمینه‌های وانهاده شده می‌زنند.

۳ - باور تعمیم‌یافته: ضمن حضور و تبادل نظر در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، افکار عمومی در افراد شکل می‌گیرد و در نتیجه رفتار مدنی آنها رقم می‌خورد.

۴ - عوامل شتاب دهنده: آرایه محتویات مبالغه آمیز شبکه‌های اجتماعی و اینترنت به کنش اجتماعی و مدنی شتاب می‌دهد.

۵ - بسیج برای اقدام: هنگامی که رویدادی مبالغه آمیز مانند (نقض حقوق بشر) از سوی شبکه‌های اجتماعی و اینترنت اطلاع رسانی شود افراد برای کنش اجتماعی آنها در مسیر توسعه جامعه مدنی بسیج می‌شوند. (همان؛ ۲۵)

نظریه کنش متقابل نمادی (هربرت بلومر)^۱

دو ایده اصلی در نظریه کنش متقابل نمادین بر این اساس است که:

۱- متقابل بودن کنش: رفتار انسان هنگامی کنش جمعی است که بیش از نفر در آن دخالت دارند.

۲- نمادین بودن کنش: کنش متقابل بین اشخاص تحت فرمان معناهایی است که آن‌ها به کنش‌ها و واکنش‌های یکدیگر نسبت می‌دهند. این معناها همان نمادها عینی ژست‌ها تفسیرها تعریف‌ها یا انگهایی است که مردم به کنش نسبت می‌دهند و از خود کنش مهم ترند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۵۷).

بر اساس این دیدگاه انسان‌ها از طریق نمادها بایکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و هراز این نمادها دارای معانی است که افراد آنها را تفسیر می‌کنند و بر اساس آن‌ها رفتار می‌کنند.

طبیعت کنش متقابل از نظر بلومر مبتنی بر سه قانون است: قانون انسان به سوی اموری عمل می‌کند که معانی خاصی برایش دارد. قانون دو معنی امور از کنش متقابل اجتماعی که شخص با دیگران دارد اخذ می‌شود. سومین قانون معانی از طریق جریان تفسیری که خود در اثر مقابله با امور استفاده می‌کند به دست می‌آیند. او همچنین بر اساس قاعده سه اشاره کرده است که معنای چیزها بر اساس متن کنش اجتماعی شکل داده می‌شود و به واسطه افراد در کنش متقابل اخذ می‌گردد. بلومر مدعی است که سه اصل فوق عامل توسعه طرح تحلیلی جامعه انسانی و هدایت انسانی می‌باشد. بلومر این طرح تحلیلی را تصوره‌های ریشه‌ای و بنیادی نامیده است. تصوره‌های اساسی و ریشه‌ای به چندین موضوع عمده برمی‌گردد:

۱- گروه‌های انسانی یا جوامع ۲ - کنش متقابل اجتماعی ۳ - موضوع‌ها و واقعیت ۴- انسان به مثابه کنشگر، کنش انسانی و ارتباط بین کنشگران.

بلومر اشاره دارد که گروه انسانی جامعه از کنش افراد با یکدیگر تشکیل شده است. اساس جامعه بر کنش بین افراد بر می‌گردد. کنش اجتماعی ابزار هدایت و راهنمای انسانی نیست بلکه جریانی است که به جهت گیری انسانی می‌انجامد. جورج هربرت مید به دو نوع کنش متقابل اشاره می‌کند:

۱- گفت گو مبتنی بر ایما و اشاره‌ها

۲- استفاده از سمبل‌های مهم اشاره کرده است

بلومر کنش متقابل را به دو صورت دیگر باز گو کرده است:

^۱ Herbert Bloomers

۱- کنش متقابل غیر نمادی از قبیل پاسخ‌مشت زن در مقابل ضربه‌ای که خورده بدون تفسیر عمل طرف مقابل

۲- کنش متقابل نمادی که به معنای کنش متقابل همراه با تفسیر عمل دیگری است.

بر اساس این نظریه می‌توان گفت افراد در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز بطور روزانه مفاهیم و معانی بسیاری را در زمینه نهادهای مدنی و فعالیت‌های مربوطه تولید کرده و انتقال می‌دهند که افراد دیگر نیز به تفسیر این معناها پرداخته و در فرایند تفسیر به ضرورت جامعه مدنی و عمل در مسیر آن آشنایی شوند. (همان ؛ ۵۸)

نظریه آنتونی گیدنز

گیدنز معتقد است تغییرات ساختاری در قدرت به واسطه سطوح چندگانه جهانی شدن مانند مبادله پولی، پیشرفت‌های فناورانه و مردم سالاری سیاسی گسترده، باعث تغییر و دگرگونی حس ما از زمان و مکان شده است. در جوامع پیشامدرن، زمان و مکان یکنواخت و همیشه بودند، به این معنی که مردم به تعامل در مجاورت کدیگر و برقراری ارتباطات شفاهی با یکدیگر تمایل داشتند؛ اما کی از پیامدهای مهم مدرنیته این است که ظرفیت ما برای زندگی و کار در گسترده زمان و مکان به صورت مجزا از کدیگر؛ گسترش یافته است. به نظر گیدنز، کنش‌های روزمره به وسیله خود کنش گران به لحاظ ساختاری مقید می‌شود و فناوری‌های رسانه‌ای نیز در این امر دخیل هستند. در فرایند امتداد زمان و مکان، تجربیات رسانه‌ای شده، قادر به وارد کردن رویدادهای متفاوت به درون آگاهی روزمره است که می‌تواند به احساس عدم امنیت و واژگونی واقعیت منجر شد. برای وی، تجربیات رسانه‌ای شده، شرط بیرونی کنش هستند که به ما اطلاعاتی درباره دیگران می‌دهند و روایتی را که ما درباره دیگران داریم را تغییر می‌دهند. (لاوگی، ۲۰۰۷: ۹۷)

نظریه انتخاب عقلانی

پدیده‌های اجتماعی حاصل افعال آدمیان است و آدمیان هم فاعلانی هستند که ارزش، اعتقاد، هدف، معنی، امر و نهی و احتیاط و تردید بر افعالشان حکومت می‌کند. به عبارت دیگر آدمیان، مخلوقاتی عالم و قاصدند که فعلشان مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است. الگوی تبیینی انتخاب عاقلانه اصل محوری دارد ورشته

شیوه‌های تحلیلی آن اصل این است که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده (سنجش گرانه) است. فرض بر این است که آدمیان در چند راهی‌ها، راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می‌کنند، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند و پس از بررسی ادله موافق و مخالف به راهی می‌روند. عملی عاقلانه و سنجیده است که در چارچوب اطلاعات مشخص از شقوق مختلف وسیله مناسبی باشد برای رسیدن به هدفی لذا برای تبیین رفتار فرد باید ابتدا اغراض و معتقدات او را معین نمود و سپس نشان داد که آن عمل، شیوه خریدپسندی است برای رسیدن به آن اغراض در چارچوب آن معتقدات (سروش؛ ۱۳۸۵: ۶۱-۶۵).

مدل‌های انتخاب عقلانی همیشه بر مفهوم کنشگران هدفدار و نیت مند تاکید دارند. این کنشگران دارای ترجیحات (ارزشی انتفاعی) هستند. آن‌ها برای به دست آوردن نتایجی که دارای سلسله مراتب هم می‌باشند، عمل می‌کنند. در انتخاب عقلانی دو نوع محدودیت وجود دارد: ۱ - محدودیت‌های فرصتی، ۲ - محدودیت‌های سازمانی. همه افراد فرصت‌های مساوی برای انتخاب ندارند. زیرا هزینه‌هایی که افراد باید برای به دست آوردن فرصت‌های متفاوت بپردازند، متفاوت می‌باشد. در این صورت فرصت برای عده‌ای موجب محدود شدن انتخاب می‌گردد. از طرف دیگر محدودیت‌های سازمانی در انتخاب عقلانی نیز وجود دارد. هر فردی از تولد تا مرگ با محدودیت‌هایی روبه روست که از طریق هنجارها، ارزش‌ها، نظام سیاسی، اجتماعی، مدرسه (و رسانه‌ها) بر او تحمیل می‌شود. در این صورت تنوع نتایج به طور منطقی به تنوع در ترجیح‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های نهادی وابستگی دارد. دو عنصر، یکی مکانیسم جمعی و دیگری اطلاعات نیز در انتخاب عقلانی مهم‌اند (رنجبر و همکاران؛ ۱۳۸۹: ۱۱۷۹). بر اساس این نظریه این گونه می‌توان استنباط نمود که: افراد در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به صورت هدفمند و حسابگرانه عمل می‌کنند و اگر ببیند که پیام‌ها و محتوای این رسانه‌ها برایشان هزینه‌های زیادی نخواهند داشت اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند و در جهت ترویج نهادهای مردم محور و ایجاد جامعه مدنی گام بر می‌دارند.

گرامشی مدل سه بعدی از جامعه ترسیم می‌کند: اقتصاد، جامعه مدنی و دولت. او معتقد است: ((بین زیر بنای اقتصادی و دولت با دستگاه قانون گذاری و امنیتی اش جامعه مدنی قرار دارد)) (کبیر، ۱۹۹۵: ۵۵).

ویژگی جامعه مدنی مورد نظر گرامشی نه در جدایی جامعه مدنی از اقتصاد و دولت بلکه در نوع رابطه خاصش با این دو قرار دارد که بر اساس توافق است. گرامشی از ایده مارکس مفهوم زیربنا و روبنا را اقتباس و تفکر ماتریالیسم آن را حذف کرد. او با این ایده که جامعه مدنی پایه مطمئن و اساس مادی دولت است مخالف بود. جامعه مدنی را با تاکید بر نقش ذاتی اجتماعی دولت در روبنا قرار داد. مدل مارکسیستی زیربنا (جامعه مدنی - جامعه بورژوازی) و روبنا (دولت) در نزد گرامشی به مدل زیربنا (اقتصاد) و روبنا (جامعه مدنی - شامل نهادهای غیر دولتی نظیر کلیسا، مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، خانواده‌ها، احزاب سیاسی و دولت؛ شامل ارگان‌ها امنیتی مانند پلیس، ارتش، زندان و دادگاه و دستگاه‌های اداری و اجرایی) تغییر پیدا کرد. چنانچه کبیر در کتاب خود "جامعه مدنی گرامشی؛ زندگی روزمره، اقتصاد، فرهنگ و سیاست" توضیح داده است که دو سطح روبنا در نزد گرامشی وجود دارد یکی جامعه مدنی شامل کلیه سازمان‌های خصوصی و دیگری جامعه سیاسی یا دولت است. (کبیر، ۱۹۹۵: ۵۳-۵۴) سطح‌دارای کارکرد استیلا یا هژمونی است. که در آن گروهی حاکم بر کل جامعه اعمال سلطه می‌کند و سطح دیگر دارای کارکرد اعمال مستقیم قدرت با پلیس و دستگاه قضایی است. از آنجا که جامعه مدنی گرامشی همه روبناهای معینی مانند اتحادیه‌ها، احزاب، مدرسه‌ها، رسانه‌ها، کلیساها، مطبوعات را در بر می‌گیرد مترادف با فرهنگ است که فرد عنصر اصلی عمل کننده در آن است. از نظر گرامشی در جامعه مدنی همه افراد و نه گروه اجتماعی خاص مختارند به موسسات بپیوندند یا از آن‌ها خارج شوند (گلد اسمیت و مایس، ۱۹۹۵: ۱۰).

از نظر گرامشی جامعه مدنی علاوه بر کارکرد اقتصادی دارای کارکرد انسجام بخش است؛ کارکردی که با دستیابی به توافق یا کسب رضایت حاصل می‌شود. درحالی که جامعه مدنی مورد نظر مارکس فقط به کردارهای اقتصادی و مبادله محدود می‌شود و با سازماندهی مادی جامعه یکی است اما نزد گرامشی جامعه مدنی به مجموعه‌ای از روابط اجتماعی بین دولت و اعضای جامعه تبدیل می‌شود. جامعه مدنی مورد نظر

^۱ Anthonio Gramsci

گرامشی روبنایی است زیرا به حوزه کردارهای ایدئولوژیوی سیاسی تعلق دارد و زیر بنایی است زیرا فضایی برای کنش اقتصادی طبقات اصلی جامعه سرمایه دار و پرولتاریا با یکدیگر است. جامعه مدنی فضایی است که در آن دوگانگی شدید زیر بنا و روبنا و نیز نارضایتی‌ها و اختلاف نظرها از بین می‌روند و گانگی و توافق حاکم می‌شود

دو سطح روبنا در نزد گرامشی وجود دارد، یکی جامعه مدنی شامل کلیه سازمان‌های خصوصی است و دیگری، جامعه سیاسی یا دولت است. سطح اول دارای کارکرد استیلا یا هژمونی است، که در آن گروهی حاکم بر کل جامعه اعمال مستقیم قدرت با پلیس و دستگاه قضایی است. از آن جا که جامعه مدنی گرامشی همه روبناهای معینی مانند اتحادیه‌ها، احزاب، مدرسه‌ها، رسانه‌ها، کلیساها، مطبوعات، را در بر می‌گیرد، مترادف با فرهنگ است، که فرد عنصر اصلی عمل کننده در آن است. از نظر گرامشی، جامعه مدنی علاوه بر کارکرد اقتصادی دارای کارکرد انسجام بخش است؛ کارکردی که با دستیابی به توافق یا کسب رضایت حاصل می‌شود.

در حالی که جامعه مدنی مورد نظر مارکس فقط به کردارهای اقتصادی روابط تولید و مبادله محدود می‌شود و با سازماندهی مادی جامعه‌یکی پنداشته می‌شود، نزد گرامشی، جامعه مدنی به مجموعه‌ای از روابط اجتماعی بین دولت و اعضای جامعه تبدیل می‌شود. جامعه مدنی مورد نظر گرامشی روبنایی است، زیرا به حوزه کردارهای ایدئولوژیو سیاسی تعلق دارد و زیربنایی است، زیرا فضایی کنش اقتصادی طبقات اصلی جامعه، سرمایه دار و پرولتاریا با یکدیگر است. جامعه مدنی فضایی است، که در آن دوگانگی شدید زیربنا و روبنا و نیز نارضایتی‌ها و اختلاف نظرها از بین می‌روند و یگانگی و توافق حاکم می‌شود. ((سبزه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

نظریه رالف دارندوف^۱

دارندوف از دو منظر فلسفی - اجتماعی و فلسفی - مذهبی ضرورت جامعه مدنی را تحلیل می‌کند یعنی همان افق‌هایی که تنها از یکدیگر جدا نیستند بلکه درهنگام تحلیل به کمک هم می‌آیند که در ابتدا به رویکرد فلسفی - اجتماعی اشاره می‌شود:

^۱ Rawlf Dahrendorf

رویکرد فلسفی - اجتماعی

از این منظر شهروندی هسته اصلی تحلیل جامعه مدنی است که با دو مفهوم متقابل ((حقها)) و عرضهها)) تعریف می‌شود. دارندوف از اختلاف یا تضاد موجود بین دو مفهوم سخن می‌گوید یعنی از اختلافی که بین دسترسی انسان‌ها به اشیا وجود دارد (حقها) و اشیایی که در عمل برای نیازها و برآورده کردن آرزوها وجود دارند (عرضهها) (نوتل ویلدفر، ۱۹۹۹: ۱۰۶). بر اساس نظریه حقها و عرضهها، دارندوف معتقد است در جامعه فرصت‌های زندگی برای همه برابر نیست. لذا نظم اجتماعی همیشه با نابرابری اجتماعی و سلطه توأم است. چنان چه در کتاب آزادی و شرایط اجتماعی (۱۹۹۳) می‌نویسد: ((جامعه یعنی سلطه و سلطه‌عنی نابرابری)) (دارندوف، ۱۹۹۳: ۷۷). به زعم او در جوامع مدرن تضاد اجتماعی که ناشی از تقسیم نابرابر فرصت‌ها زندگی در بین مردم است به صورت مبارزه بر سر حقها و عرضهها تجلی می‌کند. اوحقها را به مثابه کارت‌های ورودیه می‌داند که به دارندگانش دسترسی و کنترل بر اشیا یا کالاهای کمیاب را امکان پذیر می‌سازد. چنان چه دارندوف در تضاد اجتماعی مدرن (دارندوف، ۱۹۹۴: ۲۷) می‌نویسد: ((حقها به انسان‌ها حق مشروع دستیابی به اشیا را ممکن می‌سازند)). او برای توضیح بیشتر منظور خود از ((حقها)) به مجموعه حقوق انسانی به ویژه حقوق شهروندی اشاره می‌کند که بر اساس قانون اساسی به همه اعضای جامعه اعطا می‌شود. به زعم دارندوف در مرکز تضادهای اجتماعی اجرای حقوق بشر و حقوق شهروندی قرار داشته و دارد. در نگاه وی حقوق شهروندی مفهومی کلیدی و قلب جامعه مدرن است. (دارندوف، ۱۹۹۵: ۴۲) حقوق شهروندی، حقوق ویژه‌ای است که همه افراد سوای ملیت، نژاد، رنگ، طبقه، شغل، جایگاه اجتماعی و... از آن برخوردارند.

منظور دارندوف از جامعه مدنی حوزه‌ای اجتماعی است که بر اساس حقوق شهروندی بنا شده است و به اعضای خود فضایی انسانی و مدنی برای بروز تضادها اجتماعی عرضه می‌دارد. دارندوف در پاسخ این که جامعه مدنی چیست می‌نویسد: جامعه مدنی دو صورت دارد: اولاً جامعه‌ای متشکل از شهروندان است که در آن شهروندی تحقق می‌یابد... و زمین مشترکی است که همه اعضا جامعه بر روی آن می‌ایستند. جامعه مدنی زمین مشترکی است که باحقها که با وضعیت شهروندی درارتباطند عجین شده است، آن هم حقوقی که

ماهیت قانونی دارند: نظیر برابری در برابر قانون و حقوقی که ماهیت سیاسی دارند مانند مصونیت در هنگام بی گناهی و هم چنین برخورداری از آموزش به منزله حق مسلم شهروندی.

دارندوف سه ویژگی اصلی برای جامعه مدنی قائل است:

کثرت گرایی: به نظر دارندوف، تکثر نهادها و سازمان‌ها متعلق به جامعه مدنی در همه حوزه‌های زندگی به شهروندان کمی‌کند تا منافع و علایق گوناگون خود را در حوزه زندگی اجتماعی تعقیب و تأمین کنند. لذا ساختارها انحصاری نه تنها به جامعه مدنی تعلق ندارند بلکه خطر جدی برای آن محسوب می‌شوند. از جمله ساختارهای انحصاری که به جامعه مدنی تعلق ندارد دولت است. هم چنین در حالی که کلیساهای مستقل از دولت جزیی از جامعه مدنی هستند اما نمی‌توان کلیسای دولتی را نهاد مربوط به جامعه مدنی دانست (دارندوف، ۱۹۹۳: ۷۸).

خودمختاری: منظور از خودمختاری عدم وابستگی نهادهای مختلف جامعه مدنی به مرکز قدرت یا دولت است مانند خودمختاری انجمن‌ها و دانشگاه‌های غیر دولتی. به نظر او خودمختاری در صورتی مستحکم تر می‌شود که بر مبنای مالکیت باشد. بر این اساس بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط، بنیادها، اتحادیه‌ها و سندیکاها جزو نهادها جامعه مدنی محسوب می‌شوند. در حالی که جامعه مدنی، از سویی از نهادهای خودمختار تشکیل می‌شود از سویی دیگر منبع خودمختاری و استقلال چنین سازمان‌ها اجتماعی جامعه مدنی است زیرا جامعه مدنی به وجودآورنده شرایطی است که چنین نهادهایی در آن‌ها متولد می‌شوند و رشد می‌کنند (نوتل و یلدفرد، ۱۹۹۹: ۱۲۳).

مدنیت: دارندورف تحقق شهروندی را به انجام وظایف شهروندی از سوی افراد آنها مطابق با شاخص‌های رفتار مدنی وابسته می‌کند. بر اساس این، کایشهروندان در مقابل جامعه و در برابر هم وظایف مدنی دارند و باید بر اساس تعهد اجتماعی، غرور شهروندی، تساهل و مدارا با یکدیگر رفتار کنند. او می‌نویسد: جامعه مدنی بدون در شهروندی، غرور شهروندی، مدارا، مشارکت و رفتارمدنی وجود نخواهد داشت. (دارندورف، ۱۹۹۳: ۷۸). شهروند مدرن کسی است که خودش وظیفه و مسوولیتش را در برابر جامعه بداند و سوال نکند که دیگران یا دولت برای او چه کاری می‌توانند انجام دهند بلکه خود او دست به اقدامی بزند و کاری برای دیگری و جامعه انجام دهد (حمزه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۳۶).

نظریه فضای عمومی از هانا آرنت

فضای عمومی؛ آرنت ضمن ارائه تعریفی از فضای عمومی دولت شهرهای قدیم و ذکر ویژگی‌های آن، نکات اختلاف فضای عمومی مورد نظر خود با فضای عمومی جامعه مدرن امروزی را توضیح می‌دهد. آرنت فضای عمومی را ((فضای نمود)) و ((جهان مشترک)) تعریف می‌کند. در درجه اول، حوزه عمومی فضای نمودها و واقعیات است که از سوی ما دیده و شنیده می‌شود. در درجه دوم، حوزه عمومی جهان مشترک انسان‌هاست. به نظر آرنت، در معرض دید و شنود دیگران قرار گرفتن اعتبارش را از این واقعیت می‌گیرد که افراد از چشم اندازه‌های متفاوت می‌بینند یا شنیده‌ها را تفسیر می‌کنند. بنابر این حوزه عمومی چشم انداز بیکران و نامحدود است و هرکسی می‌تواند از چشم انداز خودش واقعیت را ببیند. این جنبه از اندیشه آرنت با اصل «کثرت‌گرایی» هماهنگی دارد. فضای عمومی آرنت دارای شش ویژگی اصلی است: فضایی است غیر طبیعی، عمومی، غایی، باز، متکثر (در طرح موضوعات) و غیر انحصاری که به اجمال به هر کدام اشاره می‌شود:

- غیر طبیعی بودن: منظور از این ویژگی آن است که سیاست حاصل تمایلات طبیعی یا خصلت‌های نهفته طبع بشری نیست بلکه دستاورد فرهنگی افرادی است که از ضروریات زندگی و زیستی فراتر رفته و پا به دنیایی گذاشته اند که در آن عمل سیاسی آزاد تبلور می‌یابد. فعالیت‌های سیاسی جزو طبع بشر نیستند، بلکه غیر طبیعی آن دو از سوی انسان ساخته می‌شوند. ویژگی غیر طبیعی فضای عمومی چند پیامد اصلی برای سیاست به دنبال دارد:

- نخست اینکه، برابری سیاسی شهروندان، وضع طبیعی یا وضع پیش از تشکیل حوزه عمومی نیست و بر اساس نظریه حقوق طبیعی ایجاد نشده است، بلکه ویژگی اکتسابی است که افراد برای وارد شدن به حوزه عمومی به آن نیاز دارند.

- دوم، جامعه سیاسی بر مبنای هویت‌های پراکنده شکل نمی‌گیرد. هویت‌های قومی، مذهبی یا نژادی در تقابل با هویت فرد به مثابه شهروند قرار می‌گیرند و هرگز نمی‌توانند مبنایی برای عضویت فرد در جامعه سیاسی باشند. آرنت در همین رابطه به ستایش قانون اساسی آمریکا می‌پردازد، که هیچ گونه هویتی (نژادی، مذهبی و...) را مبنای شهروندی قرار نداده است.

-سرانجام، حوزه عمومی مغایر با شکل گیری هر گونه جماعتی بر مبنای هم دلی، محبت و دوستی است. به نظر آرنت، حوزه عمومی بر مبنای مرزبندی‌های سیاسی بین افراد شکل می‌گیرد، در حالی که هم دلی و محبت مرزهای ناشناسند و بر عواطف و احساسات انسانی استوارند و هرگز نمی‌توانند سیاسی باشند.

-ویژگی عمومی بودن: به نظر آرنت فعالیت‌های سیاسی در جایی انجام می‌شوند که افراد کدیگر را ملاقات کنند و به تبادل افکار بپردازند. شهروندان باید بتوانند در فضایی عمومی درباره مشکلات شان بحث و گفتگو کنند و برای آن‌ها راه حل ارائه دهند. به این اعتبار، عقاید سیاسی هرگز نمی‌توانند در حوزه خصوصی یا در خلوت شکل گیرند. یکی از کارویژه‌های عمده حوزه عمومی این است که در آن با تبادل نظر و روابط بین الازدهانی عقاید درست شکل می‌گیرد. جنبه دیگر، چگونگی وحدت افراد گوناگون در چارچوب اجتماعی سیاسی است؛ وحدتی اجتماعی که حاصل قرابت‌های خویشاوندی، قومی - مذهبی یا نظام ارزشی مشترکی نیست، بلکه با سهیم شدن در فضای عمومی، تاسیس نهادهای سیاسی و درگیر شدن در کنش‌ها و فعالیت‌های خاص آن فضاها و نهادها به وجود می‌آید. بنابر این، آن چه باعث گردهمایی مردم در اجتماعی سیاسی و اتحاد آن‌ها با یکدیگر می‌شود جهان یا فضای مشترک آن‌هاست. حوزه عمومی فضاهایی است، که در آن‌ها مردم با یکدیگر کنش و واکنش دارند. مشارکت فعالانه در بخش‌هایی از حوزه عمومی خودیک نوع فعالیت سیاسی هم هست؛ آن هم فعالیتی که بر اجتماع تاثیرگذار است.

-ویژگی غایی بودن: به نظر آرنت، فعالیت سیاسی ابزاری برای واقعیت بخشیدن به غایت یا هدف نیست، بلکه اساساً ((غایتی در خود)) است. درگیر شدن در عمل سیاسی صرفاً برای رسیدن به رفاه نیست، بلکه تحقق بخشیدن به اصول ذاتی در حیات سیاسی مانند آزادی، برابری، عدالت، شجاعت و فضیلت است. از این منظر، سیاست جهانی دارای یک سری ارزش‌ها و غایات خاص خودش است که در جریان کنش جمعی میسر می‌شود (انصاری، ۱۳۷۹: ۶۷-۷۳)

-ویژگی باز بودن: فضای عمومی جامعه مدرن بر روی هیچ گروه اجتماعی بسته نیست و همه اجازه ورود به آن را دارند. آرنت این امر را حاصل مبارزه خستگی ناپذیر تاریخی و مداوم گروه‌های مختلف اجتماعی نظیر کارگران، زنان، اقلیت‌های قومی، مذهبی و همجنس بازان برای ورود به حوزه عمومی و دستیابی به حقوق شان می‌داند. این فضا با فضای عمومی پولیس یا دولت شهر متفاوت است، زیرا زنان، برده‌ها، کودکان، کارگران و بربرها فاقد حقوق شهروندی بوده و نتیجتاً از آن فضا طرد شده بودند. به نظر آرنت، در جوامع امروزی،

قلمرو عمومی را رقابت سرسختانه افراد با یکدیگر می‌سازد و شهروندان در این قلمرو از کدیگر متمایز می‌شوند. به عبارت دیگر، فضای عمومی جایگاه فردیت نیز هست زیرا؛ تنها جایی است که این امکان را برای انسان‌ها فراهم می‌کند که بفهمند به راستی کیستند و چه ویژگی‌های منحصر به فردی دارند. آرنست از فضای عمومی جامعه‌های مدرن برداشتی غیر نخبه‌گرایانه دارد به گونه‌ای که در آن همه مصادیق و نشانه‌های طرد شدن مانند برده بودن، زن بودن یا خارجی بودن از بین می‌رود.

-ویژگی متکثر بودن: فضایی غیر بسته و غیر تخصصی به معنای آن که همه موضوعات می‌توانند به عنوان مسائل مورد بحث و بررسی در فضای عمومی مدرن طرح شوند. آرنست می‌گوید: بر خلاف جامعه‌های باستانی و جوامع سنتی، در جوامع معاصر نمی‌توان بین حوزه‌های عمومی و خصوصی زندگی تفکیک مشخصی قائل شد. رشد دولت رفاهی و مداخله‌گر فاصله طولانی بین حوزه عمومی زیر نظارت و کنترل دولت و حوزه خصوصی بیرون از کنترل دولتی را از بین برده است، به صورتی که امروزه کسی نمی‌تواند ادعا کند که رابطه بین کارگران و کارفرمایان رابطه صرفاً اقتصادی و امری غیر سیاسی است.

-ویژگی انحصاری بودن: سرانجام، فضای عمومی از نظر زمانی نباید بسته باشد، زیرا اختلافات درباره چگونگی اداره امور عمومی همیشه وجود دارد. به هیچ شهروند خاصی و هیچ گروه اجتماعی خاصی نباید اجازه داد که حوزه عمومی روابط اجتماعی را برای همیشه در انحصار خود بگیرد. در جامعه مدرن امروزی، هیچ جهان بینی و هیچ نظام عقیدتی نمی‌تواند امیدوار باشد که می‌تواند برای همیشه بر حوزه عمومی استیلا یابد و افکار عمومی را به انحصار خود درآورد (دوبیل، ۱۹۹۴: ۶۳).

با توجه به ویژگی‌هایی که در نظریه فضای عمومی‌ها آرنست مشاهده می‌شود، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در جایگاه فضای عمومی نوین و گسترده قرار گیرند که در آن‌ها بحث و گفتگوهای آزاد بر موضوعات گوناگون اجتماعی میان اقشار گوناگون جامعه جریان یافته و این فرایند می‌تواند نگرش و افکار را به سمت حلقه‌ها و شبکه‌ها و نهادهای مدنی و مردم محور سوق دهد بگونه‌ای که عملاً نهادهای مقدماتی جامعه مدنی در این فضای عمومی نطفه بندی گردند.

نظریه عدالت و همکاری اجتماعی از جان راولز^۱

جامعه درنگاه راولز، اساسا جامعه متکثر، دموکراتیک و عادلانه است. وی مشخصا جامعه را به مثابه "نظام منصفانه همکاری اجتماعی در طول زمان و از نسلی به نسل بعد" تعریف می کند (راولز، ۱۳۸۳: ۲۷). راولز در اثر خود "عدالت به مثابه انصاف" می نویسد: این که جامعه دموکراتیک را نوعی نظام همکاری اجتماعی می دانیم ناشی از این واقعیت است که از منظر سیاسی و با توجه به بحث کلی درباره ابعاد اساسی حقوق سیاسی، شهروندان جامعه دموکراتیک، نظم اجتماعی موجود خود را ثابت، طبیعی یا ساختاری از پیش تعیین شده نمی دانند بلکه آن را نظمی که بر اساس همکاری اجتماعی ساخته شده می دانند (راولز، ۱۳۸۳: ۲۸).

راولز برای همکاری اجتماعی سه ویژگی قایل است:

(الف) همکاری اجتماعی بر اساس قواعد و رویه های مقبول مشارکت تنظیم می شود.

(ب) شرایط همکاری باید نزد همه منصفانه باشد؛ شرایطی که ایده معامله به مثل یا عمل متقابل را تعیین می کند: همه کسانی که نقش خود را مطابق قواعد به رسمیت شناخته شده ایفا می کنند باید بر اساس معیاری عمومی و مورد توافق همگانی سود ببرند.

(ج) همکاری اجتماعی بر اساس نفع عقلانی یا خیر مشارکت کنندگان است.

همکاری اجتماعی به مثابه ویژگی سازنده جامعه ای دموکراتیک باید بر اساس شرایط منصفانه باشد. شرایط منصفانه همکاری اجتماعی را باید توافق میان شرکت کنندگان در همکاری تعیین کند و دلیلش این است که در جامعه دموکراتیک با توجه به فرض کثرت گرایی معقول، شهروندان نمی توانند درباره هیچ مرجع اخلاقی ای، برای مثال متنی مقدس یا نهادهای سنتی دینی به توافق برسند. آن ها نمی توانند درباره نظم اخلاقی ارزش های یا فرمان ها قانونی توافق کنند، بلکه باید بر سر اصول عدالت بین شهروندان توافق صورت گیرد، که در این صورت شرایط همکاری منصفانه خواهد شد (راولز، ۱۳۸۸: ۴۱). به نظر او در حالت طبیعی تمام افراد فقط دو اصل را انتخاب می کنند: اصل برابری و اصل تفاوت. بر اساس اصل تفاوت، نابرابری در ثروت و قدرت تنها هنگامی عادلانه است که برای سایرین به ویژه محرومان جامعه جبران کننده ای به همراه داشته باشد. نمی توان رنج یکی را باخوشی دیگری توجیه کرد یا بر این باور بود که اگر مجموع خوشی ها از

^۱ Jahn Rawls

کل رنج‌ها بیش تر باشد رنج‌ها باید تحمل شوند. اما اگر عده‌ای در جامعه دارای ثروت زیاد باشند ولی وضعیت محرومان با ثروت آن‌ها بهبود یابد می‌توان گفت که بی‌عدالتی رخ نداده است. راولز در بررسی دقیق تر دو اصل مذکور آن‌ها را به صورت زیر خلاصه کرده است:

اصل یک: هر شخص حق برابردر برخورداری از آزادی‌های اساسی را مشابه آزادی دیگران دارد.

اصل دو؛ اصل تفاوت: نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به دو شرط پذیرفتنی است: یکی این که نابرابری‌ها باید محدود به مناصب یا مقام‌هایی باشند که در شرایط منصفانه فرصت‌ها برای همگان ایجاد شده‌اند، و دوم این که آن‌ها باید بیش‌ترین سود را برای محروم‌ترین اعضای جامعه داشته باشد (راولز، ۱۳۸۸: ۸۴).

یکی از ویژگی‌های ذاتی جامعه بسامان این است که برداشت عمومی اش از عدالت سیاسی، بنیان مشترکی برای شهروندان به وجود می‌آورد تا بر اساس آن قضاوت‌های سیاسی خود را برای یکدیگر توجیه کنند که راولز از آن تحت عنوان توجیه عمومی نام می‌برد، به عبارت دیگر توجیه عمومی از نظر راولز یعنی این که هریک از شهروندان از نظر سیاسی و اجتماعی بر اساس شرایطی که عادلانه بودن آن مورد تایید همگانی است، با یکدیگر همکاری می‌کنند. توجیه از نظر راولز معطوف به دیگری مخالف است و بر این فرض استوار است که درباره مسایل عدالت سیاسی (قضاوت درباره عادلانه بودن اصول و موازن معین، نهادها و خط مشی‌های خاص و نظایر آن‌ها) تضاد و اختلاف نظر وجود دارد، اما همه طرف‌های مخالف که آزاد، برابر و کاملاً معقولند، می‌توانند در مورد آن‌ها به اجماع برسند (راولز، ۱۳۸۸: ۹-۵۸). لذا راولز تحقق عدالت به مثابه اولین فضیلت اجتناب ناپذیر هر نظام اجتماعی را به توانایی جامعه در حل صحیح برخی مسایلی به نام (مسائل عدالت) وابسته می‌داند. به زعم راولز، جامعه هم چون ضرورت‌های همیارانه‌ای برای نفع متقابل است، که کم و بیش خودبسامان و ضرورتاً قواعدی بر آن حاکم است. از این رو، اعضای منفرد جامعه هم اشتراکات و هم تضاد منافع با هم دارند. اشخاص نسبت به منافع و سودهای حاصله از همکاری جمعی و توزیع آن‌ها بی تفاوت نیستند. هریک از آن‌ها برای تعقیب هدف‌هایشان ترجیح می‌دهند سهم بیش تری دریافت کنند. آن‌ها ادعاهای ناسازگاری را نسبت به هم طرح می‌کنند و هر کدام می‌خواهند سهم بیش تری از سود به دست آورند و برای همین می‌خواهند قواعد اجتماع را هم به گونه‌ای تنظیم کنند، که سهم بیش تری برایشان تضمین شود. این مسئله عدالت است. چنان چه لسناف توضیح می‌دهد، به نظر راولز، انسان زمانی به عدالت دست می‌یابد، که بتواند سود را به درستی توزیع کند و به مسوولیت اجتماعی متعهد باشد؛ یا به روایت راولز،

هنگامی که قواعد نهادهای اصلی جامعه، ساختار اساسی عادلانه حقوق و تکالیف مزایای اجتماعی اعضای جامعه را به آنها اعطا کند. راولز فرض می‌کند که واگذاری حقوق و تکالیف مزایای اجتماعی نمی‌تواند کاملاً برابر باشد بلکه نابرابر است. به نظر راولز، نابرابری‌های اجتناب‌ناپذیر در ساختارهای اساسی هر جامعه باید توجیه پذیر باشند عنی مسئله این است که پاسخ مناسبی به این سووال باید داده شود که چگونه چنین نابرابری‌هایی عادلانه است؟ راولز در نظریه عدالت هدف از طرح سوالاتی درباره جامعه عدالت محور را طراحی جامعه رفاهی بسامان می‌داند، که شاخص مهم آن "عمومی کردن اصول عدالت" است. به نظر او، شفاف ساز اصول عدالت در جامعه بسامان مانع از این می‌شود که شهروندان اصول و مقررات زندگی جمعی خود را بر پایه دروغ و تقلب قرار دهند. در این جامعه دروغ و ایدئولوژی کاذب نمی‌توانند بر زندگی جمعی مردم حاکم شوند. (لسناف، ۱۳۸۵: ۳۳۰)

راولز در ارتباط با جامعه مدنی از مفهوم "ساختار اساسی" نام می‌برد و ساختار اساسی، چارچوب اجتماعی است که فعالیت‌های روزمره غیر سیاسی مردم در آن جریان داشته و ضمناً بر اهداف، آمال و شخصیت شهروندان، فرصت‌ها و توانایی‌های آنها برای استفاده از این فرصت‌ها تاثیر بسیاری دارد. ساختار اساسی از نهادهایی تشکیل می‌شود که انسان‌ها می‌توانند به وسیله آنها قوای اخلاقی شان را پرورش داده و به اعضای کاملاً همکاری کننده جامعه‌ای مرکب از شهروندان آزاد و برابر تبدیل شوند

راولز ساختار اساسی را قلمرویی اجتماعی می‌داند و معتقد است این قلمروی غیرسیاسی همراه با قلمروی سیاسی، هر دو تابع اصول عدالت‌اند و هیچ قلمرویی حتا قلمرو خصوصی (خانواده) معاف از عدالت نیست. راولز معتقد است آن چه به قلمرو سپهر زندگی معروف است جدای از اصول عدالت نیست (راولز، ۱۳۸۸: ۲۶۹). به نظر راولز سپهر زندگی قلمرو فضایی یا مکانی صرف نیست بلکه حاصل کاربست اصول عدالت سیاسی است اصولی که آزادی‌های اساسی برابر و فرصت‌های منصفانه شهروندان را تعریف کرده و در داخل هر قلمرو (خانواده) و نیز بین قلمروها با یکدیگر (بین قلمروهای خانواده و اقتصاد انجمن‌ها) معتبرند. (راولز، ۱۳۸۸: ۲۷۰).

از سوی دیگر بنا بر مدل اجتماعی عدالت راولز، بسط آزادی‌های دموکراتیاز جمله آزادی‌های زندگی غیرسیاسی یا آزادی‌های مدرن مستلزم مشارکت فعال شهروندانی است که از شعور سیاسی لازم برای حفظ نظامی مبتنی بر قانون اساسی برخوردارند. بنابر این تا زمانی که شهروندان پرشور و آگاه به صورت گسترده

در سیاست دموکراتیک مشارکت نکنند، نهادهای سیاسی دست افراد قدرت طلب یا کسانی می‌افتد که منافع کوتاه بینانه و محدود طبقاتی را دنبال می‌کنند. لذا، به نظر راولز، تحقق شهروندی آزاد و برابر بستگی دارد به این که افراد به زندگی خصوصی شان عقب نشینی نکنند (راولز، ۱۳۸۸: ۲۴۰). در این راستا، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز، فضای تبادل اطلاعات آزادانه را فراهم می‌کند و از این طریق جامعه مدنی دموکراتیک را مبتنی بر عدالت رقم می‌تواند رقم بزنند.

نظریه یورگن هابرماس^۱

هابرماس برای مفهوم جامعه مدنی از تقسیم بندی جامعه نام می‌برد؛ به نظر هابرماس، جامعه که منظور از آن جامعه سرمایه داری مدرن است دارای کلیت اجتماعی یکپارچه‌ای نیست بلکه به دو حوزه بسیار متفاوت و جدا از هم تقسیم می‌شود: زیست جهان و نظام

الف) زیست جهان، جهان کنش ارتباطی است که دارای کارکردهای باز آفرینی فرهنگی، انسجام اجتماعی و جامعه پذیری است. این جهان در درجه کم از مجموعه اعتقادات مشترک، تفسیرها و تاویل‌های مورد پذیرش همگانی تشکیل شده است که توافق و تفاهم را تسهیل می‌کنند. به نظر هابرماس زبان و فرهنگ برای زیست جهان جنبه سازنده و بنیادی دارند. در این جهان نمادین به کمک فرایند کنش ارتباطی، اصلاح، توضیح، تفسیر و غنی ساز محتوای فرهنگی صورت می‌گیرد و افراد به ذخیره‌ای از دانش دست می‌یابند که زمینه مشروعیت جامعه و خود تکوینی فردی را فراهم می‌کند. به علاوه زیست جهان، عناصر ساختاری نظیر نهادها، ساختارهای هنجاری و رویه‌های اجتماعی را شامل می‌شود که انسجام اجتماعی را به وجود می‌آورند؛ انسجامی که نتیجه باز آفرینی تعهدات و روابط میان فردی و عضویت‌ها و وابستگی‌های اجتماعی است. سرانجام در زیست جهان افراد طی فرایند جامعه پذیری، درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها را می‌آموزند. درونی کردن زیست جهان امکان تفسیر معانی به شیوه‌های معتبر و آموزش ساز گاری با هنجارها اجتماعی و تعامل با دیگران را باحفظ هویت متقابل فراهم می‌سازد. به نظر هابرماس عقلانیت ارتباطی که بر منافع همگانی استوار و حاصل توافق‌های جمعی است در زیست جهان محقق می‌شود. با این وجود، خطر غلبه عقلانیت ابزاری بر عقلانیت ارتباطی وجود دارد.

^۱ Jurgen habermas

ب) نظام. نظام حوزه‌ای از جامعه است که از دو خرده نظام اقتصاد و سیاست تشکیل شده است. این حوزه از تجربه مشترک ارتباطی که با میانجی زبان انتقال می‌یابد جدا شده و با میانجی‌های پول و قدرت هماهنگ می‌شود. هابرماس با باز ساز نظرات مارکس نشان می‌دهد که چگونه حوزه‌های گسترده‌ای از زیست جهان و حوزه عمومی آموزش و پرورش شهروندی و مانند آن به کمک میانجی‌های پول و قدرت فرو می‌ریزند و سپس دوباره به مثابه الزام‌های اقتصادی زیرمجموعه نظام باز ساز می‌شوند. قدرت یکی از میانجی‌های نظام است که اگرچه به دلیل ماهیت ارتباطی اش به اندازه پول (میانجی اقتصاد) کامل نیست اما به مانند پول زیست جهان را زیرسیطره و کنترل دولت می‌گیرد (پیوزی، ۱۳۷۹: ۱۴۵). به نظر هابرماس نظام مبتنی بر عقلانیت ابزاری است و بالاترین غایت آن نیل به موفقیت است (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۰۹).

این جهان، جهان آزادی نیست بلکه جهان ضرورت است، جهانی که هرگاه در کنار زیست جهان که جهان معنا استقلال و انتخاب اخلاقی است قرارگیرد ارزش خود را از دست می‌دهد. در نظام، افراد نه هدف بلکه وسیله‌اند، روابط میان افراد ابزاری است و هنجارها و الزامات نظام را اصول اخلاقی تعیین نمی‌کنند بلکه آنها از هدف‌های راهبردی سرچشمه می‌گیرند (سبزه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۸۳) فضایی که در نظام شکل می‌گیرد به دلیل این که از سوی رسانه‌های همگانی دولتی هدایت می‌شود فضایی اخلاقی نیست (میدول، ۱۳۸۲: ۱۹۳). در انگاره اجتماعی هابرماس جامعه مدنی در زیست جهان دنیای زندگی روزمره اجتماعی قرار دارد. هابرماس در اثرش بنام "حقیقت و اعتبار" (۱۹۹۲) در این باره می‌نویسد:

«آن چه جامعه مدنی نام دارد اقتصاد را که به صورت خاص با کار و سرمایه و بازار کالاها ساخت یافته، چنان چه نزد مارکس و مارکسیسم بود، شامل نمی‌شود. برعکس در هسته اصلی آن اتحادیه‌ها و موسسات غیر دولتی و غیر اقتصادی داوطلبانه قرار دارند که ساختارهای ارتباطی فضای عمومی را در بخش اجتماعی زیست جهان نهادینه می‌کنند. جامعه مدنی کم و بیش از اتحادیه‌ها، سازمان‌ها و جنبش‌هایی ترکیب می‌شود که باز تاب مسائل اجتماعی در حوزه‌های زندگی خصوصی را گرفته، دسته بندی کرده و با صدای بلند به مکان عمومی سیاست منتقل می‌کنند. جامعه مدنی ساختاری سازمانی را به وجود می‌آورد که گفت و گوهای راه گشایی را درباره مسائل مورد علاقه مردم در چارچوب فضاهای عمومی ایجاد شده شکل می‌دهد (هابرماس، ۱۳۸۸: ۴۴۳)».

بر اساس این، جامعه مدنی دارای انجمن‌های داوطلبانه و مستقل شهروندان و سازمان‌هایی است که امکان انتشار نا محدود اطلاعات و اندیشه‌ها را در حوزه زیست جهان میسر می‌سازند. بنابر این انواع گوناگون سازمان‌ها از انجمن‌های اولیا و مربیان مدرسه و باشگاه‌های محلی گرفته تا اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های حقوق بشری، سازمان‌های طرفدار محیط زیست و غیره، اجزای جدانشدنی جامعه مدنی‌اند (کیویستو، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

علاوه بر این، جامعه مدنی دارای حوزه‌ای عمومی است. هابرماس در بحثی مفصل در این باره منظور خود را از حوزه عمومی با تاکید بر افکار عمومی شرح می‌دهد:

«... منظور ما از حوزه عمومی، قلمرویی از حیات اجتماعی ماست که در آن چیزی به نام افکار عمومی شکل می‌گیرد. اساسا تمامی شهروندان باید از امکان دسترسی به حوزه عمومی برخوردار باشند. در جریان هر مکالمه گفت و گو که در جریان آن اشخاص در کنار هم جمع شده و اجتماعی (عمومی) تشکیل دهند در حقیقت بخشی از حوزه عمومی شکل می‌گیرد. شهروندان یا افرادی که کنار هم جمع می‌شوند در مقام عاملان اقتصادی یا حرفه‌ای که تنها به فکر اداره امور خصوصی خود باشند عمل نمی‌کنند. آنها مثل انجمن‌های حقوقی که تابع قواعد حقوقی دیوان سالار دولتی و موظف به اطاعت و تبعیت از قواعد مذکورند هم نیستند، بلکه شهروندان و افراد عادی زمانی به منزله عموم عمل می‌کنند که بدون اجبار و اضطراب بتوانند به مسایل مورد علاقه مردم یا منافع و مصالح عمومی بپردازند. و این امر زمانی امکان پذیر است که تضمین‌های لازم برای گردهمایی و اجتماع آنها فراهم شود و آنها بتوانند آزادانه به یکدیگر بپیوندند و افکار خود را بیان و تبلیغ نمایند...» (هابرماس به نقل از نوذری، ۱۳۸۸: ۴۶۶).

به نظر هابرماس، گفت و گویی که منجر به شکل‌گیری اراده و عقیده عمومی شود، باید در شرایط خاص و تابع هنجارها، الزامات، قوانین و اصول ارزشی و هنجاری خاصی صورت گیرد. شرایط فوق در وضعیتی محقق می‌شود که هابرماس آنرا وضعیت آرمانی گفت و گو می‌نامد. شرط لازم برای عادلانه بودن گفت و گو مساوی بودن هر دو طرف در مباحثه و نبود هیچ رابطه سلطه مدارانه در جریان گفت و گو است. هابرماس به این حالت "گفت و گویی فارغ از سلطه" می‌گوید. به نظر هابرماس، در واقع کنش متقابل همیشه بین دو قطب "سلطه مطلق" و "رهایی کامل از سلطه" است، حتی در شرایط برابری کامل و وجود زمان لازم برای بحث نامحدود، انسان‌ها هیچ موقع در مورد واقعیات عینی، درست بودن هنجاری و حقیقت بیانی به اجماع نمی

رسند. اگر در جریان گفت و گویی طرف‌های بحث احساس کنند که برابری در این صورت میدان عمل برای خردورزی و رسیدن به توافق باز می‌شود. در این صورت بحث فارغ از سلطه به قبول نقطه نظرات تحمیلی دیگری منجر نمی‌شود، بلکه چنان چه خودها بر ماس می‌نویسد ((اگر استدلال‌ها به اندازه کافی به صورت باز بیان شوند و به مدت کافی ادامه پیدا کنند تفاهمی عقلانی از آن حاصل می‌شود که اساساً می‌تواند عقیده‌ای آرمانی را بیان کند.)) (هابرماس، ۱۹۸۱: ۷۱). عقیده آرمانی از حاکمیت شرایط آرمانی در جریان گفت و گو حاصل می‌شود اما وضعیت آرمانی گفت و گو به این شیوه مشخص می‌شود که هر تفاهمی که در این شرایط به وجود می‌آید می‌تواند به مثابه تفاهم واقعی باشد و اگر تکیه ما در هر گفت و گو و مباحثه‌ای فقط به وضعیت آرمانی گفت و گو باشد در این صورت در همه گفت و گوها (اجبار استدلال‌های برتر) حاکم می‌شود. از این روها بر ماس میان کنش ارتباطی و مباحثه تمایز قائل می‌شود کنش ارتباطی در زندگی روزمره پیش می‌آید در حالی که مباحثه یا گفت و گو نیاز به شرایط خاصی دارد. هابرماس چهار شرط که از سه نوع کردار گفتمانی بالا ناشی می‌شوند برای گفت و گو ذکر می‌کند:

الف) همه مشارکت کنندگان در مباحثه شانس داشته باشند تا بتوانند کردارهای گفتمانی را به گونه‌ای به کار گیرند، که، سر بحث باز شود، و سپس، سخنان و سخن‌های مخالف، سوال و جواب‌ها رد و بدل شوند.

ب) همه شرکت کنندگان در گفت و گو باید شانس مساوی داشته باشند تا تفسیرها، ادعاها، توصیه‌ها، توضیح‌ها و توجیه‌هایشان را مطرح کنند و برای ادعای اعتباری آن‌ها مسئله ساز کنند دلیل بیاورند یا انکار کنند به صورتی که هیچ پیش عقیده‌ای در بلند مدت هنگام طرح موضوع و انتقاد حاصل نشود.

ج) فقط به سخن گویندگان اجازه شرکت در مباحثه داده شود، که شانس مساوی داشته باشند تا کردارهای گفتمانی نمونه را به کار گیرند؛ یعنی قادر باشند عقاید، احساسات و آرزوهای خود را بیان کنند. این عمل تضمینی است برای این که کنش گران به مثابه شرکت کنندگان در گفت و گو در برابر خودشان واقع گرا باشند و طبیعت درونی خود را شفاف سازند.

د) فقط به سخن گویندگان اجازه شرکت در گفت و گو داده می‌شود، که به مثابه کنش گران شانس مساوی داشته باشند تا کردارهای گفتمانی نظام مند را به کار گیرند؛ یعنی دستور دهند، مخالفت کنند، اجازه بدهند و ممنوع کنند، قول بدهند و از دیگران قول بخواهند، حساب پس دهند و از دیگران حساب پس بگیرند. از این رو، انتظارات رفتاری و اولویت‌های دو جانبه حذف ملاک‌های ارزیابی و رفتاری‌جانبه در جریان گفت و گو

باید به کار گرفته شوند. به علاوه، تضمین تساوی رسمی شانس‌ها و رفع اجبارهای واقعی باعث می‌شوند تا کنش گران وارد حوزه بحثی فارغ از تجربه و عمل شوند (هورستر، ۱۹۹۵:۴۶ و ۴۳).

در نتیجه، وضعیت آرمانی گفت و گو ضمانتی برای تامین شرایط تقارن، برابری و آزادی است. شرط وارد شدن در گفت و گو این است، که کنش گران بتوانند آزادانه، به طور برابر و رها از هر نوع سلطه بیرونی و درونی با هم تعامل کنند. هابرماس ادعا نمی‌کند که در زندگی واقعی شرایط برای گفت و گوهای آرمانی و منصفانه فراهم می‌شود، اما اگر گفت و گو به اندازه کافی ادامه یابد وضعیتی به وجود می‌آید، که از دل آن حقیقت اخلاقی یا هنجارهای اخلاقی درست یا دقیق تر از آن، هنجارهای درست عدالت بیرون می‌آید. هنجارهای معتبر، هنجارهایی‌اند، که برای همه طرف‌های گفت و گو در جریان گفت و گو در وضعیت آرمانی پذیرفتنی است؛ چنین هنجارهایی بیانگر اراده عمومی است و تجسم چیزی است، که هابرماس آن را منافع تعمیم پذیرمی نامد (انصاری، ۱۳۸۴:۳۱۳).

شرط دیگر تحقق گفت و گوهای منصفانه از نظر هابرماس، حاکمیت عقلانیت ذاتی یا خرد بر جریان گفت و گو است. در این رابطه، هابرماس اظهار می‌دارد که... "در افکار عرفانی هنوز بسیاری آزادعاهای اعتباری مانند واقعیت لفظی، بدون هنجاری و حقیقت بیانی از یکدیگر تفکیک نشده‌اند..." (هابرماس، ۱۳۸۸: ۸۱).

فقط در مدرنیته همه این سطوح از هم جدا شده‌اند. به همین دلیل، دیده می‌شود در جوامع غربی بحث‌های روزمره هر روز بیش تر از گذشته به سوی وضعیت آرمانی گفت و گو نزدیمی شوند (ریترز، ۱۳۷۷: ۲۰). اما برعکس، زیست جهان جوامع باستانی مبتنی بر در اسطوره‌ای از جهان است. اسطوره‌ها مانند جهان بینی‌ها دارای کارویژه وحدت بخش‌اند، اما چنین کاری به صورت نسبتاً غیر عقلانی صورت می‌گیرد. جوامع باستانی قادر به تمیز بین اشیا، اشخاص، طبیعت و فرهنگ، زبان و جهان نیستند. در نتیجه، پیش‌انگاره‌های عمل ارتباطی، عینی نقد ادعاهای ارتباطی، در این جوامع تکوین نیافته است. به نظر هابرماس، زیست جهان جوامع اولیه مبتنی بر اقتدار امر مقدس و اخلاقی است؛ یعنی هدایت کننده این جوامع اخلاق و دین است. این جوامع توانسته‌اند با زبانی کردن امر مقدس، روند حرکت به سوی جهان ارتباطی را آغاز کنند اما قادر به فراهم کردن پیش شرط‌های کنش ارتباطی نشده‌اند. اما جریان روشن‌گری در غرب زیست جهان عقلانی مبتنی بر عمل ارتباطی را ممکن ساخته است. نقطه نهایی چنین جهان‌زیستی افقی است، که در آن سنت

ها دائما نقد، ارزیابی تجدید نظر می‌شوند. با این کار انسان مدرن می‌تواند به جهانی نائل شود، که هیچ چیز مقدس نیست، بلکه همه چیز سراسر عقل و خرد است. (انصاری، ۱۳۸۴: ۹-۳۰۸).

جامعه مدنی هابرماس رابطه اندام واره و چندجانبه با دیگر اجزای (اقتصاد و سیاست) دارد. مهم ترین کارویژه‌های جامعه مدنی به صورت کلی و حوزه عمومی به صورت خاص، برای اقتصاد و به ویژه سیاست به نظر هابرماس عبارت‌اند از:

جامعه مدنی میانجی جامعه و دولت است به صورتی که با نهادها و سازمان‌های که در اختیار دارد مسائل و مشکلات حوزه‌های مختلف زیست جهان را به حوزه سیاسی یا دولت منتقل می‌کند. تصمیم‌گیری سیاسی و قانون‌گذاری وظیفه جامعه مدنی نیست بلکه از کارکردهای دولتند (والزر، ۱۹۹۵: ۲۱). اما وظیفه جامعه مدنی فراهم کردن زمینه مشارکت مردمی در امر سیاسی از طریق شرکت در گفت و گو در حوزه عمومی است. چنان چه می‌نویسد: "... حوزه عمومی خودش را با این‌یا آن دیدگاه اختصاص نمی‌دهد. به محض این که خود را بر مسائل مرتبط سیاسی متمرکز می‌کند کار تخصصی این موضوع را به نظام سیاسی واگذار می‌کند. برعکس، حوزه عمومی خودش با ساختاری ارتباطی که مبتنی بر سومین جنبه از رفتار معطوف به تفاهم است نشان می‌دهد. [آن] نه بر کارکردها و نه بر محتوا ارتباط روزمره، بلکه بر فضای اجتماعی به وجود آمده در رفتار ارتباطی، بنا شده است..." (هابرماس، ۱۳۸۸: ۴۳۶).

-جامعه مدنی در کنار دستگاه‌های دولتی (نهادهای تصمیم‌گیرنده و قانون‌گذار) فضایی برای شکل‌گیری افکار عمومی است. (افکار سیاسی از سویی، به شکل مشورت‌های نهادی شده در نهادهای پارلمانی و هم‌چنین در شبکه ارتباطی شکل می‌گیرند. ارتباطات بدون سوژه در درون و بیرون حوزه سیاست بر اساس تصمیم‌های نهادهای پارلمانی به وجود می‌آیند و حوزه‌هایی را تشکیل می‌دهند، که در آن‌ها کم و بیش اراده و نظر عقلانی درباره موضوعات کلی جامعه و موضوعات نیاز مند تدوین قواعد شکل می‌گیرد. شکل‌گیری نظرات غیر رسمی به مصوبات قانونی و تصمیم‌های انتخاباتی نهادی شده منتهی می‌شود؛ امری که قدرت ایجاد شده از طریق ارتباط را به قدرت کاربردی در دولت منتقل می‌کند (هابرماس، ۱۳۸۸: ۲۸۸).

هابرماس حوزه عمومی را به مثابه شبکه‌ای ارتباطی می‌بیند، که در آن افکار عمومی غیر رسمی شکل گرفته و به قدرت سیاسی منتقل می‌شود. چنین فضای عمومی برای سیاست دارای سه کار ویژه فرعی مهم است:

الف) حقیقت مسائل اجتماعی را شناسایی می‌کند.

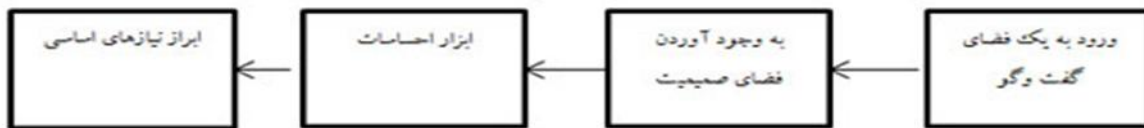
ب) مسائل را بر اساس درجه اهمیت شان موضوع بندی می‌کند؛ یعنی مشکلات را با سهم و وزنی که در جامعه دارند، دسته بندی می‌کند و اهمیت آن‌ها را به گونه‌ای بیان می‌کند، که برای بررسی کارشناسی به پارلمان انتقال‌ابند.

ج) بر روند حل مشکلات از سوی کارگزاران دولت نظارت می‌کند (والزر، ۱۹۹۵: ۲۱).

به نظر هابرماس، فقط در حوزه عمومی جامعه مدنی است که امکان شکل‌گیری و پرورش دموکراسی گفت و گویی به وجود می‌آید. به عبارت دیگر پیش شرط لازم برای دموکراتی شدن دولت فضایی عمومی است. هابرماس نوعی از دموکراسی به نام (دموکراسی گفت و گویی) ترسیم می‌کند، که مبتنی بر زبان و ارتباط است. به نظر او، همه تعارضات در جامعه حل‌شدنی‌اند، زیرا انسان‌ها با زبان می‌توانند اختلاف شان را حل کنند و بر سر موضوعات مورد علاقه به اجماع برسند.

حوزه عمومی مورد نظر هابرماس فضایی است که در آن افراد به شیوه آزاد، عقلانی، بتوانند به بحث و گفتگو پردازند و قدرت سیاسی در این گفتگوها دخالتی نداشته و هر موضوعی به ویژه مسائل جامعه بتواند در این گفتگوها مطرح شود. حوزه عمومی هابرماس عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند و کنش ارتباطی نیز در یک چنین فضای آزاد گفت و گو تحقق می‌یابد. هابرماس معتقد است که همواره نیازهای اصیل و معینی در تمام افراد آزاد وجود دارد و این نیازها توسط هرکس که صمیمانه وارد گفت و گوی عملی شود ضرورتاً کشف خواهد شد. امروزه، محیط اینترنت این فضا را فراهم و شرایط حوزه عمومی مورد نظر هابرماس را بستر ساز کرده است. در محیط‌های تعاملی اینترنت، افراد به راحتی می‌توانند نیازهای خود را مطرح کنند و طرح نیازها باعث شکل‌گیری فضای گفت و گو و مباحثه شده و در این مباحثات افکار جدیدی شکل می‌گیرد. گفتگوی آزاد انسان‌ها، بواسطه برخورداری از جهت‌گیری تفاهمی و نه ابزاری به منزله نوع کنش ارتباطی تلقی می‌گردد (کنوبلاخ، ۲۰۰۵) که شنونده را به دنیای درونی احساس‌ها، انگیزه‌ها و ارزیابی صحت گفته‌های مخاطب می‌کشاند؛ و این کنش ارتباطی تفاهمی، روابط بین افراد را تا آنجا صمیمی می‌سازد که رغبت کنند، نیازهای خود را بیان کرده و انرژی عاطفی خود را در این محیط مصرف کنند. نظریه کنش ارتباطی را در اینجا به صورت مدل مفهومی ارائه شده است: (هابرماس،

۱۳۸۸: ۱۴۰)



از آنجاکه محیط‌های تعاملی اینترنت را می‌توان فضاهایی در نظر گرفت که کاربران به راحتی در آن به گفت و گو می‌پردازند طبیعتاً این گفتگوهای آزاد و عقلانی می‌تواند بر محور مسائل و نیازهای مهم جامعه جریان یابد. با توجه به فقدان احزاب سیاسی جدی در کشور ایران و نیاز مبرم جامعه ایران به وجود نهادهای مردمی و جامعه مدنی، کنش ارتباطی در حوزه عمومی که از طریق اینترنت و فضای مجاز شکل گرفته است می‌تواند در این مسیر فعال شده و بر نگرش و کنش مدنی افراد اثرگذار شود.

جامعه مدنی در نگاه نظریه پردازان نو فرانکفورتی

برداشت نزدیکی به مفهوم آرنت از جامعه مدنی در نزد سه صاحب نظر معاصر آلمانی از نسل سوم مکتب فرانکفورت، الریش رودل، کنت فرانکن برگ و هلموت دبیل وجود دارد. این مولفان کتاب مسئله دموکراسی (۱۹۸۹) جامعه مدنی را پیش شرط دموکراسی می‌دانند و نقطه شروع بحث این سه متفکر تعبیر آرنت از انقلاب به مثابه خالق فضای سیاسی قدرت ارتباطی است (دبیل، ۱۶:۱۹۹۴). آنها جامعه مدنی را فضای عمومی بی واسطه‌ای برای شکل‌گیری اراده و عقیده عمومی از سوی ملتی با خرده فرهنگ‌های گوناگون تعریف می‌کنند. بر اساس این، دموکراسی مستلزم فضای اجتماعی باز برای گفت و گوهای سازنده است زیرا در فضای عمومی مربوطه هنجارها خلق می‌شود، که محدودیت‌های ارتباط دموکراتیک در آن از بین می‌رود. به نظر آن‌ها، همه کسانی که می‌توانند ارتباط برقرار کنند باید آزاد باشند تا بتوانند از طریق رفتارهای شان فضای عمومی را توسعه دهند، در جامعه مدنی مورد نظر نو فرانکفورتی‌ها محدودیت‌های فضای عمومی همیشه از بین می‌روند به صورتی که هیچ نوع سلطه گفتمانی شانس بقا ندارد، حتی سلطه اراده همگانی. حوزه جامعه مدنی نباید حتی در حاکمیت اراده عمومی قرار گیرد، زیرا این خطر وجود دارد، گروه یا شخصی که خود را سخن‌گوی اراده عمومی معرفی و قدرت را قبضه کند و کل جامعه را تابع اراده واحد قرار دهد. از این منظر، فضای عمومی باید با مجموعه قوانین و معیارهایی به طور دقیق تعریف شود، معیارهایی که بتوان بر

اساس آنها حقوق ارتباطی دولت را نیز مشخص کرد. این نوع برداشت از جامعه مدنی، همه حوزه‌های اجتماعی زندگی بشری از جمله حوزه دولت را در بر می‌گیرد. از آن جا که حق ارتباط عمومی از سوی دولت تعریف نمی‌شود، بلکه وجودش را مدیون دخالت مردم در سیاست است، لذا اندیشه‌های ضد دموکراتیک نمایند نژادپرستی اجازه رشد پیدا نمی‌کنند (سبزه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

نظریه آراتو - کوهن^۱

اندرو آراتو و جان کوهن در کتاب جامعه مدنی و نظریه سیاسی (۱۹۹۲) مدلی هنجاری از جامعه مدنی ترسیم می‌کنند، که بر اساس آن، جامعه مدنی به مثابه بخشی از نظریه دموکراسی و پروژه‌ای سیاسی - هنجاری است، که به وسیله کنش اجتماعی هدایت می‌شود و هرگز فرایندی نهادی نیست. در بخشی از اثر خود، آنان چنین می‌نویسند:

((ما جامعه مدنی را به مثابه حوزه کنش متقابل اجتماعی بین دولت و اقتصاد می‌دانیم. که از همه حوزه‌های صمیمی؛ مخصوصاً خانواده، حوزه انجمن‌ها؛ مخصوصاً انجمن‌های داوطلبانه، جنبش‌های اجتماعی و انواع ارتباطات اجتماعی و انواع ارتباطات اجتماعی تشکیل شده است. جامعه مدنی مدرن با انواع فرایندهای سازماندهی و بسیج‌کنندگی خودجوش شکل می‌گیرد. و از طریق قوانین و مخصوصاً حقوق نظری که تمایزات اجتماعی را تثبیت می‌کنند، عمومی و نهادینه می‌شود... اشتباه است اگر جامعه مدنی را شامل همه حوزه‌های زندگی اجتماعی خارج از دولت و فرایندهای اقتصادی به معنای محدود آن تعریف کنیم. البته این موضوع اهمیت دارد که جامعه مدنی را از دو جامعه، کی جامعه سیاسی شامل احزاب، سازمان‌های سیاسی و نهادهای مردمی سیاسی (به ویژه پارلمان‌ها) و دیگری جامعه اقتصادی مرکب از سازمان‌های تولیدی و توزیعی تمیز دهیم. به طور کلی، جامعه اقتصادی و جامعه سیاسی از جامعه مدنی نشئت می‌گیرند و برخی از اشکال سازمانی و ارتباطاتی آن را می‌سازند و با حقوق مالکیت و حقوق سیاسی نهادینه می‌شوند و همچنین با اصول حقوقی‌ای که جامعه مدنی مدرن را تضمین می‌کند تداوم می‌یابند. اما عوامل اقتصادی و سیاسی جامعه هر چند به صورت مستقیم با تولید اقتصادی و قدرت دولت که در تلاش برای کنترل و اداره این

^۱ Arato. A & Cohen, J.

جوامع هستند مرتبطاند. ولی قادر به ارائه طبقه بندی ملاک‌های ابزاری و راهبردی برای ترسیم انگاره‌های کنش متقابل هنجاری و شخصیت ارتباطی جامعه مدنی نیستند (کوهن و اراتو، ۱۹۹۲: ۲۱).

به نظر اراتو و کوهن بنیان شکل‌گیری ارتباط بین سه حوزه جامعه مدنی، سیاست و اقتصاد گفت و گوی عمومی آزاد است زیرا سایر آزادی‌ها نظیر آزادی برگزاری تجمعات، حق تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌ها در رابطه با آزادی بیان معنا دار می‌شوند. در فضای باز که برای سازمان‌ها داوطلبانه در جریان شکل‌گیری عقیده عمومی ایجاد می‌شود امور مورد علاقه عمومی به بحث و گفت و گو گذاشته می‌شود، علایق و منافع گروه‌های پایین و سخت سازمان پذیر نمایندگی می‌شود، اهداف فرهنگی، مذهبی و انسانی دنبال می‌شود، اجتماعات علمی راه انداز می‌شود و... به علاوه، آزادی مطبوعات، رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و زیر ساختار مطبوعاتی ارتباطات عمومی تامین می‌شود و به این وسیله آزادی طرح عقاید مختلف و تنوع دیدگاه‌ها تضمین می‌شود.

به نظر اراتو و کوهن، نظام سیاسی باید با احزاب سیاسی، مطبوعات و مشارکت شهروندان در انتخابات کنترل و محدود شود. این موضوع با حق احزاب بر تاثیرگذاری بر روند شکل‌گیری اراده سیاسی مردم، حق مشارکت فعال و منفعل در انتخابات و سایر حقوق مشارکتی شهروندان ضمانت می‌شود. سازمانی مانند دولت در صورتی می‌تواند تا حدودی خودمختاری و استقلال خود را حفظ کند که بتواند خودش را با تنوع و تکثر در حال رشد سبک زندگی، خرده فرهنگ‌ها و جهت‌گیری‌های فکری و عقیدتی مردم منطبق کند. ارزش‌های دموکراتیکی مانند حفظ حقوق فردی، ممنوعیت استراق سمع، آزادی عقیده، حرمت خانواده و ضرورت حفاظت از آن در برابر قضاوت‌های شخصی و بسیاری از حقوق انسانی دیگر برای حفظ حریم حوزه خصوصی افراد به وجود آمده‌اند تا این حوزه خدشه ناپذیر باقی بماند و جامعه مدنی بتواند از آن پاسداری کند. (هابرماس، ۱۳۸۸: ۴۴۶).

اراتو و کوهن همچنین برکسری محدودیتهای میدان عمل جامعه مدنی و افکار عمومی و برخی رویکردهای سیاسی تاکید و بویژه از مسأله "خود محدود ساز" نظریه دموکراسی رادیکال صحبت می‌کنند. از اینرو، به نظر آن‌ها تحقق جامعه مدنی مدرن مستلزم تحقق امور زیر است:

● جامعه مدرن فقط در متن فرهنگ سیاسی آزاد و مطابق با الگوی جامعه پذیری مناسب و بر اساس فضای خصوصی سالمی شکل می‌گیرد که در زیست جهانی از قبل عقلانی شده امکان رشد و شکوفایی دارد. در غیر

این صورت ممکن است جنبش‌هایی مردمی شکل بگیرند که از سنت‌های خشونت یا منعطف‌برخاسته از زیست‌جهان‌جوامع غیر مدرن کورکورانه دفاع کنند.

● بر اساس نظرات ارتو و کوهن، در فضای عمومی و لیبرال فقط عناصر جامعه مدنی و نه قدرت سیاسی می‌توانند تاثیرگذار باشند. عقیده عمومی‌ای که کم و بیش با بحث و مشاجره به وجود می‌آید به قدرتی ارتباطی تبدیل می‌شود و مشروعیت قانونی پیدا می‌کند، یعنی از عقیده عمومی به ایده‌ای مطابق منافع همگانی تبدیل می‌شود؛ ایده‌ای که می‌تواند تصمیم‌گیری‌های سیاسی را مشروعیت بخشد. اصل (خود مختاری) مردم می‌توانند فقط با بحث‌های عمومی غیر رسمی تحقق پیدا کند. این اصل باید بتواند بر مذاکرات نهادهای (در پارلمان و دولت) تاثیر بگذارد و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی قدرت تام پیدا کند تا بتواند قدرت سیاسی ایجاد کند. (هابرماس ۱۳۸۸: ۴۵۰)

بر اساس این نظریه؛ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز فضای باز را برای ایجاد کنش اجتماعی و مدنی فراهم می‌سازد و به شکل‌گیری عقیده و نگرش افراد در ایجاد جامعه مدنی کمک نموده و رابطه تعاملی را به شکل غیرمستقیم بین دولت و جامعه فراهم می‌سازند. به علاوه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز می‌توانند با تغییر نگرش افراد به تدریج سبب تغییر در ذهنیت‌ها و ساختارهای موجود جامعه شده و در نتیجه به شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌ها کمک کنند.

۲-۴. پیشینه پژوهش

مطالعه تحقیقات انجام شده در گذشته این امکان را می‌دهد تا قلمروی تحقیق خود را مشخص نماییم و مطالعات قبلی را توسعه دهیم و سنجه‌های مناسبی برای مقایسه نتایج مطالعه با دیگرافته‌ها فراهم نماییم. به بیان دیگر، واکاوی پیشینه تحقیق برای این منظور انجام می‌شود که با موضوع تحقیق بیشتر آشنا شده دامنه مفهومی متغیرهای تحقیق را بشناسیم و از روش تحقیق و نظریه‌های سایر تحقیقات بهره بگیریم.

الف) تحقیقات داخلی

محمد غفوری و روح ... جعفری در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی»، جامعه مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یکسویه» که مقاله مرتبط با آن در سال (۱۳۸۲) در فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی منتشر شده است به این نتایج دست یافته‌اند:

سرمایه اجتماعی ایران رو به کاهش است و این سبب می‌شود که کارکرد آن یعنی تسهیل کنش‌های جمعی در ایران نیز کاهش یابد. (۲) پایین آمدن میزان سرمایه اجتماعی، مانع اجتماعی جدی در برابر حفظ و تحکیم نهادهای جامعه مدنی بوده و کاهش کنشگری جمعی سازمان‌افته رادر جامعه رقم می‌زند. (۳) روند دموکراسی خواهی در ایران از فراز و فرود سرمایه اجتماعی پیروی می‌کند. (۴) دموکراسی با پرهیز از طرد‌گرایی، و تقویت مدارا و اعتماد اجتماعی و سیاسی، به افزایش نهادها و سازمان‌های جامعه مدنی کمک کرده است.

احمدی (۱۳۸۵)، در تحقیق خود که با عنوان «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی» انجام داده است به این نتیجه دست‌یافته که پیوند میان سرمایه اجتماعی و دموکراسی، به صورت رابطه‌ای دیالکتیکی و دوسویه - تأثیر حجم وافر سرمایه اجتماعی بر دموکراسی و بالعکس - به واسطه مؤلفه‌های؛ جامعه مدنی، شهروند قدرتمند و فرهنگ صلح تبیین و تشریح شده است. از این منظر حجم وافر سرمایه اجتماعی به تقویت شاخص‌های تشکیل دهنده مؤلفه‌های فوق منجر شده و تقویت و تحکیم این سه مؤلفه، مجموعه‌ای از شرایط مناسب برای رشد و نضج دموکراسی و یا تثبیت آن را فراهم می‌آورد. البته این نوشتار همزمان بر کژکارکردهای سرمایه اجتماعی و عمق و وسعت موضوع دموکراسی اذعان دارد.

گنجی (۱۳۸۵). در پژوهش خود با عنوان ((بررسی الگوی استفاده از کاربران اینترنت و عوامل اجتماعی موثر بر آن)) در سال ۱۳۸۵ به بررسی الگوی استفاده کاربران اینترنت در ایران پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که به میزانی که محدودیت ارتباطات اجتماعی بیشتر می‌شود، افراد تمایل بیشتری به بهره‌گیری از الگوی ارتباطی اینترنت نشان می‌دهد. پیوند اجتماعی نیز در این زمینه نقش مهمی دارد. به عبارت دیگر، کسانی که بنا به علل مختلف دارای پیوند اجتماعی قوی تر هستند، تمایل کمتری به بهره‌گیری از الگوی ارتباطی اینترنت، به ویژه الگوی ارتباطی نامناسب و نابهنجار، پیدا خواهند کرد. عواملی همچون دلبستگی به دیگران و افراد پیرامونی، تعهدات گوناگون، همچون تعهد نسبت به خانواده، شغل، دوستان و غیره، درگیری‌ها و مشغله‌های مختلف همچون مشارکت مداوم در فعالیت‌های زندگی، کار، خانواده و غیره و باورها، ارزش‌ها و اصول اخلاقی، نقش اساسی در زمینه ایفا می‌کنند (گنجی، ۱۳۸۵: ۱۵۲ - ۱۴۶)

میرزایی (۱۳۸۵) با تعمق در مفهوم فردگرایی، ابعاد مختلف آن را مورد بررسی قرار داده است. از نگاه وی، در نوعی از فردگرایی، فرد در پی نفع شخصی خود در کنار نفع اجتماعی سایرین است که به عنوان فردگرایی و شاخصی مهم برای توسعه اجتماعی تلقی می‌شود. اما، در نوع دیگر فردگرایی (فردگرایی غیراجتماعی یا

خودمدارانه)، فرد فقط نفع شخصی خود را دنبال می کند و حاضر است مصالح جمعی را فدای منافع فردی خود کرده و به نفع همگانی بی اعتنایی کند. شخصیت اجتماعی ایرانیان و برخی از مشکلات اجتماعی از قبیل مشارکت اجتماعی پایین در حوزه عمومی، کمبود آثار علمی مشارکتی و اختلال در ترافیک، ناشی از فردگرایی خودمدارانه در میان اقشار اجتماعی ایرانیان است.

رهنمایی و اشرفی (۱۳۸۶)، مقاله‌ای نوشته‌اند که عنوان آن «فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه ریزی شهری» می‌باشد. هدف اصلی این مقاله بررسی نقش فضاهای عمومی در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه ریزی شهری است. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد: بدین صورت که ابتدا به بررسی ادبیات مربوط به فضای عمومی و اهمیت آن در شهر و نیز ویژگی‌های جامعه مدنی پرداخته، سپس ارتباط میان این دو از دیدگاه برنامه ریزی شهری مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داده که فضاهای عمومی در شهر ارتباط نزدیک و قوی با شکل‌گیری مفهوم شهروندی دارد. به همین ترتیب فضاهای عمومی بستر اصلی شکل‌گیری جامعه مدنی در شهرها می‌باشند. معتمدی (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان «نقش اینترنت در توسعه جوامع» نقش اینترنت را به عنوان رسانه در توسعه اجتماعی بررسی کرده است و گفته که اینترنت به عنوان رسانه عصر اطلاعات، رسانه مطلوب در راستای توسعه حقیقی جوامع معرفی شده است. و به این نتیجه رسیده که دو گفتمان اصلی در مبحث توسعه شکل گرفته که هر یک رسانه خاصی را در جهت توسعه به کار گرفته‌اند.

خلیل ... سردارنیا در پژوهشی با عنوان تأثیر اینترنت بر مشارکت مدنی شهروندان که نتایج آن به صورت مقاله در سال (۱۳۸۸) در فصل نامه پژوهش‌های ارتباطی منتشر سیاسی شده است به این دستاورد پژوهشی اشاره می‌کند که اینترنت برفعالیت سیاسی جوانان و بزرگسالان تحصیل کرده تر به دوصورت آنلاین و آفلاین و در سطح خوبی (البته نه قوی و زیاد) تأثیر گذار بوده است.

سعید عطار در پژوهشی با عنوان (سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه) که نتایج آن در سال (۱۳۸۸) در فصلنامه سیاست منتشر شده است به این مساله اشاره دارد که: هرگونه سرکوب سرمایه اجتماعی نهادهای مردمی و گروه‌های جامعه مدنی باعث می‌شود تا دولت نتواند از کارایی کافی برخوردار شود و نهایتاً جامعه گرفتار توسعه نیافتگی و فساد شود. کشور ایران به دلیل فرصت‌ها و مزایای

فراوانی که از نظر منابع انسانی، منابع طبیعی، و موقعیت ژئوپلیتیکی در اختیار دارد بدون تردید با تقویت جامعه مدنی پتانسیل فراوانی برای دستیابی به توسعه همه جانبه خواهد داشت.

قاسمی (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان «رابطه دولت و جامعه مدنی در ایران از منظر جامعه شناسی تاریخی»، انجام داده است. این پژوهش به تحلیل نظری این مسئله پرداخته که چگونه اعمال سیطره بر نهاد مالکیت، وابستگی به نظام ایل تباری، اتخاذ فلسفه سیاسی خاص و نیز ممانعت از شکل گیری نهاد ثابت اشرافیت توسط دولت ها در ایران، بر روند شکل گیری جامعه مدنی تأثیر گذارده است. این پژوهش به این نتیجه دست یافته که نهاد دولت بیش از سایر عوامل و پدیده های اجتماعی؛ از طریق در انحصار گرفتن نهاد مالکیت، نگاه قیم مآبانه به افراد جامعه، ایل تباری اغلب دولت ها و نیز متزلزل ساختن اشرافیت ها، زمینه های بلامنازع سلطه خود را بر جامعه فراهم ساخته و از پیدایی و به رسمیت شناختن نهادهای حایل دولت و جامعه که بستر ساز شکل گیری حوزه عمومی هستند ممانعت نموده است.

ابوالحسن فقیهی و ماشا... ولیخانی در پژوهشی پیرامون ارایه مدل بومی جامعه مدنی در ایران که به صورت مقاله در سال (۱۳۹۰) در فصل نامه تحقیقات سیاسی و بین المللی منتشر شده است به نتایج عمده ای اشاره کرده اند: (۱) انتشار اطلاعات شفاف و مدون توسط رسانه ها و مطبوعات در تحقق جامعه مدنی در ایران از اولویت برخوردار است. (۲) مشارکت مردمی و عدالت در تحقق جامعه مدنی نقش دارد. (۳) متغیر مسوولیت پذیری به واسطه تأمین منافع عمومی و نهادهای مدنی و همچنین متغیر کارایی و اثر بخشی از طریق مؤلفه های اقتصادی (بهینه ساز منابع) در تحقق جامعه مدنی نقش موثری دارد. (۴) کارایی سیاسی- اجتماعی، اثر بخشی اقتصادی، و اثر بخشی سیاسی - اجتماعی در تحقق جامعه مدنی نقش دارد.

مصلی (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «گفتمان بنیادگرایی جدید در باب جامعه مدنی، کثرت گرایی و مردم سالاری» انجام گرفته است. نتیجه تحقیق نشان داده است که با وجود اینکه بنیادگرایی های رادیکال نشان داده اند که در مقابل گفت و گو و همکاری با رژیم های عرب و غرب دموکراتیک مقاومت می کنند، بنیادگرایان میانه رو برای حقوق عمومی، آزادی، کثرت گرایی و جامعه مدنی با بردباری عمل می کنند. در گرایش میانه رو، اسلام تنها وقتی مردم آن را انتخاب کرده باشند مرجع قانونی است، در صورتی که بنیادگرایی های رادیکال بر عملی بودن اسلام حتی در جامعه جاهلی پافشاری می کنند.

لیلا طاعتی در پژوهشی با عنوان (نقش تلویزیون در توسعه جامعه مدنی) که بر روی تهیه کنندگان برنامه‌های تلویزیون و متخصصان ارتباطات صورت گرفته و نتایج آن در سال ۱۳۹۰ در فصل نامه مطالعات رسانه‌ای منتشر شده به نکته مهمی اشاره دارد و آن اینکه: ۳۵/۳ درصد از تهیه کنندگان تلویزیون و متخصصان ارتباطات نقش تلویزیون را به عنوان رسانه جمعی در تکوین جامعه مدنی «بسیار زیاد» تلقی کرده‌اند.

آذراشتیانی و علی احمد باوند پور در پژوهشی که با عنوان (جهانی شدن، اینترنت، هویت قومی مجاز) که در پاییز سال (۱۳۹۲) انجام داده‌اند و نتایج عمده آن در فصل نامه مطالعات جامعه شناختی ایران منتشر شده است به بررسی اثرات اینترنت بر مؤلفه‌های هویتی و رفتاری قوم کردپرداخته‌اند و به نتایج عمده‌ای بدین شرح دست‌یافتند: فیسبوک باعث شده است تا در میان کردهای ایران زبان کردی در بیان نظرات و دیدگاه‌ها به وفور استفاده شود. آشنایی با خوانندگان جوان سبک‌های گوناگون موسیقی کردی در فیسبوک، و لینک‌های مرتبط با فرهنگ و هنر کردی برای همه افراد قابل دسترسی است و درکل استفاده از اینترنت سطح فعالیت‌های اجتماعی را برای کردها افزایش داده و به آنان امکان داده است تا بدین وسیله برای ابراز موجودیت خویش و تمایز خود از دیگر اقوام فعال تر عمل نمایند.

سبزه‌ای (۱۳۹۳)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی و تحلیل جامعه شناسی تطبیقی رویکردهای ایرانی و غربی به جامعه مدنی»، که با روش مطالعه کتابخانه‌ای و با تکنیک مقایسه‌ای بوده است در پی معرفی و تجزیه و تحلیل جامعه شناسانه شباهت‌ها و تمایزهای رویکردهای ایرانی با رویکرد غربی به جامعه مدنی است، که اجزاء، مفاهیم و مؤلفه‌های جامعه مدنی نزد هر دو رویکردهای غربی و ایرانی بر اساس دیدگاه‌های صاحب نظرانشان با یکدیگر مقایسه شده‌اند. که به این نتیجه رسیده که در غرب چهار رویکرد به جامعه مدنی وجود دارد: رویکرد لیبرالی، جمع‌گرایانه، جمهوری خواهانه و گفت و گویی و در ایران نیز دو رویکرد به جامعه مدنی وجود دارد: جامعه مدنی لیبرال و جامعه مدنی دینی که رویکرد دینی به دو گروه مخالفان و موافقان سازگاری جامعه مدنی با دین تقسیم می‌شود.

ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی جامعه مدنی در مطبوعات (تحلیل گفتمان جامعه مدنی در مطبوعات ایران در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۸)» به این نتیجه رسیده‌اند که در مطبوعات ایران مفهوم جامعه مدنی با مفهوم مدینه النبی هم‌ارز قرار گرفته است. در این میان هر دو طیف در بازنمایی این مفهوم بر سه اصل دولت، شهروندی و مشارکت اجتماعی تأکید کرده‌اند. با این تفاوت که روزنامه‌های اصلاح

طلب در مفصل بندی این مفهوم به قوانین مردمی و دموکراتیک متوسل می‌شوند. در مقابل روزنامه‌های اصول‌گرا در ساخت بندی گفتمانی از دال مرکزی جامعه-امت دینی استفاده کرده‌اند.

زارع کهن (۱۳۹۳)، در مقاله «ارتقای سواد رسانه‌ای لازمه تحقق جامعه مدنی» با مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای ضمن بررسی ویژگی‌های جامعه مدنی از سو و مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای از جانب دیگر مشخص شد که از لوازم تحقق جامعه مدنی ارتقای سواد رسانه‌ای شهروندان است تا رسانه‌ها بتوانند کارکردهای مطلوب خود را در این راستا داشته باشند و آگاهی شهروندان ارتقا یابد. این مقاله نشان داده است که چگونه ارتقای سواد رسانه‌ای می‌تواند بر نقش رسانه‌ها در جامعه تأثیر گذاشته و به تحقق جامعه مدنی کمک کند و بر این حقیقت تأکید می‌کند که ارتقای سواد رسانه‌ای از ملزومات تحقق جامعه مدنی است.

هاشمی و همکاران (۱۳۹۵)، مقاله‌ای با عنوان؛ تحولات کنش ارتباطی، حوزه عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران (مطالعه موردی: فاصله جنبش مشروطه تا انتخابات ریاست جمهوری دهم)، نوشته‌اند. یافته‌های این مقاله بیانگر این است که از مشروطه تا کنون، علی‌رغم تلاش‌ها و اقداماتی که از سوی جامعه، نخبگان و بخشی از دولت یا حاکمیت صورت گرفته است، جز در مواردی معدود، سه مفهوم کنش ارتباطی، حوزه عمومی و جامعه مدنی از قوت چندانی برخوردار نیست و در دوره‌های مختلف تاریخی، نبودگی از این سه شرط لازم ناکافی، مانع از تحقق دموکراسی در ایران شده است. بازه تاریخی مربوط به ملی شدن نفت، در میان این پنج برش تاریخی، تنها مقطع تاریخی است که تلاش ایرانیان برای دستیابی به دموکراسی، به واسطه حضور کنش ارتباطی، حوزه عمومی و جامعه مدنی به نتیجه رسیده است و پیامدش یعنی دموکراسی را ممکن کرده است. در دوران انقلاب و نیز انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و دولت برآمده از آن، مصادیقی که غیاب مفاهیم کنش ارتباطی، حوزه عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی را نمایندگی می‌کنند، بر مصادیقی که حضور آنها را نمایندگی می‌کنند، غلبه دارد.

اکبرزاده و شرفی (۱۳۹۶) در پژوهش «مقایسه تطبیقی جامعه مدنی در نظام لیبرال دموکراسی و نظام سیاسی اقتدارگر» به این نتایج دست‌یافته‌اند که به طور کلی، نهادهای جامعه مدنی از دموکراسی، انتخابات، رأی و شرکت مردم در جامعه مدنی صحبت می‌کنند، ولی این قیدهایی که این فرمایشات را فقط برای عده‌ای محدود مقید می‌سازند و عملاً در کشورهای پیشرفته سرمایه داری اقله جامعه مدنی چون آمریکا، انگلیس و فرانسه وجود دارد، چیزی نمی‌گویند، زیرا گردانندگان این نهادها وظیفه شان می‌دانند تا در میان

جوامع نیمه فنودال-بورژوازی، نیمه مستعمره و نیمه سرمایه دار تا سرمایه داری ایفای وظیفه کنند. در مقابل، نظام‌های اقتدارگرا چنان هزینه فعالیت سیاسی و به تعبیر دیگر، مشارکت و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی شهروندان را بالا می‌برند که خود به خود، موجب صرف نظر کردن بخش قابل توجهی از شهروندان از عمل به مسئولیت‌های اجتماعی خود می‌شوند. نظام‌های اقتدارگرا و غیردموکراتیک (اعم از رژیم‌های فاشیستی، دیکتاتوری، نیمه دیکتاتوری و...) با تمسک به انواع شیوه‌ها و ابزارها، عملاً حداقل‌های زندگی را هم برای شهروندان دچار تهدید و تحدید می‌کنند.

ب) تحقیقات خارجی

تسالیکی^۱ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای تجربی پیرامون اثر اینترنت بر تسهیل مشارکت و گفتگوی دموکراتیک در فنلاند، بریتانیا، هلند، اسپانیا و یونان از طریق بکارگیری تکنیک تحلیل محتوای تریبون‌های آنلاین دریافت که این تریبون‌ها توانسته‌اند ارتباطات دوسویه، کسب اطلاعات سیاسی و تنوع بخشی به نظرات در بین کاربران و علاقه مندان سیاسی دارای تجربه پیشین فعالیت سیاسی راتا حد زیادی افزایش دهد اما تاثیری روی شهروندان عادی نداشته‌اند.

گابین‌انگ^۲ (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «سیر تکاملی اینترنت و جامعه مدنی در چین» به این نتیجه رسیده است که اینترنت با ارائه فرصت‌های جدید برای مشارکت شهروندان، فعالیت‌های جامعه مدنی را تسهیل می‌کند. به طور مشخص، نتایج پژوهش نشان داد جامعه مدنی با توسعه اینترنت، تعامل و ارتباط بین جامعه شهروندان و گروه‌های شهری را تسهیل می‌کند.

پارهنون^۳ در مطالعه خود بر اساس داده‌های پیمایشی اینترنتی موسسه پیو در سال (۲۰۰۴) در زمینه تأثیر وب سایت‌های انتخاباتی بر مشارکت سیاسی شهروندان آمریکایی به نتایج عمده زیر دست‌یافت: (۱) اینترنت ابزاری مهم برای کسب اطلاع در زمینه مسائل سیاسی - اجتماعی جهان بوده و با عضویت جوانان تحصیل کرده دانشگاهی در گروه‌ها و نهادهای مدنی به طور معنا داری مرتبط است. (۲) میزان مشارکت سیاسی کاربران اینترنتی در زمینه انتخابات نسبت به غیر کاربران ۱۰ درصد بیشتر است. (۳) کاربران وب سایت‌های

^۱ Tsaliky

^۲ Guobin yang

^۳ Park hoon

انتخاباتی ۲۳ درصد بیشتر از غیر کاربران در فعالیتهای انتخاباتی در گیر بوده‌اند. (۴) کسب دانش و اطلاعات سیاسی اینترنتی در حدود ۳۵ درصد مشارکت مدنی کاربران اینترنتی تأثیر داشته است. (۵) محرک‌ها یا فرصت‌های موجود در محیط اینترنتی ۴۲ درصد بر مشارکت مدنی و سیاسی کاربران تأثیر داشته است.

گیبسون^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه خود با استناد به مجموعه‌ای از داده‌های پیمایشی معتبر در مورد جامعه آمریکا دریافت که اولاً: زنان متعلق به طبقات پایین اقتصادی- اجتماعی کمتر به مشارکت سیاسی آنلاین و آفلاین علاقه مندند؛ اما تحصیلکرده‌ها و طبقات بالای جامعه مشارکت سیاسی بیشتری دارند. دوم اینکه: اینترنت افراد و گروه‌های در حاشیه مانده سیاسی را به مشارکت سیاسی علاقه مند تر ساخته است. نهایتاً اینکه: عواملی چون فرصت‌های خوب اینترنتی، مهارت ارتباطی رایانه‌ای، و تجربه پیشین فعالیت سیاسی بر مشارکت سیاسی در اینترنت و خارج از آن تأثیر مهمی دارد.

نتایج مطالعه ژینگانگ^۲ (۲۰۰۵) درباره تأثیر سرمایه اجتماعی و ارتباطات رسانه‌ای بر مشارکت شهروندان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با دو شاخص عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های مدنی و اعتماد و همکاری متقابل تأثیر مهم و قوی بر مشارکت شهروندان داشته است؛ و نشان داده شده است که اینترنت بر مشارکت سیاسی شهروندان بیشتر از رسانه‌های دیگر تأثیر دارد و این تأثیر بصورت غیر مستقیم و از طریق میانجی‌گری ارتباطات فردی فعالان و عضویت در نهادهای مدنی بوده است.

بیکر^۳ (۲۰۰۶) در مطالعه خود درباره تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی جوانان ۱۶ تا ۲۴ ساله هلندی بر اساس داده‌های پیمایشی موسسه تحقیقاتی به این نتیجه رسید که استفاده هدفمند سیاسی از اینترنت بر مشارکت سیاسی آنان تأثیر قابل توجه داشته است.

اگر تأثیر تلویزیون بیشتر بر اشکال مشارکت منفعلانه و غیر اینترنتی بوده اما اینترنت بیشتر بر اشکال مشارکت فعالانه اینترنتی تأثیر داشته و در مورد مشارکت غیر اینترنتی چندان تأثیر گذار نبوده است.

کالندا و موسکا^۴ (۲۰۰۷) در مطالعه پیمایشی در زمینه تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه فلورانس طی سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ نتیجه گرفتند که بیشتر دانشجویان در گیر در فعالیتهای سیاسی چه در فضای اینترنتی و چه در فضای غیر اینترنتی تا حد قابل توجهی از اینترنت تأثیر پذیرفته‌اند.

^۱ Gibson

^۲ Jigang

^۳ Beyker

^۴ Calnda & Mousca

جنسن^۱ و همکاران در سال (۲۰۰۷) تحقیقی با عنوان «جامعه مدنی و سایبری: نقش اینترنت در انجمن‌های اجتماعی و سیاست دموکراتیک» انجام داده‌اند. این تحقیق رابطه بین حالت‌های آنلاین و آفلاین زندگی اجتماعی و همچنین تحلیل تعاملات آنلاین و آفلاین، با دولت‌های محلی را بررسی کرده است. بر اساس تحلیل‌های تجربی که از بین ۱۲۰۳ پاسخ دهنده به دست آمده، نتیجه به این صورت شده که مشارکت آنلاین به سادگی گسترش مشارکت آفلاین نیست، اما می‌تواند از راه‌های مهم تشخیص داده شود. نتیجه نشان داده که گروه‌های درگیر تعاملات سیاسی و اجتماعی از گروه‌های دارای فعالیت شخص و خصوصی جدا هستند. در نهایت اینکه رابطه معنا داری بین تعامل دموکراتی با نظام سیاسی و مشارکت در انجمن‌های سیاسی وجود دارد (اما نه با انجمن‌های اجتماعی).

یانوار نگوورو^۲ (۲۰۰۸)، در مقاله «پذیرش تکنولوژی، دگرگونی جامعه: اینترنت و باز ساز فعالیت‌های مدنی در اندونزی» اثرات استفاده از اینترنت در سازمان‌های جامعه مدنی (CSOS) در اندونزی را بررسی کرده است. این مقاله با استفاده از داده‌های کیفی از مجموعه‌ای از کارگاه‌ها که فعالان (CSOS) در آن شرکت کرده‌اند جمع آوری شده است. این مطالعه استدلال می‌کند که امروزه جنبش اجتماعی اندونزی، هم اینترنت و هم سازمان‌های مدنی (CSOS) را شکل داده است. استفاده از اینترنت هرگز ساده نیست، بلکه چند وجهی است و اغلب عدم قطعیت را افزایش می‌دهد، و به این دلیل بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی از طرق مختلف به فناوری می‌پردازند و از آن استفاده می‌کنند. این چالش فرصتی عظیم را برای سازمان‌های جامعه مدنی و پیشرفت جنبش اجتماعی، به ویژه زمانی که فن آوری به شیوه‌های اراهردی و سیاسی مصادره می‌شود فراهم می‌آورد.

سارا ویسرز^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه خود در زمینه تأثیر ارتباطات فردی و اینترنت بر مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی دانشجویان مورد مطالعه بلژیکی و کانادایی با روش گروه آزمون و شاهد به این نتیجه می‌رسد که گروه آزمون نسبت به گروه کنترل (شاهد) به لحاظ اطلاعاتی و شناخت قوی تر و تأثیر اینترنت در این زمینه نیز بیشتر از عامل ارتباط فردی بوده است. اینترنت در تصمیم دانشجویان مورد مطالعه به مشارکت سیاسی مهم تر از عوامل غیر اینترنتی بوده است.

^۱ Jensen

^۲ Yanuar Nugroho

^۳ Sara visers

سینگان^۱ (۲۰۰۹) در تحقیق خود با عنوان «تبلیغات رسانه‌ای و جامعه مدنی: سازمان‌های غیرانتفاعی، روزنامه‌های محلی و اینترنت در جامعه غربی»، به بررسی اینکه چه میزان ویژگی‌های مختلف سازمان‌های غیرانتفاعی در سطح رسانه‌های مختلف از طریق روزنامه‌های محلی و اینترنت در جامعه میانه‌ای غرب پخش می‌شود، می‌پردازد. داده‌ها با استفاده از روش‌های تحقیق چندگانه، از جمله تجزیه و تحلیل آرشیو عمومی، نظرسنجی تلفن و ایمیل، تجزیه و تحلیل آرشیو اخبار و... جمع‌آوری شده است. تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی نشان داده است که موسسات مالی غنی و سازمان‌های محلی، بیشتر تمایل به تبلیغات رسانه‌ای در پوشش روزنامه‌ها دارند. در همین حال گروه‌های غیرمحلی تمایل دارند که لینک‌های تبلیغاتی بیشتری از سایر وب‌سایت‌ها در شبکه اینترنت دریافت کنند. در این پژوهش پیامدهای رسانه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه در زمینه جامعه مدنی مورد بحث قرار گرفته است.

برت‌هافمن^۲ (۲۰۱۱)، پژوهشی با عنوان «جامعه مدنی»: چگونه اینترنت روابط جامعه دولتی در رژیم‌های اقتدارگرا را تغییر می‌دهد؟ (مطالعه موردی کوبا)، انجام داده است. هدف این پژوهش این بوده که نقش جامعه مدنی تحت تأثیر رژیم اقتدارگر را تعیین نماید. نتایج پژوهش نشان داده است در رژیم‌های اقتدارگرای گذشته، انجمن‌های خودگردان (مستقل غیر دولتی) در چهارچوب رژیم سوسیالیستی دولتی بوده‌اند. ولی دهه بعد، با ظهور و گسترش فن‌آوری‌های ارتباطی مبتنی بر وب، شاهد ظهور نوع جدیدی از حوزه عمومی هستیم که در آن بحث‌های جامعه مدنی با اقدام مستقل شهروندان مشخص می‌شود. در حالی که رژیم‌های سوسیالیستی این گونه روابط اجتماعی (آزادانه) را مبتنی بر جامعه مدنی را رد می‌کند، میزان ارتباط اینترنتی افراد با روند دموکراتیزه شدن و گسترش جامعه مدنی رابطه نشان می‌دهد. در واقع، ظهور و رشد اینترنت سبب شده تا گفتگوهای عمومی شکل گرفته و فعالیت‌های اجتماعی مستقل از دولت پدید آیند.

نائل جبریل، کلاو استتکار و متیو لاولس^۳ (۲۰۱۲)؛ در پژوهش خود تحت عنوان رسانه‌های جمعی و گذار به دموکراسی بیان می‌دارند که رسانه بیشترین نقش حمایتی خود از دموکراسی را در برخی بزنگاه‌های سیاسی خاص ایفا می‌کند یعنی هنگامی که خود رسانه‌ها از دل فرایند کنترل سیاسی ظاهر می‌شوند عمیقاً با فرایند دموکراتیزاسیون یکی انگاشته می‌شوند و علاوه بر این‌ها از عطش عمومی و آفری که به اخبار و تحولات

^۱ Seungahn Nah

^۲ Bert Hoffmann

^۳ Naelgabriel & Clavestetkar & Matewlvales

سیاسی وجود دارد بهره مند می‌شوند. بدیهی است که در مراحل اولیه سهم رسانه‌ها به ناچار محدودتر خواهد بود اما هرچقدر که رسانه‌ها بتوانند برداشت‌های بدیهی و جایگزینی از واقعیت اجتماعی و سیاسی عرضه کنند یا بتوانند مردم را به حس مشارکت عرصه عمومی مشترک بکشانند می‌توان آن‌ها را زمینه ساز دموکراتیزسیون نیز قلمداد کرد هرچه فرایند گذار به مرحله ادغام نزدیک می‌شود. سهم و دخالت رسانه هم بیشتر حالت دو پهلو به خود می‌گیرد.

انورادا رائو^۱ (۲۰۱۳)، در پژوهش خود که عنوان آن «بررسی رابطه بین جامعه مدنی و اینترنت: دیدگاه‌های بدبینانه در (شهر فناوری اطلاعات) هند»، می‌باشد به صورت انتقادی برخی از فرضیات مرتبط با رابطه جامعه مدنی با اینترنت را مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه موردی از هسیرو و سیرو، شبکه متعلق به جامعه مدنی اینترنت محور در بنگلور - هند بوده که شو تردید شدید و امتناع آن را برای مشارکت با اینترنت برای کنشگری را مشخص می‌کند. مطالعه رائو دلایل دیدگاه بدبینانه عاملان این جامعه مدنی را که در محیط جدید رسانه‌ای، یعنی «شهر فناوری اطلاعات» هند قرار دارند، بررسی کرده است. نتیجه مطالعه این را نشان می‌دهد اعضای فعال در هیسرو و سیرو نقش اینترنت در فعالیت‌های شبکه‌ای را به طور بد بینانه یا شکاکانه در نظر می‌گیرند. نتایج مصاحبه‌ها نیز نشان می‌دهد که این دیدگاه بدبینانه ریشه در فلسفه سیاسی مشترکی دارد که عاملان به طور غیررسمی به آن به عنوان «ایدئولوژی» اشاره می‌کنند.

اینترنت در CSO ها دلالت‌ها و مفاهیم مهمی هم در مدیریت داخلی سازمان‌ها و هم در جنبه‌های خارجی و به خصوص پویایی جنبش‌های اجتماعی در کشور دارد.

جمع بندی پیشینه تحقیق

رسانه که محصول تمدن‌های جدید می‌باشد، با معنای رساندن به ابزاری اطلاق می‌شود که فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای را ترویج می‌کند مانند روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و... می‌گردد. در تعریفی دیگر، رسانه وسیله‌ای است که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم مورد نظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می‌کند. به عبارتی، رسانه وسیله‌ی حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. در طرفی دیگر، جامعه مدنی، مفهومی مفهومی انتزاعی و مناقشه‌پذیر دارد که تعریف واحدی را دربر نمی‌گیرد. علی‌اصغر کاظمی بر این

^۱ Anuradha Rao

عقیده است که اگر بخواهیم ریشه‌ها و مبانی جامعه مدنی را دنبال کنیم به دوره‌ی یونان قبل از میلاد و مبانی حقوقی آن در دوره روم می‌رسیم، که به یک تعبیر جامعه مدنی غرب از ترکیب این دو مبانی تشکیل گردیده است. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۶: ۹۰). با این وجود جامعه مدنی را می‌توان این گونه تعریف کرد: ساختی از زندگی اجتماعی افراد که توسط قانون حفاظت می‌شود و در آن هر کس می‌تواند فارغ از هر گونه ترس و بیمی اراده آزاد و قدرت تشخیص فردی خود را در چارچوب قانون، ملاک تصمیم‌گیری‌ها و داوری‌های خود قرار دهد. مطالعات و بررسی‌های تاریخی موید این واقعیت است که در دوره‌های مختلف، رشد نهادهای مدنی دقیقاً با تعدد مطبوعات آزاد و مستقل هم‌زاد بوده است و بر عکس هر زمان که قدرت سیاسی قصد تعطیل و سرکوب نهادهای مدنی را داشته‌اند، در نخستین حرکت‌ها به توقیف تعطیل و سرکوب مطبوعات و روزنامه نگاران پرداخته‌اند

شاخص‌ها و ابعاد جامعه مدنی موارد زیر می‌باشند: تکثرگرایی بنیادی، حاکمیت روح تسالم و تسامح، حاکمیت قانون، دموکراسی، نقش محدود حکومت، عقل‌گرایی، اصالت فرد، گفتمان (دیالوگ)، تشکل‌ها. جامعه مدنی در ایران به این صورت بود که برخی از نهادهای سنتی مانند اصناف روحانیت، بازار و گروه‌های تصوف و فتوت فعالیت داشته و نقش واسطه میان دولت و مردم ایفا می‌کردند اما هیچکدام از این نهادها دارای مشخصه‌های سازمان‌های مردمی جدید شکل گرفته با نقش مستقیم مردم و به منظور سازماندهی مشارکت آنها نبودند. در ادامه همین روند، جامعه مدنی ایران در دوران‌های مختلف، شکل متفاوتی به خود گرفت.

شبکه جهانی اطلاعات، مجموعی از شبکه‌های به هم پیوسته و دربرگیرنده رایزنی بانک‌های اطلاعاتی، سایت‌ها و صفحه‌های وب، برهم کنش‌هایی به صورت گفتگو، پست الکترونیکی و انواع مختلفی از معاملات مالی و تجاری الکترونیکی است. اینترنت اشکال جدیدی از تعامل بین انسان‌ها را از طریق پیام رسانی فوری، تالار گفتگو و شبکه‌های اجتماعی به وجود آورده است. از نگاهی دیگر اینترنت مجموعه پایان ناپذیری از پایگاه‌های داده است که اطلاعات مختلف و متنوع فردی و جمعی انسان‌ها را در خود جمع آورده است و هرروز نیز گسترش می‌یابد. همین تعریف به خوبی فرصت‌ها و نیز تهدیدهایی را که در ورای آن نهفته است، نشان می‌دهد پتانسیل‌های مثبت و کاربردهای مفیدی که جنبه‌های گوناگون زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و تسریع، تسهیل و خلاقیت را برایش به ارمغان می‌آورد که این بخشی از توانایی‌های معجزه آسای این

شبکه است اما روی دیگر سکه خطرات بالقوه آن است و از آنجا که دانش فنی ساختار و عملکرد این شبکه چندان مخفی و دور از دسترس نیست این خطرات می‌توانند به خساراتی بزرگ مبدل شوند. مطالعات نشان می‌دهند که فضای مجازی برای همه افراد قابل دسترسی است و درکل استفاده از اینترنت سطح فعالیت‌های اجتماعی را برای افراد افزایش داده و به آنان امکان داده است تا بدین وسیله برای ابراز موجودیت خویش فعال‌تر عمل نمایند. گفته شده که اینترنت به عنوان رسانه عصر اطلاعات، رسانه مطلوب در راستای توسعه حقیقی جوامع معرفی شده و به این نتیجه رسیده که دو گفتمان اصلی در مبحث توسعه شکل گرفته که هر یک رسانه خاصی را در جهت توسعه به کار گرفته اند. مطالعات خارجی نیز بیانگر این مسئله است که اینترنت و فضای مجازی بر بیشتر جنبه‌های زندگی مردم تاثیر گذاشته است. بنابراین، براساس پژوهش‌های داخلی و خارجی بیشتر تحقیقات انجام شده حاکی بر این است که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز می‌توانند بر نگرش و کنش افراد تاثیر بگذارند.

۲-۴-۱. چارچوب نظری پژوهش

نظریه فضای عمومی از هانا آرننت کی از نظریات عمده‌ای است که در تبیین موضوع پژوهش مورداستناد قرار گرفته است. چنانچه قبلا اشاره شد، فضای عمومی آرننت، ضمن اینکه چشم انداز بیکران و نامحدود است که در آن هرکسی می‌تواند از چشم انداز خود واقعیت را ببیند، دارای شش ویژگی عمده نیز هست: غیر طبیعی، عمومی، غایی، باز، متکثر و غیر انحصاری که کای این ویژگیها رادرفضای مجاز و شبکه‌های اجتماعی می‌توان بازیافت. فضای اینترنت فضای عمومی و باز است و در ب‌های آن بر روی هیچ گروه اجتماعی بسته نیست، این فضا در انحصار هیچ روایت و گفتمانی نبوده و در طول زمان گفتمان‌های موجود در آن نوبه نو می‌گردند. به لحاظ موضوعات مطرح شده در آن به شدت متکثر است و مروج چندصدایی و هم اندیشی در بستر شرایطی عادلانه برای گفتگوست. از اینرو، با توجه به ویژگی‌هایی که در نظریه فضای عمومی هانا آرننت مشاهده می‌شود، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در جایگاه فضای عمومی نوین و گسترده قرار گیرند که در آن‌ها بحث و گفتگوهای آزاد بر سر موضوعات گوناگون اجتماعی میان اقشار گوناگون جامعه جریان یافته و این فرایند می‌تواند نگرش و افکار را به سمت ایجاد حلقه‌ها، شبکه‌ها و انجمن‌های مردم - نهاد سوق دهد بگونه‌ای که عملا نهادهای مقدماتی جامعه مدنی در این فضای عمومی نطفه بندی گردند.

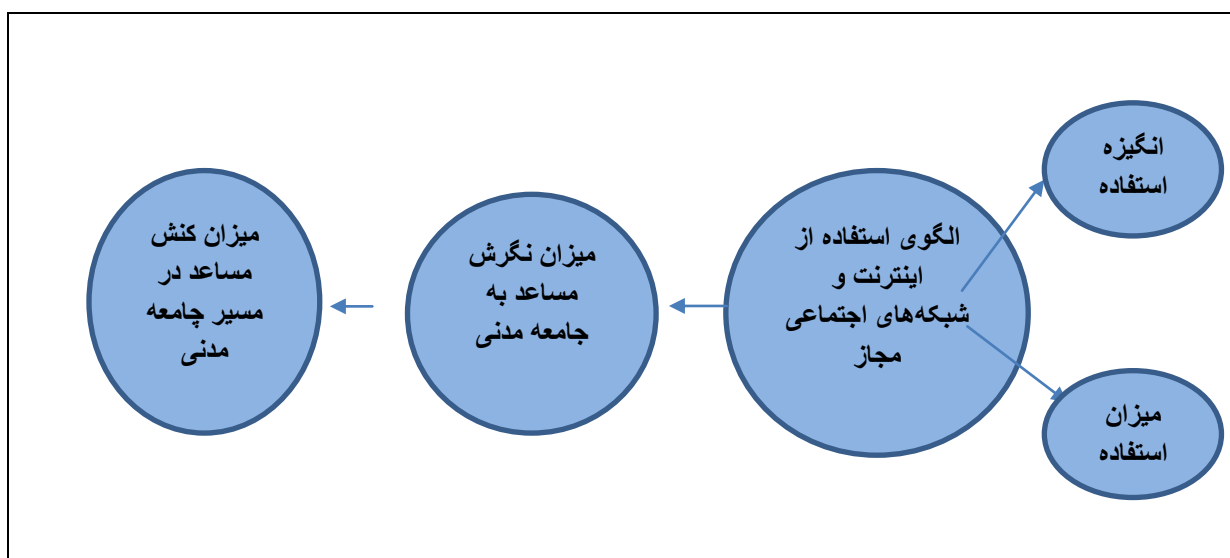
نظریه مورد استنادِ دیگر، نظریه‌ها بر ماس درباره حوزه عمومی و جامعه مدنی است. هابرماس جامعه مدنی را یک جامعه توسعه یافته می‌داند که قادر است هم در برابر تجاوزها و بحران‌های اقتصادی جامعه مقاومت کند و هم از دولت دفاع کند. سازمان‌های خصوصی و داوطلبانه که ظاهراً خارج از حیطه نفوذ اقتدار دولت قرار دارند مانند اتحادیه‌ها، کلیسا، مدارس، کتابخانه‌ها، انواع مختلف کلپ‌ها و انجمن‌ها از اجزای سازنده جامعه مدنی می‌باشند. هابرماس جامعه مدنی را به عنوان قلمرو عمل دموکراتیک بر مبنای کنش ارتباطی به شمار می‌آورد، آن هم کنش‌های ارتباطی‌ای که در آن حرکات اجتماعی تازه‌ای مثل جنبش حفاظت از محیط زیست شکل می‌گیرد. دریافت هابرماس از جامعه مدنی همسو با گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی است که نگرش آنها به نهضت اجتماعی جامعه مدنی جدید معروف شده است. آن‌ها جامعه مدنی را بنیاد نهضت اجتماعی نو به شمار می‌آورند.

حوزه عمومی هابرماس نیز عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند و کنش ارتباطی نیز در یک چنین فضای آزاد گفت و گو تحقق می‌یابد. هابرماس معتقد است که همواره نیازهای اصیل و معینی در تمامی افراد آزاد وجود دارد و این نیازها توسط هر کس که صمیمانه وارد گفت و گوی عملی شود ضرورتاً کشف خواهد شد. امروزه، محیط اینترنت این فضا را فراهم و شرایط حوزه عمومی مورد نظر هابرماس را بستر ساز کرده است. در محیط‌های تعاملی اینترنت، افراد به راحتی می‌توانند نیازها و دغدغه‌های خود را مطرح کنند و طرح نیازها باعث شکل‌گیری فضای گفت و گو شده و در این مباحثات افکار جدیدی شکل می‌گیرد. گفتگوی آزاد انسان‌ها، بواسطه برخورداری از جهت‌گیری تفاهمی و نه ابزاری به منزله نوع کنش ارتباطی تلقی می‌گردد و از آنجا که محیط‌های تعاملی اینترنت را می‌توان فضاهایی در نظر گرفت که کاربران به راحتی در آن به گفت و گو می‌پردازند طبیعتاً این گفتگوهای آزاد و عقلانی می‌تواند بر محور مسائل و نیازهای مهم جامعه جریان یابد. با توجه به فقدان تحزب سیاسی جدی در کشور ایران و نیاز مبرم جامعه ایران به وجود نهادهای مردمی و جامعه مدنی، کنش ارتباطی در حوزه عمومی که از طریق اینترنت و فضای مجاز شکل گرفته است می‌تواند در این مسیر فعال شده و بر نگرش و کنش مدنی افراد اثرگذار شود.

نظریه دیگری که تبیین مناسبی از موضع را فراهم می‌کند توسط اندرو آراتو و جان کوهن ارائه شده است. به نظر آراتو و کوهن، گفتگوی آزاد و عمومی پایه و اساس ارتباط میان بخش‌های اصلی جامعه مدنی یعنی

سیاست و اقتصاد است زیرا سایر آزادی‌ها نظیر آزادی برگزاری تجمعات، حق تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌ها در رابطه با آزادی بیان معنا دار می‌شوند. در فضای باز که برای انجمن‌های داوطلبانه ایجاد می‌شود امور مورد علاقه عمومی به بحث و گفت و گو گذاشته شده، علایق و منافع گروه‌های پایین و سخت سازمان پذیر نمایندگی می‌شود، اهداف فرهنگی، مذهبی و انسانی دنبال می‌شود، اجتماعات علمی راه انداز می‌شود و... به این وسیله آزادی طرح عقاید مختلف و تنوع دیدگاه‌ها تضمین می‌شود. البته، درنگاه این دو، جامعه مدنی فقط در متن فرهنگ سیاسی آزاد و مطابق با الگوی جامعه پذیری مناسب و بر اساس فضای خصوصی سالمی شکل می‌گیرد که در زیست جهانی از قبل عقلانی شده امکان رشد و شکوفایی دارد. در غیر این صورت ممکن است جنبش‌هایی مردمی شکل بگیرند که از سنت‌های خشونت یا منعطف برخاسته از زیست جهان جوامع غیر مدرن کورکورانه دفاع کنند. بر اساس این نظریه؛ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز فضای باز را برای ایجاد کنش اجتماعی و مدنی فراهم می‌سازد و به شکل‌گیری عقیده و نگرش افراد در ایجاد جامعه مدنی کمک نموده و رابطه تعاملی را به شکل غیرمستقیم بین دولت و جامعه فراهم می‌سازند. به علاوه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجاز می‌توانند با تغییر نگرش افراد به تدریج سبب تغییر در ذهنیت‌ها و ساختارهای موجود جامعه شده و در نتیجه به شکل‌گیری سازمان‌های مردم نهاد و انجمن‌ها کمک‌کنند. براساس نظریات آرنست، هابرماس، آراتو و کوهن، چهارچوب نظری تحقیق شکل گرفته و این چهارچوب راهگشای تدوین فرضیات و ارائه مدل نظری پژوهش قرار می‌گیرد.

۲-۴-۲. مدل نظری تحقیق



بین الگوی استفاده از اینترنت و میزان نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی رابطه وجود دارد

بین الگوی استفاده از اینترنت و میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی رابطه وجود دارد

بین الگوی استفاده از سایتهای اینترنتی و میزان نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی رابطه وجود دارد

بین الگوی استفاده از سایتهای اینترنتی و میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی رابطه وجود

دارد

بین الگوی استفاده از شبکههای اجتماعی و میزان نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی رابطه وجود دارد

بین الگوی استفاده از شبکههای اجتماعی و میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی رابطه وجود

دارد

متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس و...) با میزان نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی رابطه دارند

متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس و...) با میزان کنش‌های اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی رابطه دارند

فصل سوم

فصل سوم در پایان نامه‌های تحصیلی به متدولوژی یا روش‌شناسی تحقیق اختصاص دارد. در این فصل ابتدا روش تحقیق و جامعه آماری پژوهش اشاره شده و سپس حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق مدنظر قرار گرفته است. سپس شیوه گردآوری داده‌ها، تعریف مفاهیم و متغیرها، و ابزار تحقیق و روایی و پایایی آن مورد توجه قرار گرفته و نهایتاً نحوه استخراج و تحلیل داده‌ها بیان می‌گردد.

۳-۱. روش تحقیق

در این پژوهش، همچون بسیاری از تحقیقات و مطالعات اجتماعی، روش پیمایشی روش اصلی تحقیق بوده است. روشی که در آن ابتدا اطلاعات لازم از جامعه نمونه که بخشی از جامعه آماری تحقیق است گردآوری شده و سپس اطلاعات بدست آمده به کل جامعه آماری تعمیم داده می‌شود. تحقیق پیمایشی، با گردآوری داده‌ها در باره یک یا چند صفت در یک مقطع زمانی (روز، هفته، ماه و...) و از طریق نمونه‌گیری انجام شده و در نهایت به توصیف جامعه براساس یک یا چند متغیر می‌پردازد (سرمدوباز رگان، ۱۳۹۰: ۸۳) بعلاوه، این تحقیق تحقیق پیمایشی مقطعی است، و به گفته صاحب‌نظران، هدف تحقیقات مقطعی می‌تواند اکتشافی، توصیفی، و گاه تبیینی باشد (بیکر، ۱۳۸۶: ۶۳) و از این نقطه نظر، پژوهش حاضر، پژوهش تبیینی است چراکه به بررسی رابطه میان متغیرهای موجود در فرضیات تحقیق نیز پرداخته است. از سوی دیگر می‌توان پژوهش حاضر را یک پژوهش کاربردی نیز تلقی کرد چرا که هدف از تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است و به کاربرد عملی دانش کسب شده توجه دارد و نتایج این نوع تحقیقات در اختیار ارگانها و سازمانهای گوناگون جامعه قرار می‌گیرد (سرمد و باز رگان، ۱۳۹۰: ۷۹).

۳-۲. جامعه آماری

جمعیت شهر اصفهان، ۲/۲۴۳/۲۴۹ می‌باشد و از آنجا که؛ جامعه آماری این پژوهش را جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن در شهر اصفهان تشکیل می‌دهند که جمعیت آنان براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ تقریباً معادل میلیون نفر بوده است. علت انتخاب چنین جامعه آماری حضور گسترده جوانان اصفهانی در اینترنت

و شبکه‌های اجتماعی است که می‌تواند نتایج گوناگونی را در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی - و از جمله رشد نهادهای و جامعه مدنی - در این شهر به همراه داشته باشد.

۳-۳. جمعیت نمونه و شیوه نمونه گیری

در پژوهش حاضر، به منظور تعیین حجم نمونه مناسب از فرمول نمونه گیری کوکران استفاده شد که با توجه به جمعیت یک میلیون نفری جامعه آماری، و سطح اطمینان ۰.۹۶، ودقت احتمالی مطلوب ۰.۰۵، همچنین احتمال وجود و عدم وجود صفت آماری به ترتیب ۰.۵ و ۰.۵، نهایتاً ۳۸۴ نفر به عنوان جمعیت نمونه تعیین

$$n = \frac{1000000 \times 1.96^2 \times (0.5 \times 0.5)}{1000000 \times 0.05^2 + 1.96^2 \times (0.5 \times 0.5)} = 384$$

گردید. نحوه محاسبه جمعیت نمونه بدین شرح است: ۳۸۴

شیوه نمونه گیری در این تحقیق را شیوه نمونه گیری خوشه‌ای تشکیل داده است. در این رابطه، با توجه به تقسیم بندی منطقه‌ای، شهر اصفهان که دارای ۱۵ منطقه و در هر منطقه تعدادی محله‌های مسکونی است، به قید قرعه ابتدا منطقه ۸ اصفهان انتخاب و سپس از میان ۱۶ محله موجود در این منطقه، به قید قرعه کوی خانه اصفهان برگزیده شد (کوی خانه اصفهان از نظر ساختار جمعیتی، ساختاری جوان و مهاجر نشین دارد). در کوی خانه اصفهان نیز از میان خیابان‌های دهگانه موجود قرعه کشی و خیابان‌های سه گانه ماه فرخی، نوبهار، گلپهار انتخاب گردیدند. در خیابان‌های برگزیده، پرسش‌گری به شیوه نمونه گیری در دسترس (غیراحتمالی) صورت گرفت.

۳-۴. شیوه گردآوری اطلاعات

اطلاعات گردآوری شده در این پژوهش به دوشیوه مکمل صورت گرفته است. در ارتباط بامبانی نظری و پیشینه تحقیق، شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای در پیش گرفته شده و محقق طی ماههای امرداد تا اسفند ۱۳۹۶ با مراجعه حضوری و مستقیم به کتب، مقالات و آرشیو اسناد و کتابخانه‌ها و نیز سایت‌ها و منابع اینترنتی به جمع‌آوری و تنظیم اطلاعات مربوطه پرداخته است. بخش دیگری از اطلاعات و معلومات لازم برای پژوهش به شیوه پیمایش و مطالعه میدانی و به کمک پرسشنامه تهیه و تنظیم گردیده است. در این رابطه،

پرسشگری های لازم توسط محقق و طی یک ماه یعنی در طول خردادماه ۱۳۹۷ انجام شد. بدین ترتیب، اطلاعات نظری و تجربی لازم برای این پژوهش طی مدت زمان تقریبی ۱۰ ماه فراهم گردیده است.

۳-۵. تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق

در مطالعات و تحقیقات اجتماعی، برای اینکه مفاهیم و متغیرهای تحقیق قابل سنجش و اندازه گیری شوند باید از حالت انتزاعی و کلی خارج شده و معرفیهای تجربی برای آنها در نظر گرفته شود. این فرایند را دواس "پایین آمدن از نردبان انتزاع" نامیده است. همانطور که می دانیم، در این پژوهش فرضیات متعددی مطرح بوده است که لازم است در این قسمت مفاهیم و متغیرهای مربوطه به لحاظ نظری و عملیاتی تعریف شوند. این متغیرها شامل سه دسته عمده یعنی متغیرهای زمینه‌ای، متغیرهای مستقل و وابسته‌اند که به آنها اشاره می‌گردد:

۳-۵-۱. متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای در حقیقت ویژگی‌ها و مشخصات فردی پاسخگویان می‌باشد. در این پژوهش متغیرهای زمینه‌ای شامل جنسیت، سن، وضع تاهل و پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد مورد مطالعه می‌گردد. سطح سنجش متغیرهای ذکر شده بترتیب اسمی، فاصله‌ای، اسمی، فاصله‌ای بوده است. پایگاه اجتماعی اقتصادی پاسخگویان به کمک شاخص هایی چون سطح تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی سنجش شده است.

۳-۵-۲. استفاده از اینترنت

این مفهوم به میزان وانگیزه استفاده از سایتهای مختلف اینترنتی (سایتهای خبری، آموزشی، سرگرمی، تجاری، اطلاع رسانی) اشاره دارد. میزان استفاده روزانه از اینترنت به کمک شاخص هایی چون: تایک ساعت، تا دوساعت، دو تا سه ساعت و... اندازه گیری شده و سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای است. انگیزه و علت استفاده نیز به کمک شاخص هایی چون: ارتباط و تبادل نظر، کسب اطلاع و آگاهی، سرگرمی و گذران فراغت سنجیده شده و سطح سنجش این متغیر اسمی است.

۳-۵-۳. استفاده از شبکه‌های اجتماعی

این مفهوم به میزان و انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی همچون: تلگرام، اینستاگرام، فیسبوک، توییتر و یوتیوب اشاره دارد. در این راستا، میزان استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی به کمک شاخص‌هایی چون: تا یکساعت، تا دو ساعت، دو تا سه ساعت و... اندازه‌گیری شده و سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای است. از سوی دیگر، علت و انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی ذکر شده نیز به کمک شاخص‌هایی چون: ارتباط و تبادل نظر، کسب اطلاع و آگاهی، سرگرمی و گذران فراغت سنجیده شده و طبعاً، سطح سنجش این متغیراسمی است.

۳-۵-۴. نگرش

مفهوم نگرش به باورها، تصورات و افکاری که نسبت به هر موضوعی داریم و موجب می‌شود ویژگی‌هایی را به آن نسبت دهیم اشاره دارد. طبعاً نگرشها دارای انواع و اقسامی هستند اما در این تحقیق، آن دسته از نگرشها که مساعد و زمینه ساز برای شکل‌گیری و رشد نهادهای مدنی و جامعه مدنی‌اند مورد نظر قرار داشته است. این نوع نگرش در دو بُعد سیاسی و اجتماعی و به کمک شاخص‌هایی چون: دموکراسی، قانونمداری و نفی حاکمیت مطلق سیاسی (شاخصهای مرتبط با بعدسیاسی نگرش)، تکثرگرایی، تسامح و تساهل، دیالوگ و گفتگو محوری، تشکل‌پذیری (شاخصهای مرتبط با بعد اجتماعی نگرش) سنجیده شده و سطح سنجش این متغیرفاصله‌ای است.

۳-۵-۵. کنش

مفهوم کنش به معنای رفتار و اعمال انسانی است و بنابه تعریف وبر، کنش‌های انسانی رفتارهای نیت‌مند و ارادی‌اند و شامل چهاردسته می‌گردند: کنشهای عقلانی معطوف به هدف، و یا معطوف به ارزشها، کنشهای سنتی، و کنشهای عاطفی (آرون، ۱۳۸۹: ۲۹۳). در این پژوهش منظور از کنش، عبارت است از اندسته کنشهای انسانی که بتواند زمینه ساز شکل‌گیری و رشد و بالندگی نهادهای مدنی و نهایتاً جامعه مدنی گردد. این کنشها امروزه می‌توانند هم در فضای واقعی و هم در فضای مجاز توسط افراد جامعه صورت پذیرند. شاخصهای عمده‌ای که در زمینه سنجش و اندازه‌گیری این نوع کنش‌های مساعد برای رشد جامعه مدنی به

کارگرفته شده عبارتند از: عضویت در نهادهای مدنی، مشارکت در تجمعات اصلاح طلبانه، دفاع از حقوق زنان، کارگران، فعالیت در زمینه مسایل محیط زیست، حقوق حیوانات و دیگر امور مدنی واجتماعی... لازم به ذکر است که سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای می‌باشد.

۳-۶. سنجه و ابزار تحقیق

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه است که برای تحقیقات پیمایشی عمدتاً از این ابزار استفاده می‌شود. پرسشنامه پژوهش مرکب از مجموعه سوالات بسته می‌باشد که این سوالات پیرامون متغیرهای زمینه‌ای، متغیرهای مستقل و وابسته طراحی و تنظیم شده‌اند. سوالات مربوط به استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی جمعاً دارای ۲۰ گویه، و سوالات مربوط به نگرش و کنش مرتبط با جامعه مدنی به ترتیب شامل ۱۷ و ۱۲ گویه می‌باشند. طراحی سوالات پرسشنامه در بخشهایی بصورت محقق ساخته و در بخش‌هایی براساس ابزارهای بکاررفته در تحقیقات گذشته و البته با اندکی دخل و تصرف صورت گرفته است. در این رابطه، پرسشنامه مربوط به یکی از تحقیقات پیرامون «مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان (با تاکید بر استفاده اینترنت) در ایران» که توسط دانشگاه آمستردام هلند به سرپرستی پروفیسور برت کلاندرمنز و پروفیسور فن استکلبرگ در سال ۲۰۱۶ صورت گرفته با اندکی تغییرات مورد استفاده قرار گرفت. همچنین، بخشی از سوالات مربوط به نگرش به جامعه مدنی با الهام از پرسشنامه مربوط به پایان نامه رقیه ذوالفقاری کارشناس ارشد جامعه شناسی پیرامون موضوع «بررسی رابطه انواع دینداری و نگرش به جامعه مدنی» در سال ۱۳۹۲ تنظیم گردیده است. پس از متناسب ساز مقیاس‌ها با جامعه مورد نظر و اعمال تغییراتی جزئی، اعتبار و پایایی پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت.

۳-۷. اعتبار و پایایی ابزار تحقیق

اعتباراً روایی^۱، به این معنی است که ابزار اندازه گیری همان چیزی را اندازه بگیرد که قرار است بسنجد و ادعای اندازه گیری آن را دارد. در واقع سوالی که در آزمون اعتباراً روایی مطرح می‌شود این است که آیا آنچه ما مشاهده و ثبت می‌کنیم مورد پرسش قرار می‌دهیم واقعا همان هدف اصلی و تعیین شده تحقیق است

^۱ Validity

خیر؟ البته اعتبار انواع گوناگونی دارد و رایجترین نوع آن اعتبار صوری^۱ است، که در آن گروهی از صاحب نظران در مورد اعتبار وسیله سنجش داوری می‌کنند. برای سنجش اعتبار پرسشنامه این پژوهش از روش اعتبار صوری بهره گرفته شد. برای سنجش هریاز متغیرهای اصلی تحقیق، شاخص‌هایی چند در نظر گرفته شده و بر اساس آن گویه‌هایی تنظیم ویا از منابع مرتبط اخذ شدند. در پرسشنامه اولیه ۶۳ گویه مربوط به نگرش‌ها و کنش‌ها نسبت به جامعه مدنی، برگرفته از منابع مختلف و بصورت محقق ساخته مورد باز بینی و بررسی اساتید قرار گرفته و پس بعد از اصلاحات تعداد ۲۹ گویه انتخاب و پرسشنامه نهایی تدوین شد. بعلاوه، به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق و ارزیابی خرده مقیاس‌های اصلی موجود در پرسشنامه، بر روی ۳۴ نفر از جامعه مورد بررسی تست مقدماتی انجام گردید و سپس داده‌های به دست آمده با آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد تا میزان همساز درونی گویه‌های هر متغیر معلوم گردد. در جدول زیر، ضرایب آلفای متغیرها ارائه شده است:

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
نگرش نسبت به جامعه مدنی	۱۷	.۷۹۲
کنش مرتبط با جامعه مدنی	۱۲	.۸۷۱

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
استفاده از شبکه‌های مجاز	۳	.۷۸۰
استفاده از اینترنت	۵	.۷۸۰

۳-۸. استخراج و تحلیل داده‌های تحقیق

پس از پایان گردآوری داده‌ها و اطلاعات، تمامی پرسشنامه‌ها مورد بازبینی قرار گرفته و موارد نقص آن مورد بررسی قرار گرفتند. سپس داده‌های خام حاصل از پرسشنامه‌ها به تفکیک متغیرهای مورد مطالعه کد گذاری

^۱ Formal Validity

شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها خام از نسخه ۱۶ نرم افزار SPSS استفاده شد. استخراج و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده و در این راستا، ضمن ارائه جداول و نمودارهای توصیفی تمغیره درباره صفات و ویژگیهای جامعه مورد مطالعه، به منظور تحلیل داده‌ها و سنجش و ارزیابی فرضیات تحقیق از آزمون‌هایی چون همبستگی پیرسون، آزمون‌های مقایسه میانگین نمرات تی و اف، تحلیل رگرسیون و برخی نمودارهای مرتبط بکار گرفته شده است.

فصل چهارم:

استخراج و تجزیه و

تحلیل داده‌ها

در این فصل تمرکز اصلی بر روی داده‌های گردآوری شده معطوف می‌گردد و در این راستا، با استفاده از تکنیک‌های مرتبط با آمار توصیفی و استنباطی، ضمن توصیف و تشریح ویژگیهای جامعه مورد بررسی، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرند. داده‌های جمع‌آوری شده به منظور تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری می‌بایست از طریق آزمون‌های آماری به اطلاعات مفید و معناداری تبدیل گردند تا سپس بتوان با تعبیر و تفسیر آن‌ها به نتایج مورد نظر دست پیدا نمود. در بخش آمار توصیفی عمدتاً از جداول متغیره فراوانی و نیز جداول‌های مربوط به آماره‌های میانگین و انحراف معیار استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی، در سنجش فرضیات تحقیق، آزمونهای رابطه همبستگی، مقایسه گروههای مستقل، و رگرسیون همزمان مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

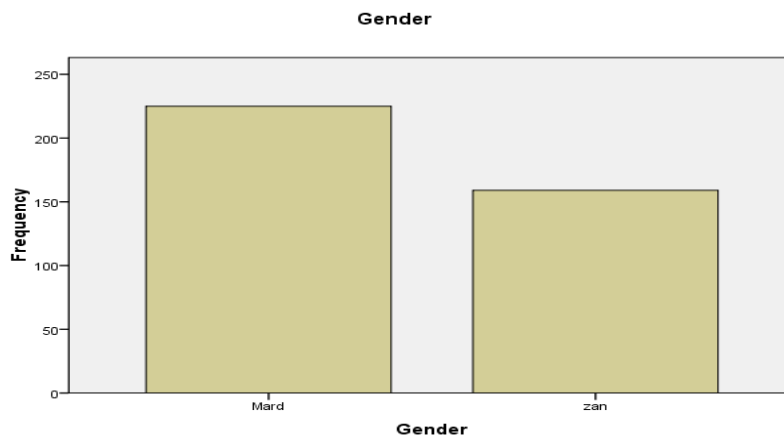
الف) آمار و یافته‌های توصیفی

در این قسمت، براساس نتایج حاصله، صفات و ویژگی‌های جامعه مورد بررسی توصیف و تشریح شده‌اند.

۱-۴. جنسیت پاسخگویان

جدول (۱-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
مرد	۲۲۵	۶.۵۸	۶.۵۸	۶.۵۸
زن	۱۵۹	۴.۴۱	۴.۴۱	۰.۱۰۰
کل	۳۸۴	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	



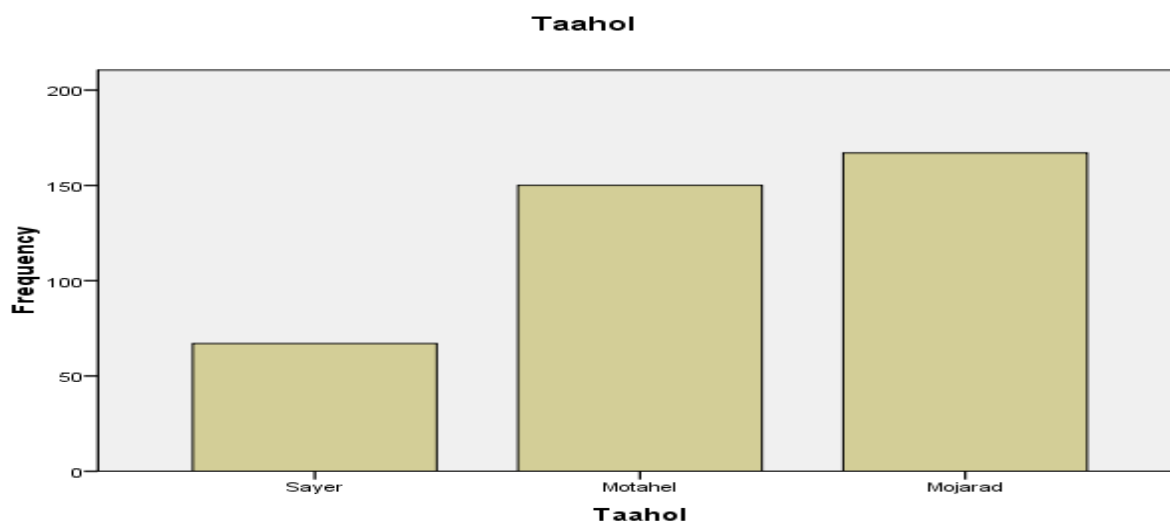
نمودار (۱-۴) توزیع جنسیت پاسخگویان

همان گونه که در جدول و نمودار بالا مشاهده می‌شود تعداد افراد پاسخگو در این متغیر ۳۸۴ نفر می‌باشد

که در این میان بیشترین درصد ۶.۵۸ (۲۲۵ نفر) زنان و ۴.۴۱ درصد (۱۵۹ نفر) مردان بوده‌اند.

جدول (۲-۴): توزیع پاسخگویان بر حسب وضع تاهل

	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
سایر	۶۷	۴.۱۷	۴.۱۷	۴.۱۷
متاهل	۱۵۰	۱.۳۹	۱.۳۹	۵.۵۶
مجرد	۱۶۷	۵.۴۳	۵.۴۳	۱۰.۹۹
کل	۳۸۴	۱۰۰.۰۰	۱۰۰.۰۰	



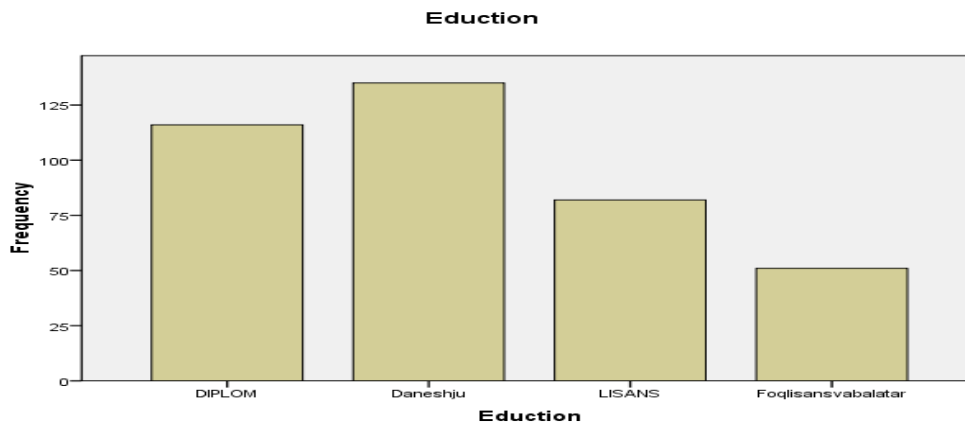
نمودار (۲-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس وضعیت تاهل

همانگونه که در جدول و نمودار بالا مشاهده می شود تعداد افراد پاسخگو به این متغیر ۳۸۴ نفر می باشد که در این میان بیشترین درصد ۵.۴۳ (۱۶۷ نفر) مجردان و کمترین درصد ۴.۱۷ (۶۷ نفر) مربوط به گزینه سایر (بیوه گان و مطلقه ها) بوده است.

۳-۴. متغیر سطح تحصیلات پاسخگویان

جدول (۳-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس سطح تحصیلات:

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
دیپلم	۱۱۶	۲.۳۰	۲.۳۰	۲.۳۰
دانشجو	۱۳۵	۲.۳۵	۲.۳۵	۴.۶۵
لیسانس	۸۲	۴.۲۱	۴.۲۱	۷.۸۶
فوق لیسانس و بالاتر	۵۱	۳.۱۳	۳.۱۳	۱۱.۰۰
کل	۳۸۴	۱۰۰.۰۰	۱۰۰.۰۰	

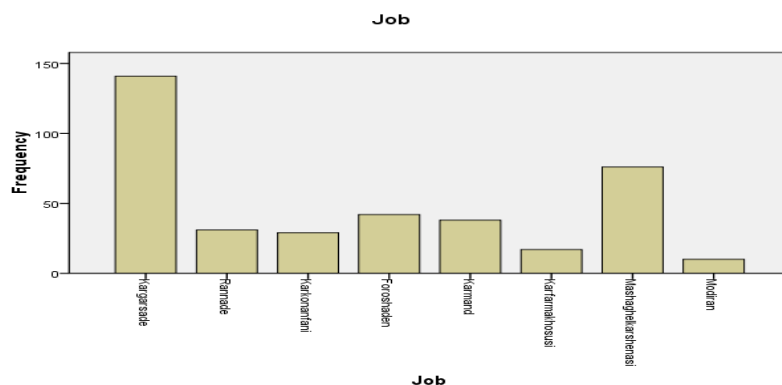


نمودار (۳-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس سطح تحصیلات

همانگونه که در جدول و نمودار بالا مشاهده می‌شود تعداد افراد پاسخگو به این متغیر ۳۸۴ نفر می‌باشد که در این میان بیشترین درصد ۲.۳۵٪ (۱۳۵ نفر) را دانشجویان، سپس دیپلمه‌ها، لیسانسه‌ها و کمترین درصد ۳.۱۳٪ (۵۱ نفر) را افراد فوق لیسانس و بالاتر تشکیل داده‌اند.

جدول (۴-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس جایگاه شغلی

منزلت شغلی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کارگرساده	۱۴۱	۷.۳۶	۷.۳۶	۷.۳۶
رانندگان وسایل نقلیه	۳۱	۱.۸	۱.۸	۸.۴۴
کارکنان ماهر فنی و صنعتی	۲۹	۶.۷	۶.۷	۳.۵۲
فروشنده	۴۲	۹.۱۰	۹.۱۰	۳.۶۳
مشاغل کارمندی	۳۸	۹.۹	۹.۹	۲.۷۳
کارفرمایان بخش خصوصی	۱۷	۴.۴	۴.۴	۶.۷۷
مشاغل تخصصی و کارشناسی	۷۶	۸.۱۹	۸.۱۹	۴.۹۷
مدیران دولتی	۱۰	۶.۲	۶.۲	۰.۱۰۰
کل	۳۸۴	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	

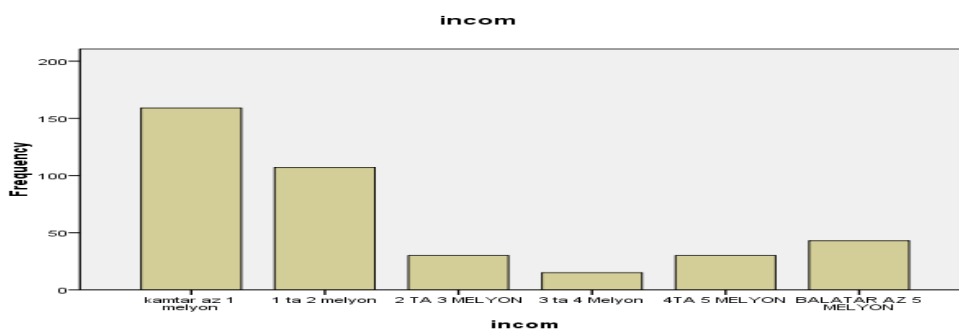


نمودار (۴-۴) توزیع پاسخگویان بر اساس جایگاه شغلی

همان گونه که در جدول و نمودار مشاهده می‌شود تعداد پاسخگویان به این متغیر ۳۸۴ نفر می‌باشد که در این میان بیشترین درصد ۷.۳۶ (نفر ۱۴۱) را کارگران ساده و کمترین درصد ۰.۲ (نفر ۱۰) را مدیران دولتی تشکیل داده‌اند. متخصصان و کارشناسان پس از کارگران، بالاترین سهم را در جامعه مورد بررسی داشته‌اند.

جدول (۴-۵) توزیع پاسخگویان بر حسب درآمد

درآمد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی معتبر
کمتر از میلیون تومان	۱۵۹	۴.۴۱	۴.۴۱	۴.۴۱
یکتا دو میلیون تومان	۱۰۷	۹.۲۷	۹.۲۷	۳.۶۹
دو تا سه میلیون تومان	۳۰	۸.۷	۸.۷	۱.۷۷
سه تا چهار میلیون تومان	۱۵	۹.۳	۹.۳	۰.۸۱
چهار تا پنج میلیون تومان	۳۰	۸.۷	۸.۷	۸.۸۸
بیش از پنج میلیون تومان	۴۳	۲.۱۱	۲.۱۱	۱۰۰



نمودار (۴-۵) توزیع پاسخگویان بر حسب درآمد

همانگونه که در جدول و نمودار بالا مشاهده می‌شود تعداد افراد پاسخگو به این متغیر ۳۸۴ نفر می‌باشد که در این میان بیشترین درصد (۴.۴۱) (۱۵۹ نفر) را درآمد کمتر از میلیون و کمترین درصد درآمد سه تا چهار میلیون (۱۵ نفر) بوده‌اند. درآمدهای تا دو میلیون و بیش از ۵ میلیون پس از درآمد زیر میلیون هستند.

جدول (۴-۶ - ۱) توزیع پاسخگویان بر اساس سن پاسخگویان

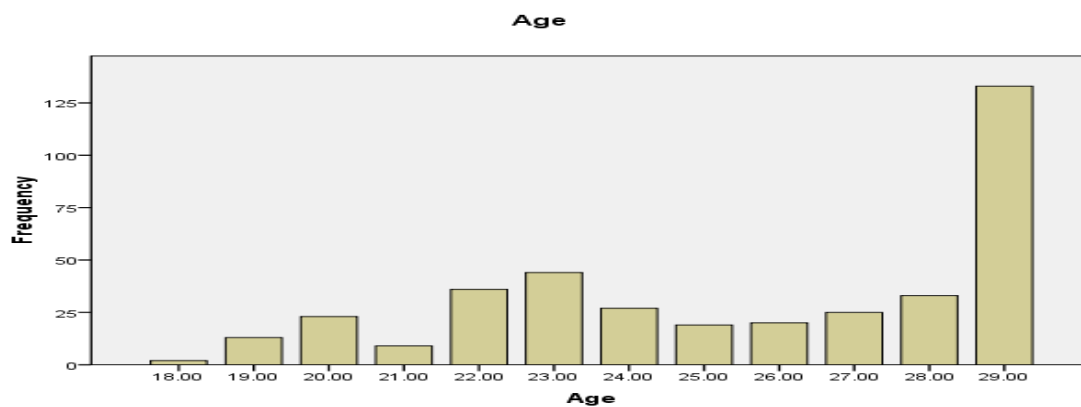
سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
۱۸	۲	۰.۵	۰.۵	۰.۵
۱۹	۱۳	۴.۳	۴.۳	۹.۳
۲۰	۲۳	۰.۶	۰.۶	۹.۹
۲۱	۹	۳.۲	۳.۲	۲.۱۲
۲۲	۳۶	۴.۹	۴.۹	۶.۲۱
۲۳	۴۴	۵.۱۱	۵.۱۱	۱.۳۳
۲۴	۲۷	۰.۷	۰.۷	۱.۴۰
۲۵	۱۹	۹.۴	۹.۴	۱.۴۵
۲۶	۲۰	۲.۵	۲.۵	۳.۵۰
۲۷	۲۵	۵.۶	۵.۶	۸.۵۶
۲۸	۳۳	۶.۸	۶.۸	۴.۶۵
۲۹	۱۳۳	۶.۳۴	۶.۳۴	۰.۱۰۰
کل	۳۸۴	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می شود از تعداد ۳۸۴ نفر بیشترین فراوانی متعلق به سن ۲۹ سال با

تعداد فراوانی ۱۳۳ نفر و کمترین فراوانی متعلق به سن ۱۸ سال با تعداد فراوانی ۲ نفر می باشد.

جدول (۴-۶) آماره های مربوط به سن پاسخگویان

میانگین	۲۵
انحراف معیار	۳
ماکسیمم	۱۸
مینیمم	۲۹



نمودار (۴-۶) توزیع سن پاسخگویان

مطابق با جدول و نمودار بالا میانگین سن افراد ۲۵/۶ سال و انحراف از معیار آن‌ها ۳/۱ سال و حداقل سن

آن‌ها ۱۸ و حداکثر سن پاسخگویان در جامعه مورد بررسی ۲۹ سال می‌باشد.

۴ - ۷ . متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی

جدول (۴ - ۷ - ۱) توزیع پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی - اقتصادی :

پایگاه اجتماعی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
طبقه بالا	۱۵	۰,۴۵	۱,۵۴
طبقه متوسط	۱۴	۰,۴۲	۰,۱۴
طبقه پایین	۵۵	۱,۶۵	۰,۵۶

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می شود از تعداد ۳۸۴ نفر بیشترین فراوانی متعلق به پایگاه اجتماعی

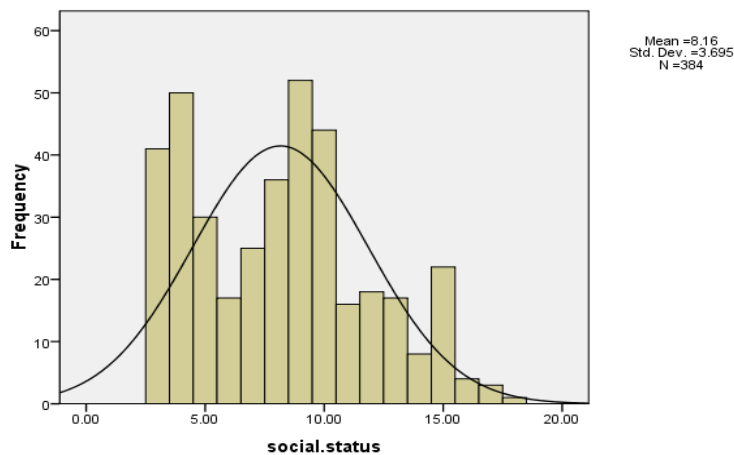
پایین با تعداد فراوانی ۵۵ نفر و کمترین فراوانی متعلق به پایگاه اجتماعی متوسط با تعداد فراوانی ۱۴ نفر

می باشد.

جدول (۴ - ۷ - ۲) آماره های مربوط به پاسخگویان

میانگین	۸/۱۶
انحراف معیار	۳/۶
ماکسیمم	۱۸/۰۰
مینیمم	۳/۰۰

Histogram



نمودار (۴-۷) توزیع پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی

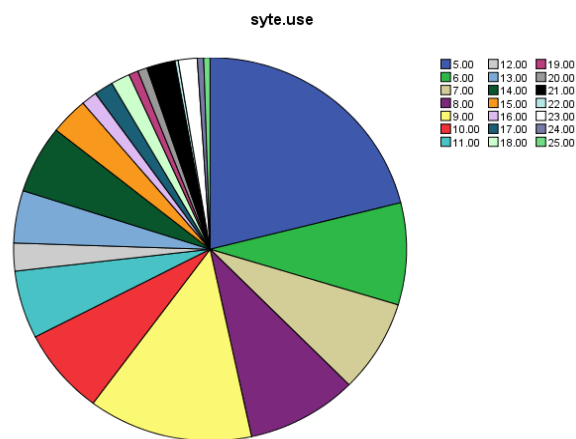
مطابق با جدول و نمودار بالا شمار افراد مورد بررسی ۳۸۴ نفر می باشد که میانگین نمره پایگاه اجتماعی آنان

معادل ۸/۱۶ و انحراف از معیار آن ها ۳/۶ و حداقل نمره ۳ و حداکثر نمره ۱۸ می باشد

۴-۸. میزان ساعات استفاده روزانه از سایت‌های اینترنتی :

جدول (۴-۸) آمار مربوط به سایت‌های اینترنتی

سایت‌های اینترنتی	
میانگین	۹.۱
انحراف از معیار	۹۲.۰
مینیمم	۱
ماکسیمم	۵

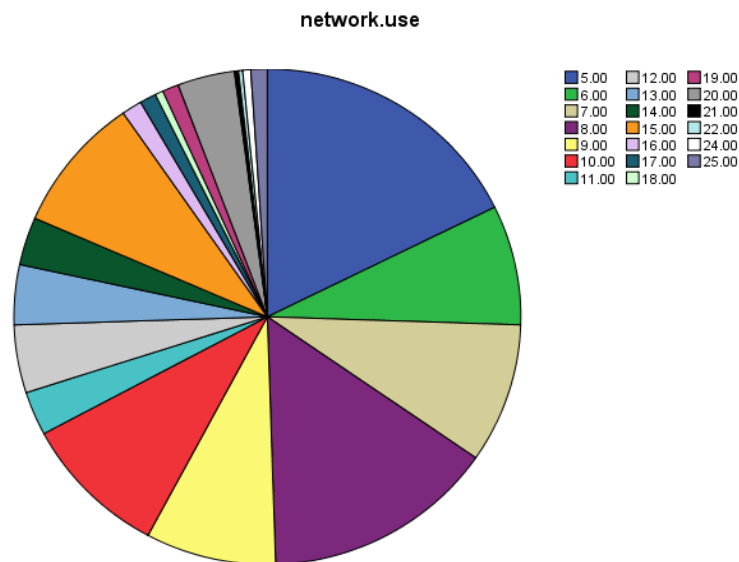


نمودار (۴-۸) توزیع پاسخگویان برحسب میزان استفاده روزانه از سایت‌های اینترنتی

مطابق با جدول بالا شمار استفاده کنندگان از اینترنت ۳۸۴ نفر می‌باشد که میانگین میزان استفاده از اینترنت ۹.۱ ساعت و انحراف از معیار آن‌ها ۹۲.۰ ساعت و مینیمم استفاده ۱ و ماکسیمم استفاده ۵ ساعت می‌باشد.

جدول (۹-۴) آمار مربوط به شبکه های مجازی

	شبکه های اجتماعی مجازی
میانگین	۹,۱
انحراف از معیار	۰۹ .۰
مینیمم	۱
ماکسیمم	۵



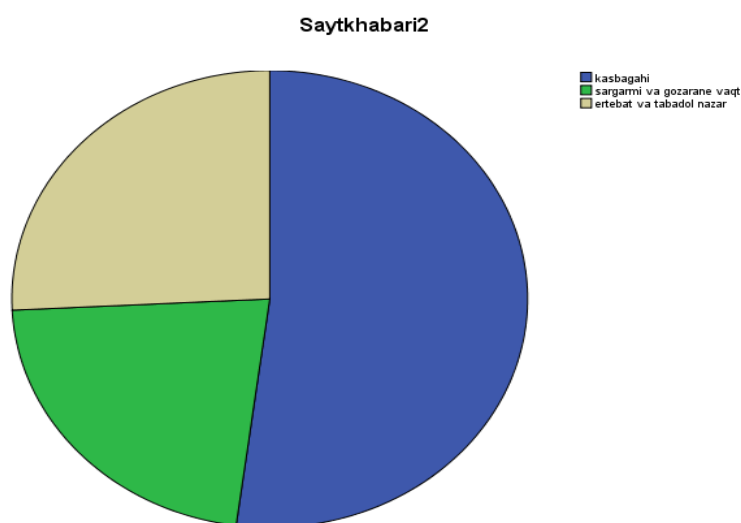
نمودار (۹-۴) توزیع پاسخگویان برحسب میزان استفاده روزانه از شبکه های اجتماعی

مطابق با جدول و نمودار فوق، شمار استفاده کنندگان از شبکه های اجتماعی ۳۸۴ نفر می باشد که میانگین میزان استفاده کنندگان از شبکه های اجتماعی ۹ .۱ ساعت و انحراف از معیار آن ها ۰۹ .۰ ساعت و مینیمم استفاده آن ها ۱ و ماکسیمم میانگین آن ها ۵ ساعت می باشد.

۱۰-۴. متغیر انگیزه استفاده از سایت‌های خبری

جدول (۱۰-۴) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از سایت‌های خبری

انگیزه استفاده از سایت‌های خبری	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب آگاهی	۲۰۰	۵۲/۱	۵۲/۱	۵۲/۱
سرگرمی و اوقات فراغت	۸۵	۲۲/۱	۲۲/۱	۷۴/۲
ارتباط و تبادل نظر	۹۹	۲۵/۸	۲۵/۸	۱۰۰
کل	۳۸۴	۱۰۰	۱۰۰	



نمودار (۱۰-۴) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از سایت خبری

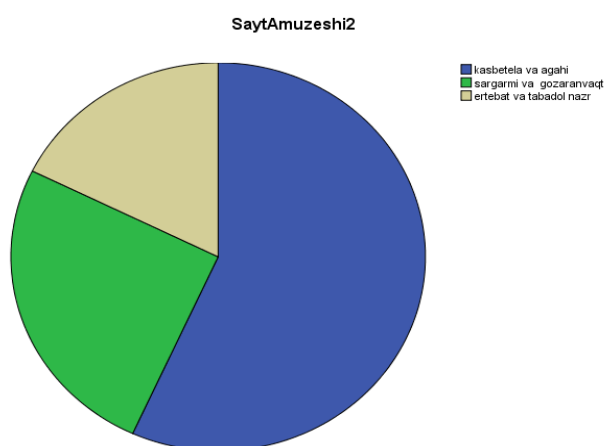
مطابق با جدول و نمودار فوق، ۵۲.۱ درصد پاسخگویان از سایت‌های خبری برای کسب آگاهی و ۲۲.۱

درصد کمترین مقدار از سایت‌های خبری به منظور سرگرمی و گذران وقت استفاده می‌کنند.

۱۱-۴. متغیر انگیزه‌های استفاده از سایت آموزشی

جدول (۱۱-۴) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه‌های استفاده از سایت آموزشی

انگیزه استفاده از سایت‌های آموزشی	فراوانی	درصد فراواتی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب آگاهی	۲۱۸	۸.۵۶	۸.۵۶	۸.۵۶
سرگرمی و گذران وقت	۹۸	۵.۲۵	۵.۲۵	۳.۸۲
ارتباط و تبادل نظر	۶۸	۷.۱۷	۷.۱۷	۰.۱۰۰
کل	۳۸۴	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	



نمودار (۱۱-۴) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از سایت آموزشی

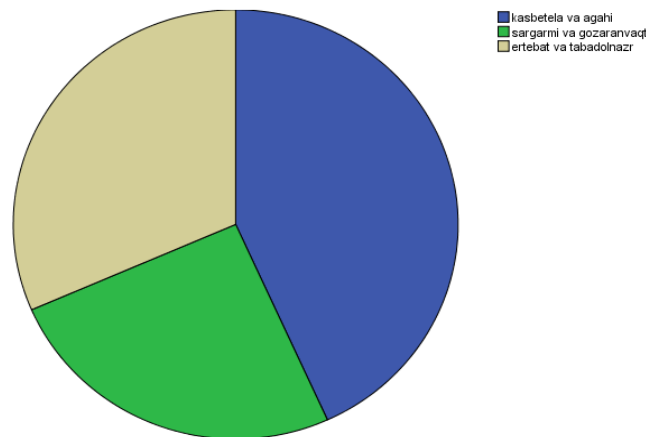
مطابق جدول و نمودار فوق، بیشترین مقدار ۲۱۸ درصد پاسخگویان از سایت‌های آموزشی برای کسب آگاهی و کمترین مقدار ۹۸ درصد از سایت‌های آموزشی به منظور سرگرمی و گذران وقت استفاده می‌کنند.

۱۲-۴. متغیر انگیزه استفاده از سایت تجاری

جدول (۴- ۱۲) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه‌های استفاده از سایت تجاری

انگیزه استفاده از سایت تجاری	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب آگاهی	۱۶۶	۴۳/۲	۴۳/۲	۴۳/۲
سرگرمی و گذران وقت	۹۷	۲۵/۳	۲۵/۳	۶۸/۵
ارتباط و تبادل نظر	۱۲۱	۳۱/۵	۳۱/۵	۰.۱۰۰
کل	۳۸۴	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	

SaytTejari2



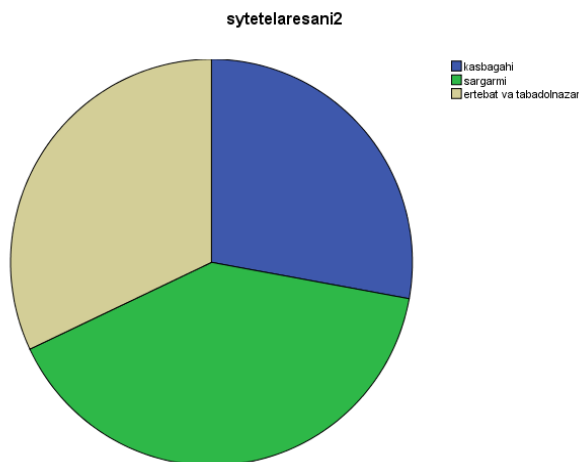
نمودار پراکندگی (۴- ۱۲) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه‌های استفاده از سایت تجاری

مطابق با جدول و نمودار فوق ۴۳/۲ درصد (۱۶۶ نفر) از سایت‌های تجاری برای کسب آگاهی و ۲۵/۳ درصد (۹۷ نفر) به منظور سرگرمی و گذران وقت استفاده می‌کنند.

۱۳-۴. متغیرانگیزه استفاده از سایت‌های اطلاع‌رسانی

جدول (۴-۱۳) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه‌های استفاده از سایت‌های اطلاع‌رسانی

انگیزه استفاده از سایت اطلاع‌رسانی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب آگاهی	۱۰۷	۹.۲۷	۹.۲۷	۹.۲۷
کسب سرگرمی و گذران وقت	۱۵۴	۱.۴۰	۱.۴۰	۰.۶۸
ارتباط و تبادل نظر	۱۲۳	۰.۳۲	۰.۳۲	۰.۱۰۰
کل	۳۸۴	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	



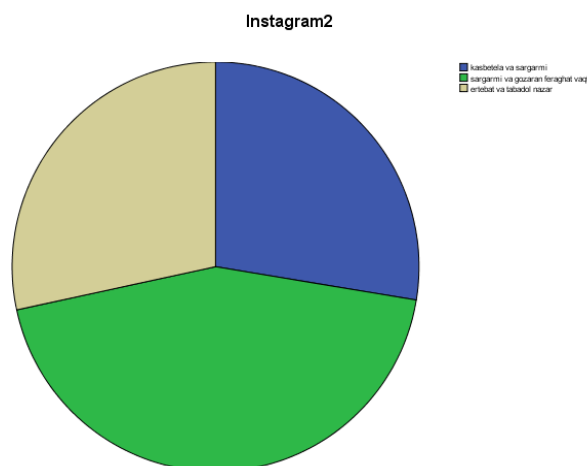
نمودار (۴-۱۳) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از سایت از اطلاع‌رسانی

مطابق با جدول و نمودار فوق ۴۰/۱ درصد (۱۵۴ نفر) از سایت‌های اطلاع‌رسانی برای سرگرمی و گذران وقت و ۲۷/۹ درصد (۱۰۷ نفر) به منظور کسب آگاهی استفاده می‌کنند.

۱۴-۴. متغیر انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام

جدول (۱۴-۴) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه‌های استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام

انگیزه استفاده از اینستاگرام	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب اطلاع و آگاهی	۱۰۶	۶.۲۷	۶.۲۷	۶.۲۷
سرگرمی و گذران وقت	۱۶۹	۰.۴۴	۰.۴۴	۶.۷۱
ارتباط و تبادل نظر	۱۰۹	۴.۲۸	۴.۲۸	۰.۱۰۰
کل	۳۸۴	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	



نمودار (۱۴-۴). توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه‌های استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام

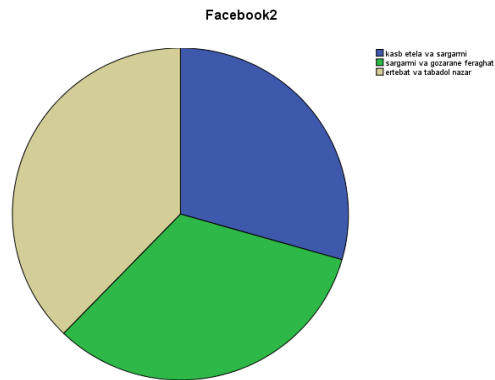
مطابق با جدول و نمودار فوق ۴۴ درصد (۱۶۹ نفر) از اینستاگرام برای سرگرمی و گذران وقت و ۶/۲۷ درصد

(۱۰۶ نفر) به منظور کسب اطلاع و آگاهی استفاده می‌کنند.

۴-۱۵. متغیر انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی فیس بوک

جدول (۴-۱۵) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی فیسبوک

انگیزه استفاده از فیس بوک	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب اطلاع و آگاهی	۱۱۳	۴.۲۹	۴.۲۹	۴.۲۹
سرگرمی و گذران فراغت	۱۲۶	۸.۳۲	۸.۳۲	۲.۶۲
ارتباط و تبادل نظر	۱۴۵	۸.۳۷	۸.۳۷	۰.۱۰۰
کل	۳۸۴	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	



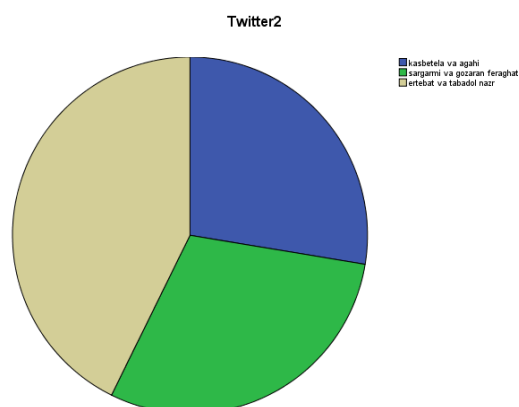
نمودار (۴-۱۵) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از فیس بوک

مطابق با جدول و نمودار فوق ۳۷/۸ درصد (۱۴۵ نفر) از فیس بوک برای ارتباط و تبادل نظر و ۲۹/۴ درصد (۱۳ نفر) از فیس بوک به منظور کسب اطلاع و آگاهی استفاده می کنند.

۴-۱۶. متغیر انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی توییتر

جدول (۴-۱۶). توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی توییتر

انگیزه استفاده از توییتر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی فراوانی
کسب اطلاع و آگاهی	۱۰۶	۶.۲۷	۶.۲۷	۶.۲۷
سرگرمی و گذران اوقات فراغت	۱۱۴	۷.۲۹	۷.۲۹	۳.۵۷
ارتباط و تبادل نظر	۱۶۴	۷.۴۲	۷.۴۲	۰.۱۰۰
کل	۳۸۴	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	



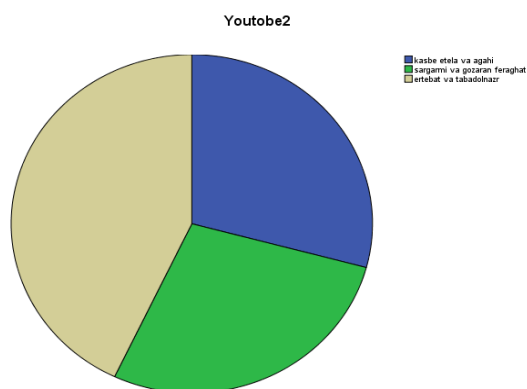
نمودار (۴-۱۶) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از توییتر

مطابق با جدول و نمودار فوق ۷ / ۴۲ درصد (۱۶۴ نفر) از توییتر برای ارتباط و تبادل نظر و ۶ / ۲۷ درصد (۱۰۶ نفر) از توییتر به منظور کسب اطلاع و آگاهی استفاده می‌کنند

۱۷-۴. متغیر انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی یوتیوپ

جدول (۱۷-۴) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی یوتیوپ

انگیزه استفاده از یوتیوپ	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب اطلاع و آگاهی	۱۱۲	۲.۲۹	۲.۲۹	۲.۲۹
سرگرمی و گذران فراغت	۱۰۷	۹.۲۷	۹.۲۷	۰.۵۷
ارتباط و تبادل نظر	۱۶۵	۰.۴۳	۰.۴۳	۰.۱۰۰
کل	۳۸۴	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	



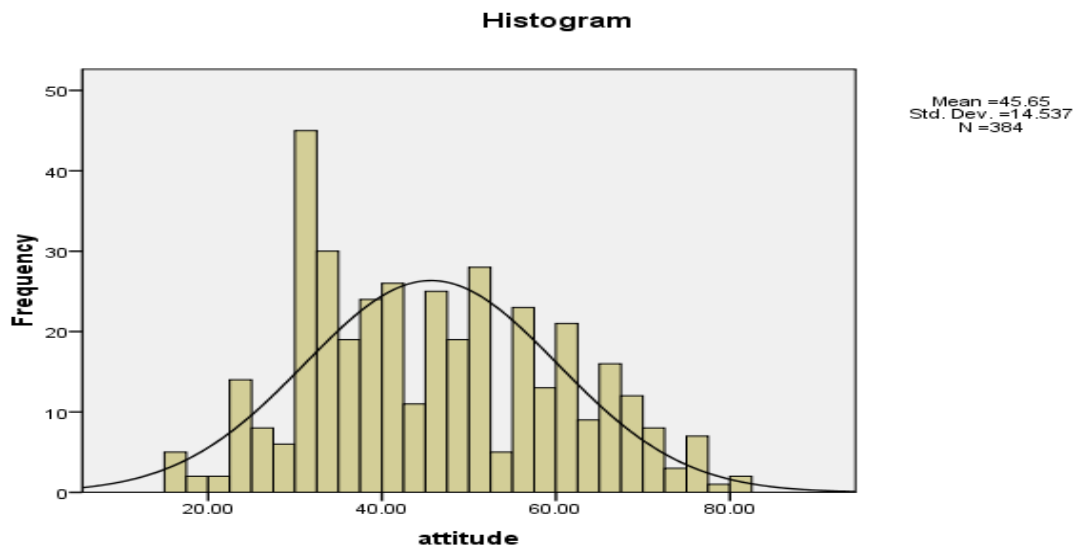
نمودار (۱۷-۴) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از یوتیوپ

مطابق با جدول و نمودار فوق ۴۳/۰ درصد (۱۶۵ نفر) از یوتیوپ برای ارتباط و تبادل نظر و ۲۷/۹ درصد

(۱۰۷ نفر) از یوتیوپ به منظور سرگرمی و گذران فراغت استفاده می کنند.

جدول ۱۸-۴. نگرش

میانگین	۴۵/۶
انحراف معیار	۱/۴
مینیمم	۱۶/۰۰
ماکسیمم	۸۰/۰۰

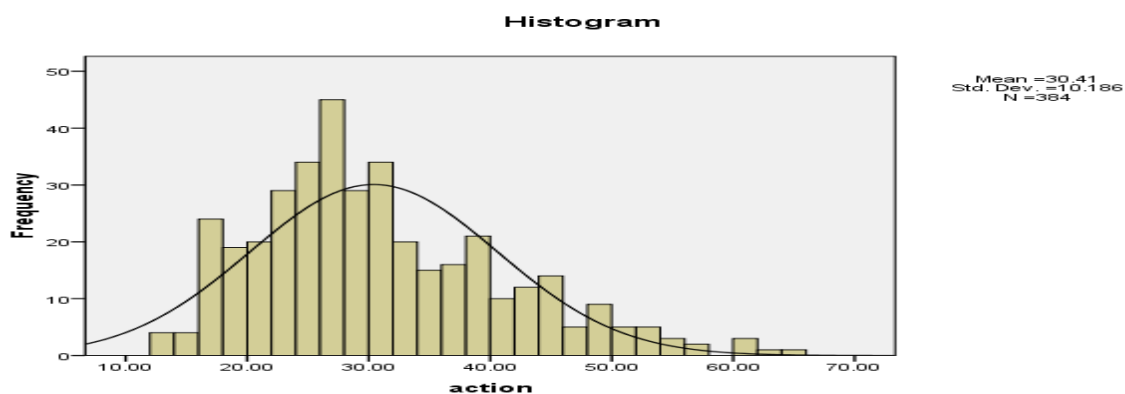


نمودار ۱۸-۴ نگرش مساعد به جامعه مدنی

مطابق با جدول بالا شمار افراد پاسخگو به متغیر نگرش مساعد به جامعه مدنی ۳۸۴ نفر می باشد که میانگین نمره نگرش ۴۵/۶ (از ۸۰) و انحراف از معیار آن ها ۱/۴ و مینیمم نمره نگرش ۱۶ و ماکسیمم نمره ۸۰ می باشد.

جدول (۴-۱۹) کنش

میانگین	۳۰/۴
انحراف معیار	۱/۰۱
مینیمم	۱۲/۰۰
ماکسیمم	۶۴/۰۰



نمودار (۴-۱۹) متغیر کنش مساعد به جامعه مدنی

مطابق با جدول بالا شمار افراد پاسخگو به متغیر کنش ۳۸۴ نفر می‌باشد که میانگین نمره میزان کنش مساعد نسبت به جامعه مدنی ۳۰/۴ (از ۶۴) و انحراف از معیار آن ۱ و مینیمم نمره ۱۲ و ماکسیمم نمره ۶۴ می‌باشد.

ب) آمار ویافته‌های استنباطی

در این بخش از فصل چهارم فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرند. این بخش را می‌توان یکی از مهم‌ترین بخش‌های پژوهش به شمار آورد، زیرا در همین بخش از پژوهش است که فرضیات مورد نظر پژوهش‌گر به محازمون گذاشته شده و درستی یا نادرستی آن‌ها مشخص می‌شود. در این زمینه پژوهش‌گر تلاش کرده است از مناسب‌ترین

آماره‌ها استفاده کرده و رابطه‌ی بین متغیرها را مشخص کند. متغیرهای اسمی این پژوهش عبارت‌اند از: جنسیت، سن، وضعیت تاهل، تحصیلات، شغل دانشجویان. بقیه‌ی متغیرهای این پژوهش متغیرهای فاصله‌ای بوده و رابطه‌ی آن‌ها با متغیر وابسته‌ی پژوهش در سطح سنجش فاصله‌ای، که بهترین سطح سنجش به شمار می‌آید، مورد سنجش قرار گرفته‌اند. در همین راستا جهت سنجش رابطه‌ی بین متغیرهایی که سطح سنجش آن‌ها فاصله‌ای بوده است، از آزمون رابطه همبستگی پیرسون و جهت سنجش رابطه‌ی بین متغیرهای اسمی و متغیر وابسته‌ی پژوهش از آزمون مقایسه‌های چندگانه مانند آزمون F، آزمون T و نهایتاً از آزمون رگرسیون به شیوه همزمان (inter) استفاده شده است.

فرضیه ۱. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در زنان و مردان متفاوت است

جدول میانگین نمرات میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در زنان و مردان مورد بررسی

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه استاندارد
مرد	۲۵۵	۴۵/۹۰	۱۴/۲۳	۰/۹۴
زن	۱۵۹	۴۵/۶۲	۱۵/۲۶	۱/۲۱
جمع	۳۸۴	۹۱/۲۴	۲۹/۲۸	۱/۱۵

جدول (۴-۲۰) نتایج آزمون (t) بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و جنسیت

	N	T	Sig
نتیجه‌ی آزمون	۳۸۴ نفر	۰/۱۸۷	۰/۸۵۲

مقایسه‌ی میانگین نمره‌های میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین دو جنس (۴۵/۹۰ در بین دانشجویان مرد و ۴۵/۶۲ در بین پاسخگویان زن)، مقدار آماره‌ی T (۰/۱۸۷) و سطح معناداری بدست آمده (۰/۸۵۲) نشان دهنده آن هستند که از نظر میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین دو جنس زن و مرد،

علیرغم تفاوت ظاهری، تفاوت جدی ومعنادار وجود ندارد و فرضیه تحقیق ابطال می‌گردد. به عبارت دیگر، نگرش مساعد به جامعه مدنی در زنان و مردان مورد بررسی تقریباً مشابه‌کدیگر است.

فرضیه ۲. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در افراد مجرد، متاهل و سایرین متفاوت است

جدول (۴-۲۱) نتایج آزمون (F) میان میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و وضعیت تأهل

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰.۸۶۸	۰.۱۴۱	۰.۵۳۲۹	۲	۰.۵۹۰۷	بین گروهی
		۰.۱۶۲۰۹	۳۸۱	۴۲.۷۹۶۹۳	درون گروهی
			۳۸۳	۵۰.۷۹۷۵۲	جمع

مقایسه میانگین نمره‌های میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در گروه‌های مجرد و متاهل و... ، مقدار آماره‌ی F (۰/۱۴۱) و سطح معناداری (۰/۸۶۸) نشان دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین افراد متأهل و مجرد و سایر گروه‌ها، علیرغم تفاوت ظاهری، تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه تحقیق ابطال می‌گردد. به عبارت دیگر نگرش مساعد به جامعه مدنی در افراد مجرد، متاهل، بیوه و مطلقه تقریباً وضعیت مشابه را نشان می‌دهد. میانگین نگرش مساعد به جامعه مدنی در افراد مجرد ۰.۴۵، ۶۸ افراد متاهل ۰.۴۵، ۶۶ سایر افراد ۰.۴۶، ۷۰ می‌باشد.

فرضیه ۳. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در گروه‌های تحصیلی بایکدیگرمتفاوت است

جدول میانگین نمرات میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در گروه‌های تحصیلی موردبررسی

تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه استاندارد
دیپلم	۱۱۶	۹۵.۴۴	۰۹.۱۴	۳۰.۱
دانشجو	۱۳۵	۵۵.۴۶	۸۷.۱۴	۲۸.۱
لیسانس	۸۲	۳۱.۴۵	۹۸.۱۴	۶۵.۱
فوق لیسانس و بالاتر	۵۱	۳۳.۴۵	۱۹.۱۴	۹۸.۱
جمع	۳۸۴	۶۴.۴۵	۵۳.۱۴	۷۴۱.۰

جدول (۴-۲۲) نتایج آزمون (F) بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و تحصیلات

آزمون	F	Sig. (F)
نتیجه‌ی آزمون	۲۸۳.۰	۸۳۷.۰

مقایسه‌ی میانگین‌های میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین افراد دارای تحصیلات متفاوت، مقدار آماره F (۰/۲۸۳) و سطح معناداری آن (۰/۸۳۷) نشان دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در میان گروه‌های تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد. در واقع شباهت نسبی در وضعیت نگرش مساعد به جامعه مدنی در افراد دیپلمه دانشجو لیسانس و بالاتر دیده شده و این نگرش در سطح کمی بالاتر از حد متوسط (۴۵ از ۸۰) می‌باشد یعنی جامعه مورد بررسی که عمدتاً تحصیلکرده نیز هستند نگرش مثبتی به شکل گیری و رشد جامعه مدنی در شرایط موجود کشور دارند.

فرضیه ۴. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در افراد دارای جایگاه‌های شغلی گوناگون بایکدیگر

متفاوت است

جدول میانگین نمرات میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در جایگاه‌های شغلی مورد بررسی

جایگاه شغلی	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه استاندارد
کارگر ساده	۱۴۱	۴۶.۴۵	۵۷.۱۴	۲۲.۱
راننده	۳۱	۷۷.۴۶	۲۰.۱۴	۵۵.۲
کارکنان فنی	۲۹	۷۵.۴۹	۱۴.۱۳	۴۴.۲
فروشنده	۴۲	۳۰.۴۴	۶۳.۱۴	۲۵.۲
کارمند	۳۸	۷۳.۴۳	۷۶.۱۵	۵۵.۲
کارفرما خصوصی	۱۷	۶۴.۴۶	۰۳.۱۶	۸۸.۳
مشاغل کارشناسی	۷۶	۶۹.۴۵	۸۱.۱۴	۶۹.۱
مدیران	۱۰	۵۰.۴۳	۳۱.۱۰	۲۶.۳
جمع	۳۸۴	۶۴.۴۵	۵۳.۱۴	۷۴۱.۰

جدول (۴-۲۳) نتایج آزمون F بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و جایگاه شغلی

Sig. (F)	F	نتیجه‌ی آزمون
۸۰۱.۰	۵۴۴.۰	

مقایسه‌ی میانگین‌های میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین پاسخگویان مشاغل مختلف، مقدار آماره F (۵۴۴/۰) و سطح معناداری آن (۰/۸۰۱) نشان دهنده‌ی آن هستند که میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در میان پاسخگویان با جایگاه شغلی مختلف تفاوتی باهمدیگر ندارد.

فرضیه ۵. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با سن و سال افراد رابطه دارد

جدول (۴-۲۴) نتایج آزمون همبستگی بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و سن

سن	متغیر مستقل	
	متغیر وابسته	
۲۳۸.۰	ضریب همبستگی پیرسون	نگرش مساعد به جامعه مدنی
۰.۰۶۰	سطح معناداری همبستگی	
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان	

نتایج بدست آمده در جدول بالا نشان می دهد که میان سن افراد مورد بررسی و میزان نگرش مساعد آنها به جامعه مدنی رابطه معنادار وجود ندارد. به عبارتی، میزان همبستگی دو متغیر (۰/۲۳۸) و سطح معناداری آزمون (۰/۰۶۰) نشان دهنده عدم وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان سن پاسخگویان و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی تأیید نمی شود.

فرضیه ۶. میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی در زنان و مردان متفاوت است

جدول (۴-۲۵) نتایج آزمون T بین میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی و جنسیت

جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب آزمون T	سطح معناداری Sig.
مرد	۶۶.۳۰	۴۳.۱۰	۵۷۳.۰۰	۲۹۲.۰۰
زن	۰۵.۳۰	۸۴.۹		

مقایسه‌ی میانگین نمره‌های میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی دو جنس (۶۶.۳۰) در بین دانشجویان مرد و (۰۵.۳۰) در بین دانشجویان زن، مقدار آماره‌ی T (۵۷۳.۰۰) و سطح معناداری آن (۰.۰۰) (۲۹۲) نشان دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی در بین دو جنس زن و مرد تفاوت معنادار وجود ندارد. به عبارتی مردان و زنان جامعه مورد بررسی میزان کنش مشابه‌ای (در حد متوسط) در زمینه جامعه مدنی داشته‌اند.

فرضیه ۷. میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی در افراد مجرد، متأهل و سایرین

متفاوت است

جدول (۴-۲۶) نتایج آزمون (F) بین میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی و وضعیت تأهل

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۸۲۳.۰	۱۹۵.۰	۷۹.۱۶	۲	۵۹.۳۳	بین گروهی
		۹۲.۸۵	۳۸۱	۲۷.۳۲۷۳۷	درون گروهی
			۳۸۳	۸۷.۳۲۷۷۰	جمع

باتوجه به جدول فوق، مقدار آماره F (۰/۱۹۵) و سطح معناداری آزمون (۸۲۳.۰) نشان دهنده‌ی آن هستند

که از نظر میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی در بین افراد متأهل و مجرد و سایر گروه‌ها تفاوت

معنادار وجود ندارد.

فرضیه ۸. میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی با سن افراد رابطه دارد

جدول (۴-۲۷) نتایج آزمون همبستگی بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و سن

سن		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
۰۸۹.۰	ضریب همبستگی پیرسون	کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی
۰۸۲.۰	سطح معناداری همبستگی	
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان	

جدول بالا نشان می دهد که میان سن دانشجویان و کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. میزان همبستگی دو متغیر (۰/۰۸۹) و سطح معناداری همبستگی آنها (۰/۰۸۲) نشان دهنده عدم وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان سن دانشجویان و میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی تأیید نمی شود.

فرضیه ۹. میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی در گروه‌های تحصیلی متفاوت است

جدول میانگین نمرات میزان کنش اجتماعی موثر بر جامعه مدنی در گروه‌های تحصیلی مورد بررسی

تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه استاندارد
دیپلم	۱۱۶	۶۲.۲۹	۴۵.۱۰	۹۷۰.۰
دانشجو	۱۳۵	۶۷.۳۱	۲۴.۱۰	۸۸۲.۰
لیسانس	۸۲	۳۰.۲۹	۶۷.۹	۰۶.۱
فوق لیسانس و بالاتر	۵۱	۶۴.۳۰	۱۲.۱۰	۴۱.۱
جمع	۳۸۴	۴۱.۳۰	۱۸.۱۰	۵۱۹.۰

جدول (۴-۲۸) نتایج آزمون همبستگی بین میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی و تحصیلات

Sig. (F)	F	
۲۸۸.۰	۲۵.۱	نتیجه‌ی آزمون

مقایسه‌ی میانگین‌های میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی در بین افراد دارای تحصیلات متفاوت، مقدار آماره‌ی $F(۱, ۲۵)$ و سطح معناداری آن (۰.۰۲۸۸) نشان دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی در میان گروه‌های تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارتی، میزان کنش اجتماعی مساعد نسبت به جامعه مدنی در گروه‌های مختلف تحصیلی تقریباً مشابه و نزدیک‌کدیگر بوده است.

فرضیه ۱۰. میزان کنش اجتماعی موثر بر بالندگی جامعه مدنی در افرادی با جایگاه‌های شغلی

گونگون، با یکدیگر متفاوت است

جدول میانگین نمرات میزان کنش اجتماعی موثر بر جامعه مدنی در جایگاه‌های شغلی

درآمد	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه استاندارد
کارگر ساده	۱۴۱	۰.۳۰	۲۷.۱۰	۸۶.۰
راننده	۳۱	۷۴.۳۱	۸۵.۱۰	۹۴.۱
کارکنان فنی	۲۹	۰۳.۳۳	۷۱.۹	۸۰.۱
فروشنده	۴۲	۳۰.۲۸	۰۵.۱۱	۷۰.۱
کارمند	۳۸	۲۸.۳۰	۷۹.۱۱	۹۱.۱
کارفرما خصوصی	۱۷	۹۴.۲۹	۲۲.۸	۹۹.۱
مشاغل کارشناسی	۷۶	۲۱.۳۱	۴۵.۹	۰۸.۱
مدیران	۱۰	۵۰.۲۸	۶۲.۵	۷۷.۱
جمع	۳۸۴	۴۱.۳۰	۱۸.۱۰	۵۱۹.۰

جدول (۴-۲۹) نتایج آزمون همبستگی بین میزان کنش اجتماعی موثر به جامعه مدنی و جایگاه شغلی

Sig. (F)	F	نتیجه‌ی آزمون
۰.۰۶۲۳	۷۵۸.۰	

مقایسه‌ی میانگین‌های میزان کنش اجتماعی موثر به جامعه مدنی در بین پاسخگویان بامشاغل مختلف، مقدار آماره F (۰/۷۵۸) و سطح معناداری آزمون (۰/۶۲۳) نشان دهنده آن هستند که میزان کنش اجتماعی موثر بر جامعه مدنی در میان پاسخگویان با مشاغل مختلف، علیرغم اختلاف ظاهری، تفاوت معناداری وجود ندارد. در حقیقت میزان کنش اجتماعی در گروه‌های شغلی گوناگون تقریباً در حد متوسط و مشابه‌کدیگر بوده است.

فرضیه ۱۱. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با میزان استفاده از سایت‌های اینترنتی رابطه دارد

جدول (۴-۳) نتایج آزمون همبستگی بین میزان استفاده از سایت‌های اینترنتی و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی

میزان استفاده از سایت‌های اینترنتی		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
۰/۱۴۸-	ضریب همبستگی پیرسون	میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی
۰/۰۰۴	سطح معناداری همبستگی	
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان	

باتوجه به نتایج جدول بالا، ضریب همبستگی (۰/۱۴۸-) و سطح معناداری (۰/۰۰۴) نشان دهنده وجود همبستگی میان متغیرهای نگرش مساعد و استفاده از سایت‌هاست. بدین ترتیب، فرض وجود رابطه‌ی معنادار و معکوس میان الگوی استفاده از سایت‌های اینترنتی پاسخگویان و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی تأیید می‌شود. در واقع، هرچه میزان استفاده از سایت‌های اینترنتی بیشتر می‌شود میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی کمتر می‌شود. در واقع هرچه افراد از سایت‌های اینترنتی بیشتر استفاده کنند نگرش مساعد به جامعه مدنی کمتری پیدا می‌کنند.

فرضیه ۱۲. میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی با میزان استفاده از سایت‌های

اینترنتی رابطه دارد

جدول (۴-۳۱) نتایج آزمون همبستگی بین استفاده از سایت‌های اینترنتی و کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی

میزان استفاده از سایت‌های اینترنتی		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
۰.۲۸۰	ضریب همبستگی پیرسون	میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی
۰.۵۹۰	سطح معناداری همبستگی	
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان	

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که میان میزان استفاده از سایت‌های اینترنتی پاسخگویان و میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. میزان همبستگی دو متغیر (۰/۰۲۸) و سطح معناداری آزمون (۰/۵۹۰) نشان دهنده‌ی عدم وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان میزان استفاده از سایت‌های اینترنتی پاسخگویان و میزان کنش اجتماعی مؤثر در جامعه مدنی تأیید نمی‌شود.

فرضیه ۱۳. میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی با میزان استفاده از شبکه‌های

اجتماعی مجاز رابطه دارد

جدول (۴-۳۲) نتایج آزمون همبستگی بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان کنش اجتماعی مؤثر در جامعه مدنی

میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی		متغیر مستقل	متغیر وابسته
		۰/۱۳	ضریب همبستگی پیرسون
۸۰۵/۰	سطح معناداری همبستگی		
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان		

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که میان میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجاز پاسخگویان و میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. میزان همبستگی دو متغیر (۰/۱۳) و سطح معناداری (۰/۸۰۵) نشان دهنده عدم وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان میزان استفاده از شبکه‌های مجاز پاسخگویان و میزان کنش اجتماعی مؤثر در جامعه مدنی تأیید نمی‌شود.

فرضیه ۱۴. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با میزان استفاده از شبکه اجتماعی رابطه دارد

جدول (۴-۳۳) نتایج آزمون همبستگی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی

میزان استفاده از شبکه‌های مجاز		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
۱۲۰.۰-	ضریب همبستگی پیرسون	میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی
۰.۱۹۰	سطح معناداری همبستگی	
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان	

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد میان میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. میزان همبستگی دو متغیر (۰/۱۲۰-) و سطح معناداری همبستگی آن‌ها (۰/۰۱۹) نشان دهنده وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه معنادار و معکوس بین میزان استفاده از شبکه‌های مجاز و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی تأیید می‌شود. در واقع هرچه افراد از شبکه‌های اجتماعی مجاز بیشتر استفاده کنند میزان نگرش مساعد آن‌ها به جامعه مدنی کمتر می‌شود.

فرضیه ۱۵. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با میزان درآمد رابطه دارد

جدول (۴-۳۴) نتایج آزمون همبستگی میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با درآمد

میزان درآمد		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
۰/۴۴	ضریب همبستگی پیرسون	میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی
۳۹۴/۰	سطح معناداری همبستگی	
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان	

جدول بالا نشان می دهد که میان میزان درآمد و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. میزان همبستگی دو متغیر (۰/۴۴) و سطح معناداری همبستگی آن‌ها (۰/۳۹۴) نشان دهنده‌ی عدم وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان میزان درآمد و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی تأیید نمی شود.

فرضیه ۱۶. میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی با میزان درآمد رابطه دارد

جدول (۴-۳۵) نتایج آزمون همبستگی میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی با درآمد

میزان درآمد		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
۱۳۷.۰	ضریب همبستگی پیرسون	میزان کنش اجتماعی مؤثر بر بالندگی جامعه مدنی
۰۰۷.۰	سطح معناداری همبستگی	
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان	

نتایج جدول بالا نشان می دهد که میان میزان درآمد و میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی رابطه- معنادار وجود دارد. میزان همبستگی دو متغیر (۰/۱۳۷) و سطح معناداری همبستگی آن ها (۰/۰۰۷) نشان دهنده وجود همبستگی مستقیم وهم افزا میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه ی معنادار میان میزان درآمد و میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی تأیید می شود. به این معنا که هرچه افراد درآمد بالاتری داشته باشند میزان کنش اجتماعی مؤثر بر بالندگی جامعه مدنی بیشتری دارند.

فرضیه ۱۷. میزان کنش اجتماعی موثر بر بالندگی جامعه مدنی با پایگاه اجتماعی رابطه دارد

جدول (۴-۳۶) نتایج آزمون همبستگی بین میزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی با پایگاه اقتصادی اجتماعی

پایگاه اقتصادی اجتماعی		متغیر مستقل	متغیر وابسته
		میزان کنش اجتماعی مؤثر بر بالندگی جامعه مدنی	
۱۰۴.۰	ضریب همبستگی پیرسون		
۰۴۲.۰	سطح معناداری همبستگی		
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان		

باتوجه به نتایج جدول، میزان همبستگی دو متغیر (۰/۱۰۴) و سطح معناداری آزمون (۰/۰۴۲) نشان دهنده وجود همبستگی مستقیم میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه معنادار بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی تأیید می شود. به عبارتی، هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد، کنش مساعد در زمینه جامعه مدنی بیشتر خواهد بود.

فرضیه ۱۸. میزان نگرش مساعد افراد به جامعه مدنی با پایگاه اجتماعی اقتصادی آنها رابطه دارد

جدول (۴-۳۷) نتایج آزمون همبستگی میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با پایگاه اقتصادی اجتماعی

پایگاه اقتصادی اجتماعی		متغیر مستقل	متغیر وابسته
		میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی	
۰۱۰.۰	ضریب همبستگی پیرسون		
۸۴۲.۰	سطح معناداری همبستگی		
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان		

جدول بالا نشان می دهد که میان میزان پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. میزان همبستگی دو متغیر (۰/۰۱۰) و سطح معناداری همبستگی آنها (۰/۸۴۲) نشان دهنده فقدان همبستگی میان این متغیرهاست.

جدول (۴-۳۸) نتایج آزمون همبستگی میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با کنش اجتماعی موثر بر آن

کنش اجتماعی موثر بر بالندگی جامعه مدنی		متغیر مستقل	متغیر وابسته
		میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی	
۳۱۷.۰	ضریب همبستگی پیرسون		
۰۰۰.۰	سطح معناداری همبستگی		
۳۸۴	تعداد کل پاسخگویان		

جدول بالا نشان می دهد که میان میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و کنش اجتماعی موثر در این زمینه رابطه‌ی معناداری وجود دارد. میزان همبستگی دو متغیر (۰/۳۱۷) و سطح معناداری همبستگی آنها

(۰/۰۰۰) نشان دهنده وجود همبستگی مستقیم وهم افزا میان این متغیرهاست. بنابراین، هرچه میزان نگرش

مساعد تر، میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی نیز بیشتر خواهد بود.

فرضیه ۲۰. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در افرادی که با انگیزه‌های گوناگون از اینستاگرام

استفاده می‌کنند بایکدیگرم تفاوت است

جدول (۴-۳۹) نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از اینستاگرام و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰.۱۸۰	۰.۶۸۴	۱.۸۴۶	۲	۲.۱۶۹۲	بین گروهی
		۹.۲۰۷	۳۸۱	۶.۷۹۲۴۳	درون گروهی
			۳۸۳	۸.۸۰۹۳۵	جمع

باتوجه به نتایج جدول فوق، مقدار آماره F (۴/۰۶۸) و سطح معناداری آزمون (۰/۰۱۸) نشان دهنده آن هستند که از نظرمیزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی در بین افرادی که با انگیزه‌های مختلف از شبکه اجتماعی اینستاگرام استفاده می‌کنند تفاوت معناداری وجود دارد. آزمون تعقیبی LSD نشان داد کسانی که برای گذران فراغت از اینستاگرام استفاده می‌کنند نگرش مساعدتری از بقیه نسبت به جامعه مدنی داشته‌اند.

فرضیه ۲۱. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در افرادی که با انگیزه‌های گوناگون از توئیتر

استفاده میکنند بایکدیگرم تفاوت است

جدول (۴-۴۰) نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از توئیتر و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰.۳۳.۰	۴۳۱.۳	۸.۷۱۵	۲	۷.۱۴۳۱	بین گروهی
		۶.۲۰۸	۳۸۱	۱.۷۹۵۰۴	درون گروهی
			۳۸۳	۸.۸۰۹۳۵	جمع

باتوجه به نتایج جدول فوق، مقدار آماره F (۳/۴۳۱) و سطح معناداری آزمون (۰/۰۳۳) نشان دهنده آن هستند که از نظرمیزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین افرادی که با انگیزه‌های مختلف از شبکه اجتماعی توئیتر استفاده می‌کنند تفاوت معناداری وجود دارد. براساس آزمون تعقیبی LSD روشن شد آنانکه برای ارتباط و تبادل نظر از توئیتر استفاده می‌کنند نگرش مساعدتری از بقیه نسبت به جامعه مدنی داشته‌اند.

فرضیه ۲۲. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در افرادی که با انگیزه‌های گوناگون از سایت‌های

خبری اینترنت استفاده میکنند بایکدیگرم تفاوت است

جدول (۴-۴۱) نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از سایت‌های خبری اینترنت و نگرش مساعد به جامعه مدنی

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰.۴۴۰	۱۴۴.۳	۱.۶۵۷	۲	۲.۱۳۱۴	بین گروهی
		۹.۲۰۷	۳۸۱	۶.۷۹۶۲۱	درون گروهی
			۳۸۳	۸.۸۰۹۳۵	جمع

باتوجه به جدول فوق، مقدار آماره F (۳/۱۴۴) و سطح معناداری آزمون (۰/۰۴۴) نشان دهنده آن هستند که از نظرمیزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین افرادی که با انگیزه‌های مختلف از سایت‌های خبری اینترنتی استفاده می‌کنند تفاوت معناداری وجود دارد. براساس آزمون تعقیبی LSD مشخص گردید کسانی که برای کسب اطلاع و آگاهی از سایت‌های خبری اینترنت استفاده می‌کنند نگرش مساعدتری از بقیه نسبت به جامعه مدنی داشته‌اند.

فرضیه ۲۳. میزان کنش اجتماعی موثر بر جامعه مدنی در افرادی که با انگیزه‌های گوناگون از شبکه

اجتماعی و تیوب استفاده میکنند بایکدیگرم تفاوت است

جدول (۴-۴۲) نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از تیوب و میزان کنش موثر در زمینه جامعه مدنی

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰.۳۳.۰	۹۵۳.۲	۷۵.۳۰۱	۳	۲۶.۹۰۵	بین گروهی
		۱۸.۱۰۲	۳۸۰	۷.۳۸۸۲۹	درون گروهی
			۳۸۳	۹.۳۹۷۳۴	جمع

باتوجه به نتایج جدول فوق، مقدار آماره F (۲/۹۵۳) و سطح معناداری آزمون (۰/۰۳۳) نشان دهنده آن

هستند که از نظرمیزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی در بین افرادی که با انگیزه‌های مختلف از شبکه

اجتماعی و تیوب استفاده می‌کنند تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲۴. میزان کنش اجتماعی موثر بر بالندگی جامعه مدنی در افرادی که با انگیزه‌های گوناگون از تویبتر استفاده میکنند بایکدیگرمتفاوت است

جدول (۴-۴۳) نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از تویبتر ومیزان کنش موثر درزمینه جامعه مدنی

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰۰۷.۰	۹۷۴.۴	۵۴.۵۰۵	۲	۰۸.۱۰۱۱	بین گروهی
		۶۳.۱۰۱	۳۸۱	۹.۳۸۷۲۳	درون گروهی
			۳۸۳	۹.۳۹۷۴۳	جمع

باتوجه به نتایج بدست آمده درجدول، مقدار آماره F (۴/۹۷۴) و سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۷) نشان دهنده آن هستند که از نظرمیزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی در بین افرادی که با انگیزه‌های مختلف از شبکه اجتماعی تویبتر استفاده می‌کنند تفاوت معناداری وجود دارد. براساس آزمون تعقیبی LSD معلوم شد کسانی که برای کسب اطلاع واگاهی از تویبتر استفاده می‌کنند میزان کنش اجتماعی بیشتری درجهت بالندگی ورشد جامعه مدنی داشته‌اند.

فصل پنجم

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

امروزه استفاده از تکنولوژی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره شده است. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به عنوان رسانه ارتباطی و اطلاعاتی نقش مهمی در آگاه نمودن جامعه بشری ایفا نموده و ارتباطات را در سطح بین‌المللی و داخلی گسترش داده است. اینترنت به مثابه یک رسانه اجتماعی می‌تواند در جهت دهی به نگرشها و کنش‌های اجتماعی افراد نقش داشته باشد بدین معنا که افراد در تعامل با این رسانه منفعلانه عمل نمی‌کنند و به بازنمایشی و تفسیر پیام‌ها می‌پردازند و سپس اقدام به کنش می‌نمایند و این کنش می‌تواند منجر به ایجاد ساختارهای اجتماعی تازه از جمله جامعه مدنی گردد. نظریات استوارت هال که در این تحقیق نیز از آن استفاده گردیده است نیز مصداق نتایج پژوهش می‌باشد. تبعاً، وضعیت فوق‌میتواند زمزمه‌های شکل‌گیری انواع واشکال "جامعه مدنی" را در داخل جوامع موجود برانگیزد چراکه در نگاه کارشناسان جامعه مدنی همانا به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، موسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد و خصوصی را در بر می‌گیرد. (بشیریه، ۳۲۹: ۱۳۸۳). والیته جامعه مدنی، بلافاصله پس از تشکیل، پیوندها و اثرگذاریهای خود را در ارتباط با عرصه‌های عمومی و دولتی آغاز می‌کند. در واقع جامعه مدنی لایه‌میان‌ی و واسطی است که بین آحاد ملت و نیز حیطة خصوصی (فرد و خانواده) با حیطة عمومی (حکومت و نهادهای دولتی) رابطه ایجاد می‌کند و خواسته‌های مردم را به حکومت و محدودیت‌ها یا اولویت‌بندیهای حکومت را به مردم منتقل می‌کند. در جامعه مدنی نقد گفت و گو و بحث و تبادل‌اندیشه‌ها به جای برخوردهای زورمندانه خشونت‌تحمیل‌عقیده و نقد‌ناپذیری افکار و مفاهیم می‌نشیند. ارتباطات در صور گوناگون خود از ارتباطات میان‌فردی و گروهی تا ارتباطات جمعی در جامعه مدنی مجرای داد و ستدهای فکری و انتقال اطلاعات قرار می‌گیرد و بسط حقوق و آزادی‌های فردی و نظارت بر جریان قدرت و سرمایه‌نقطه اتکای آن است زیرا جامعه مدنی جامعه‌ای است که در آن حقوق و آزادی‌های فردی به رسمیت شناخته شده و از آن حراست و پاسداری می‌شود.

پژوهش حاضر در زمینه نگرش‌ها و کنش‌های مساعد برای جامعه مدنی در یکی از مناطق مهاجرنشینین، کارگری و صنعتی اصفهان بنام کوی خانه اصفهان که این منطقه دارای ساختاری جوان است و اقوام و

افشار مختلف در آن ساکن می باشند در این منطقه علاوه بر جمعیت مهاجرنشین ، جمعیت بومی نیز ساکن هستند و دارای بافت کارمندی و کارگری و دانشجویی و سایر مشاغل می باشند که در بهار سال ۱۳۹۷ صورت گرفته است. یافته های اولیه تحقیق حکایت از آن دارد که جامعه مورد بررسی در این پژوهش چندان نگرش مساعدی به جامعه مدنی ندارد و کنش مساعدی از آن هم ضعیفتر نسبت به جامعه مدنی داشته است که علت این امر نیازمند تحقیق جداگانه و مستقلی است، اما شاید برخی مختصات جمعیت شناختی از جمله میانگین تحصیلات نه چندان بالا، کارگری بودن منطقه و جامعه مورد بررسی، و نیز تعلق اکثریت این افراد به گروه های کم درآمد و پایگاه اجتماعی پایین، بتواند تا اندازه ای مساله دور ماندن جامعه مورد مطالعه را از دغدغه های مربوط به جامعه مدنی توضیح دهد.

اولین گروه از فرضیات تحقیق مربوط به رابطه میان ویژگیهای جامعه مورد بررسی (متغیرهای زمینه ای) با میزان نگرش و کنش مساعد نسبت به جامعه مدنی بوده است. هنگامی که در نتایج حاصله تامل می کنیم، درمی یابیم که میزان نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی در افراد مورد مطالعه اعم از زنان و مردان، افراد مجرد و متأهل، گروههای تحصیلی مختلف، گروههای شغلی و درآمدی گوناگون، افراد دارای پایگاه اجتماعی مختلف، و نیز در بین گروههای سنی گوناگون تفاوت جدی و معنا داری با یکدیگر نشان نمی دهد. میانگین نمرات نگرش در گروههای فوق که بین ۴۱ تا ۴۷ (از ۸۰) در نوسان بوده است پرده از واقعیتی مهم برمی دارد و آن اینکه، نگرش گروههای جنسی و سنی و... در این پژوهش تقریباً نزدیک به یکدیگر و همگی کمتر از حد متوسط است. از سوی دیگر، میزان کنش و فعالیت مساعد در جهت رشد و بالندگی جامعه مدنی نیز در گروه های مورد بررسی وضعیت مشابهی با وضعیت نگرش را نشان می دهد، بدین معنا که میزان این کنش ها و فعالیت ها در بین زنان و مردان، افراد مجرد و متأهل، گروههای سنی، شغلی، پایگاهی، تحصیلی و درآمدی نیز تفاوت معناداری با یکدیگر نشان نداده و تقریباً مشابه است. میانگین نمرات کنش و فعالیت مساعد در گروههای ذکر شده که بین ۲۸ تا ۳۱ (از ۶۴) در نوسان هستند بیانگر این حقیقت است که فعالیت گروههای جنسی و سنی و تحصیلی و... در زمینه رشد جامعه مدنی تقریباً به یکدیگر نزدیک بوده و همگی در یک سطح ضعیف و کمتر از حد متوسط می باشد. بر این اساس، فرضیاتی که در این پژوهش ناظر بر رابطه میان متغیرهای زمینه ای (جنس، سن، تحصیلات و...) با نگرش و کنش مساعد برای جامعه مدنی بوده اند همگی - به استثنای رابطه درآمد و پایگاه اجتماعی با کنش های مساعد- ابطال گردیدند. بعلاوه، در جامعه مورد مطالعه

نگرش مساعد به جامعه مدنی ضعیف، وکنش وفعالیت دراین زمینه ازآن هم ضعیفتر است. از اینروست که نتایج نشان داده است بین نگرش وکنش مساعد برای جامعه مدنی رابطه همبستگی مستقیم ودرحد متوسط ($r = 0,317$) وجود دارد. یعنی نگرش ضعیف، کنش وفعالیت ضعیفی را بدنبال داشته است.

در زمینه رابطه همبستگی بین میزان استفاده از سایتهای اینترنتی با نگرش مساعد به جامعه مدنی، نتایج بدست آمده نشان از وجود رابطه منفی ودر سطح ضعیف میدهد. دراین راستا مشاهده شد که بین میزان استفاده از سایتهای سرگرمی، و سایتهای خبری با نگرش مساعد به جامعه مدنی یک نوع رابطه معنا دار، منفی وضعیف وجود دارد. بدین معنا که در جامعه مورد بررسی، استفاده از این سایتهای موجب تضعیف نگرش مثبت به جامعه مدنی شده است. درمورد رابطه همبستگی بین استفاده از شبکه های اجتماعی با نگرش مساعد به جامعه مدنی نیز نتایج مشابهی که حاکی از رابطه منفی وضعیف است بدست آمد. بدین صورت که استفاده از شبکه های اجتماعی تویتر، یوتیوب و فیس بوک با نگرش مساعد به جامعه مدنی یکنوع رابطه معنادار، ولی منفی وضعیف نشان داده اند. به عبارتی، استفاده از شبکه های اجتماعی ذکر شده تا اندازه ای نگرش مساعد به جامعه مدنی را دراین جامعه مورد مطالعه کاهش داده است. بدین ترتیب فرضیات مربوط به رابطه استفاده از سایتهای و شبکه های اجتماعی با نگرش به جامعه مدنی تایید شده است، اما آنچه سوال برانگیز است وجود رابطه منفی میان استفاده از سایتهای و شبکه های اینترنتی با نگرش به جامعه مدنی است. معمولا تصور بر این است که استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی نگرش به جامعه مدنی را افزایش می دهد، اما نتایج این تحقیق نشان داد استفاده از سایتهای و شبکه های اجتماعی همیشه ودر تمامی گروههای اجتماعی یکسان نبوده و تا حدودی بستگی به شرایط محیطی، و خصوصیات اجتماعی کاربران دارد. به گفته تیکنور و دونوهو، نظریه پردازان تئوری شکاف آگاهی، اگرچه اینترنت امروزه تقریبا در دسترس همگان قرار گرفته است اما با این وجود تنها برخی اقشار بویژه افراد تحصیلکرده و متخصص بیشتر و سریعتر از دیگر اقشار جامعه می توانند به دستاوردهای مثبت و مزایای اینترنت دست پیدا کنند.

۲.۵. پیشنهادات پژوهش

با توجه به مباحث و نتایج به دست آمده، مجموعه پیشنهادات و راهکارهای پژوهش به شرح ذیل ارائه می-

گردد:

- توجه به آثار مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی مجاز

شبکه‌های اجتماعی مجاز با فراهم نمودن برقراری ارتباط در دنیای مجاز و نقش فزاینده آن در شخصیت‌های انسانی، انسجام و فرهنگ جوامع، نقش دوگانه‌ای را به همراه دارد. از کسو برخورد انفعالی افراد و گروه‌ها موجب بروز آثار مخرب بسیاری چون بیگانگی اجتماعی، بحران هویت، مدگرایی و تقلید از فرهنگ بیگانه و مانند آن می‌گردد. از سوی دیگر، استفاده مناسب و بهینه از ارتباطات در دنیای مجاز می‌تواند آثار و پیامدهای مثبت بسیاری چون ارتقاء آگاهی‌های اجتماعی، ارتقاء هویت فردی و مانند آن را در پی داشته باشد. این مهم مستلزم به به‌کارگیری کارشناسان و افراد آگاه بر مسائل اجتماعی، فرهنگی و ارتباطات که با مهندسی فرهنگی، آثار منفی و مثبت اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی را مورد شناسایی قرار داده و در زمینه آگاهی‌بخشی به افراد، خانواده‌ها و سازمان‌ها و نهادهای جامعه اقدام نمایند. در این صورت چنانچه درواقعی و مناسبی از پیامدهای شبکه‌های مجاز به دست آید بسیاری از افراد نسبت به پیامدهای منفی آن‌ها آگاهی‌افته و با حساسیت بیش‌تری با آن مواجه خواهند گردید. متقابلاً برخوردهای سلیقه‌ای و بدون آگاهی، مخاطبان را به افراط و تفریط کشانیده و نقشی در استفاده مناسب و مطلوب از فناوری‌های نوین ارتباطی نخواهند داشت.

- افزایش سواد رسانه‌ای:

افزایش سواد رسانه‌ای در زمانی که شاهد شتاب تحولات فناوری‌های اطلاعاتی و تحقق جامعه شبکه‌ای هستیم کی از نیازهای اساسی جامعه ماست. زیرا به هر حال تکنولوژی‌های ارتباطی خودشان را به جوامع تحمیل می‌کنند و فقط ارتقاء سواد رسانه‌ای و تقویت احساس مسئولیت اجتماعی مخاطبان می‌تواند در فراگرد گزینش و استفاده مطلوب از رسانه‌ها در این شرایط مؤثر باشند. همچنین ارتقای سطح دانایی و سواد رسانه‌ای در ارتباط با تکنولوژی و همگامی فرهنگ و قوانین با آن‌ها و نیز تلاش برای استفاده مناسب از ابزارهای نوین ارتباطی، پای‌بندی بر ارزش‌های سنتی و حفظ فرهنگ، توجه به نخبگان و روشن‌فکران، بررسی نظرات آن‌ها، بهره‌گیری بیشتر از آن‌ها در حوزه‌های مختلف در این ارتباط، ضروری به نظر می‌رسد.

- سیاست‌گذاری‌های مناسب:

از آنجا که اقبال جوانان به استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجاز مسئله‌ای صرفاً فناورانه نیست و عوامل و دلالت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد لازم است در راستای تصویب قانون جامع رسانه‌ها در مجلس شورای اسلامی کارگروهی متشکل از کارشناسان، متخصصان و پژوهشگران علوم اجتماعی، بررسی جوانب مختلف فضای مجاز را برعهده گیرد و در این میان‌افته‌های پژوهشی صاحب‌نظران در حوزه‌ی سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازها و جهت‌گیری‌ها آتی می‌تواند، به‌ویژه سیاست اعمال محدودیت دسترسی کاربران به برخی سایت‌ها و شبکه‌ها راه‌گشا باشد.

- آموزش:

به منظور حضور هدفمند، فعالانه و هوشمندانه کاربران اینترنتی در شبکه‌های اجتماعی مجاز و به حداقل- رساندن تبعات نامطلوب فعالیت در این فضا به‌ویژه از بعد بحران هویت اجتماعی شایسته است دوره‌های آموزشی در همه سطوح به‌ویژه برای والدین، مربیان، نوجوانان و جوانان در محیط‌های آموزشی، شغلی و فرهنگ‌سراها تعریف و ارائه شود تا از مصارف غیرعلمی و غیراخلاقی از فضاهای مجاز کاسته شود و از تکنولوژی‌های نوین به‌منظور استفاده بهینه بهره‌برداری گردد. با توجه به این‌که فیس‌بوک، کانال‌های تلگرام و اینستاگرام و در سطح کلان‌تر شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شوند کاربران برای باز ساز هویت محلی و ملی خود اقدام کنند. به‌عنوان نمونه، کردهای عضو در فیس‌بوک تلاش برای باز نمایی و باز ساز فرهنگ و هویت کردی هستند. فضای مجاز امروزه‌کی از کاربردی‌ترین فضا در جامعه می‌باشد و از آنجا که طبق نتایج این پژوهش متغیر تعامل با خانواده دارای بیشترین تأثیر بر میزان اعتیاد به اینترنت و فضای مجاز می‌باشد، توجه و آموزش به والدین و افراد خانواده در جهت استفاده به جا و مطلوب از این فضا بسیار ضروری می‌باشد، زیرا فضای مجاز در صورت استفاده نادرست و عدم آگاهی از کاربری‌های مفید آن در خانواده‌ها به فضای مخرب تبدیل شده و لذا ضرورت اقتضا می‌کند که آموزش و آگاهی به خانواده‌ها با استفاده از برنامه‌ها و همایش‌ها در هر شهر و روستایی در سطح منطقه‌ای و در سطح کشوری از طریق رسانه همگانی تلویزیون انجام گیرد.

- ضرورت مشارکت و بهره‌گیری از محققان فعال در زمینه استفاده از اینترنت و فضای مجاز

در جامعه‌ی امروز ایران و با توجه به امکانات و کاربری وسیع فضای مجاز توجه به مطالعات محققان در زمینه‌ی فضای مجاز بسیار ضروری است، زیرا امروزه استفاده از فضای مجاز به طور گسترده‌ای افزایش یافته و بسیاری از کارهای بانکی، کارهای بازاریابی و کسب و کار اینترنتی، گفت و گو و ارتباطات با مردم جهان از طریق همین فضای مجاز بسیار آسان‌تر شده است. چنین فضای جدیدی که هزارن امکانات به کاربران می‌دهد مسلماً نیازمند تحقیق و پژوهش در جهت کشف و پیدا کردن مشکلات و محدودیت‌های ایجاد شده برای مردم می‌باشد، مطالعه آسیب شناسی‌هایی که محققان در این زمینه انجام داده‌اند بسیار می‌تواند راهگشا باشد. اعتماد و به کارگیری محققان کار بسیار منطقی‌ایی در جامعه‌ی در حال توسعه همچون ایران می‌باشد.

منابع

منابع فارسی :

ابراهیمی، مهدی (۱۳۸۰)، اینترنت، تهران: نشر کتابدار .

ابو، بوسا لوئیس (۱۳۸۵)، *امپریالیسم سایبر: روابط جهانی در عصر جدید الکترونیک*، ترجمه‌ی پرویز علوی، تهران، انتشارات ثابیه.

احمدی، عقوب. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۲۵ و ۲۲۶.

اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۷۶)، توسعه سیاسی و جامعه مدنی، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی. صص ۱۳۰-۱۲۹ از کمپ، استوارت. (۱۳۷۶)، روانشناسی اجتماعی کاربردی. ترجمه‌ی فرهاد ماهر. مؤسسه انتشارات به نشر اشرف، احمد (۱۳۷۷) نظام صنفی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران، فصلنامه گفتگو، شماره ۲۴، زمستان. صص ۱۰۸-۱۰۹

اطاعت، جواد (۱۳۷۸)، «مشارکت سیاسی در نظامهای کثرت‌گرا»، تهران: نشر فرهنگ

افروغ، عماد (۱۳۸۷)، چالش‌های کنونی ایران معاصر. تهران: نشر کتابدار

افضلی، رسول (۱۳۸۰)، تبارشناسی مفهوم تفکیک قوا در اندیشه‌های سیاسی غرب و جهان سوم، راه سوم.

اکبرزاده، فریدون؛ شرفی، هادی. (۱۳۹۶). مقایسه تطبیقی جامعه مدنی در نظام لیبرال دموکراسی و نظام سیاسی اقتدارگرا، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره سوم، شماره ۲/۲.

آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۰)، اینترنت و ثبات سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات همایش

رسانه‌ها و ثبات سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. صص ۱۱۳-۱۱۲

بشیریه (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نشر نی.

بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، درس‌هایی دموکراسی برای همه، تهران: مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.

بورديو، پیر (۱۳۸۱)، نظریه‌ی کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه‌ی مرتضی مردیها، تهران، چاپ دوم، انتشارات نقش و نگار.

پناهی، محمد حسین (۱۳۷۶)، دگرگونی فرهنگی و زمینه‌های نفوذ عناصر فرهنگی بیگانه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

چاندوک، نیرا (۱۳۷۷) جامعه مدنی و دولت؛ کاوش‌هایی در نظریه سیاسی، ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی، تهران، نشر مرکز.

حسین بشیریه (۱۳۸۳)، قدرت: ایدئولوژی و جامعه مدنی، موانع تحقق جامعه مدنی در ایران. تهران: نشر قومس

دشتگلی هاشمی، مانا؛ خانیک، هادی؛ شاوردی، تهمینه. (۱۳۹۵). تحولات کنش ارتباطی، حوزه عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران (مطالعه موردی: فاصله جنبش مشروطه تا انتخابات ریاست جمهوری دهم)، علوم سیاسی: پژوهش سیاست نظری، شماره ۲۰. صص ۱۱۲-۱۱۱

ذوالفقاری، ابوالفضل؛ صابر دمیرچی، حسین؛ باقری بنجار، عبدالرضا. (۱۳۹۶). باز نمایی جامعه مدنی در مطبوعات (تحلیل گفتمان جامعه مدنی در مطبوعات ایران در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۸)، جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۹. صص ۱۲۸-۱۲۷

راولز، جان (۱۳۸۳): «عدالت به مثابه انصاف»، ترجمه عرفان ثابتی، تهران، ققنوس، زمستان، صص ۱۵ و ۱۶.
رهنمایی، محمدتقی، اشرفی، وسف. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه ریزی شهری، جغرافیا (نشریه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، سال پنجم، شماره ۱۴ و ۱۵. صص ۱۱۰-۱۰۹

ریتزر، جورج (۱۳۷۷)، نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
زارع کهن، نفیسه. (۱۳۹۳). ارتقای سواد رسانه‌ای لازمه تحقق جامعه مدنی»، رسانه، سال ۲۵، شماره ۴. صص ۱۶۸-۱۶۷

زرنشاس، شهریار (۱۳۷۷)، نگاهی کوتاه به تاریخ اپیستمولوژی، انتشارات سوره مهر، تهران
سبزه‌ای، محمد تقی (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل جامعه شناسی تطبیقی رویکردهای ایرانی و غربی به جامعه مدنی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۶۵. صص ۲۲۱-۲۲۰
سردارنیا، خلیل اله (۱۳۸۹)، «چرا جنبش مشروطه خواهی به جامعه مدنی پایدار و قانونمند نینجامید؟»، ماهانه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، مهر و آبان ۸۹، شماره ۲۷۸ - ۲۷۷. صص ۲۷۸-۲۷۷
عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۰)، (دموکراسی، جامعه مدنی و تمدن مدرن)، جامعه مدنی و ایران امروز ((مجموعه مقالات))، صص ۵۹ - ۶۰.

غنی نژاد، موسی (۱۳۸۴)، جامعه مدنی، آزادی اقتصاد و سیاست، صص ۳۷ - ۳۸.
فرقانی، علی (۱۳۹۶)، رسانه‌ها و جامعه مدنی: نقش‌ها و کارکردهای متقابل، تهران: نشر قومس
فیدر، جان (۱۳۸۰)، جامعه اطلاعاتی، ترجمه علی رادباوه و علی گیلوردی، چاپ اول، نشر کتابدار.
قاسمی، ارمحمد. (۱۳۹۰). رابطه دولت و جامعه مدنی در ایران از منظر جامعه شناسی تاریخی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هفتم، شماره دوم. صص ۱۱۵-۱۱۴
قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۴)، چالش‌های توسعه سیاسی، چاپ سوم، تهران، نشر قومس.
کازنو، ژان (۱۳۶۴)، قدرت تلویزیون، ترجمه‌ی علی اسدی، تهران: امیرکبیر.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *جامعه شبکه‌ای و عصر اطلاعات*، جلد دوم: قدرت هویت، ترجمه حسن. چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
- کتی، مکلو این؛ مترجم: بدیعی از ندامی، مرجان. (۱۳۷۷). *جامعه مدنی و جغرافیای توسعه: پیشرفت در جغرافیای انسانی*، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۸. صص ۱۵-۱۴
- کوهن، برنارد (۱۳۷۸)، *تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی*، ترجمه علیرضا کلدی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- گرامشی، آنتونیو (۱۳۷۷)، *دولت و جامعه مدنی*، ترجمه عباس میلانی، چاپ اول، انتشارات جاجرم
- مایکل ایچ لسناف (۱۳۸۵). *فلسوفان سیاسی قرن بیستم*. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: نشر ماهی.
- محمدحسین پناهی (۱۳۷۶)، *زمینه‌های جامعه‌شناختی شکل‌گیری جامعه مدنی*. تهران: نشر قومس
- محمدی، جمال (۱۳۸۶)، *تلویزیون و هژمونی فرهنگی: قرائت‌های زنان از سریال‌های تلویزیونی*، پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه شناسی نظری فرهنگی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران. صص ۳۶ - ۳۵
- محمدی، مجید (۱۳۷۶)، *جامعه مدنی (به منزله یک روش*، چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- مسعودنیا، حسین، (۱۳۸۴)، «جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی در ایران، چالشها و راهکارها»، *موج عصر*، سال دوم، شماره نهم، دهم.
- مصلح‌زاده، مصطفی (۱۳۷۶)، *مشروعیت مدنی و مشروعیت غیرمدنی تعارض‌های همگرایی*. تهران: نشر پژوهش
- مصلی، احمد. (۱۳۹۱). *گفتمان‌های بنیادگرایی جدید در باب جامعه مدنی، کثرت گرایی و مردم سالاری*، ترجمه محمدتقی دل افروز. راهبرد، ۱۳، صص ۱۷۴-۱۵۵.
- معتمدی، بشیر. (۱۳۸۶). *نقش اینترنت در توسعه جوامع*، مجله پژوهشنامه، شماره ۱۴. صص ۱۳۳ - ۱۳۲
- معماریان، امید (۱۳۸۲)، *جامعه مدنی ایران و نگاهی به آینده*، تهران، نشریه سیاسی نو.
- مکوئیل، دنیس (۱۳۸۰)، *مخاطب شناسی*، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۸)، *نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت در علوم اجتماعی و انسانی*، تهران: نشر آگه.
- و. ت. جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، ج ۲، (قسمت اول)، ص ۲۳.
- واعظی، احمد؛ (۱۳۷۸)، *جامعه دینی*، جامعه مدنی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ص ۳۷.
- هابرماس، یورگن، (۱۳۸۸)، *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی* (ترجمه جمال محمدی)، تهران، افکار.

Guobin Yang. (۲۰۰۳). The Co-evolution of the Internet and Civil Society in China. Asian Survey. Vol. ۴۳ No. ۳.

Hegel. G. W. F. (۱۹۸۶) Grundlinien der Philosophie des Rechts. Frankfurt/Main: Shurkamp.

Hoffmann. B. (۲۰۱۱). Civil society ۲. ۰?: How the Internet changes state-society relations in authoritarian regimes ; the case of Cuba. Hamburg: GIGA.

Jean L. Cohen & Andrew Arato (۱۹۹۲). Civil Society and political theory. (Cambridge. MA and London: MIT press).

Jensen. M. J. , Danziger, J. N. , & Venkatesh. A. (۲۰۰۷). Civil society and cyber society: The role of the Internet in community associations and democratic politics. The Information Society. ۲۳ (۱). ۳۹-۵۰.

Nugroho. Y. (۲۰۰۸). Adopting Technology, Transforming Society: The Internet and the Reshaping of Civil Society Activism in Indonesia. International Journal of Emerging Technologies & Society. ۶ (۲).

Peter Laslett. "Two Treatises of Government and the Revolution of ۱۶۸۸." section III of Laslett's editorial "Introduction" to John Locke. Two Treatises of Government. Cambridge: Cambridge University Press. ۱۹۸۸.

Rao. A. (۲۰۱۳). Re-examining the relationship between civil society and the internet: Pessimistic visions in India's 'IT City'. Journal of Creative Communications. ۸ (۲-۳). ۱۵۷-۱۷۵.

Seungahn Nah. (۲۰۰۹). Media publicity and civil society: Nonprofit organizations, local newspapers and the internet in a Midwestern community. Mass Communication and Society. ۱۳. ۱. ۳-۲۹.

پاسخگوی گرامی:

باسلام، پرسشنامه حاضر جهت انجام پایان نامه فوق لیسانس پیرامون " نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در رشد وب‌اندگی جامعه مدنی " است. خواهشمنداست بدون ذکر نام، با پاسخ‌های دقیق و هوشمندانه خود ما را در این پژوهش‌اری فرمایید.

مشخصات فردی:

۱. جنسیت: - زن ... - مرد ...

۲. سن: ... سال

۳. وضعیت تاهل: مجرد ... متاهل ... سایر ...

۴. سطح تحصیلات: دیپلم ... دانشجو ... لیسانس ... فوق لیسانس و بالاتر ...

۵. نوع شغل: مدیران دولتی ... مشاغل تخصصی و کارشناسی ... کارفرمایان بخش خصوصی ...

مشاغل کارمندی ... خرید و فروش ... کارکنان ماهر فنی و صنعتی و ... رانندگان وسایل نقلیه ... کارگرساده ...

۶. سطح درآمد ماهیانه: کمتر از میلیون تومان ... ۲ تا ۳ میلیون تومان ... ۳ تا ۴ میلیون تومان ...

۳ تا ۴ میلیون تومان ... ۴ تا ۵ میلیون تومان ... بالاتر از ۵ میلیون تومان ...

۷. معمولاً از هریاز سایت‌های اینترنتی زیر بطور روزانه چقدر استفاده می‌کنید؟

کمتر از یک ساعت	یک تا دو ساعت	دو تا سه ساعت	سه تا چهار ساعت	بیش از چهار ساعت

۸- لطفاً انگیزه خودتان را در استفاده از هریاز سایت‌های اینترنتی زیر مشخص نمایید.

ارتباط و تبادل نظر	سرگرمی و گذران فراغت	کسب اطلاع و آگاهی

۹- معمولاً میزان استفاده روزانه شما از شبکه‌های اجتماعی زیر چقدر است؟

کمتر از یک ساعت	بین دو تا سه ساعت	سه تا چهار ساعت	بیش از چهار ساعت	
				تلگرام
				اینستاگرام
				فیس بوک
				توییتر
				یوتیوب

۱۰- لطفاً انگیزه خودتان را در استفاده از هر یک از شبکه‌های اجتماعی زیر مشخص نمایید.

ارتباط و تبادل نظر	سرگرمی و گذران فراغت	کسب اطلاع و آگاهی	
			تلگرام
			اینستاگرام
			فیس بوک
			توییتر
			یوتیوب

۱۱- لطفا نظر خود را درباره هر یک از عبارات زیر مشخص نمایید.

کاملا مخالف	مخالف	تاحدودی	موافق	کاملا موافق	
					همه افراد در تعیین سرنوشت خود باید سهیم باشند
					شهروندان باید حق داشته باشند رهبران سیاسی شان را آزادانه برگزینند
					رسانه‌ها و روزنامه‌ها میباید از سانسور و کنترل‌های دولتی آزاد باشند
					شرایط برای فعالیت آزاد نهادهای مدنی در کشور فراهم است
					نهادهای و انجمنهای غیردولتی بر سیاست گذاری در کشور موثرند
					نهادهای مدنی در دفاع از دموکراسی و حقوق شهروندان، ضمن مطالبه گری از حکومت به آن فشار نیز می‌آورند.
					اطاعت از قانون را بر خود لازم میدانم
					افراد قانون شکن، هر که باشند، باید به شدت مجازات شوند
					نهادهای مدنی را باید نمایندگان واقعی شهروندان تلقی کرد
					مردم حق اعتراض صلح جویانه بر علیه قوانینی که آنها را ناعادلانه میدانند دارند
					نهادهای مدنی و انجمنهای غیردولتی، مانع انحصار قدرت توسط حکومت و یا گروه‌های خاص در جامعه شده و از خود کامگی‌ها و خودمحوری‌ها جلوگیری میکنند
					همکاری افراد در انجام امور، برای پیشرفت جامعه ضروریست
					داشتن روحیه انتقادپذیر، لازمه همکاری مشترک جهت پیشبردهای اصلی جامعه است.
					انجمنهای صنفی به عنوان واسطه می‌توانند خواسته‌های مردم را به حکومت منتقل کرده و آنرا محقق نمایند
					دخالت دادن اکثریت افراد در اداره امور جامعه، موجب تسریع در رفع مشکلات می‌شود.
					بحث و مناظره و رقابت میان احزاب و انجمنها و نهادهای مدنی پیرامون موضوعات گوناگون، موجب اصلاح امور و استحکام و تقویت نظام سیاسی می‌گردد.
					مرز بین زندگی خصوصی فرد و دولت باید از هم تفکیک شود و دولت حق دخالت در حریم خصوصی افراد نداشته باشد

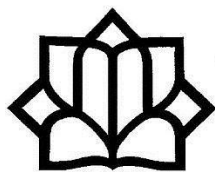
هیچ وقت	بندرت	گاهی	غالباً	همیشه	
					از گروهها واحزاب همفکر با خودم حمایت می کنم
					به منظور حل مشکلات اجتماعی در تجمعات شرکت میکنم.
					در کمپین های آنلاین در مورد مسایل مدنی واجتماعی شرکت می کنم، عکس می گذارم ویا مطلبی می نویسم.
					در مورد مسایل زیست محیطی بصورت آنلاین فعالیت دارم
					در امور خیریه وبشردوستانه مشارکت آنلاین دارم
					در دفاع از حقوق زنان بصورت آنلاین فعالیت می کنم
					با ایجاد صفحه شخصی در فیس بوک، وتیوب و شبکه های درزمینه های مدنی واجتماعی فعالیت می کنم
					در دفاع از حقوق کارگران بصورت آنلاین فعالیت می کنم در دفاع از حقوق کودکان به صورت آنلاین فعالیت می کنم
					در انجمن های دفاع از حقوق حیوانات، حقوق زنان، حقوق کارگران، حقوق بشر حضور دارم.
					در گفتمان های مربوط به مسایل اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی شرکت دارم

از لطف شما سپاسگزارم

Abstract

The new technologies of information and communication are tools having great potential in shaping and directing the thoughts and attitudes of humans. This tool can trigger creation of various forms of "civil society" within existing societies, because civil society experts believe that it is free from political power interferences and includes a set of institutions, associations and public and private institutions. In this regard, the present study seeks to examine the relationship between the use of Internet and the issue of strength and enhancement of civil society. This study uses the survey method. Using Cochran's sampling formula, ۳۸۴ young people aged ۱۵-۲۹ years old living in Isfahan constitute the statistical population. The results of this research indicate that there is a significant relationship between the use of social media and social networks with the favorable attitude towards civil society, as well as the amount of income and the economic base with the effective social action on civil society. The results of this study can be used, in addition to researchers and students, by planners in institutions, departments and social, administrative, and cultural organizations in addition.

Key words: Civil society, Cyberspace, Internet, Social networks, Attitude



**University Of Kashan
Faculty of Human Sciences
Department Of Social Sciences**

**Thesis
For Degree of Master of Science (MSC)
In Cultural Studies**

**Title:
Study Of The Use Pattern Of Internet & Social Network Usage In The
Improvement Of Civil Society(The Csse Study: Isfahan City- Age Group ۲۹-۱۵)**

**Supervisors:
Dr.Seyed Kamal Al-Din Mousavi**

**By:
Mehdi Karsanji**

December ۲۰۱۸